



۱۲ آبان سالروز تأسیس سازمان جوانان هلال احمر گرامی باد

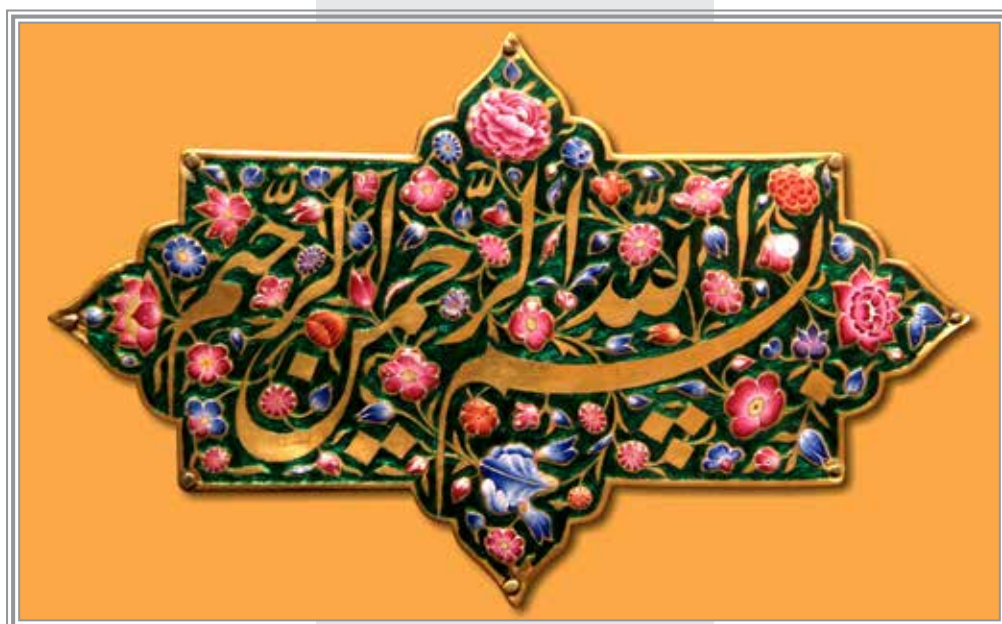
لبیک یا خامنه‌ای

رهبر انقلاب اسلامی از
نیروهای داوطلب مخلص و جوانان مؤمن
و صالح خواستند بار دیگر وارد میدان شوند.
۱۳۹۹/۸/۳ | دیدار یا اعضای ستاد ملی مقابله با کرونا

- ماز بالائیم و بالامی رویم ::
- یارگیری تنهاراه نجات انسان ها ::
- شانه‌های زخمی خاکریز ::
- به هیچ غریبی ستم نرسد ::
- کسی که کهنه ندارد نوندارد ::
- تسلیم حقیقت ::
- سخن از روزنه‌های نور ::



نقش نام مبارک حضرت محمد ﷺ (۸ بار) و نام حضرت علی ؑ (۶ بار)
معماری مسجد کبیر یزد، دوره ایلخانی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ:
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، کلید هر نوشته ای است.

مکتب الرسول ج ۱، ص ۵۶

راهبرد

۶ | سلامت جسمی و فکری داشته باشید

۸ | زمینی حاصل خیز

۱۰ | نوجوان ها را هوشیار تربیت کنیم

۱۲ | ماز بلائیم و بالا می‌رویم

۱۴ | نوجوان باید به فکر حال باشد

اندیشه

۱۸ | ملاک رضایت خدا است

۲۰ | اساس دعوت پیامبر رحمت است

۲۲ | تسلیم حقیقت

۲۶ | مردم را موعظه خواه تربیت کرد

۲۸ | برای سود خود کارکنیم نه دیگری

عترت

۳۰ | چراغ فروزان حکمت

۳۶ | با دوری از حسد کفر را بخشانید

۴۰ | کسی نبود عاشق امام صادق (ع) نشود

فرهنگ و ادب

۴۲ | سخن از روزنه های نور

۲۴ به هیچ غریبی ستم نرسد



به هیچ غریبی ستم نرسد
 ستم نرسد به هیچ غریبی ستم نرسد
 ستم نرسد به هیچ غریبی ستم نرسد
 ستم نرسد به هیچ غریبی ستم نرسد
 ستم نرسد به هیچ غریبی ستم نرسد
 ستم نرسد به هیچ غریبی ستم نرسد
 ستم نرسد به هیچ غریبی ستم نرسد
 ستم نرسد به هیچ غریبی ستم نرسد
 ستم نرسد به هیچ غریبی ستم نرسد
 ستم نرسد به هیچ غریبی ستم نرسد
 ستم نرسد به هیچ غریبی ستم نرسد

۳۲ آداب بندگی



آداب بندگی
 آداب بندگی
 آداب بندگی
 آداب بندگی
 آداب بندگی
 آداب بندگی
 آداب بندگی
 آداب بندگی
 آداب بندگی
 آداب بندگی
 آداب بندگی

۳۴ خیرخواهی | یاد خدا در همه حال



خیرخواهی
 خیرخواهی
 خیرخواهی
 خیرخواهی
 خیرخواهی
 خیرخواهی
 خیرخواهی
 خیرخواهی
 خیرخواهی
 خیرخواهی
 خیرخواهی

- **همکاران:**
 مجید صالحی، محمد جواد کسمایی، شایان ضیایی
 محمد رضا بختیاری، فرناز رخشنده، حمید پورصمیمی
 محمد جهان شاهی، نازنین رشیدبیگی، محمود اورعی
 مهتاب هاشم زاده، فریده خان محمدی، علی پورمحسنی
 جواد اسماعیلی، حسن الماسی

- **مدیرمسئول:**
 عبدالحسین معزی
 - **سردبیر:**
 یاسر احمدوند
 - **معاون سردبیر:**
 محمد مهدی بیگلری
- جمعیت هلال احمر
 جمهوری اسلامی ایران
- **صاحب امتیاز:**
 حوزه نمایندگی ولی فقیه

مروارید هلال
 ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، ادبی
 دوره جدید، شماره ۲۴، مهر ۱۳۹۹، سال ششم
 شماره پیاپی ۶
 صفر - ربیع الاول ۱۴۴۲، سپتامبر - اکتبر ۲۰۲۰

نقد فیلم «رضا» | ۴۴

شانه‌های زخمی خاکریز | ۴۸

اخلاق و پندهایی برای سیر و سلوک | ۵۰

هلال

بایرگری تنها راه نجات انسان‌ها است | ۵۲

فعالیت‌های هلال احمر قانونمند دنبال شود | ۵۵

مهربانی مرهم زخم‌های جامعه است | ۵۶

بازتاب خدمت به دیگران در متون دینی | ۵۷

انفاق نکنید آسیب به خودتان می‌رسد | ۵۸

کمک‌های خیرین رو به افزایش است | ۶۰

تدوین برنامه‌های فرهنگی هلال احمر بوشهر | ۶۱

یادواره هفته دفاع مقدس در ساختمان صلح | ۶۵

تاب‌آوری اجتماعی از منظر قرآن کریم | ۶۶

درس‌گفتارهای انسان و زندگی | ۶۸

تعامل قابل تقدیر آئمه جماعت با هلال احمر | ۶۹

سفر دبیرکل جمعیت هلال احمر به اردبیل | ۷۰

اخبار استان‌ها | ۷۲ تا ۷۶

خدمت، هدف اصلی هلال احمر | ۷۷

معارفه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در

هلال احمر آذربایجان غربی | ۷۸

۳۸ کسی که کهنه ندارد نوندار



کسی که کهنه ندارد نوندار

در این روزها که سرمای زمستان در سراسر کشور حکمفرما شده و مردم برای مقابله با سرما، کهنه‌های خود را به کار می‌آورند، یادآور می‌شویم که کهنه‌ها نمایی از فقر و نیاز است. در حالی که کهنه‌ها در سراسر کشور پخش شده و مردم برای مقابله با سرما، کهنه‌های خود را به کار می‌آورند، یادآور می‌شویم که کهنه‌ها نمایی از فقر و نیاز است.

کسی که کهنه ندارد نوندار

در این روزها که سرمای زمستان در سراسر کشور حکمفرما شده و مردم برای مقابله با سرما، کهنه‌های خود را به کار می‌آورند، یادآور می‌شویم که کهنه‌ها نمایی از فقر و نیاز است.

۴۶ بادهارا کیماگر می‌کند فصل خزان



بادهارا کیماگر می‌کند فصل خزان

در این روزها که فصل خزان در سراسر کشور حکمفرما شده و مردم برای مقابله با سرما، کهنه‌های خود را به کار می‌آورند، یادآور می‌شویم که کهنه‌ها نمایی از فقر و نیاز است.

بادهارا کیماگر می‌کند فصل خزان

در این روزها که فصل خزان در سراسر کشور حکمفرما شده و مردم برای مقابله با سرما، کهنه‌های خود را به کار می‌آورند، یادآور می‌شویم که کهنه‌ها نمایی از فقر و نیاز است.

۶۲ گزارشی از موسسه علمی کاربردی هلال



محل علم و بشردوستی

گزارش از فعالیت دانشجویان موسسه علمی کاربردی هلال در تبریز

موسسه علمی کاربردی هلال تبریز در راستای ارتقای مهارت‌های دانشجویان و پاسخگویی به نیازهای جامعه، اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی کرده است. در این راستا، موسسه موفق شده است تا با همکاری اساتید مجرب و استفاده از تجهیزات مدرن، محیطی مناسب برای یادگیری و کسب مهارت‌های کاربردی فراهم کند.

دانشجو مولد مشارکت در جامعه است

در این راستا، موسسه موفق شده است تا با همکاری اساتید مجرب و استفاده از تجهیزات مدرن، محیطی مناسب برای یادگیری و کسب مهارت‌های کاربردی فراهم کند.

مهرماه از نوشته‌ها، پیشنهادها و انتقادهای شما استقبال می‌کند.
 لطفاً مطالب خود را به نشانی mehromah.helal@gmail.com ارسال فرمائید.
 نشانی: خیابان ولیعصر^(ع)، بالاتر از میرداماد، نبش خیابان رشید یاسمی
 شماره ۱۳۶۲، ساختمان صلح | کد پستی: ۱۵۱۸۱۳۵۱۱
 سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۶۶۴۴ | تلفن: ۸۸۲۰۱۱۳۶

- مدیر هنری: روح اله یاقوتی
- صفحه‌آرایی: دفتر مشکا هنر
- چاپ: واژه پرداز اندیشه
- عکس جلد: رضا احمدوند
- مسئول پشتیبانی: فیروز شیخی
- باسپاس از همراهی: حامد جبلی، حسام خراسانی
- و مسئولان محترم دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان‌ها

فساد و فریاد

هلال در این قرن که سال آخرش را می‌گذرانیم (و چه سال دردناک و پرنجی است) به بخشی از خاطره تسلابخش جامعه ایرانی در روزهای آوار رنج و بلا تبدیل شده است. این نهاد که از مردم و برای مردم است بار بسیاری از رنج‌ها را به دوش کشیده، هرچند رنجور بوده و نحیف اما استوار و قابل اتکا بوده است. کارکنان، اعضا و داوطلبان این جمعیت انسان نمونه ایرانی بوده‌اند؛ آیین باوران مردم‌دوست.

این جمعیت روزبه‌روز و ذره‌ذره اعتبارش را از زیر آوارها و مسیر سیلاب‌ها و زبانه‌های آتش و پرتگاه‌های مهیب و قلّه‌های دست‌نیافتنی اندوخته و آبرومند و سربلند گردیده است. بزرگ باد این نام، سرفراز باد این جمعیت و در اهتزاز باد این پرچم.

نهادی که یک قرن سابقه در کشورمان دارد و همه تاریخش خدمت و تلاش برای کمک به مردم دردمند این سرزمین است دارایی عمده‌اش تعلق به مردم و سرمایه‌های اصلی‌اش کارنامه درخشان خدمتگزاری به آن‌هاست. این داشته ارزشمندتر از همه سرمایه‌های مادی این نهاد اعم از موقوفات و املاک و تجهیزات است. زمین و ساختمان را می‌توان خرید. بسیاری نهادهایی که سابقه‌ای کمتر از هلال‌احمر دارند ولی امکانات و سرمایه‌های مادی بسیاری دارند. اعتبار اما به ساختمان و تجهیزات نیست اگرچه این‌ها برای انجام وظیفه لازم‌اند اما تفاوت است بین خدمتگزاری عزتمندانه با عمل به تکلیف قانونی.

سرمایه و اعتبار اجتماعی جمعیت را میلیون‌ها کارمند و عضو و امدادگر هلال در طول یک قرن برای این نهاد به دست آورده‌اند. اکنون پراج‌ترین نهاد ساختارمند اجتماعی است. این سرمایه را مدیران این جمعیت بیش از هرکسی باید قدر بدانند و پاس بدارند. در پاسداشت اعتبار جمعیت علاوه بر پاکدستی و شفافیت، آبروداری و حفظ حرمت این اعتبار نیز ضروری است. مبارزه با فساد بیش از فریاد زدن به عمل شفاف و صادقانه و انضباط اداری و مالی احتیاج دارد. این در بوق کردن فسادها اعتبار صدساله جمعیت را خدشه‌دار می‌کند. مراقبت شود شایعات دامن اعتبار و ارزش جمعیت را لکه‌دار نکند. تخلفات یک یا چند نفر را به پای این نهاد باسابقه و معتبر نباید گذاشت. خودمان با دست و زبان خودمان این سرمایه را تخریب نکنیم که این سرمایه‌سوزی، فساد عمیق‌تر و زیان‌بارتر است.

یاسر احمدوند

سردبیر



در تقویم آبان ماه دو مناسبت روز نوجوان و روز دانش آموز به چشم می خورد، اما مهم تر از این ها برای ما روز چهارده آبان است که سالروز تاسیس سازمان جوانان است. به همین دلیل بخش راهبرد این شماره را به این دوران سرنوشت ساز زندگی اختصاص داده ایم. در اولین مطلب توصیه رهبر معظم انقلاب به نوجوانان در مراسم جشن تکلیف را می خوانیم و دومین مقاله به دوران نوجوانی از دیدگاه نهج البلاغه می پردازد. سپس گفتگویی با نویسنده رمان «تن تن و سندباد» را می خوانیم. خواندن روایتی جالب از دیدار یک نوجوان عاشورایی با رهبر معظم انقلاب و گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از نوجوانان مطالب دیگر این بخش هستند.

« راهبرد



نوجوان ها را هوشیار تربیت کنیم

نوجوان باید به فکر حال باشد

سلامت جسمی معنوی و فکری داشته باشید



پیام رهبر انقلاب در جواب نامه دختری که تازه به سن تکلیف رسیده است

اهمیت ورود به وادی تکلیف الهی

شما اکنون مخاطب خدای بزرگ و مهربان می‌باشید و این شرف عظیمی است.

وظایف دینی دوران تکلیف

دستورات خدا را یاد بگیرید و به آن عمل کنید.

پیغمبر و ائمه را بشناسید و از آنها پیروی کنید.

فایده

خوشبخت‌وارزشمند و مقید برای دیگران خواهید شد.

وظایف نسل نوجوان | تلاش‌های انقلابی | درس خواندن | تهذیب اخلاق | هوشیاری سیاسی

سلامت جسمی و معنوی و فکری داشته باشید

توصیه رهبر معظم انقلاب به نوجوانان در مراسم جشن تکلیف

«خیلی خوش آمدید نوجوانان عزیز؛ فرزندان سالم و باهوش امروز این ملت و ان شاء الله مردان و مدیران اداره‌کننده کشور فردا. تبریک عرض می‌کنم به شما فرزندان عزیز، نوجوانان عزیز به خاطر ورود در حیطه تکلیف الهی و جشن تکلیف.

اولین چیزی که باید توجه بکنیم، این است که جشن تکلیف یعنی چه؟ جشن تکلیف یعنی اینکه نوجوان به مرحله‌ای رسیده که این قابلیت را پیدا کرده که خدای متعال با او حرف بزند.

تکلیف یعنی مأموریتی که خدای متعال به شما می‌دهد که اگر این مأموریت را به بهترین وجهی انجام بدهید، زندگی شخصی خودتان و زندگی خانوادگی و زندگی اجتماعی را به خوشبختی نزدیک می‌کنید؛ این معنای تکلیف است.

تکلیف یعنی مأموریت الهی. انسان تا وقتی که به مرحله تکلیف نرسیده، قابلیت این را ندارد که با خدای متعال حرف بزند یا خدا با او حرف بزند و به او مأموریت بدهد. وقتی شما به تکلیف می‌رسید، معنایش این است که این لیاقت را، این قابلیت را، این شخصیت را پیدا کرده‌اید که خدای بزرگ، آفریننده جهان و انسان، شما را مخاطب قرار می‌دهد، به شما مأموریت می‌دهد، شما را مورد احترام خودش قرار می‌دهد. جشن تکلیف درحقیقت جشن تشرف یک انسان، یک نوجوان به ساحت لطف و توجه پروردگار است؛ این را قدر بدانید.

۱ | رابطه مستحکم با خدا

دوران زندگی انسان، دوران حوادث بی‌شماری است. شما ها ان شاء الله ده‌ها سال در این دنیا زندگی خواهید کرد، حادثاتی را خواهید دید، مسائل فراوان زندگی را مشاهده خواهید کرد، آن‌ها را تجربه خواهید کرد؛ اگر بنیة معنوی شما مستحکم باشد، در برخورد با این حوادث، شجاعانه، سربلند و پرافتخار به پیش خواهید رفت؛ هم افتخار دنیوی پیدا می‌کنید، هم افتخار معنوی و عزت الهی پیدا می‌کنید؛ این از همین لحظه تکلیف شروع می‌شود. لحظه تکلیف شما و دوران بلوغ معنوی شما دوران بسیار مهمی است. عزیزان من، فرزندان من! من توصیه می‌کنم از همین حالا، از همین روزها و ماه‌هایی که تشرف به تکلیف پیدا کرده‌اید، رابطه خودتان را با خدای متعال مستحکم کنید. عیب بزرگ دنیای مادی غرب، قطع رابطه انسان با خدا است؛ [برای] این است که دچار انحطاط معنوی و لغزش‌های اخلاقی فراوان می‌شوند؛ [برای] این است که دچار نومیثی می‌شوند و جوان‌هایشان دچار سرگردانی



.....

با ورزش و با تغذیه مناسب؛ سلامت معنوی و قلبی را هم با توجه به خدا، با نماز، با دعا، با توشل، با یاد شهید؛ سلامت فکری را هم با کتاب خوانی تأمین کنید؛ از کتاب‌های خوب، راه‌گشا، راهنما - که از سوی متفکران و نویسندگان خوب ما تهیه شده و در اختیار ما گذاشته شده - استفاده کنید و بخوانید. این موجب می‌شود که نسل نوجوان ما، هم سلامت جسمی داشته باشد، هم سلامت معنوی و روحی داشته باشد، هم سلامت فکری و عقلانی داشته باشد؛ آن وقت این، آینده کشور را تأمین می‌کند.

عزیزان من! امروز شما از دوران کودکی و بچه بودن خارج شدید؛ امروز شما نوجوانید، در آغاز جوانی هستید، در حال شکوفایی هستید؛ استعداد شما امروز برای فراگیری و برای خودسازی خیلی زیاد است؛ از این فرصت استفاده کنید، خودسازی کنید؛ هم خودسازی جسمی، هم خودسازی معنوی و روحی، هم خودسازی فکری، با همان ترتیبی که عرض کردم. بعد از آنکه شما نوجوانان عزیز در این میدان با عظمت و در این بهار با طراوت نوجوانی، حرکت درست را انجام دادید، آن وقت انسان می‌تواند مطمئن باشد که فردای این کشور، فردای بهتر از امروز است؛ شما مردان فردا، مدیران فردا، فعالان فردا، و شخصیت‌های فردا هستید. فردای این کشور متعلق به شما نوجوانان است؛ شماها هستید که این کشور و این ملت را و این حرکت را و این تاریخ را اداره خواهید کرد؛ خودتان را برای آن روز آماده کنید.

۴ محبت به والدین

عزیزان من! از توشل و از دعا غفلت نکنید. عزیزان من! از یاد شهیدان غفلت نکنید. شهیدان عزیز ما کسانی بودند که در عین جوانی و بعضی در عین نوجوانی حاضر شدند برای خیر کشور، مصالح کشور، حفظ استقلال کشور، دفع دشمنان کشور، جان خودشان را فدا کنند؛ این خیلی ارزش والایی است. با ارزش‌ترین دارایی انسان، عمر انسان و جان انسان است؛ خیلی همت لازم است، خیلی شجاعت لازم است که این را در راه خدا بدهد. من توصیه می‌کنم این کتابهایی را که درباره شهیدان نوشته شده، درباره ایثارگران دوران دفاع مقدس نوشته شده و شخصیت‌های این‌ها را تشریح می‌کند، بخوانید؛ هم کتاب‌های شیرین و کتاب‌های پرجاذبه‌ای است، هم ذهن شما را با مسائل بسیاری آشنا می‌کند.

فرزندان عزیز من، نوجوانان عزیز! شماها یک دسته‌گلی از بوستان بزرگ این کشور هستید. میلیون‌ها نوجوان مثل شما در سراسر کشور هستند. شما یک نمونه از آن‌ها هستید که اینجا حضور دارید. امیدوارم که خدای متعال به شما و همه نوجوانان عزیز کشورمان در سراسر کشور، نظر لطف و تفضل خودش را به طور دائم مبدول کند و ان شاء الله شما زندگی خوشی را برای خودتان، برای پدر و مادرتان، برای آینده کشورتان بتوانید فراهم ببینید. به مناسبت نام پدر و مادر، این را هم به شما نوجوانان عرض کنم: قدر پدر و مادر را بدانید، احترام این‌ها را حفظ کنید، محبت این‌ها را جبران کنید؛ به شما محبت می‌کنند، این محبت را جبران کنید. □

و سرگشتگی می‌شوند؛ [برای] این است که روزه روز تمدن غرب دارد افول می‌کند؛ [چون] رابطه با خدا را قطع کرده‌اند. راز پیشرفت یک انسان به صورت شخصی و فردی، و یک جامعه به صورت جمعی، این است که بتواند رابطه خود با خدا را حفظ کند. ارتباطتان را با خدا حفظ کنید.

۴ نماز اول وقت با توجه

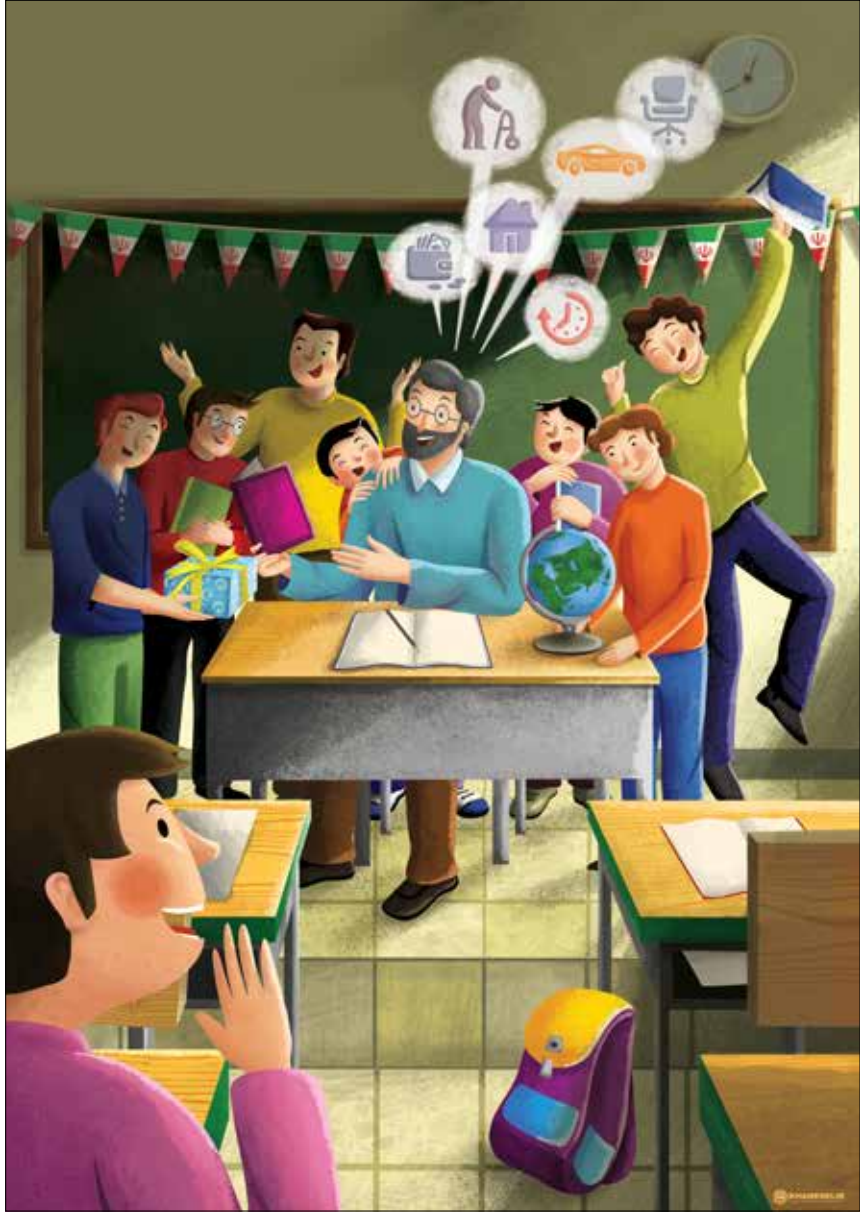
بهترین راه ارتباط با خدا، در درجه اول همین نمازی است که می‌خوانید. از همین حالا، از همین دوران آغاز تکلیف سعی کنید نماز را با توجه بخوانید. توجه یعنی چه؟ یعنی اینکه در حال نماز، احساس کنید دارید با مخاطب عظیم خودتان حرف می‌زنید؛ با خدا دارید حرف می‌زنید؛ این احساس را در خودتان به وجود بیاورید. وقتی انسان با خدای متعال حرف می‌زند، هم به او اعتماد و توکل می‌کند، هم از او طلب و درخواست می‌کند؛ این اعتماد و توکل به خدا، به انسان شجاعت می‌بخشد. شما در زندگی باید با شجاعت حرکت کنید؛ با اعتماد به نفس حرکت کنید؛ این حالت شجاعت و اعتماد به نفس، در ارتباط با خدا به دست می‌آید. سعی کنید نماز را اول وقت بخوانید، با توجه بخوانید.

عزیزان من! با قرآن انس داشته باشید؛ با قرآن انس پیدا کنید. هر روز یک مقداری - ولو چند آیه - قرآن بخوانید و توجه به معانی قرآن پیدا کنید. قرآن انسان را هدایت می‌کند؛ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ انسان را به راه راست هدایت می‌کند.

در محیط مدرسه و در محیط خانه، به عنوان یک نوجوان شاداب، فعال، کاری، مثبت، حضور خودتان را مؤثر قرار بدهید. سعی کنید در اطرافیان خودتان اثر بگذارید؛ هم در مدرسه، هم در محیط خانه، هم در محیط بازی، روی همسالان و دیگران سعی کنید اثر بگذارید؛ می‌توانید اثر بگذارید.

۴ مصونیت در برابر دشمنان

عزیزان من! امروز ملت ما و کشور ما دشمنانی دارد؛ دشمنانی که سعی می‌کنند از هر راهی برای نفوذ در کشور و تسلط بر این کشور استفاده کنند؛ تسلط اقتصادی، تسلط سیاسی، تسلط فرهنگی. یکی از راه‌هایی که آن‌ها در پیش می‌گیرند، نفوذ در جوانان ما و نوجوانان ما است؛ متوجه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید؛ نه فقط به خودتان، [بلکه] به پیرامونیان خودتان - به کسانی که با آن‌ها هم‌کلاس هستید، هم‌درس هستید، هم‌بازی هستید - در مقابل دشمنان مصونیت ببخشید. با دانش، خودتان را مجهز کنید؛ من توصیه می‌کنم به همه شما جوانان عزیز که درس خواندن را جدی بگیرید. توصیه دیگر من این است، ورزش و سلامت جسمانی را هم جدی بگیرید؛ امروز جوان‌های ما بایستی، هم سلامت جسمی، و هم سلامت معنوی، و هم سلامت فکری را با هم داشته باشند و برای خودشان نگه دارند. سلامت جسمی را



مرحله عنایت ویژه‌ای به نوجوان نمایند و راهنمایی‌های لازم رانسیب به او دریغ ننمایند و نوجوان را از نظر فکری یاری دهند. چون آنان برای رشد روانی و سازندگی خود، نیازمند هدایت و راهنمایی مریبان صالح و اندیشمند هستند تا چگونه زیستن را بیاموزند و هویت خود را دریابند و از بروز اعمال ناهنجار در برابر حوادث به وجود آمده جلوگیری نمایند.

۳. **مرحله بعد از بلوغ:** که شخصیت نوجوان تا حدی در این مرحله شکل گرفته و انتخاب دوست، شغل، رشته تحصیلی... بهترین همدام او در زندگی است. نوجوان در این مرحله با تغییراتی روبه روست که از جمله آن، رشد بی تناسب اعضا و اندام‌هاست که گاهی نمی‌تواند بر اندام‌های خود مسلط شود. پیرانرژی، پرسرو صدا و شلوغ، کم حوصلگی، سرکش و طاغی و ناآرام بودن، دوستدار احترام به شخصیت و استقبال از راهنمایی‌های دیگران، از دیگر ویژگی‌های اوست.

❑ برادر قرآن

نهج البلاغه که به اخ القرآن (برادر قرآن) شهرت یافته «آن چنان بزرگ و با عظمت است که دست عقول بشر به این آسانی به آن نمی‌رسد. دلیل آن همین است که این کتاب تراوش روح با عظمت کسی است که مظهر اسم اعظم خداوند است، معلم جبرائیل، قرآن ناطق و بزرگ‌ترین مفسران و تربیت شده پیامبر عظیم الشان است.» سخنان حضرت علی (ع) که نهج البلاغه بخشی از آن است، از نظر قواعد ادبی و لفظی و اخلاقی در حد معجزه است و تاکنون هیچ کلام بشری به پای آن نرسیده و با آن برابری ننموده است. ابن ابی الحدید معتزلی. شارح بزرگ نهج البلاغه. در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «به حق، سخن علی (ع) فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق است.» نهج البلاغه مشحون از مواظ و حکم آموزنده درباره موضوعات مختلف از جمله «نوجوانان» است که به کارگیری آن، مهم‌ترین راه حل جهت تربیت و سعادت می‌باشد. در بحث «نگاه نهج البلاغه به نوجوانان» به چند محور در این باره اشاره می‌کنیم:

❑ تربیت

در تربیت نوجوانان باید به چند اصل تربیتی توجه نمود: از جمله: شناخت مسائل این نسل، توجه به پایه‌های خلقی این نسل، توجه به اصل محبت و انس و دوستی با نوجوانان و پرهیز از اعمال قدرت و اجبار. علی (ع) به تربیت نفس توجه ویژه‌ای دارد و می‌فرماید: «ای مردم! خودتان عهده دار تربیت نفس خویش باشید و آن را از کشیده شدن به طرف هوس‌ها و عادات ناروا باز دارید. و نیز می‌فرماید: «زنهار! زنهار! در تربیت و سازندگی خویشتن تلاش کن.» امام علی (ع) به پدران نیز توصیه می‌کند: «با فرزندان خود دوست شوید؛ زیرا مودّه‌الآباء قرابه بین‌الآبناء؛ دوستی میان پدران سبب خویشاوندی میان فرزندان است.» و نیز به علت تأثیر خانواده بر هر شخصیت نوجوانان، سفارش می‌کند: «روابط خود را با افراد با شخصیت و اصیل و

نوجوانی در بیان نهج البلاغه

زمینی حاصل خیز

« دوره نوجوانی حساس‌ترین و با اهمیت‌ترین دوران زندگی انسان است که معمولاً بین سنین ۱۲ الی ۱۸ سالگی را در بر می‌گیرد. در این دوره فرد نه کودک و نه هنوز به درستی بالغ شده است و دوره بحرانی زندگی خود را می‌گذراند که گاهی رفتار و اعمال کودکانه او موجب آزار بزرگترها و گاهی رفتار عاقلانه او باعث تحسین و تعجب آن‌ها می‌شود. نوجوان در سنینی قرار دارد که به درستی نمی‌داند چه باید بکند. کدام شیوه را در زندگی خود برگزیند؟ برخی بزرگترها به او می‌گویند: تو هنوز بچه‌ای! گاهی دیگران به او می‌گویند: تو دیگر بزرگ شده‌ای چرا کار بچه‌گانه از تو سر می‌زند؟ او خود را در این امر ونهی، سرزنش و عتاب، حیران می‌بیند. دوره نوجوانی به سه مرحله تقسیم می‌شود:

۱. **مرحله قبل از بلوغ:** که هنوز فرد در این مرحله احساس کودکی می‌کند و به تدریج صفات بلوغ شروع به ظاهر شدن می‌کند.

۲. **مرحله بلوغ:** که بین مرحله کودکی و نوجوانی قرار دارد. معیارهای بلوغ در این مرحله ظاهر می‌شود و بیشترین تغییر جنسی صورت می‌گیرد و بر والدین و مریبان لازم است در این

دیگران، نفس خودش را اصلاح کند.»



❑ دوست یابی

نوجوان به داشتن «دوست» احساس نیاز می‌کند و از این رو باید او را در انتخاب دوست یاری نمود. دوست به حدی در یک نوجوان تأثیر دارد که او خود را هم‌رنگ دوستش می‌کند و حتی از لباس، رفتار و کلام او تقلید می‌نماید.

داشتن دوست، نوجوان را از تنهایی که ممکن است افسردگی و انزوا را در برداشته باشد، می‌رهاند. امام علی (ع) در نهج البلاغه به یافتن «دوستان خوب» اشاره می‌فرماید و تأکید دارد که: دوستان را ابتدا مورد آزمایش و امتحان قرار دهید و وقتی دوستی را خوب یافتید، او را از دست ندهید. امام (ع) می‌فرماید: «عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوست، ناتوان باشد و از او عاجزتر کسی است که دوستان به دست آورده را ترک گوید.»

نوجوان وقتی دوستی را یافت و یا درصدد یافتن دوستانی است، باید به چند مسأله توجه نماید: ابتدا اینکه به آراء و افکار دیگران احترام بگذارد و خود، فردی فروتن و متواضع باشد. و دیگر اینکه در دوستی، افراط و تفریط روا ندارد که ثمره آن، پشیمانی و ثمره دوراندیشی و میانه روی، سلامت و رستگاری است. و سوم اینکه راستگو بوده و به عهد خود وفا نماید، چون «هر کس امانت دار نباشد ضرر کرده و به مقصد نمی‌رسد» و چهارم اینکه با دوستانش خوشرو بوده و حُسن خُلق را سرمشق خود قرار دهد. امام علی (ع) می‌فرماید: «اکرم الحسب حُسن الخلق؛ برترین خوشیاوندی، خوشرویی و حُسن خلق است.»

امام به پیروان خود گوشزد می‌فرماید: «از دوستی با افرادی که ضعیف‌العقل و بدعمل هستند، بپرهیز؛ زیرا انسان را با دوستش می‌شناسند، یا می‌فرماید: «از رفاقت با کسانی که افکار و ظاهر اعمالشان ناپسندیده است، برحذر باش؛ چرا که آدمی به رویه و روش رفیقش خو می‌گیرد و به افکار و اعمال او معتاد می‌شود.»

❑ زودگذر

علی (ع) دوران نوجوانی را از سه جهت بسیار حساس بیان می‌کند: اول اینکه قلب نوجوان مانند زمین، خالی و مساعد است که هر چه در آن بکاری همان درو می‌کني: «أتما قلب الحدت کالأرض الخالیة مهمما ألقى فیها من کل شیء قبلته» و دوم اینکه دوران نوجوانی را زودگذر می‌داند و گوشزد می‌فرماید سریعاً آن را دریابید: «بادر شبابک قبل هرمک و صحتک قبل سقمک» سوم اینکه شیطان در این زمان به نوجوان زیاد روی می‌آورد و لازم است برای آن پناهگاه خوبی در نظر گرفت که بهترین پناهگاه، قرآن کریم، ائمه علیهم السلام و ادعیه است و گزنه، گناه انسان را در دنیا و آخرت رسوا می‌سازد و برکت را از مال او برمی‌دارد و ناراحتی‌های روانی را نصیبش می‌سازد. از نظر علی (ع) هر گناهی در زندگی، آثار سوئی دارد، مثلاً دروغ، ایمان راز انسان دور می‌کند؛ فحش و بدزبانی، زهد را دور می‌سازد و سخن چینی، رابطه دوستی را از بین می‌برد. ❑

علی (ع) دوران

نوجوانی را

از سه جهت

بسیار حساس

بیان می‌کند:

اول اینکه قلب

نوجوان مانند

زمین، خالی و

مساعد است

که هر چه در آن

بکاری همان درو

می‌کني؛ «أتما

قلب الحدت

کالأرض الخالیة

مهما ألقى فیها

من کل شیء

قبلته» و دوم

اینکه دوران

نوجوانی را زودگذر

می‌داند و گوشزد

می‌فرماید سریعاً

آن را دریابید:

«بادر شبابک

قبل هرمک و

صحتک قبل

سقمک» سوم

اینکه شیطان

در این زمان به

نوجوان زیاد روی

می‌آورد و لازم

است برای آن

پناهگاه خوبی در

نظر گرفت

خانواده‌های صالح و خوش سابقه، برقرار ساز.»

امام تأثیر محیط و جامعه را در تربیت فرزندان، به ویژه نوجوانان، گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «واسکن الأمصار العظام فأنها جماع المسلمین، واحذر منازل الغفلة والجفاء وقله الأعوان علی طاعة الله؛ در شهرهای بزرگی که مرکز اجتماع مسلمانان است، مسکن‌گزین و از محیط و جوامعی که اهل غفلت و ستمکاری در آنجا هستند و یاران مطیع خدا کمتر در آن نواحی یافت می‌شوند، بپرهیز.»

❑ عبادت

طرز ارائه مسائل مذهبی به نوجوانان اهمیت بسیاری دارد. امور مذهبی را به گونه‌ای باید به آن‌ها ارائه داد که آن‌ها احساس کنند در زندگی روزمره، این امور قابل پیاده شدن است. و باید علم و دین را توأمان به نوجوانان آموخت. «عبادت» مهم‌ترین بخش اصول اسلام است و در نهج البلاغه به بندگی خدا و عبادت توجه و تأکید بیشتر شده است. عبادت اثرات دنیوی بسیاری دارد که از جمله آن آرامش روانی و سلامت نفس است. علی (ع) می‌فرماید: «در تمام امور زندگی خود، خداوند را اطاعت کن؛ زیرا اطاعت از خداوند، بر هر کاری مقدم است. نفس خود را به سوی عبادت بکشان و با آن مدارا کن.»

از مهم‌ترین ارکان عبادت، نماز و روزه و عمل به قرآن است. علی (ع) توجه به نماز و روزه و خواندن قرآن را گوشزد فرموده، از جمله: «نماز، گناهان انسان را می‌ریزد، بهترین وسیله نزدیکی به خداوند، روزه ماه مبارک رمضان است و «حقّ فرزند بر پدر این است که نام نیکویی برای او انتخاب کند، اخلاق و ادب به او بیاموزد و قرآن را به او آموزش دهد.»

❑ الگوپذیری

«الگوها» در تربیت، تأثیر بسیار زیادی دارد و هر چقدر الگو محبوب‌تر باشد، تأثیرپذیری آن نیز بیشتر است. حضرت علی (ع) از یک طرف بهترین الگو برای نوجوان و جوان است، چون امام دوران کودکی و نوجوانی را در کنار پیامبر اکرم (ص) گذراند و رفتار او را برای خود الگو قرار داده است؛ لذا می‌فرماید: «پیامبر (ص) مرا از دوران کودکی تحت تربیت خود گرفتند و هر روز یک اخلاق نیکو را به من تعلیم و دستور می‌دادند.» قرآن کریم به مسلمانان خطاب می‌فرماید: «رسول خدا (ص) یک الگو و سرمشق کامل است.» و به همین سیاق حضرت علی (ع) و فرزندان‌ش بهترین الگو برای نوجوانان و جوانان هستند. از این رو با تبیین سیره زندگی این بزرگواران می‌توان آن‌ها را در تمام مراحل به عنوان الگو انتخاب کرد.

باید توجه نمود افرادی که در سمت مربی و معلم نوجوان فعالیت می‌کنند، الگوی مناسب در تربیت‌اند و نوجوان آداب زندگی را غالباً از اطرافیان، به ویژه مربیان، فرا می‌گیرد. پس لازم است آن‌ها خود را با الگوی برتر تطبیق نمایند و نفس خود را اصلاح سازند، و عملاً به تربیت نسل جدید بپردازند. علی (ع) می‌فرماید: «هر کس که خودش را در منصب رهبری مردم قرار دهد، لازم است قبل از تعلیم

من هم همین قصه را همیشه تعریف می‌کردم! حیف از من!
آن را باور نداشتند. حالا خوب شد، شاهد از غیب رسید!
ارای این مخاطب درخشان هرگز به چشم نمی‌خورد، حقیقت
تن تن و سنندباد را چه کار است. حیف از من!
سند! همین درست‌ترین است. لا اله الا الله محمدی صلی الله علیه و آله

۷۳/۸/۶

گفتگو با نویسنده
داستان «تن تن و سنندباد»

نوجوان‌ها را هوشیار تربیت کنیم



« من هم همین قصه را همیشه تعریف می‌کردم! حیف که خیلی‌ها آن را باور نداشتند. حالا خوب شد، شاهد از غیب رسید! » این جملات، بخشی از یادداشت کوتاهی است که رهبر انقلاب بعد از خواندن کتاب «تن تن و سنندباد» در وصف این اثر نوشته‌اند. تن تن و سنندباد کتابی داستانی برای مخاطب نوجوان است که در ابتدای دهه هفتاد با موضوع تهاجم فرهنگی نگاشته شد. محتوای ارزشمند، پی‌رنگ داستانی قوی و زبان استعاری از ویژگی‌های ممتاز این اثر ارزشمند است. گفتگویی با نویسنده کتاب، محمد میرکیاسبی را می‌خوانیم. نویسنده‌ای که در کارنامه ادبی خود کتاب‌هایی همچون «قصه ما مثل شد»، «پهلوان حیدر» و «قند و پند» را نیز دارد. ■

نویسندگان نوجوان کم‌تراست.

شما در ابتدای دهه هفتاد، کتاب «تن تن و سنندباد» را نوشتید. ماجرای نوشتن آن چه بود و چرا احساس کردید باید چنین کتابی با این مضمون نوشته شود؟

من از سال ۶۱ تا ۷۲ سردبیر و نویسنده قصه ظهر جمعه رادیو بودم. خیلی از داستان‌ها را در آن زمان من می‌نوشتیم یا بازنویسی و تنظیم رادیویی می‌کردم. یکی از کارهایی که مجبور بودم برای رادیو انجام بدهم، این بود که هر هفته یک قصه بنویسم. برای این کار به متون کهن فارسی مراجعه می‌کردم. درباره فضاها، آدم‌ها، قهرمان‌ها، سرزمین‌های دور و نزدیک و مخصوصاً فضاهای خاصی که در ادبیات کهن و عامیانه ما راجع به جاده ابریشم بود، مطالعه می‌کردم. در اوایل دهه هفتاد که رهبر انقلاب بحث تهاجم فرهنگی را مطرح کردند، کتاب «تن تن و سنندباد» را نوشتم که فکر می‌کنم اولین رمانی بود که راجع به تهاجم فرهنگی نوشته شده است. البته در این داستان همه شخصیت‌ها یکسان نیستند. مثلاً شخصیت تن تن که او را یک جهانگرد می‌شناسند (که البته از نظر من جهانگیر است، نه جهانگرد) و بچه‌ها هم دوستش دارند و طرفدار هم زیاد دارد، نماد یکی از قدرتهای غرب است. تن تن نماد یک نوجوان آمریکایی شیرین و باهوش است. یا کاپیتان هالوک نماد قدرت نظامی آن‌هاست. پرفسور نماد اندیشه و فکرو فناوری آن‌ها و سگ پشمالو نماد سبک زندگی آن‌هاست. ما که در زندگی مان سگ نداریم که وارد زندگی مان شود. این‌ها شخصیت‌هایی هستند که همه جای دنیا می‌روند. من تصور کردم که در مقابل این شخصیت‌ها، باید شخصیت‌های داستانی را قرار بدهیم که آن‌ها هم بتوانند همه جای دنیا بروند. دیدم شخصیتی که ما داریم، سنندباد داستان «هزار و یک شب» است. البته این سنندباد با آن کارتونی که ژاپنی‌ها درست کرده‌اند، تفاوت دارد. سنندباد سفرش را از ۳۵ سالگی شروع می‌کند، نه از نوجوانی.

گویا سال‌ها گذشت تا این دوستان متوجه موضوع تهاجم فرهنگی شدند.

بله، این ما هستیم که باید هوشیار باشیم. یکی از کارهایی که غربی‌ها برای تسلط بر دنیا انجام می‌دهند، «یکسان‌سازی فرهنگی» است. برای اینکه این کار انجام شود، باید مابقی مردم دنیا مثل آن‌ها فکرو زندگی کنند تا از این طریق، آن‌ها بتوانند محصولات خودشان را بفروشند. در حقیقت راه تسلط اقتصادی، تسلط فرهنگی است. تا فکریک جامعه را تغییر ندهند، نمی‌توانند محصول خود را بفروشند. این یک واقعیت است. مثلاً اینترنت که می‌آید، بخشی از آن، توسعه محصولات آن‌هاست و بخشی دیگر، تبلیغ و ترویج فکرو اندیشه آن‌ها. ما هم می‌توانیم از این امکان استفاده کنیم، به شرطی که واقعیت را درک کنیم. واقعیت این است که تهاجم فرهنگی را باور کنیم. تهاجم فرهنگی وجود دارد. از قبل هم وجود داشته، منتها حالا چندلایه و پیچیده شده است.

ادبیات نوجوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های ادبی است که می‌تواند بر هویت نسل آینده تأثیرگذار باشد. در مورد اهمیت این موضوع توضیح دهید و اینکه چرا در ایران این موضوع ضعیف است؟



دوره نوجوانی، دوره تفکر و یافتن فلسفه زندگی است. دوره باید‌ها و نیاید‌هاست. دوره اندیشه است. دوره‌ای است که نوجوان به من وجودی خودش و به چراها خیلی فکر می‌کند. زندگی چرا این‌گونه است، من در آینده چرا باید آن‌گونه شوم، چرا این‌طور فکر کنم، چرا این لباس‌ها را بپوشم، چرا این غذاها را بخورم و... برای همین، سرمایه‌گذاری اصلی در دنیا، روی گروه سنی نوجوان انجام می‌گیرد. فضای کار برای دوران کودکی، دوره آموزشی است؛ یعنی در حقیقت، مخاطب شما تحت تأثیر پیام‌های آموزشی مستقیم، راحت‌تر قرار می‌گیرد. روشن‌تر عرض کنم، خردسال و کودک راحت‌تر حرف نویسنده را می‌فهمند. دوران نوجوانی اما این‌گونه نیست. دوره نوجوانی دوره چندوچون است. برای همین، نوشتن برای نوجوانان، به مراتب دشوارتر از نوشتن برای کودکان است. البته من برای همه رده‌های سنی نوشته‌ام؛ هم برای کودک و هم برای نوجوان. منتها چون دوره نوجوانی دوره منطق و اندیشه و فلسفه است، فرد به سادگی تحت تأثیر پیام یا اندیشه نویسنده قرار نمی‌گیرد. به همین علت، تعداد

روح آن‌ها اهمیت نمی‌دهیم. خانواده‌ها باید قبل از اینکه اتفاقی بیفتد، متوجه خطر فرهنگی موجود بشوند.

سوم آنکه باید به تاریخ خودمان (تاریخ ملی و تاریخ اسلامی مان)، ادبیات کهن و عامه مان و همچنین شناخت عناصر فرهنگی مان، توجه بیشتری داشته باشیم. مثلاً ما در فرهنگ ملی مان چیزی به نام «ضرب‌المثل» داریم. این ضرب‌المثل‌ها در حقیقت امر به معروف و نهی از منکرند. همان سبک زندگی اسلامی-ایرانی‌اند. در آن‌ها امانت‌داری و منظم بودن، دست‌درازی نکردن به اموال غیر، آداب معاشرت درست با دیگران، رعایت حق الناس و... وجود دارد. همه این‌ها امر به معروف و نهی از منکر هستند. گسترش همین فرهنگ و ادبیات عامه و قدیمی، موجب پایداری فرهنگی کشور می‌شود. متأسفانه در فیلم‌ها و سریال‌های خودمان، از این تلمیحات و اشارات خیلی کم بهره می‌بریم و برعکس، از تلمیحات وارداتی استفاده می‌کنیم. مثلاً در فلان سریال، یکی از شخصیت‌ها به دیگری می‌گوید «تو فکر کردی سوپرمنی؟». تلمیحات در حقیقت نمک یک زبان و فرهنگ محسوب می‌شوند. این‌ها را نباید از فرهنگ‌های دیگر گرفت.

در غرب، گاهی هزینه و زمان زیادی صرف می‌کنند تا یک اصطلاح جا بیفتد. مثلاً شکسپیر در نمایشنامه «هملت» می‌نویسد: «بودن یا نبودن، مسئله این است»، چقدر این جمله را در آثار فرهنگی و هنری خودشان تکرار کردند تا آن را در فکر جامعه جا بیندازند. حالا دیگر ما هم این جمله را می‌دانیم. در ادبیات ملی ما، کلی از این عبارات حکمت‌آمیز و پندآموز و جملات نغز و جود دارد، خیلی بیشتر و بهتر و حکیمانه‌تر از جملات تمدن غرب. مثلاً «خدایا از تو می‌خواهم که چیزی نخواهم». اما متأسفانه این‌ها در تولیدات فرهنگی ما اصلاً وجود ندارد، درحالی که منبع اصلی تولید فکر و فرهنگ، ادبیات است. ما اگر با ادبیات غنی خودمان آشنا نباشیم، نمی‌توانیم حرف بزنیم. کسی که مطالعه نداشته باشد، از دایره واژگانی کمی برخوردار است و بنابراین نمی‌تواند به خوبی حرف بزند.

بنابراین آن چیزی که من در این کتاب دنبال آن بوده‌ام، هوشیاری نسبت به زندگی، ایران و اتفاقات جاری در دنیاست تا بچه‌ها بتوانند با خواندن این کتاب، متوجه یک مسیر تاریخی درست شوند. مثلاً در جایی از این کتاب، گفتگویی بین رستم و تازران وجود دارد. تازران به رستم می‌گوید «غریبه تو اینجا چه کاری کنی؟» رستم می‌گوید «آن زمانی که در مغرب زمین اصلاً خبری نبود، من اینجا داشتم گورخر شکار می‌کردم»، هدف این بود که با این گفتگو نشان بدهم که تمدن ماست که پیشینه‌ای تاریخی دارد، وگرنه از کشف آمریکا فقط سیصد سال می‌گذرد. نوجوان ما باید این را بداند. باید بداند که در دنیا، ما حرف برای گفتن داریم و حالا حرف برای گفتن داریم، نباید خیلی راحت تحت تأثیر حرف دیگران قرار بگیرد. البته ما هیچ‌گاه ستیزه‌جو نبوده‌ایم. آن‌ها همیشه ستیزه‌جو بوده‌اند و جنگ‌ها را همیشه آن‌ها راه‌انداخته‌اند، مخصوصاً در صد سال اخیر. ما فقط در مقابل تهاجمات آن‌ها، ایستادگی کرده‌ایم. □



آن چیزی که

من در این

کتاب دنبال آن

بوده‌ام، هوشیاری

نسبت به زندگی،

ایران و اتفاقات

جاری در

دنیاست تا بچه‌ها

بتوانند با خواندن

این کتاب،

متوجه یک مسیر

تاریخی درست

شوند. مثلاً در

جایی از این

کتاب، گفتگویی

بین رستم و تازران

وجود دارد. تازران

به رستم می‌گوید

«غریبه تو اینجا

چه کاری کنی؟»

رستم می‌گوید

«آن زمانی که

در مغرب زمین

اصلاً خبری نبود،

من اینجا داشتم

گورخر شکار

می‌کردم.»

یک زمان آن‌ها علیه اسلام محصول تولید می‌کردند، بعد علیه انقلاب محصول تولید کردند و حالا علیه ایران هم فیلم می‌سازند، مثل فیلم «سیصد». برای اینکه فهمیده‌اند اندیشه‌ای در مقابل اندیشه آن‌ها وجود دارد. بنابراین ما هم باید در مقابل آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم و نقاط قوت و ضعف خودمان را به درستی بشناسیم. همین حوزه ادبیات کهن که بنده در آن کار می‌کنم، یکی از نقاط قوت فرهنگی ماست که مانع از یکسان‌سازی فرهنگی و تبلیغ فرهنگ غرب می‌شود. غرب به شدت به دنبال از بین بردن خرده‌فرهنگ‌هاست، چون این خرده‌فرهنگ‌ها هستند که موجب پایداری فرهنگ و هویت می‌شوند. «تن تن و سندباد» هم در حقیقت برآمده از همین خرده‌فرهنگ شرقی و ادبیات عامه و کهن خودمان است.

ایران از آن جهت برای غرب اهمیت دارد که در چهارراه جاده ابریشم قرار داشته و نقطه تلاقی تمدن‌های بزرگ جهان است. بنابراین آن‌ها سعی دارند بر آن تسلط پیدا کنند، چون اگر بر ایران تسلط پیدا کنند، بر کل منطقه دست پیدا می‌کنند. از منظر اقتصادی و سیاسی نیز اهمیت ایران قابل ملاحظه است. واضح است که همواره نمی‌توانند با لشکرکشی به اهداف خود دست پیدا کنند و ایران را تحت سلطه قرار دهند. بنابراین از طریق فرهنگ این کار را انجام می‌دهند. محصول فرهنگی تولید می‌کنند و از این راه هم درآمد کسب می‌کنند، هم فرهنگ و فکر خود را تبلیغ می‌کنند و هم موجب از بین بردن فرهنگ ملی ما می‌شوند.

در اوایل دهه هفتاد، گویا شما متوجه تهدید فرهنگی علیه ما شدید و شروع به نگارش کتاب «تن تن و سندباد» کردید. اگر بخواهید توصیه‌ای برای این روزها داشته باشید، چه می‌گویید؟

بهترینش به نظر من، همان بصیرت است. بصیرت برای نوجوانان و خانواده‌های ما حرف اول را می‌زند. اولاً خانواده‌ها باید فرزندان ما را هوشیار بار بیاورند. در سرمایه‌داری غرب، هیچ‌کاری بدون هدف انجام نمی‌شود. به قول خودشان، برای سنت سنت‌شان برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین تولید فکر و فرهنگ، تولید فیلم و سریال و پویانمایی، راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای، برگزاری جشنواره‌های هنری و علمی بین‌المللی، همه و همه با قصد و هدفی انجام می‌شود. بهترین راه مقابله آن است که ما در برابر آن هوشیار باشیم و بصیرت داشته باشیم.

دوم آنکه بر اساس اولویت‌ها و نیازهای کشور و جامعه، تولید کنیم. باید قدم‌هایمان را حساب شده برداریم؛ یعنی اگر از ما پرسیدند که این داستان، این فیلم با این سریال برای چه ساخته شده است، باید دلیل و هدف قانع‌کننده‌ای داشته باشیم. البته متأسفانه در حال حاضر این‌گونه نیست. هر محصولی به‌صرف اینکه محصولی فرهنگی است، قابل ارائه نیست. کم‌اینکه هر غذایی به‌صرف اینکه اسمش غذاست، قابل خوردن نیست. برای غذای جسم کودکانمان تا چه اندازه اهمیت قائل هستیم، اما به غذای



ماجرای دلدادگی نوجوانی
به نام «مرحمت بالازاده»

ماز بالائیم و بالا می‌رویم

— آقا! خواهش می‌کنم به آقایان روحانی و مداحان دستور
بدهید که دیگر روضه حضرت قاسم (ع) نخوانند!
— چرا پسرم؟

دیگر روضه قاسم (ع) نخوانند

مرحمت به یک باره بغضش ترکید و سرش را پایی انداخت
و با کلماتی بریده بریده گفت: «آقا جان! حضرت قاسم (ع)
۱۳ ساله بود که امام حسین (ع) به او اجازه داد برود در
میدان و بجنگد، من هم ۱۳ سالم است ولی فرمانده سپاه
اردبیل اجازه نمی‌دهد به جبهه بروم. هر چه التماسش
می‌کنم، می‌گوید ۱۳ ساله‌ها را نمی‌فرستیم. اگر رفتن ۱۳
ساله‌ها به جنگ بد است، پس این همه روضه حضرت
قاسم (ع) را چرا می‌خوانند؟»

حالا دیگر شانه‌های مرحمت آشکارا می‌لرزید. رییس
جمهور دلش لرزید. دستش را دوباره روی شانه مرحمت
گذاشت و گفت: «پسر! شما مگر درس و مدرسه نداری؟
درس خواندن هم خودش یک جور جهاد است» مرحمت
هیچی نگفت. فقط گریه کرد و حالا حق‌ضعیفی هم از
گلویش به گوش می‌رسید.

رییس جمهور مرحمت را جلو کشید و در آغوش گرفت
و رو به سرتیم محافظانش کرد و گفت: «آقای...! یک
زحمتی بکش با آقای... تماس بگیر بگو فلانی گفت این
آقا مرحمت رفیق ما است. هر کاری دارد راه بیاندازید. هر
کجا هم خودش خواست ببریدش. بعد هم یک ترتیبی هم
بدهید برایش ماشین بگیرند تا برگردد اردبیل. نتیجه را هم
به من بگویید.»

آقای خامنه‌ای خم شد، صورت خیس از اشک مرحمت را
بوسید و گفت: «ما را دعا کن پسر. درس و مدرسه را هم
فراموش نکن. سلام مرا به پدر و مادر و دوستان در جبهه
برسان» ...

کمتر از سه روز بعد، فرمانده سپاه اردبیل، مرحمت را
خوشحال و خندان دید که با حکمی پیشش آمد. حکم
لازم الاجرا بود. می‌توانست باز هم مرحمت را سر بردواند ولی

در یکی از روزهای سال ۱۳۶۲، زمانی که آیت الله خامنه‌ای، رییس جمهور وقت، برای
شرکت در مراسمی از ساختمان ریاست جمهوری واقع در خیابان پاستور خارج می‌شد،
در مسیر حرکتش تا خودرو، متوجه سروصدایی شد که از همان نزدیکی شنیده می‌شد.

صدای طرف محافظا بود که چند تایشان دور کسی حلقه زده بودند و چیزهایی می‌گفتند.
صدای بیغ ماندی هم دائم فریاد می‌زد: «آقای رییس جمهور! آقای خامنه‌ای! من باید شما
را ببینم». رییس جمهور از پاسداری که نزدیکش بود پرسید: «چی شده؟ کیه این بنده خدا؟»
پاسدار گفت: «نمی‌دانم حاج آقا! موندم چطور تا اینجا تونسته به یاد جلو». پاسدار که ظاهراً
مسئول تیم محافظان بود، وقتی دید رییس جمهور خودش به سمت سرو صدا به راه افتاد،
سریع جلوی ایشان رفت و گفت: «حاج آقا شما وایسید، من می‌رم ببینم چه خبره» بعد هم با
اشاره به دو همراهش، آن‌ها را نزدیک رییس جمهور مستقر کرد و خودش رفت طرف شلوغی.
کمتر از یک دقیقه طول کشید تا برگشت و گفت: «حاج آقا! به بچه‌اس. می‌گه از اردبیل کوبیده
اومده اینجا و با شما کار واجب داره. بچه‌ها می‌گن با عزو التماس خودش رسونده تا اینجا. گفته
فقط می‌خوام قیافه آقای خامنه‌ای رو ببینم، حالا می‌گه می‌خوام باهاش حرف هم بزنم».
رییس جمهور گفت: «بذار به یاد حرفش رو بزنه. وقت هست».

صفا آوردی

لحظاتی پسری ۱۲-۱۳ ساله از میان حلقه محافظان بیرون آمد و همراه با سرتیم محافظان،
خودش را به رییس جمهور رساند. صورت سرخ و سرما زده‌اش، خیس اشک بود. هنوز در
میانه راه بود که رییس جمهور دست چپش را دراز کرد و با صدای بلند گفت: «سلام بابا جان!
خوش آمدی». پسر با صدایی که از بغض و هیجان می‌لرزید، به لهجه غلیظ آذری گفت:
«سلام آقا جان! حالتان خوب است؟» رییس جمهور دست سرد و خشکه زده پسرک را در
دست گرفت و گفت: «سلام پسر! حالت چطوره؟» پسر به جای جواب تنها سرتکان داد.
رییس جمهور از مکت طولانی پسرک فهمید زبانش قفل شده. سرتیم محافظان گفت: «اینم
آقای خامنه‌ای! بگو دیگر حرفت را.» ناگهان رییس جمهور با زبان آذری گفت: «شما اسمت
چیه پسر؟» پسر که با شنیدن گویش مادری‌اش انگار جان گرفته بود، با هیجان و به ترکی
گفت: «آقا جان! من مرحمت هستم. از اردبیل تنها اومدم تهران که شما را ببینم.»

آقای خامنه‌ای دست مرحمت را رها کرد و دست روی شانه او گذاشت و گفت: «افتخار دادی
پسر. صفا آوردی، چرا این قدر زحمت کشیدی؟ بچه کجای اردبیل هستی؟» مرحمت
که حالا کمی لبانش رنگ تبسم گرفته بود گفت: «انگوت کنی آقا جان!» رییس جمهور
پرسید: «از جای گرمی؟» مرحمت انگار هم ولایتی پیدا کرده باشد تند گفت: «بله آقا جان!
من پسر حضرتقلی هستم». آقای خامنه‌ای گفت: «خدا پدر و مادرت رو برات حفظ کنه».
مرحمت گفت: «آقا جان! من از اردبیل آدمم تا این جا که یک خواهشی از شما بکنم. رییس
جمهور عیایش را که از شانه راستش سرخوره بود درست کرد و گفت: «بگو پسر. چه خواهشی؟»

دارم. اگر من شهید بشوم گریه نکنید. اگر گریه بکنید به شهدای کربلا و شهدای کربلای ایران گریه بکنید تا چشم منافقان کور بشود و بفهمند که ما برای چه می جنگیم. حالا معلوم است که راه تنها یک راه است که آن راه هم راه اسلام و قرآن است. و آخر وصیت می کنم راه شهیدان را ادامه بدهید و اسلحه شان را نگذارید در زمین بماند.

و مادرم و پدرم چنانچه من می دانم لیاقت شهادت را ندارم ولی اگر خداوند بخواهد که شهید بشوم مرا حلال کنید و من هم شهادت را جز سعادت نمی دانم. یعنی هر کس که شهید می شود خوش به حالش که با شهدا همنشین می شود. و از تمام همسایه ها و از هم روستایی هایمان می خواهم که اگر از من سخن بدی شنیده اید و کارهای بدی دیده اید حلال بکنید. و برادرانم اسلحه ام را نگذارند در جا بماند و خواهرانم با حجاب با دشمنان جنگ کنند. خدایا تو را قسم می دهم که اگر گناهانم را نبخشی از این دنیا به آن دنیا نبر. خدایا خدایا تو را قسم می دهم به من توفیق سربازی امام زمان (عج) و نائب برحق او خمینی بت شکن را قرار دهی. تا در راه آن ها اگر هزاران جان داشته باشم قربانی بدهم.

کربلا کربلا یا فتح یا شهادت
جنگ جنگ تا پیروزی



مرحمت به یک

باره بغضش

ترکید و سرش را

پایی انداخت و

با کلماتی بریده

بریده گفت: آقا

جان! حضرت

قاسم (ع) ۱۳

ساله بود که امام

به او اجازه داد

برود در میدان و

بجنگد، من هم

۱۳ سالم است

مطمئن بود که می رود و این بار از خود امام خمینی حکم می آورد. گفت اسمش را نوشتند و مرحمت بالا زاده رفت در لیست بسیجیان لشکر ۳۱ عاشورا.

مرحمت به تاریخ هفدهم خرداد ۱۳۴۹ در یک کیلومتری تازه کندانگوت در روستای «چای گرمی»، متولد شد. امام که به ایران برگشت، مرحمت کلاس دوم دبستان بود. ۱۳ ساله که شد، دیگر طاقت نیاورد و رفت ثبت نام کرد برای اعزام به جبهه. با هزار اصرار و پدرمییانی کردن این آشنا و آن هم ولایتی، توانست تا خود اردبیل برود، اما آنجا فرمانده سپاه جلوی اعزامش را گرفت. مرحمت هر چه گریه و زاری کرد فایده ای نداشت. به فرمانده سپاه از طرف آشنایان مرحمت هم سفارش شده بود که یک جوری برش گردانید سر درس و مشقش. فرمانده سپاه آخرش گفت: «بین بچه جان! برای من مسئولیت دارد. من اجازه ندارم ۱۳ ساله ها را بفرستم جبهه. دست من نیست»، مرحمت گفت: «پس دست کی است؟» فرمانده گفت: «اگر از بالا اجازه بدهند من حرفی ندارم.» همه این ها ترفندی بود که مرحمت دنبال ماجرا را نگیرد. یک بچه ۱۳ ساله روستایی که فارسی هم درست نمی توانست صحبت کند، دستش به کجا می رسید؟ مجبور بود بی خیال شود. اما فقط سه روز بعد مرحمت با دستوری از بالا برگشت.

مرحمت بالا زاده تنها یک سال بعد، در عملیات بدر، به تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۶۳ با فاصله بسیار کمی از شهادت مرادش، مهدی باکری، بال در بال ملاتک گشود و میهمان سفره حضرت قاسم (ع) گردید.

۱ وصیت نامه مرحمت بالا زاده جمعی

لشکر عاشورا، گردان علی اکبر

از مرحمت بالا زاده، وصیت نامه ای برجای مانده است که متن کامل آن را در زیر می خوانید. وصیت نامه ای که نشان می دهد روحش نمی توانست در کالبد ۱۳ ساله اش آرام بگیرد:

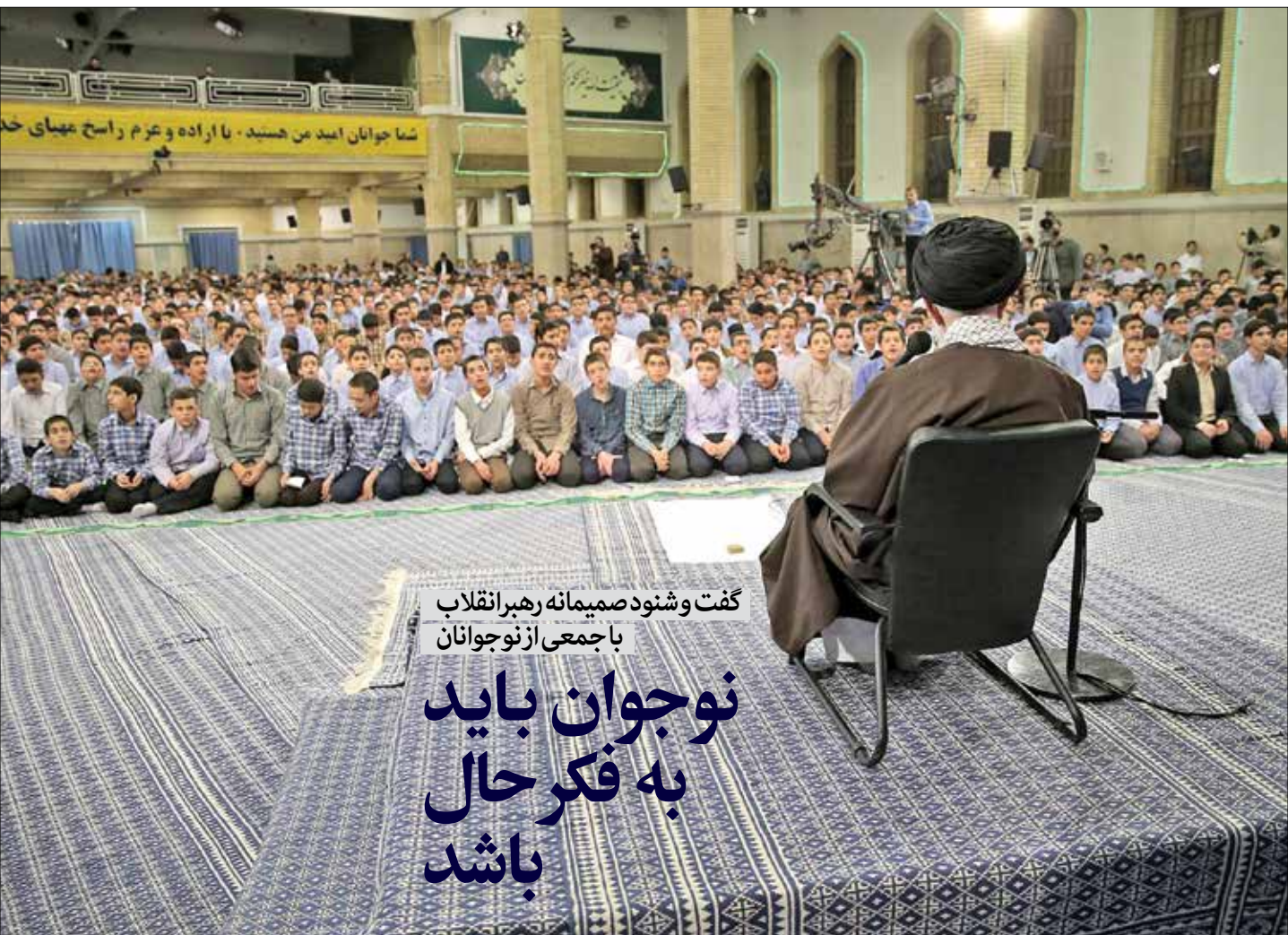
به نام خداوند بخشنده مهربان

از اینجا وصیت نامه ام را شروع می کنم. با سلام بیکران به پیشگاه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و با سلام بیکران به رهبر مستضعفان، ابراهیم زمان، خمینی بت شکن و با سلام بی کران به مردم ایثارگر و شهید پرور ایران، که همچون امام حسین (ع) و لیلیا، پسرشان را به دین اسلام قربانی می دهند.

آری ای ملت غیور شهید پرور ایران! درود بر شما! درود بر شما که همیشه در مقابل کفر ایستاده اید و می ایستید تا آخرین قطره خونتان. درود بر شما ای ملت ایران! ای مشعل داران امام حسین! تا آخرین قطره خونتان از این انقلاب و از رهبر این انقلاب خوب محافظت کنید تا که این انقلاب اسلامی را به نحو احسن به منجی عالم بشریت تحویل بدهید.

و ای پدر و مادر عزیزم! اگر این پسران در راه اسلام به شهادت برسند، افتخار کنید که شما هم از خانواده شهدا بر شمرده می شوید. ای پدر و مادر عزیزم! از شما تقاضایی





گفت و شنود صمیمانه رهبرانقلاب
با جمعی از نوجوانان

نوجوان باید به فکر حال باشد

البته اگر به فکر آینده هم باشند، ما کسی را ملامت نمی‌کنیم. به هر حال، گاهی انسان به فکر آینده می‌افتد؛ اما من از اینکه چه زمانی به فکر آینده افتادم، هیچ یادم نیست. اینکه در آینده زندگی خودم، بنا بود چه شغلی را انتخاب کنم، از اول برای خود من و برای خانواده‌ام معلوم بود. همه می‌دانستند که من بناست طلبه و روحانی شوم. این چیزی بود که پدرم می‌خواست و مادرم به شدت دوست می‌داشت. خود من هم علاقه مند بودم؛ یعنی هیچ بی‌علاقه به این مسأله نبودم.

اما اینکه لباس ما از اول، این لباس قرار دادند، به این تئیت نبود؛ به خاطر این بود که پدرم با هر کاری که رضاخان پهلوی کرده بود، مخالف بود - از جمله، اتحاد شکل از لحاظ لباس - و دوست نمی‌داشت همان لباسی را که رضاخان به زور می‌گوید، بیوشیم. میدانید که رضاخان، لباس فعلی مردم را که آن زمان لباس فرنگی بود و از اروپا آمده بود، به زور بر مردم تحمیل کرد. ایرانی‌ها لباس خاصی داشتند و همان لباس را

سال‌ها پیش جمعی از نوجوانان به دیدار رهبر معظم انقلاب رفتند و صمیمانه با ایشان به گفتگو نشستند. در این گفتگو آن‌ها علاوه بر پرسش‌هایی درباره نوجوانی ایشان، دغدغه‌های خودشان درباره این مرحله از زندگی را نیز مطرح کردند. متن زیر گزیده‌ای از این دیدار را روایت می‌کند. ■

حضرت‌عالی در نوجوانی، چه حالات و روحیاتی داشتید و در چه سنّی به این فکر افتادید که راه آینده خود را انتخاب کنید و چه کسی به شما بیشترین کمک را در این زمینه کرد؟

خیلی ممنون، سؤال خوبی کردید. البته من اگر بخواهم به نوجوانان عزیز، در این مورد که شما مطرح کردید، سفارش کنم، سفارش من این خواهد بود که نوجوانان باید به فکر حال باشند؛ برای این که به فکر آینده باشند، وقت زیاد است. در دوره جوانی - دوران سنّین هجده، بیست سالگی - راجع به آینده هر چه می‌خواهند فکر عملی بکنند؛ چون در سنّین نوجوانی - یعنی سنّین سیزده، چهارده و پانزده سالگی - اگر بخواهند درباره آینده فکر کنند، این فکر، خیلی تعیین کننده نیست. چون به هر حال حتماً یک طریق و مسیری را - هر آینده‌ای داشته باشند - باید بگذرانند؛ لذا باید به فکر حال خودشان باشند.



و احکام اسلامی مطرح است، نمی‌تواند خارج از این چهارچوب‌ها الگو انتخاب کند.

بنابراین الگو را بایستی در بزرگانی که از لحاظ دید و جهتگیری و اهداف به هدف‌های ما می‌خورند، انتخاب کرد. در بین مسلمانان صدر اسلام، اشخاص بسیار برجسته و خوبی هستند. در بین شخصیت‌های برجسته امروز و دوره‌های گذشته نیز همین‌طور، واقعاً شخصیت‌های برجسته‌ای هستند.

به زندگی ائمه که نگاه کنید - مثلاً زندگی امام حسن و امام حسین علیهما السلام - جوانی‌های آن‌ها بسیار چیزهای با ارزشی در خود دارد که هر جوان و نوجوانی را جذب می‌کند. هم نوع دخترانه‌اش هست، هم نوع پسرانه‌اش. همه آن‌ها شخصیت‌هایی بودند که می‌توانند واقعاً برای انسان جاذبه داشته باشند و برای نوجوانان و جوانان ما الگو محسوب شوند.

می‌خواستیم چون فرزندی از محضر پدر، این سؤال را بکنیم که شما در دوره نوجوانی چه تصویری از خدا داشتید؟ حالات و روحیات شما در این دوره چگونه بود؟ شما به نوجوانان توصیه می‌کنید که چگونه با خدا حرف بزنند، چه چیزهایی از خدا بخواهند و رابطه‌شان با خدا چگونه باشد؟

عرض کنم که من در دوره نوجوانی - یعنی همان دورانی که تازه از دبستان بیرون آمده و طلبه شده بودم - به دعا و توجه و توشل خیلی اهمیت می‌ورزیدم؛ اما این را که چه تصویری از خدا داشتیم، الان نمی‌توانم چیزی به یاد بیاورم که درباره خدا چگونه فکر می‌کردم، کم‌اینکه انسان درباره ذات مقدس پروردگار هم نباید خیلی فکر کند و راجع به ذات مقدس پروردگار، در فکر فرو برود.

وجود خدای متعال، یک وجود بدیهی و روشن و واضحی است که همه وجود یک انسان، به او گواهی می‌دهد؛ یعنی اگر انسان دچار وسوسه نشود و خودش را در وسوسه‌ها غرق نکند، ذهن انسان، دل و جان انسان به وجود خدا گواهی می‌دهد. واقعاً وجود خدا حتی به برهان و استدلال، احتیاج ندارد؛ اگر چه برهان و استدلال زیادی هم در مورد وجود پروردگار هست.

آنچه که آن وقت برای من مطرح بود و عملاً وجود داشت، این بود که اهل دعا و ذکر و دعا‌های مأثور و اعمالی که وارد شده بود، بودم. مثلاً یادم است هنوز بالغ نبودم که اعمال روز عرفه را بجا آوردم. اعمال آن روز، طولانی هم هست - لابد آشنا هستید؛ خیلی از جوانان با آن اعمال آشنا هستند - چند ساعت طول می‌کشد. اعمال، از بعد از نماز ظهر و عصر شروع می‌شود و اگر انسان بخواهد به همه آن اعمال برسد، شاید تا نزدیک غروب - روزهای نه چندان بلند - به طول می‌انجامد.

آن وقت من یادم است که با مادرم - چون مادرم هم خیلی اهل دعا و توجه و اعمال مستحبتی بود - می‌رفتیم یک گوشه حیاط که سایه بود - منزل ما حیاط کوچکی داشت - آنجا فرش پهن می‌کردیم - چون مستحب است که زیر

به زندگی ائمه که

نگاه کنید - مثلاً

زندگی امام حسن

و امام حسین

علیهما السلام -

جوانی‌های آن‌ها

بسیار چیزهای

با ارزشی در خود

دارد که هر جوان و

نوجوانی را جذب

می‌کند. هم

نوع دخترانه‌اش

هست، هم نوع

پسرانه‌اش.

همه آن‌ها

شخصیت‌هایی

بودند که

می‌توانند واقعاً

برای انسان جاذبه

داشته باشند و

برای نوجوانان و

جوانان ما الگو

محسوب شوند

می‌پوشیدند. او اجبار کرد که بایستی این‌طور لباس بپوشید؛ این کلاه را سرتان بگذارید!

پدرم این را دوست نمی‌داشت، از این جهت بود که لباس ما را همان لباس معمولی خودش که لباس طلبگی بود، قرار داده بود؛ اما نیت طلبه شدن و روحانی شدن من در ذهنشان بود. هم پدرم می‌خواست، هم مادرم می‌خواست، خود من هم می‌خواستم. من دوست می‌داشتم و از کلاس پنجم دبستان، عملاً درس طلبگی را در داخل مدرسه شروع کردم.

معلمی داشتیم که خودش طلبه بود و سال‌های پنجم یا ششم دبستان - به نظر هر دو سال - معلم کلاس ما بود. او پیشنهاد کرد که به مدارس «جامع‌المقدمات» بدهد. می‌دید که من ویکی، دو نفر از بچه‌ها علاقه مندییم و استعدادمان هم خوب بود؛ فکر کرد که به ما درس بدهد، ما هم قبول کردیم. «جامع‌المقدمات» اولین کتابی است که طلبه‌ها می‌خوانند - هنوز هم معمول است - و مجموعه‌ای از جزوات، یعنی چند کتاب کوچک است. من چند تا از آن کتاب‌های کوچک را در دبستان خواندم؛ بعد هم که بیرون آمدم، به شدت و با جدیت و علاقه دنبال کردم.

من بعد از دبستان به دبیرستان نرفتم؛ یعنی دوره دبیرستان را به طور داوطلبانه و به صورت شبانه، خودم می‌خواندم. درس معمولی من طلبگی بود و بعد از دوره دبستان، مدرسه طلبگی رفتم - یعنی از دوازده سالگی به بعد - بنابراین از همان وقتها دیگر من به فکر آینده - به این معنا - بودم؛ یعنی معلوم بود که دیگر بنیاست طلبه شوم.

البته طلبگی و لباس طلبگی، به هیچ‌وجه مانع از کارهای کودکان آن زمان نبود؛ یعنی هم عمامه سرمان می‌گذاشتیم، هم وقتی می‌خواستیم بازی کنیم، عمامه را در خانه می‌گذاشتیم، به کوچی می‌آمدیم و با همان قیامی دویدیم و بازی می‌کردیم - کارهایی که بچه‌ها می‌کنند - وقتی می‌خواستیم با پدرمان به مسجد برویم، باز عمامه را سرمان می‌گذاشتیم و عبا را به دوش می‌انداختیم و با همان وضع و حال و چهره کودکان به مدرسه می‌رفتیم و می‌آمدیم.

ما جوانان چه الگویی را برای خودمان در نظر بگیریم و خودمان را با آن مقایسه کنیم؟

من نمی‌توانم کسی یا اشخاص معینی را اسم بیاورم که حتماً آن‌ها الگوی شما باشند. بالاخره هر کسی ذوقی و سلیقه‌ای دارد؛ منتها می‌شود این‌طور فرض کرد الگویی را که انسان انتخاب می‌کند، باید الگویی باشد که شخصیت و منش او کاملاً با آرمان‌های انسان، همخوان و هماهنگ باشد.

فرض بفرمایید بعضی‌ها یک هنرپیشه را الگوی خودشان قرار دهند. خوب؛ این خیلی منطقی نیست. مثلاً یک هنرپیشه خارجی را الگوی خودشان قرار دهند. این نمی‌تواند منطقی باشد. محیط او محیط دیگر زندگی او زندگی دیگری است. یک انسان مسلمان؛ یک نوجوان مسلمان و ایرانی که برایش عزت ایران، سربلندی و آینده ایران و آینده نسل خودش، آن هم در چهارچوب معارف

آسمان باشد - هوا گرم بود؛ آن سال هایی که الان در ذهنم مانده، یا تابستان بود، یا شاید پاییز بود، روزها نسبتاً بلند بود. در آن سایه می نشستیم و ساعت های متمادی، اعمال روز عرفه را انجام می دادیم. هم دعا داشت، هم ذکر و هم نماز. مادرم می خواند، من و بعضی از برادر و خواهرها هم بودند، می خواندیم. دوره جوانی و نوجوانی من این گونه بود؛ دوره انس با معنویات و با دعا و نیایش.

البته ما آن وقت از یک امتیاز برخوردار بودیم که اگر آن امتیاز، امروز در جوانی باشد، دعا و ذکر و نماز برای او شیرین خواهد بود و مطلقاً خسته کننده نخواهد شد؛ و آن توجه به معانی است. ببینید؛ هر کس که از نماز خسته می شود، یا معنای نماز را نمی داند، یا توجه نمی کند، و الا اگر کسی معنای نماز را بداند و به نماز هم توجه کند، امکان ندارد از نماز خسته شود؛ اصلاً امکان ندارد.

اگر کسی معنای دعا، مثلاً دعای ابی حمزه ثمالی، یا دعای امام حسین (ع) در روز عرفه را بفهمد و توجه کند - که هر دو خیلی طولانی هستند و چون گاهی انسان معناراهم می داند، اما توجه نمی کند، ذهنش جاهای دیگر می رود - امکان ندارد از این دعای به این بلندی خسته شود. یعنی این گفتگویی که در این دعا انجام گرفته، بین آن بنده برگزیده و شایسته و با معرفت و خدا، این قدر پُر جاذبه و نافذ و حقیقی است - یعنی بیان کننده آن خواسته های فطری انسان است - که امکان ندارد کسی هیچ وقت از آن خسته شود. من توصیه ام به جوانان این است که عبادت را با توجه انجام دهند. من اصرار نمی کنم که زیاد عبادت کنید؛ نه. شما خواستید زیاد عبادت کنید، خواستید کم عبادت کنید؛ ولی آنچه انجام می دهید با توجه باشد. البته همه باید عبادت واجب را انجام دهند؛ آن که قابل اغماض و این ها نیست. هر کسی باید عبادت واجبش را انجام دهد. عبادات واجب، چیزی هم نیست، فقط هفده رکعت نماز در شبانه روز، عبادت واجب ماست که این چیز زیادی نمی شود. هفده تا یک دقیقه، یا حداکثر هفده تا دو دقیقه چیزی نمی شود. من نمی گویم جوانان عبادات مستحبیه - مثل دعا خواندن، تلاوت قرآن، یا نمازهای مستحبی - را زیاد انجام دهند؛ اما می گویم همان مقداری که انجام می دهند با توجه باشد. اگر با توجه انجام دادند، بهره می برند؛ حقیقتاً از آن چیزی که می خوانند، استفاده می کنند. حالا ممکن است بعضی عربی بلد نباشند، ترجمه های خوبی شده است؛ من بعضی از ترجمه های دعاها را دیده ام، واقعاً خوب است. بد نیست شما این را بدانید. من با دید ادبی که به این دعاها نگاه می کنم، جزو زیباترین سخنان زبان عربی است. همین دعای کمیل، یا دعای امام حسین (ع) در عرفه، یا همین دعای ابی حمزه، یا آن مناجات شعباتیه، این ها در زبان عرب، جزو زیباترین متنهای ادبی است؛ خیلی زیباست؛ البته این دعاها متنهای قدیمی است. می دانید که زبان، تحول پیدا می کند؛ مثلاً به صورت یک تشبیه ناقص، گلستان سعدی قدیمی است، زبان قدیمی دارد، اما کسی که آن را بخواند و اهل ادبیات و هنر باشد، از زیبایی آن بهره می برد. این



از خدا همه

چیز بخواهید؛

یعنی هیچ چیز را

نگویید کوچک

است، یا بد

است که از خدا

بخواهیم همه چیز

را می شود از خدا

خواست.

فرق خدا و

بندگان خدا این

است که بندگان

خدا به گونه ای

هستند که گاهی

بد است انسان

چیزهایی را از

آن ها بخواهد؛ اما

از خدا، هیچ چیز

بد نیست که شما

بخواهید

تعبیرات، بسیار زیباست؛ هم الفاظ زیباست، هم معانی زیباست.

مفاهیم و معارفی که در صحیفه سجّادیه است، به قدری زیباست که! انسان گاهی اوقات حیرت می کند این چه ذهنی است، چه مغزی است که این ها را توانسته است کنار هم بنشانند و چنین تعبیراتی را درست کند! لذا من توصیه می کنم که ارتباطات بچه ها با خدا، ارتباطات با توجه و با حالی باشد؛ بخصوص نمازها را با حال بخوانند. دعا که می خوانند، با حال و با توجه بخوانند و بدانند با چه وجودی حرف می زنند و چه می خواهند و بدانند این خواست، پاسخ دارد. در قرآن، به ما گفته شده است: «ادعونی استجب لکم»، مرا بخوانید تا به شما پاسخ دهم. یک جا دارد: «واستلوا الله من فضله»؛ از فضل خدا طلب کنید و بخواهید. این ها وعده های الهی است و وعده های الهی، صادق ترین وعده هاست و حتماً چنانچه از خدا بخواهید، خدا به شما پاسخ خواهد داد. اگر انس پیدا کنید، خواهید دید که خیلی از پاسخ ها همانی است که در همان لحظه به شما داده می شود؛ یعنی آدم نباید خیال کند که پاسخ دعا حتماً همان پولی است که از خدا خواسته است و باید برسد! گاهی اوقات پاسخ، همانی است که در آن لحظه به شما می دهند. آن چنان نورانیی در دل شما به وجود می آید که می بینید اصلاً پاسختان را همان ساعت گرفته اید. آن حالتی را که انسان در دعا پیدا می کند، گاهی احساس می کند که دیگر غیر از آن، هیچ چیز نمی خواهد. وقتی یاد پروردگار در دل انسان، زنده باشد، این گونه است.

یک نوجوان، در دعا از خدا چه بخواهد؟

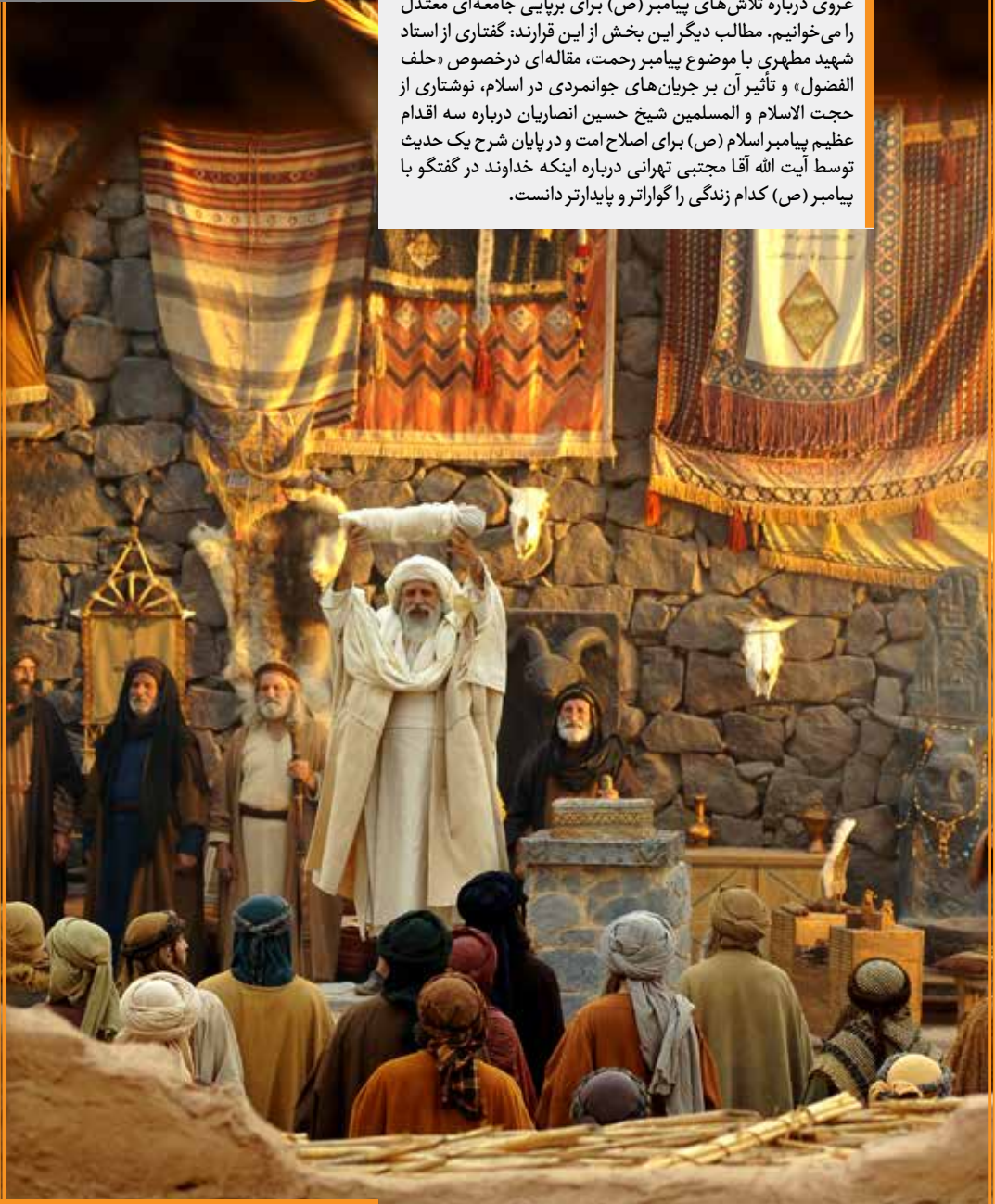
هر چه بخواهد عیبی ندارد؛ یعنی نوجوان، آرزوهایی دارد دیگر. گاهی آرزوهای انسان در یک اتاق خلاصه می شود - در اتاق خودش که در خانه دارد، یا با خانواده اش زندگی می کند - یعنی خیلی کوچک است؛ همان را هم از خدا بخواهید، مانعی ندارد. از خدا همه چیز بخواهید؛ یعنی هیچ چیز را نگویید کوچک است، یا بد است که از خدا بخواهیم همه چیز را می شود از خدا خواست.

فرق خدا و بندگان خدا این است که بندگان خدا به گونه ای هستند که گاهی بد است انسان چیزهایی را از آن ها بخواهد؛ اما از خدا، هیچ چیز بد نیست که شما بخواهید. خدا قدرتش زیاد است، علمش هم زیاد است، نیاز شما را هم می داند و آن چیزی که از شما می پسندد، ارتباط با او است. این ارتباط، با درخواست حاجت است. بسیار خوب؛ حاجت بخواهید، خدا هم ان شاء الله عطا خواهد کرد. اگر مصلحت شما باشد، خدا آن حاجت را روا خواهد کرد. آینده تان را بخواهید، توفیقات و پیشرفتتان را بخواهید، سلامت خودتان را بخواهید، ایمان قوی را از خدا بخواهید. می دانید، یکی از خواسته هایی که در دعاها ما خیلی روی آن تکیه شده، همان ایمان و یقین ثابت و روشن و شورانگیز است؛ این را هم از خدا بخواهید. این را هم خدا به شما می دهد. دنیا بخواهید، آخرت بخواهید، برای پدر و مادر تان و برای دوستان تان بخواهید. دعا این است. □



« اندیشه

به مناسبت میلاد اسوه بشریت حضرت ختمی مرتبت بخش ویژه‌ای را به آشنایی با ویژگی‌های اخلاقی پیامبر اسلام (ص) اختصاص داده‌ایم. در اولین مطلب این بخش مقاله‌ای خواهیم خواند که سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که چرا پیامبر (ص) رفتارهای زشت دیگران را با برخورد خوب پاسخ می‌داد؟ پس از آن گفتگویی با آیت‌الله یوسفی غروی درباره تلاش‌های پیامبر (ص) برای برپایی جامعه‌ای معتدل را می‌خوانیم. مطالب دیگر این بخش از این قرارند: گفتاری از استاد شهید مطهری با موضوع پیامبر رحمت، مقاله‌ای در خصوص «حلف الفضول» و تأثیر آن بر جریان‌های جوانمردی در اسلام، نوشتاری از حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان درباره سه اقدام عظیم پیامبر اسلام (ص) برای اصلاح امت و در پایان شرح یک حدیث توسط آیت الله آقا مجتبی تهرانی درباره اینکه خداوند در گفتگو با پیامبر (ص) کدام زندگی را گوارتر و پایدارتر دانست.



ملاک، رضایت خدا است

به هیچ غریبی ستم نرسد

مردم را موعظه خواه تربیت کرد



اگر جامعه به این اصل اساسی و بنیانی در حوزه تفکر انسان و دین توجه کند و با طرد ردابیل اخلاقی، واقعاً فضایل نفسانی را جایگزین کند، آنگاه براساس یک تدبیر درست و شایسته، آن اخلاق را در حیات فردی یا اجتماعی به نمایش می‌گذارد و به آن عمل می‌کند. در نتیجه اخلاق فردی و اجتماعی، اموری در عرض همدیگر نیستند، بلکه دو جلوه از یک حقیقت و واقعیت هستند؛ اگر آن حقیقت وجود داشته باشد، اخلاق فردی و اجتماعی نیز هر دو حضور دارند و اگر وجود نداشته باشد، هیچ کدام از آن‌ها در صحنه نخواهند بود. دین به آن نقطه اساسی که شکل‌گیری ملکات نفسانی و فضایل انسانی است، به نام اخلاق اشاره می‌کند.

❏ اخلاق فردی مطلوب در نگاه پیامبر (ص)

نگاه پیامبر (ص) به اصل اخلاق است. این اخلاق گاهی اوقات در سطح مباحث فردی و نفسانی انسانی یعنی در خصوص مسائل شخصی او و گاهی نیز در سطح اجتماع شکل می‌گیرد. به طور مثال اینکه انسان، منظم و مرتب و با خود، صادق باشد، دورو نباشد و با خود، منافق گونه برخورد نکند، از جمله موارد مرتبط با اخلاق فردی هستند. در عین حالی که ملکات نفسانی، متعدد هستند، برخی از آن‌ها ملکات اساسی‌تر و پایدارتری به شمار می‌روند و به عنوان رؤس اخلاق شناخته می‌شوند. از جمله آن‌ها مساله خودپسندی، عُجب، تکبر و غرور است که همه آن‌ها در یک فضای اخلاقی تصویر می‌شوند. این موارد ریشه بسیاری از مسائل سوء اخلاق خواهند بود. همان‌طور که اگر انسان به تواضع، فروتنی، بردباری، حلم و نظایر آن هم توجه کند، این هم به عنوان اصل دیگری است که بسیاری از رفتار و گفتار و کردار انسانی هم مبتنی بر آن‌ها خواهد بود.

برخی از جلوه‌ها در حوزه ذابیل اخلاقی مثل تکبر، حسد، خودبینی و عُجب در منطق اخلاق به عنوان اصول ردابیل اخلاقی شناخته می‌شوند، همان‌طور که در جنبه فضایل اخلاقی هم بحث عدالت، حکمت و شجاعت را هم در کتاب‌هایی مانند «جامع السعادات» یا «معراج السعاده» با عنوان اصول اخلاقی می‌شناسند. اگر جامعه به آن اصول اخلاقی که ریشه در نوع جلوه‌های اخلاقی دارد، توجه کنند و بتوانند آن‌ها را در هستی خود راه دهند، می‌توانند در بسیاری از مسائلی که در حوزه عمل، رفتار و گفتار پیش می‌آید، مصونیت پیدا کنند.

❏ به دست آوردن دل مردم

یکی از عمده‌ترین مسائل در این باب، بحث محبت و دوستی است که مبنای آن، دوستی به عنوان «حب الله» یا «حب فی الله» است. حب الله به معنای این است که انسان، خدا را دوست دارد و حب فی الله یعنی انسان برای رضای الهی نسبت به دیگران محبت می‌کند و دوستی و علاقه نشان می‌دهد. اگر حب فی الله در جامعه ما شکل بگیرد، بسیاری از مسائلی که گاهی اوقات انسان احساس می‌کند برای او سخت است و او را دچار مشکلات می‌کند، با آن حب فی الله ترمیم می‌شود. خدای عالم هم از انبیای

چرا پیامبر (ص) رفتارهای زشت دیگران را با برخورد خوب پاسخ می‌داد؟

ملاک رضایت خدا است

❏ حجت الاسلام و المسلمین دکتر مرتضی جوادی آملی

❏ اخلاق به عنوان یکی از شئون اساسی و زیرساختی انسان به شمار می‌رود؛ به این معنا که شئون رفتار، کرداری و گفتاری انسان مبتنی بر اخلاق شکل می‌گیرد. بر این اساس اخلاق یک بنیان اساسی و در حقیقت جلوه‌های فردی و اجتماعی برگرفته از آن بنیان است. به همین دلیل، بحث اولویت اخلاق فردی یا اخلاق اجتماعی یک بحث تبعی است و اصل اخلاق است که در نگاه دین به عنوان اصل و اساس شناخته شده است. اصل اخلاق عبارت از ملکات نفسانی، فضایل انسانی و دور داشتن نفس از ردابیل و خباثت نفسانی است. بر این اساس اگر نگاه دین در سطح اخلاق به عنوان یک جریان اصیل و زیرساختی در نظر گرفته شود، موارد فردی و اجتماعی یک بحث رونهایی به شمار خواهد رفت.



دلسوز و مهربان

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

« پیامبری که جهانی از عاطفه است و گاهی در امور عادی و پیش پا افتاده چنان مهر و عاطفه نشان می‌دهد که به راستی انسان را مبهوت



می‌کند. با دشمن محکم‌تر از کوه و با دوست، نرم‌تر از آب است؛ در گذشتن از حق شخصی خود، از سرسخت‌ترین دشمن خود به راحتی می‌گذرد، ولی در مقام اجرای قانون کاملاً قاطع است. در زمانی که کمتر کسی خواندن و نوشتن می‌دانست، فرمود: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه» و هنوز با گذشت چهارده قرن درباره اهمیت علم، شعاری رساتر از این شعار نیامده است.

در شرایطی که به خاطر کشته شدن یک نفر از یک قبیله، تمام افراد آن قبیله به خونخواهی قیام می‌کردند و چندین نفر از قبیله قاتل را بی گناه می‌کشند و بی رحمی در حد اعلای خود بود، پیامبر (ص) دستور می‌دهد که اگر کسی حیوان خود را - گرچه در سفر مکه - آزار دهد، گواهی آن شخص، از اعتبار می‌افتد. زیرا کسی که حیوان را خسته کرده، قساوت قلب دارد و قبول شهادت از چنین کسی نارواست. آری، این دستورها و لطفی که در آنها موج می‌زند، رمز حیات آن ملت مرده شد.

اگر کسی برای اصلاح و متحول کردن جامعه، از درون سوز نداشته باشد، محال است بتواند جامعه‌ای را مشتعل سازد. یکی از صفات برجسته انبیای الهی، سوز و گداز آنها برای هدایت و سعادت انسان‌ها بود. یکی از حرف‌هایی که قدیمی‌ها به بعضی افراد می‌گفتند، این بود: «ای بی درد!» پیداست که داشتن درد و سوز، خود یک کمال است و بی‌دردی یک درد بزرگ است.

خداوند در اوصاف پیامبرش می‌فرماید: «حریص علیکم» او نسبت به شما سوز دارد و برای ایمان شما حرص می‌خورد و در جای دیگر خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: شاید خویش را هلاک کنی که چرا آنها ایمان نمی‌آورند. همچنین، در آغاز سوره طه می‌فرماید: «ای پیامبر! ما قرآن را بر تو فرو نفرستادیم که این همه خود را به زحمت بیندازی!» آری، سوز و گداز دینی از اوصاف انبیا و اولیاست و نه تنها بر آنها، بلکه برای هر مسلمانی لازم است. یک طلبه و یک دانشجو اگر بسوزد، جامعه را متحول می‌کند. □



حب الله به

معنای این است

که انسان، خدا

را دوست دارد

و حب فی الله

یعنی انسان

برای رضای

الهی نسبت به

دیگران محبت

می‌کند و دوستی

و علاقه نشان

می‌دهد. اگر

حب فی الله در

جامعه ما شکل

بگیرد، بسیاری

از مسایلی که

گاهی اوقات

انسان احساس

می‌کند برای او

سخت است و او

را دچار مشکلات

می‌کند، با آن

حب فی الله

ترمیم می‌شود

الهی این را خواسته که است برای رضایت من و تحصیل رضایت من چه کاری را انجام داده‌اید.

دو جریان اساسی وجود دارد: الحب فی الله و البغض فی الله که این دو تمامی فعالیت‌های انسانی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. بر این اساس حتی اگر انسان به دیگری نیکی کند و از وی بدی ببیند، هیچ نگران نیست چرا که در منظر الهی و برای تحصیل رضایت خدا این کار را انجام داده است. انبیاء الهی و به ویژه شخص رسول گرامی اسلام هیچ نگران نمی‌شده‌اند، حتی اگر دیگران بدی می‌کردند، زیرا چارچوب همه فعالیت‌ها، دانش‌ها و اعمال او را در منظر خدا بودن و حب فی الله و بغض فی الله تشکیل می‌دهد است. همان طور که خدای عالم در قرآن به او فرموده است که «ادفع بالتی هی احسن» که بدی را با بهترین وجه پاسخ بده، حتی اگر با پیغمبر (ص) با سوء خلق و سوء رفتار برخورد می‌کردند، پیامبر گرامی بر اساس مکارم اخلاق و برای رضای خدا و حب فی الله با نیکی پاسخ می‌داد.

□ ویژگی‌های شهروند

و جامعه متخلق به مکارم اخلاق

یک شهروند، یک سلسله حقوق و یک سلسله تکالیف دارد که اگر این تکالیف را خوب و به درستی انجام دهد، حقوق وی نیز تأمین خواهد شد. تکالیف شهروندی بسیار مهم است و باعث قوام یک جامعه می‌شود. در صورتی که افراد یک شهر یا یک کشور به لحاظ اندیشه، تعقل و به لحاظ عمل، اعتدال داشته باشند، این امکانپذیر است. جامعه‌ای که از حد عقل تجاوز کند یا از حد عدل تعدی کند، به تکالیف شهروندی خود عمل نکرده است و طبعاً یک جامعه پراکنده و متشتت خواهد بود و حقوقی که برای آن هست، مترتب نخواهد شد. آنچه پیامبر گرامی از انسان‌ها خواسته است، در قرآن نیز با خطاب‌های متعدد «یا ایها الذین آمنوا» بیان شده است. برخی از این گونه آیات، ناظر بر مباحث عبادی و تعداد قابل توجهی نیز ناظر بر مسائل فرهنگی و اجتماعی است. به طور مثال اینکه حتی ادب گفتگو را به ویژه در گفتگوی با پیغمبر رعایت کنند، قول لئین و آرام و قول سدید و استوار داشته باشند، بدگویی و عیب جوئی نکنند و موارد دیگر. این‌ها از مسایلی است که از تکالیف شهروندی محسوب می‌شود و زمینه را برای استیفای حقوق شهروندی فراهم می‌کند.

آنچه که امروز به عنوان یک جامعه یا امت وسط و شاهد از جامعه شیعی انتظار دارند، عقلانیت و اعتدال است. عقلانیت در بخش اندیشه و اعتدال در بخش عمل و اخلاق و متأسفانه آنچه امروز کمتر شاهد آن هستیم، این دو امر اساسی است. با توجه به اینکه جامعه ما در حال راه یافتن به جامعه جهانی و ارتباط با آن است، باید سرآمد این امر بود. باید به عنوان امت وسط و شاهد شناخته شویم و این زمانی امکانپذیر است که بتوان دو بعد عقلانیت و اعتدال را حاکم کرد. به این معنا که انسان هم از افراط و تفریط پرهیز کند و هم از آنچه امروز به عنوان گردش‌های راست گونه یا چپ گونه شناخته می‌شود که این صرفاً با تذبذب و درایت امکانپذیر است. □



را با عنوان اسوه حسنه معرفی کرده است، آنجا که در آیه ۲۱ سوره احزاب فرموده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ برای شما پیغمبر خدا، الگویی نیکویی است» بر این اساس مسلمانان موظفند تمام ابعاد شخصیتی آن حضرت را مورد بینش قرار دهند تا مقدمه پیروی از ایشان برای آن‌ها فراهم شود.

مبارزه با خرافات

مبارزه با «سنن جاهلی و خرافات» دومین مبارزه پیامبر (ص) است. سنت‌های جاهلی ریشه بخش عمده‌ای از مفاسد و گناهان اجتماعی به شمار می‌رود لذا رسول خدا تبلیغی عملی انجام دادند تا آن‌ها را از صحنه زندگی مردم محو نمایند. آیاتی از قرآن کریم به گوشه‌هایی از خرافات اشاره می‌کند. از جمله در آیه ۱۳۸ سوره انعام آمده است که مشرکان پیش از اسلام گفتند، این قسمت از چهارپایان و زراعت که مخصوص بت‌هاست برای همه ممنوع است و جز کسانی که ما بخواهیم (مشرکان قریش) نباید از آن بخورند؛ این‌ها چهارپایانی هستند که سوار شدن بر آن‌ها بر مردم حرام است، هنگام ذبح، کلام خدا را بر آن نمی‌برند، به خدا دروغ می‌بستند و می‌گفتند، این احکام همه از ناحیه خداست و خداوند به زودی کیفر آن‌ها را می‌دهد.

از جمله خرافات آنان در زمان جاهلیت آن بود که از روی احترام و رعایت حال شتران، خود را از باربری و استفاده از شیر و گوشت آن‌ها، محروم می‌کردند و آن‌ها را به بت‌ها اختصاص می‌دادند و می‌گفتند از گوشت آن‌ها نباید کسی استفاده کند جز مردان و از خوردن گوشت آن‌ها زنان محروم

گفتگو با استاد یوسفی غروی

درباره تلاش‌های پیامبر (ص) برای برپایی جامعه‌ای معتدل

اساس دعوت پیامبر رحمت و محبت است

در گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین محمدهادی یوسفی غروی، کارشناس تاریخ اسلام، درباره تلاش پیامبر (ص) برای برپایی جامعه‌ای متعالی، ایشان به چهار گام اساسی پیامبر اسلام (ص) در این باره اشاره کرده و درخصوص آن‌ها توضیح مختصری ارائه نموده است. ■

مبارزه با مفاسد اجتماعی

پیامبر اکرم (ص) برای برپایی جامعه معتدل در گام اول با «مفاسد اجتماعی» مبارزه کردند. کشف سیره نبوی در برخورد با مفاسد و رسیدگی به جرائم یکی از نیازهای حیاتی جوامع اسلامی است و توجه به عمل به سیره و روش پیغمبر اکرم (ص) می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات امروزی بشریت باشد.



هدف رسول اکرم با مبارزه با مفاسد اجتماعی، رساندن انسان‌ها و جامعه بشری به رستگاری است، همانطور که خود آن حضرت می‌فرمود: «قولوا لا اله الا الله تفلحون؛ بگوئید خدایی جز خدای یگانه نیست تا رستگار شوید» زیرا انسان موجودی است که برای رسیدن به سعادت و خوشبختی نیازمند الگو و اسوه نیکوست که بتواند با پیروی از او، عقل و فطرت خود را شکوفا و زمینه خوشبختی خود را فراهم کند. برای رفع این نیاز حیاتی خداوند متعال پیامبرش

انسان‌ها با اینکه در فقر به سر می‌برند و زندگی سطحی دارند و با توجه به اندیشه، معرفت و ظرفیت بالایی که دارند، در برابر مشکلات صبر می‌کنند و فقرشان آن‌ها را به فساد و گناه نمی‌کشاند. با عزت و آبرو زندگی می‌کنند تا کرامت انسانی آن‌ها حفظ شود. با این حال مگر چند درصد از مردم جامعه چنین هستند و می‌توانند در مقابل فقر و تنگدستی مقابله کنند و آن را نردبان تکامل و تعالی خود قرار دهند! به همین جهت تأمین صحیح نیازها و برآورده شدن نیازهای زندگی در حد متعادل دارای اهمیت است زیرا با توجه به نقش انگیزه که یکی از مقادیر رفتار است، مادامی که فرد تحت فشار گرسنگی یا تمایل جنسی قرار گیرد یا سریناهی برای حداقل زندگی ندارد، غالباً هم نمی‌تواند به سمت تعالی اخلاقی و معنوی پیش رود، در تعالیم اسلامی این نکته مورد توجه واقع شده است، همانطور که خداوند در آیات ۳ و ۴ سوره قریش می‌فرماید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ؛ باید پرورگار این خانه (کعبه) را عبادت کنند همانی که ایشان را از گرسنگی نجات داد و از ناامنی‌های رهایی بخشید.»

در آیه‌ای از قرآن کریم صفات اخلاقی، تقوا، شغل، عمل صالح، تأمین احتیاجات اولیه انسان‌ها مطرح شده است. خداوند در آیه ۸۸ سوره مائده می‌فرماید: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَانْتَوُوا إِلَيْهِ أَنتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛ ای مردم از آنچه که خداوند به شما روزی داده است به صورت حلال و پاکیزه تناول کنید و از خدایی که شما به او ایمان دارید پرهیز کنید» در آیه ۱۷۲ بقره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ لِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از پاکیزه‌های آنچه که به شما روزی کرده‌ام تناول کنید و اگر خدا را می‌پرستید برای او شاکر و سپاسگزار باشید» در آیه ۵۱ مومنون می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ لِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛ ای پیغمبران به سوی بندگان ما از پاکیزه‌های روزی ما بخورید و کار شایسته انجام دهید که من به آنچه که انجام می‌دهید عالم و آگاه هستم.»

پیامبر اسلام آیین اقتصادی اسلام را برای مردم تبیین و با استفاده از قدرت سیاسی آن‌ها را اجرا می‌کرد، آن حضرت در حدیث شریفی به نقش حیاتی تأمین نیازهای زیستی برای توجه به نیازهای عالی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «حاکم مسلمانان نباید مردم را به فقر بکشاند تا مبادا سراز کفر و بی اعتقادی درآورد.» (این حدیث در اصول کافی جلد ۱ صفحه ۶۴ آمده است.) این نظریه که انسان‌ها بدون توجه به نیازهای پایین تریا رضای نسبی آن‌ها به سوی فضایل انسانی گام بر نمی‌دارند، در غالب افراد جامعه انسانی صدق می‌کند لذا پیش از همه، نظریه پردازان دین اسلام به این امر اهتمام داشته و مورد اهمیت قرار دادند؛ نمود و اهمیت آن را در سیره و روش عملی پیامبر (ص) رحمت و ائمه طاهرین مشاهده می‌کنیم که با عنایت به محرومان و رفع نیازمندی‌های آنان سعی در تأمین حداقل احتیاجات یا نیازمندی‌های آنان می‌نمودند و همین مطلب مقدمات میل به سوی انواع هدایت را برای آن‌ها فراهم می‌کرد. □



دین اسلام، مدارا

با توده مردم اعم

از مخالف و

موافق را ضروری

می‌داند و عفو

و گذشت از

اساسی‌ترین

اصول دین

اسلام و اوصاف

پسندیده اخلاقی

در حوزه اخلاق

اسلامی است.

پیامبر (ص) با

عنوان سرسلسله

این الگودر

مدیریت خود،

همواره در این

اصل تاکید

می‌ورزیده،

چنانکه

می‌فرماید:

«عاقل‌ترین مردم

آن کسی است که

از همگان بیشتر

با مردم مدارا

کند و تلخ‌ترین

مردم کسی است

که مردم را خوار

بشمارد و مورد

تحقیر و توهین

قرار دهد.»

هستند و نیز قسمتی از محصول کشت خود را برای بت‌ها قرار می‌دادند. در آیات ۳۶ تا ۴۰ سوره احزاب به یکی از صحنه‌های مبارزاتی آن حضرت برای کوبیدن سنت‌های غلط جاهلی اشاره می‌کند. یکی از سنن جاهلی آن‌ها این بود که دختران اشراف نباید به ازدواج طبقه فقیر درآیند و سنت الهی در این موضوع این بود که ملاک برتری تقواست؛ اما پیامبر اسلام برای نشان دادن این سنت الهی به جای آن سنت جاهلی، زینب دختر عمه خود را که از طبقه اشراف جامعه قریش بود به عقد زید بن حارثه غلام آزاده شده حضرت خدیجه درآورد. عرب جاهلی اعتقادات خرافی فراوانی داشت که پیامبر (ص) با همه آن‌ها به مبارزه پرداخت. آن حضرت به این موضوع اینگونه اشاره می‌کند که تمام آداب و رسوم جاهلی را زیر پایم قرار دادم. این مطلب را مرحوم علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود آورده است.

□ مبارزه با جهل

«مدارا و گذشت» به عنوان سومین ابزار مبارزه برای پیامبر (ص) محسوب می‌شود. دین اسلام، مدارا با توده مردم اعم از مخالف و موافق را ضروری می‌داند و عفو و گذشت از اساسی‌ترین اصول دین اسلام و اوصاف پسندیده اخلاقی در حوزه اخلاق اسلامی است. پیامبر (ص) با عنوان سرسلسله این الگو در مدیریت خود، همواره در این اصل تاکید می‌ورزیده، چنانکه می‌فرماید: «عاقل‌ترین مردم آن کسی است که از همگان بیشتر با مردم مدارا کند و تلخ‌ترین مردم کسی است که مردم را خوار بشمارد و مورد تحقیر و توهین قرار دهد.» این حدیث را مرحوم شیخ صدوق در کتاب «من لایحضره الفقیه» نقل کرده است. به کارگیری این شیوه، موفقیت بیشتری برای حاکمان و مدیران جامعه به همراه خواهد داشت از این رو پیامبر (ص) در راستای تحقق اهداف اصلی خود در امر هدایت جامعه این شیوه را برگزیدند و اصل رحمت و محبت، اساس دعوت ایشان بود و راز موفقیت آن حضرت در تسخیر قلوب به وسیله محبت و ملامت بود.

پیغمبر می‌فرمودند: «من با دین حقیقت ابراهیم، دین پاک، با گذشت و آسان و آسان‌گیری می‌بویتم شده‌ام؛ هر کس با سنت من مخالفت ورزد از من نیست.» همچنین در کتاب تاریخ بغداد، خطیب بغدادی این حدیث آمده است که وحشی غلامی، حضرت حمزه، عموی پیامبر اکرم را در جنگ احد به شهادت رساند. پیامبر (ص) فرمان چگونگی برخورد با قاتل حمزه را صادر کرده بودند؛ اما وحشی پس از فتح مکه به شهر طائف که در حدود ۸۰ کیلومتری مکه است، گریخت. پس از مدتی ناگهان بر پیامبر (ص) وارد شد و شهادتین اسلام را بر زبان جاری کرد و پیغمبر اکرم او را بخشیدند؛ ولی فرمودند: «جایی باش که من تو را نینم.»

□ مبارزه با فقر

«مبارزه با فقر» به عنوان چهارمین نمونه مبارزات پیامبر (ص) به شمار می‌رود. مبارزه با فقر به عنوان اقدامی برای پیشگیری از جرم و گناه بوده است. بسیاری از



پیام رحمت از نگاه استاد شهید مطهری

تسلیم حقیقت

و باور عامه را در این خصوص به نقد می‌کشند. ایشان به این صورت به طرح مسئله می‌پردازند که عامه مردم همواره تلاش می‌کنند با قلاب چهل با پیامبر ارتباط برقرار کنند؛ یعنی فکر می‌کنند مقام فرشته‌ای مانند جبرئیل از مقام پیامبر اکرم بالاتر است و از این رو مقام پیامبر را به گمان خود بالا می‌برند تا به مقام فرشته برسانند، و حال آنکه «پیغمبر یعنی انسان کامل، یعنی شخصیتی که مشخصات بشریت را دارد با کمال عالی مافوق مَلکی. به عبارت دیگر پیامبر در عین حال که عواطف و جنبه‌های بشری‌اش از ما قویتر است، در جنبه‌های کمال انسانی از فرشته و از جبرئیل امین بالاتر است».

از نگاه استاد مطهری، اسلوب صحیح در شناخت پیامبر این است که با قلاب حقایق معلوم و مفهوم و نه با قلاب مجهولات و امور نامفهوم با آن حضرت ارتباط برقرار کنیم. ایشان در تبیین این مسئله می‌گویند: «ما امروز درباره پیغمبر خودمان همان طوری فکر می‌کنیم که اعراب جاهلیت درباره ابراهیم (ع) فکر می‌کردند که با آنکه به نبوت ابراهیم (ع) و بعضی پیغمبران دیگر معتقد بودند، باز انتظار داشتند پیغمبر غذا نخورد و راه نرود در کوچه‌ها، مثل اینکه اگر این طور باشد پیغمبر نیست، در حالی که قرآن این خیال را نفی می‌کند. آیات زیادی که تأکید می‌کند بر بشریت حضرت رسول که «انما انا بشر مثکم» و «قل سبحان ربی هل کنت الا بشراً رسولاً» و «انک میت و انهم میتون» همه برای این است که پیغمبر را از مدار بشریت خارج نکنند که از طرفی مدعی الوهیت بشوند (مانند مسیحیت تحریف شده) و از طرفی به جای اینکه بگویند امام و پیشوا و معلم بوده بگویند تنها برای گناه بخشی آمد».

در این نوشتار برآنیم تا راوی پیام ما و ماندگار حضرت ختمی مرتبت، رسول گرامی اسلام از زبان متفکر فرزانه استاد مطهری باشیم تا از این حقیقت برملا شود که چرا پس از گذشت بیش از چهارده قرن از رحلت آن عصاره خوبی‌ها، آفتاب پیام آسمانی او نه تنها رو به تیرگی ننهاد بلکه هر روز روشن‌تر و پاک‌تر از روز پیش، خود را بر عصرها و نسل‌ها عرضه داشته و می‌دارد. ■

نکته برجسته‌ای که در پیام حضرت محمد (ص) یعنی «اسلام» به چشم می‌خورد و ضامن ماندگاری آن است، خود لفظ و محتوای «اسلام» است. استاد مطهری می‌گوید: «اسلام اعجاز در تسمیه دارد. پیغمبر ما نام دین خود را دین احمدی یا دین محمدی نگذاشت مثل دین مسیحی و عیسوی و کلیمی و غیره. و همچنین به اسم زادگاه یا وطن آن حضرت نیست



که بگویند دین مکی یا مدنی یا حجازی یا عربی، مثل اینکه گفته شد دین نصرانی به اعتبار ناصره (زادگاه حضرت مسیح)، بلکه گفت دین «اسلام» و مدعی شد که ابراهیم این نام را گذاشته: «هو مسقیمک المسلمین من قبل» و حقیقت اسلام، تسلیم حقیقت بودن است. پس چنان که استاد مطهری اشاره داشتند، اسلام برخلاف ادیان دیگر، در نامگذاری نیز این درس بزرگ را به پیروانش آموخته است که این دین خاتم قائم به شخص نیست و از همین روست که مبدأ تاریخ اسلام نیز روز تولد پیامبر تعیین نشده، بلکه روز هجرت آن حضرت از مکه به مدینه قرار داده شده است و به قول استاد مطهری: «هجرت یعنی ضرورت جدا شدن از یک سرزمین به قصد سرزمین دیگر به منظور نجات و آزادی ایمان».

انسان کامل

از این نقطه عزیمت، استاد مطهری به این موضوع منتقل می‌شود که: «مردم اگر بخواهند از سیرت پیامبر استفاده کنند باید پیغمبر را در کسوت بشر ببینند که او هم فکر می‌کرده و نقشه داشته و عمل می‌کرده؛ اعمال و اخلاق و حرکات و افکار او در سرنوشتش تأثیر داشته است». استاد شهید در اینجا به یک آسیب‌شناسی ژرف در باب معرفت و شناخت پیامبر دست می‌زند



.....

پیامبر اکرم با

تعلیم عملی

توحید، به پیروان

خویش شخصیت

داد و آن‌ها را از

حضیض ذلت

و بردگی به اوج

عزت و آزادگی

رفعت بخشید؛

یعنی «به آن‌ها

عشق و ایده‌آل

داد و عشق و

ایده‌آل‌هایی را که

روی آن را غبار

گرفته بود زدود

دوباره آن‌ها را زنده

کرد»

از جمله آیاتی که اندیشه و تفکر صائب در مورد پیامبر اکرم را عرضه می‌دارد، آیه شریفه‌ای است که پس از جنگ احد و به دنبال شایعه کشته شدن پیامبر در این جنگ نازل شد. استاد مطهری این جریان تاریخی را این گونه نقل می‌کنند: «در جریان جنگ احد که مسلمین شکست خوردند و خبر کشته شدن پیغمبر اکرم پخش شد و گروهی از مسلمین پشت به جبهه کرده فرار کردند، قرآن کریم چنین می‌فرماید: و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم (محمد جز پیامبری که پیش از او نیز پیامبرانی آمده‌اند نیست. آیا اگر او بمیرد و یا در جنگ کشته شود شما فرار می‌کنید و دیگر کار از کار گذشته است؟!)

حضرت استاد علامه طباطبایی (روحی فداه) در مقاله «ولایت و حکومت» از این آیه چنین استنباط فرموده‌اند که کشته شدن پیغمبر اکرم در جنگ نباید هیچ‌گونه وقفه‌ای در کار شما ایجاد کند؛ شما فوراً باید تحت لوای آن کس که پس از پیغمبر زیم شماست به کار خود ادامه دهید. به عبارت دیگر، فرضاً پیغمبر کشته شود یا بمیرد، نظام اجتماعی و جنگی مسلمین نباید از هم بپاشد.

البته این گونه پیامبرشناسی که قرآن ارائه می‌کند، در صدر اسلام در میان برخی اصحاب با بصیرت و تربیت یافته مکتب وحی بروز و ظهور داشت، چنان که در همان جنگ احد که گروهی از رزمندگان با شنیدن شایعه کشته شدن پیامبر فرار را برقرار ترجیح دادند، سعد بن ربیع که مجروح شده و بر زمین افتاده بود، در پاسخ یکی از مسلمانان فراری که گفت: شنیده‌ام پیغمبر کشته شده است، گفت: اگر محمد (ص) کشته شده باشد، خدای محمد (ص) که کشته نشده است، دین محمد (ص) هم باقی است، تو چرا از دین خودت دفاع نمی‌کنی؟!»

۴ | امر خدای سبحان

در قرآن کریم پیامبر اسلام ۱۰ بار با خطاب «یا ایها النبی» و ۲ بار با خطاب «یا ایها الرسول» مخاطب پروردگار قرار گرفته و حتی یک بار با اسم خاص مورد خطاب واقع نشده است، و این علاوه بر اینکه بیانگر تجلیل و تکریم پیامبر است، نشانگر آن است که در قاموس قرآن آنچه اصل و اساس به شمار می‌آید نه صرفاً شخص پیامبر بلکه شخصیت، جایگاه و شأن و مقام ایشان است. گواه این حقیقت، آیه ۴ سوره احزاب است که می‌فرماید: «ما کان محمد اباً احد من رجالکم ولکن رسول الله و خاتم النبیین» (محمد پدر یکی از مردان شما نیست، بلکه فرستاده خدا و خاتم پیامبران است). مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه خاطر نشان می‌سازند: «در این آیه اشاره به این حقیقت نیز هست که ارتباط و بستگی آن جناب به شما مردم، ارتباط رسالت و نبوت است و آنچه او می‌کند به امر خدای سبحان است.»

در حقیقت پیامبرشناسی مورد نظر قرآن، ما را به توحید ناب و سره سوق می‌دهد؛ توحیدی که راه را بر هرگونه شخص پرستی می‌بندد؛ توحیدی که قهرمان آن ابراهیم بت‌شکن است. استاد مطهری در این باره می‌گویند: «شعار

اصلی و اساسی اسلام توحید است. تفاوت تربیت اسلامی با سایر تربیت‌های یکی در این است که اساس همه تربیت‌ها را توحید قرار داده است. توحید آن وقت برای انسان توحید واقعی است که تا اعماق روحش نفوذ کرده باشد؛ یعنی غیر از خدا چیزی را نبیند و چیزی را نخواهد و از چیزی نترسد». در صورتی که باور توحیدی در زرفای جان مسلمانان ریشه بدواند، آنگاه شخصیت مطلوب طراز مکتب را کسب خواهند کرد؛ شخصیتی که آنان را از هر گزند و آسیب داخلی و خارجی مصون خواهد داشت. استاد مطهری در این باره چنین می‌گویند: «بزرگترین اثر شعار توحید این بود که به پیروان خود شخصیت داد. از این سرمایه بالاتر برای اجتماع وجود ندارد که در خودش احساس شخصیت و منش کند. حیات یک ملت به داشتن ثروت زیاد نیست، حتی به علم هم به تنهایی نیست. اگر ملتی همه چیز داشته باشد ولی شخصیت خودش را بیازد هیچ چیز نخواهد داشت و خواه نخواه در ملت‌های دیگر جذب می‌شود.»

پیامبر اکرم با تعلیم عملی توحید، به پیروان خویش شخصیت داد و آن‌ها را از حضیض ذلت و بردگی به اوج عزت و آزادگی رفعت بخشید؛ یعنی «به آن‌ها عشق و ایده‌آل داد و عشق و ایده‌آل‌هایی را که روی آن را غبار گرفته بود زدود و دوباره آن‌ها را زنده کرد».

حسین بن علی (ع)، این چراغ هدایت و کشتی نجات بشریت نیز با قیام خونین خویش همین رسالت سترگ جد بزرگوارش را تداوم بخشید. استاد مطهری، این حقیقت را این گونه تبیین می‌کند: «حسین بن علی (ع) به نام یک نفر مصلح و اصلاح طلب که باید در امت اسلام اصلاح ایجاد کرد، قیام کرد و به مردم عشق و ایده‌آل داد. رکن اول حماسه زنده شدن یک قوم، همین است. ملتی شخصیت دارد که حس استغنا و بی‌نیازی در او باشد. او حس استغنا و بی‌نیازی به مردم داد و همین روحیه استغنا چقدر قیام‌ها و نهضت‌ها به وجود آورد!».

استاد مطهری به جد بر این باور بود که «امام خمینی (ره) شخصیت واقعی و هویت اسلامی مردم را به آن‌ها بازگرداند» و معتقد بود که آینده انقلاب اسلامی نیز به این بستگی دارد که رهبران جامعه بتوانند این روحیه خلل‌ناپذیر و غیرقابل نفوذ را تقویت کنند و مانع شوند که در آن خلل یا تحریفی واقع شود و ملت به حالت تسلیم و تمکین گذشته برگردد. استاد شهید، بزرگترین هدیه یک رهبر به ملت خود را «ایمان به خویش» می‌داند؛ یعنی اینکه آن رهبر ملت را به خودش مؤمن و معتقد کند که بگوید من از خودم تاریخ و فرهنگ دارم و هیچ احتیاجی ندارم که از غرب الگو بگیرم.

آری، پیامبر رحمت، حضرت ختمی مرتبت نیز بزرگترین هدیه‌ای که به امت خویش بخشید، ایمان به ارزش‌ها و اصالت‌های انسانی و باور عمیق به شخصیت و هویت اسلامی بود؛ شخصیت و هویتی که ریشه در فطرت خداجوی و حق طلب انسان‌ها دارد و اراده ناشی از آن می‌تواند جهان غرق در خودخواهی و نفس پرستی را به جهان آرمانی توحیدی مهدی موعود (عج) متحول سازد. □

«حلف الفضول» و تأثیر آن بر
جریان‌های جوانمردی در اسلام

به هیچ غریبی ستم نرسد

ا هوشنگ شکری

عده‌ای از جوانمردان رسید به حمایت از امام بر سیره پیمان جوانمردان (حلف الفضول) برخاسته و حاکم مدینه به جهت این غیرتمندی جوانمردان دست از ظلم به امام (ع) کشیده و مال را به ایشان برگرداند.

ستاندن داد مظلوم

پیمان جوانمردان (حلف الفضول) سبب ایجاد جریان‌های گوناگون جوانمردی در عالم اسلام شد و تربیت یافتگان مکتب محمدی (ص) هریک به گونه‌ای خود را مسئول دفاع از مظلومان و ستمدیدگان، غربا، درماندگان، یتیمان و... قلمداد می‌کردند. نمونه بارز و عینی جوانمردان بعد از حضرت رسول (ص) را می‌توان در سیره زندگی سرور فقیان عالم حضرت مولاعلی (ع) و دیگر ائمه معصومین (ع) و نیز تربیت یافتگان مکتب علوی عیناً مشاهده کرد، چنانچه جریان‌های فکری و عملی که بعد از حضرت رسول تحت نام و عنوان فتوت و فقیان در اقصی نقاط عالم اسلام پدید آمد به نوعی متأثر از همان سیره جوانمردان و به خصوص شخص نبی اکرم (ص) بودند که در طول تاریخ بنا بر شرایط مختلف زمانه پیمان‌های جوانمردی را حفظ و حراست کرده و از بذل جان و مال دریغ نمی‌کردند. بر همین سیره، دستجات فتوت و فقیان که به صفات ستاری، مروت، جوانمردی و دفاع از مظلومان و مال و جان و ناموس ضعفا کمر همت بسته و جانبازی‌ها و مردانگی‌های فراوانی در طول تاریخ به منصفه ظهور رساندند. فقیان و تفکر مبتنی بر پیمان جوانمردان سبب شد تا صنوف مختلف اجتماعی در کشورهای اسلامی و به

«حلف الفضول» یکی از نقاط عطف در تاریخ و سنت نبی اکرم (ص) است که رخدادهای مهم فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی را در تاریخ اسلام تا امروز تحت الشعاع قرار داده است. چنانچه جریان‌های مختلف فتوت و جوانمردی و فقیان چون عیاران، صلحوکان و مطوعه به نوعی پیدا و پنهان متأثر از جریان و پیمان حلف الفضول حضرت ختمی مرتبت (ص) است.

در تواریخ مختلف از جریان حلف الفضول چنین یاد شده است که روزی در مکه شخصی از بنی اسد برای تجارت به مکه آمد و مردی از بنی سهم (عاص بن دائل) کالای او را خرید، اما بهای آن را نپرداخت. مرد اسدی دادخواهی نزد قریش برد و قریشیان بدو پاسخ دادند که چون تو هم پیمان ما نیستی، نمی‌توانیم از تو حمایت کنیم. مرد اسدی چون از همه جا ناامید شد بالای کوه ابوقیس رفت، اشعاری در مظلومیت خود خواند و از قریش یاری خواست؛ قریشیان پشیمان شدند و در خانه عبدالله بن جدعان پیمان بستند که از این پس نگذارند به هیچ غریبی ستمی برسد. چون این پیمان علاوه بر پیمان‌ها و سوگندهای گذشته بود، آن را حلف الفضول نامیدند.

حضرت محمد (ص) نیز که در بیست سالگی بودند، جهت دفاع از مظلومان و فقرا و غربا و بیمارانی به این پیمان هم قسم شدند و تا آخرین لحظه به سیرت و صفات جوانمردی با فضیلت وفادار بودند. گویند حضرت رسول (ص) بعد از بعثت، بیشتر سنن جاهلی را ملغی و باطل اعلام فرموده، اما به پیمان جوانمردان (حلف الفضول) سخت معتقد و در حفظ آن سنت کوشیدند؛ چنانچه از این پیمان به نیکی یاد کرده و فرمودند که در خانه عبدالله جدعان شاهد پیمانی شدم که اگر حالا هم پس از بعثت مرا به آن پیمان دعوت کنند، قبول می‌کنم. سیره و قانون حلف الفضول بعد از حضرتش نیز مکرراً هنگام تعدی به مظلوم توسط جوانمردان احیا شده و حق را از ظالم ستانده است، چنان که در سیره ابن هشام آورده است، در روزگار امام حسین (ع) میان سالار شهیدان و ولید بن عتبه اموی که از سوی معاویه در مدینه حکومت داشت، اختلاف در گرفت و نزاع پیش آمد که علت آن مالی بود که متعلق به امام حسین (ع) بود و حاکم مدینه به زور آن را غصب کرده بود، بنابراین حضرتش به ولید بن عتبه فرمود به خدای یگانه که اگر حق مراندهی شمشیر خود را بر می‌گیرم و در مسجد رسول الله ایستاده و مردم را به حلف الفضول دعوت می‌کنم. چون این خبر به گوش



مرتب (ص) و خصال مولاعلی (ع) و دیگر ائمه اطهار (ص)، روح پهلوانی و جوانمردی ایرانی با دستورات قرآنی عجیب شده و مکتبی به وجود آمد که مدت‌های مدید دنیای اسلام را سخت تحت تأثیر قرار داد و فرهنگ و باورهای ایرانی - اسلامی به خصوص در میان صنوف اجتماعی مورد پذیرش و حمایت قاطبه مردم اسلام واقع شده چنانچه این فرهنگ در ایران و نواحی ای از عراق به نام فتوت یا جوانمردان و در دیگر نواحی به مطوعه و غازیان شهره شد.

نگاه داشتن سنت مصطفی (ص)

خصال جوانمردان متأثر از سیره حضرت رسول (ص) در کتب بسیاری از اهل فتوت و جوانمردی دنیای اسلام ذکر شده و جوانمردان راستین آن را نصب العین کرده، به صورت گوناگون در میان طالبین ترویج می‌کردند چنانچه سلمی که اولین کتاب در علم و اندیشه اهل فتوت و جوانمردی را نگاشته، از سخنان حضرت رسول (ص) فراوان نقل کرده است: «از جوانمردی لطف با برادران و برآوردن نیاز آنان است.» پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هرکسی به مؤمنی لطف کند یا نیازی را از نیازهای دنیوی او، چه کوچک و چه بزرگ، برآورده سازد شایسته است که خدای بزرگ در قیامت خدمتکاری به خدمت او گمارد.» همچنین نجم‌الدین زکوب تبریزی در فتوت نامه خویش می‌نویسد: «... که فتوت برسه قسم است: اول: نگاه داشتن فرموده خدای تعالی. دوم: نگاه داشتن سنت مصطفی (ص). سیم: صحبت کردن با اهل خدا، و حقیقت فتوت آنست که هر چه جز حق است، ترک کنند.»

چه جز حق است، ترک کنند.» □



نجم‌الدین زکوب

تبریزی در فتوت

نامه خویش

می‌نویسد: «...»

که فتوت برسه

قسم است: اول:

نگاه داشتن

فرموده خدای

تعالی. دوم: نگاه

داشته سنت

مصطفی (ص).

سیم: صحبت

کردن با اهل خدا،

و حقیقت فتوت

آنست که هر چه

جز حق است،

ترک کنند.»

خصوص ایران زمین، هریک قوانین و مرام نامه‌هایی بر پایه همان سنت‌های جوانمردی و جوانمردان که حضرت ختمی مرتب (ص) بر آن گواهی فرموده بودند، ایجاد شده و فتوت نامه‌های اصناف مانند فتوت نامه‌های آهنگران، رنگرزان، سلمانیان و... تدوین شد و همین جوانمردان در روزگار سختی داد مظلوم از ظالم ستانده و در برابر جباران، امراء و حکام جائر ایستادگی می‌کردند.

همچنین دستجات احداث و غازیان و اخیان در عالم اسلام یا مطوعه که گروه‌های مؤمن و مسلمان و از جوانمردان بودند، در جنگ‌های مختلف و تحت نام جهاد به مبارزات سیفی یا رزمی شرکت می‌جستند؛ حتی در جنگ‌های صلیبی چندصدساله، این جوانمردان حضور جدی و موثری داشتند تا جایی که خوی و مرام شوالیه‌گری به خصوص در منطقه مالت بعد از برخورد با جوانمردان مسلمان شروع به تکمیل و تکوین شد و جوامع سری شوالیه‌گری در اروپا به وجود آمد که به نوعی از آرا و رموز و حتی روش‌های رزمی و نحوه پذیرش طالبین و نوخاستگان جوانمردان متأثر بود.

عیاران یا جوانمردان سیفی نیز که اجازه حمل و استفاده از سلاح و مبارزه با ظالمان و جباران را داشتند نیز بر پایه پیمان‌های جوانمردان استوار بودند. (عیاران در ایران و حتی بغداد که در جغرافیای فرهنگی و سیاسی ایران قدیم قرار داشتند از آرای ایاران و بیاران مهتری منشعب شده و دستجات اسواران و آراتان در روزگار ساسانی نمونه‌ای از ایشان بودند که بعد از اسلام به عیاران شهره شدند.) اما بعد از اسلام و آشنایی ایرانیان به قرآن و سیره حضرت ختمی

« پیغمبر عظیم الشان اسلام با وجود



سخت‌ترین شرایط و مضیقه‌هایی که برای حضرت ایجاد شد، ولی در کمال اشتیاق، محبت، خوش خلقی، تحمل و

بردباری سه کار عظیم انجام دادند؛ یکی روحیه تفکر و اندیشه را در مردم زنده کردند و آن‌ها را وادار فرمودند که درباره انسان، خلقت و موجودات اندیشه کنند و به فرموده حضرت رضا (ع) به توحید برسند، چون منشأ همه بیماری‌های روحی و اخلاقی و عملی مردم شرک و جدایی از پروردگار عالم بود. پیامبر هم با آیات قرآن و هم با فرمایشات خودشان به حیات فکری مردم بالاترین کمک را دادند و این اندیشه‌گرایی جریان پیدا کرد تا آن تمدن عظیم اسلامی را به وجود آورد. در آن زمان که از علم در مغرب زمین خبری نبود، دانشگاه‌ها و مدارس عظیم علمی را ایجاد کردند. سه قرن از وفات پیغمبر نگذشته بود که در بغداد کتابخانه‌ای را که مسلمان‌ها ساختند، طبق نوشته داخلی‌ها و خارجی‌ها یک میلیون کتاب علمی در آن کتابخانه بود.

پیغمبر اکرم (ص) از جاهلیت به معنای عام کلمه یک حوزه عظیم اندیشه و علم ایجاد کردند، من در نوشته‌های دانشمندان خارجی خواندم که اغلب آنان نوشتند ما غربی‌ها در علم مدیون دانشمندان اسلامی هستیم. سه تا کتاب را اسم ببرم «تاریخ تمدن» جرجی زیدان که شش جلد است، «تاریخ تمدن اسلام» گوستاو لوبون فرانسوی در شصت و شش صفحه که یک جلد است، جدیداً هم سه جلد کتاب در اروپا نوشته شده زیاد هم چاپ شده و ترجمه کردند «خورشید اسلام در اروپا». این‌ها همه برگشتش به همان فعالیت وجود مبارک رسول خداست که اندیشه مردم، خرد مردم و عقل مردم را با پیش از هفتصد آیه درباره عالم خلقت و آفرینش بیدار کرد.

□ عبادت خدا

دومین کار پیغمبر (ص) ایجاد روحیه عبادت برای پروردگار در مردم بود، مردمی که در حد اعلای تکبر، حالت استکباری، علو و خود برتری قرار داشتند. اگر به کتاب‌های مربوط به زندگی آن زمان مراجعه کنید، می‌بینید که کار عرب فقط تفاخر بوده، یعنی به یکدیگر در کثرت مال و در کثرت اولاد فخر فروشی می‌کردند. عبادتشان هم در دو رشته بود؛ عبادت شکم و عبادت شهوت.

وجود مقدس پیامبر از این مردم افرادی را تربیت کردند که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: یک بار بعد از نماز جماعت صبح در مسجد کوفه از محراب برگشتند رو به مردم و صف به صف مردم را نظر کردند و آه کشیدند. پرسیدند: چرا آه کشیدید؟ فرمود: یک نفر از عبادت کنندگان زمان پیغمبر را در بین شما نمی‌بینم. شب‌ها گاهی ما در کوچه‌های

گفتاری درباره سه اقدام عظیم پیامبر (ص) برای اصلاح امت

مردم را موعظه خواه تربیت کرد

■ حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان



.....

پیامبر (ص)

در زمینه روحیه

موعظه طلبی

کاری کرد که

خود مردم چه در

مکه و چه در ده

سالی که مدینه

بود، چه مردشان

و چه زنشان و

چه جوانشان

مشتاقانه

می آمدند

محضر حضرت

و درخواست

موعظه

می کردند.

موعظه

غذای روح و

قلب است.

امیرالمؤمنین (ع)

می فرماید:

«المواعظ

حیات القلوب»

موعظه‌ها جان

دل هاست

مدینه می‌رفتیم یا برای کاری از جایی برمی‌گشتیم، کمتر خانه‌ای بود که صدای گریه و مناجات با پروردگار از آنجا شنیده نمی‌شد؛ این‌ها قبل از بعثت بت پرست، سنگ پرست و مال پرست بودند، ولی حضرت روحیه عبادت را در آن‌ها چنان زنده کرد که امیرالمؤمنین (ع) در روزگار خودش حسرت آن زمان را می‌کشید.

پیامبر (ص) که ایمانی برتر از ایمان همه مؤمنان دوران تاریخ دارد و دانش و بصیرتش فوق همه دانش‌ها و بصیرت هاست، اقتضا دارد عملاً وصل به صفات حق باشد و از آن دریای بی‌نهایت مهر و محبت و عاطفه و کرم و جود سخاوت و فضل و احسان خودش، برابر با ظرفیتش بنوشد و بی‌دریغ و بدون مضایقه به دیگران هم بنوشاند.

ارتباط پیامبر (ص) با حضرت حق و توجه عمیقش به صفات پروردگار و ایمان بی‌ظنیرش به خدا و قیامت، قلب پاک او را از نرمی و رقت و مهربانی و عاطفه و صفایی برخوردار کرد که نمونه و مانند در همه هستی ندارد.

پیامبر اعظم (ص) در پی عشق شگفت‌انگیزش به حضرت حق، از نظر عبادت و بندگی در مقامی قرار گرفت که بی‌تردید هیچ فرشته مقرب و انسان عابدی تا بد به او نخواهد رسید و در پی مهرورزی و علاقه‌اش به دیگران از نظر خدمت رسانی و حل مشکلات مردم و کمک و یاری به آنان به جایی رسید که دست عمل کسی به آنجا نمی‌رسد.

با وجود این همه منابع و الگوهای اصیل و غنی اسلامی و دینی، دشمنان در دصد هستند تا جلوه اسلام را مخالف با مهرورزی نشان دهند و از دین سراسر مهر و محبت و پیامبر باکرامت و محبت آن، چهره‌ای خشن را برای جهانیان معرفی کنند. در این زمان بر تمامی شیعیان رسالت و وظیفه است تا این تهجم را سرکوب کرده و مبلغینی برای اسلام ناب محمدی (ص) باشند.

۴] موعظه پذیری

ایجاد روحیه موعظه طلبی و قبول موعظه سومین اقدام پیامبر است. پیامبر (ص) در زمینه روحیه موعظه طلبی کاری کرد که خود مردم چه در مکه و چه در ده سالی که مدینه بود، چه مردشان و چه زنشان و چه جوانشان مشتاقانه می‌آمدند محضر حضرت و درخواست موعظه می‌کردند. موعظه غذای روح و قلب است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «المواعظ حیات القلوب» موعظه‌ها جان دل هاست.

بزرگان دین و اولیای خدا برای موعظه مردم جایگاه خاصی را قائل بودند. این جلساتی که امروز در ایران، عراق، پاکستان و میان شیعیان افغانستان و سایر کشورها برگزار می‌شود، یادگار همان زحمات سنگین پیغمبر عظیم الشان اسلام است؛ پیامبر (ص) مردم را موعظه‌خواه و نصیحت‌خواه تربیت کرد و تشویق به عمل به موعظه نمود.

حضرت جواد (ع) می‌فرماید: «المؤمن یحتاج الی ثلاث خصال» هر مؤمنی نیازمند به سه حقیقت است و گر نه

قلب، عقل و روح زنده‌ای برای او نمی‌ماند و می‌میرد. اولین چیزی را که محتاج هست «توفیق من الله» است. توفیق به معنای راهنمایی و هدایت است و «توفیق من الله» یعنی نیازمند به هدایت از سوی پروردگار است. خدا از زمان آدم و در زمان بعثت پیغمبر این نیاز را با نازل کردن قرآن مجید جواب داده است. «توفیق من الله و واعظ من نفسه» یعنی مؤمن نیازمند به یک وجدان بیدار است، به قول امروزی‌ها که از درون خودش صدای موعظه و صدای نصیحت را بشنود، این هم کار درون بیدار و پاک است که دائماً به قول عمان سامانی صاحب‌صدرا نامی بینم ولی صدرا می‌شوم. شخصی به امیرالمؤمنین (ع) گفت: من را موعظه کن. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هر چه چشمت می‌بیند موعظه است، هر چه چشمت می‌بیند زنگ بیدار باش است. این قدر موعظه به وسیله پیغمبر جایگاه پیدا کرد که حتی این مسئله موعظه‌گویی و موعظه‌خواهی به شعر شعرای ایران هم راه پیدا کرد. ما قسمتی از اشعار شعرا ایمان موعظه، حکمت و علم است.

من در کتاب‌های مهم شاید از کتاب‌های قرن پنجم به بعد دیدم کسانی را که با شنیدن موعظه یکباره چنان تغییری پیدا کردند که بعداً معلم نفوس تربیت‌کننده مردم شدند. بین اینان چند نفر از دزدان خطرناک و راهزن در برابر قبایلی بودند که برای تجارت این طرف و آن طرف می‌رفتند و با شنیدن یک موعظه و با شنیدن یک آیه چنان تغییر حال پیدا کردند که اکنون در کتاب‌ها وقتی شرح حال این دزدان را می‌آورند در رده عرفای بزرگ الهی می‌آورند، «قبول لمن ینصحه».

حضرت محمد (ص) می‌فرماید: «وقبول لمن ینصحه» آدم روح پذیرفتن داشته باشد؛ یعنی گوشش گوش قبول باشد نه گوش صدا، نصیحت و موعظه را که بشنود دنبال کند و بپذیرد و به اجرا بگذارد.

خدا در قرآن مجید درباره انبیا دو کلمه دارد؛ یکی اینکه به ملت‌ها می‌گوید این پیغمبرانی که برای شما فرستادم «امین» هستند، یعنی یقین داشته باشید این‌ها یک ذره نسبت به دین، جان، دنیا و آخرت شما خیانت نمی‌کنند، و یک کلمه دیگرش «ناصح» است، انبیای من خیرخواه شما هستند، هیچ شری را برای شما نمی‌خواهند بلکه تمام آن‌ها خیر شما را در دنیا و آخرت می‌خواهند.

اگرچه پیغمبر اکرم (ص) در مسیر حرکت خود با موانع خطرناک و کافرانه عظیمی برخورد، ولی تعداد مؤمنین واقعی اکنون در دنیا کم نیستند. گزارش‌هایی از همه کشورها شنیده می‌شود که خیزش تشیع و رویکرد مردم به اهل بیت (ع) فوق‌العاده شده است. مقداری که انسان در اوضاع و احوال امروز فکری کند به این نتیجه می‌رسد که کفر رو به خاموشی است و اسلام در حال فراگیر شدن در همه جهان است. اوضاع، یقین ما را به این آیه شریفه بیشتر می‌کند که «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» (انبیا، ۱۰۵) در آینده کل کره زمین به دست بندگان شایسته من خواهد افتاد. □



برای سود خود کارکنیم نه دیگری

خداوند در گفتگو با پیامبر (ص)
کدام زندگی را گواراتر و پایدارتر دانست؟

عبودیت و... جاهلی و نفهمی و نادانی نکند؛ یعنی خدا را بپرستد نه پول، ریاست و... و دنبال کسب رضا و خشنودی خداوند باشد، یعنی رضای پدر و مادر، همسر، فرزند، خویشاوند، دوست، همکار، همسایه و... را برای رضای خداوند بخواهد و اگر موجب خشم و غضب الهی می شود، حتماً رها و ترک کند.

دستورالعمل زندگی پایدار انسان چنین است که برای سود خود کار کند نه برای دیگری؛ یعنی آن مقدار در دنیا کار کنیم که درنشئه دیگران بهره بگیریم، در غیر این صورت یعنی اگر درنشئه دیگر ثمری نداشته باشد بلکه ضرر برساند، این کار کردن سودی ندارد. چون می دانم که از این دنیا خواهم رفت، دنیا در نظرم کوچک شده و غصه مسائل او را نمی خورم. در مقابل، آخرت در نظر او بزرگ می شود و بر این اساس، خواسته خداوند را بخواسته نفس مقدم بدارد و دنبال کسب رضایت خداوند باشد؛ به این معنا که آن کاری را که خداوند می پسندد انجام می دهد و خداوند در نظر او کوچک جلوه نکند و همیشه یادآور آن است که هیچ حرکتی از دیدگاه خداوند مخفی نمی ماند. مراقبت در این روایت، به معنای خوف می باشد، یعنی آن گاه که مواجه شود با خطا و گناه، از خداوند خوف دارد. زندگی جاودانه یعنی نشئه آخرتی که انسان در بهشت قرار می گیرد، والا جهنم بدتر از مُردگی است، زیرا جهنمی ها از خداوند مرگ می خواهند ولی خداوند مرگشان نمی دهد. □

آیت الله آقا مجتبی تهرانی

رُوی فی حدیث المِعْرَاج؛ قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا اَحْمَدُ: هَلْ تَدْرِي اَيْ عَيْشٍ اَهْتَأَوَا اَيْ حَيَاةٍ اُنْقِي قَالَ: اَللّٰهُمَّ لَا، قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اَمَّا الْعَيْشُ الْهَنْبِيُّ فَهُوَ الَّذِي لَا يَفْتُرُ صَاحِبُهُ عَنْ ذِكْرِي وَلَا يَنْسِي نِعْمَتِي وَلَا يَجْهَلُ حَقِّي يَطْلُبُ رِضَايَ فِي لَيْلَةٍ وَنَهَارِهِ وَ اَمَّا الْحَيَاةُ الْبَاقِيَةُ فَهِيَ الَّتِي يَعْمَلُ لِنَفْسِهِ حَتَّى تُهَوَّنَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ تَضَعُ فِي عَيْنِهِ وَ تَعْظُمُ الْاٰخِرَةُ عِنْدَهُ وَ يُؤْتِرُ هَوَايَ عَلَيَّ هَوَاؤُهُ وَ يَبْتَغِي مَرْضَاتِي وَ يَعْظِمُ حَقِّي عَظَمَتِي وَ يَذْكُرُ عَلَمِي بِهٖ وَ يِرَاقِبُنِي بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ عِنْدَ كُلِّ سَيِّئَةٍ اَوْ مَعْصِيَةٍ .



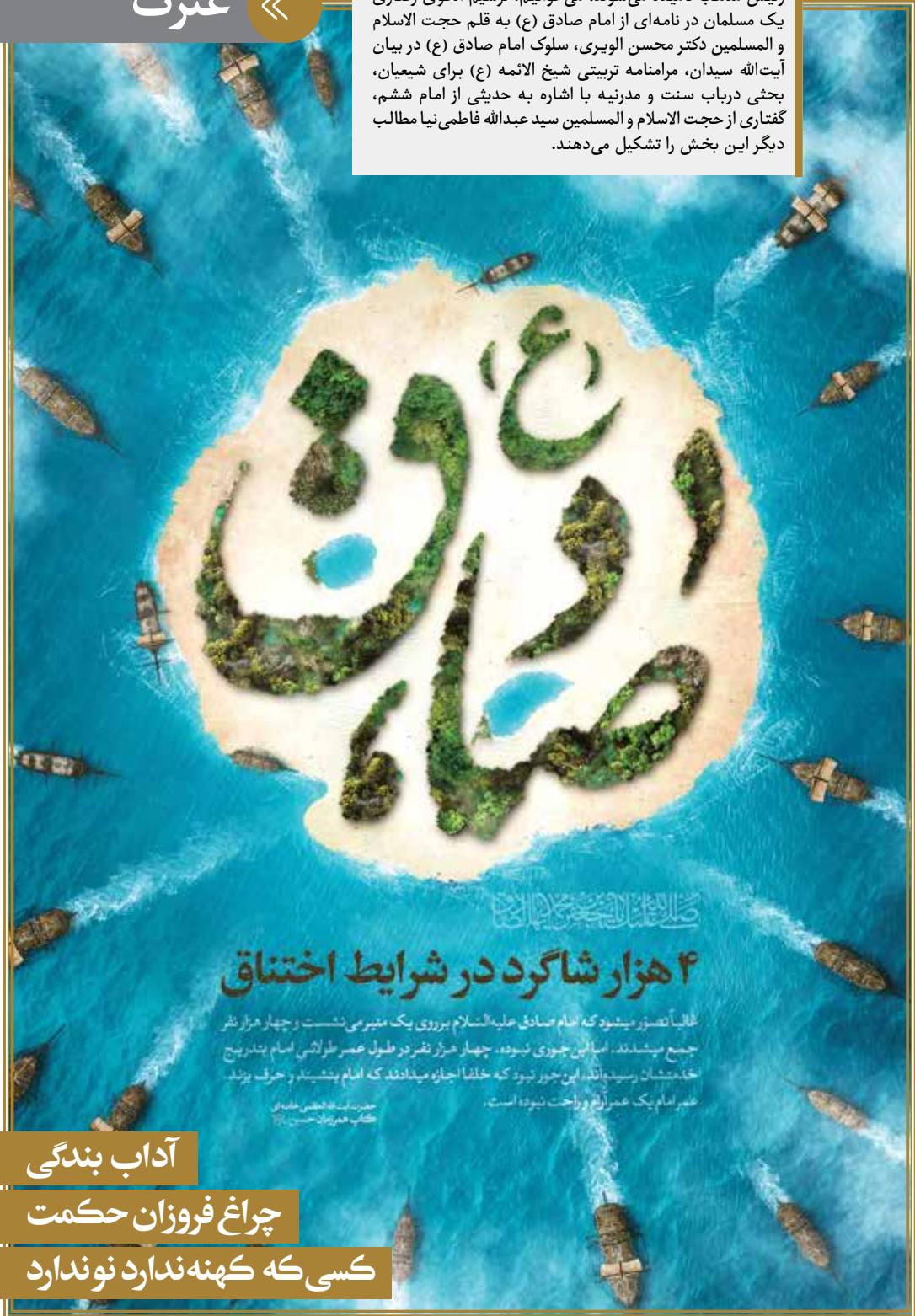
در حدیث معراج خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای احمد! آیا می دانی کدام زندگی گواراتر و کدام زیستن پایدارتر است؟ رسول خدا (ص) عرض کرد: خدایا! نمی دانم. خداوند تبارک و تعالی فرمود: آن زندگی گواراتر است که صاحب آن هیچ گاه در ذکر و یاد من شمت نشود و هیچ گاه نعمت من را فراموش نکند و هیچ گاه نسبت به حق من جاهلی و نادانی نکند و شب و روز که براو می گذرد به دنبال آن باشد که رضا و خشنودی مرا به دست آورد.

اما آن زندگی پایدار و خجسته است که صاحب آن عملی برای خود انجام می دهد تا برای او سود (دنیاوی و آخرتی) داشته باشد تا جایی که دنیا و مسائل آن برای او سهل و آسان و در نظر او کوچک و پست می شود و آخرت در نظر و نزد او بزرگ می شود و خواست مرا بخواست خودش ترجیح می دهد و در پی به دست آوردن رضای من است و بزرگی و عظمت مرا بزرگ می دارد و همیشه یادآور علم و آگاهی من به اوست و می داند که من به همه احوال او آگاهم و در هر گناه و معصیتی که برای او در شب و روز حاضر و حادث می شود مراقب من است.

دستورالعمل برای زندگی خوشگوار انسان، در غم و شادی، ارتباط با دیگران، مقابل گناه، هنگام انجام وظایف الهی، اجتماعی، خانوادگی و... در یاد خداوند بوده و بسست نشود و خود را غوطه ور در نعمت های الهی بداند و نسبت به حق الوهیت، خالقیت، ربوبیت،

در اولین مطلب از بخشی که به مناسبت میلاد خجسته ششمین اختر تابناک آسمان ولایت تدارک دیده‌ایم نوشتاری از آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی را با موضوع اینکه چرا امام صادق (ع) رئیس مذهب نامیده می‌شوند، می‌خوانیم. ترسیم الگوی رفتاری یک مسلمان در نامه‌ای از امام صادق (ع) به قلم حجت الاسلام والمسلمین دکتر محسن الویری، سلوک امام صادق (ع) در بیان آیت‌الله سیدان، مرامنامه تربیتی شیخ الاثمه (ع) برای شیعیان، بحثی در باب سنت و مدرنیته با اشاره به حدیثی از امام ششم، گفتاری از حجت الاسلام و المسلمین سید عبدالله فاطمی‌نیا مطالب دیگر این بخش را تشکیل می‌دهند.

« عترت



۴ هزار شاگرد در شرایط اختناق

غالباً تصور میشود که امام صادق علیه‌السلام بر روی یک منبر می‌نشست و چهار هزار نفر جمع میشدند. امثالین جوهری نبوده، چهار هزار نفر در طول عمر طولانی امام بتدریج گم‌شده‌اند. این جوهر نبود که خلفا اجازه میدادند که امام بنشینند و حرف بزنند. ضمیر امام یک دستورالعمل و راجح نبوده است.

حجرت‌القدس علیه‌السلام
کتاب هر زمان حسن

آداب بندگی

چراغ فروزان حکمت

کسی که کهنه ندارد نوندارد



اختلافات خودشان مشغول بودند، از این رو یک آزادی نسبی فراهم گردید، امام باقر (ع) پرچم نشر احکام و علم و دانش را بلند کرد، چراغ علم و دانش را برافروخت، کسانی که در گمراهی و تاریکی و جهل بودند با دیدن این چراغ نورانی به سوی آن حضرت شتافتند و این مسأله در دوران امام صادق (ع) گسترش بیشتری پیدا کرد.

کار به جایی رسید که چهار هزار نفر از محضر امام صادق (ع) درس دین آموختند؛ در عقاید، معارف، فقه، اخلاق و تفسیر و در همه مسائل اسلامی از بیانات آن حضرت استفاده کردند و در همه جا یعنی در مدینه، کوفه و مکه... سخن از مکتب علمی امام صادق (ع) بود.

راوی می گوید: من یک زمان در مسجد پیغمبر (ص) بودم دیدم نهصد نفر نشسته بودند و صحبت می کردند، همه آن ها می گفتند قال الصادق (ع)... قال الصادق (ع)...، و این چنین علم و دانش به وسیله آن حضرت گسترش پیدا کرد، لذا اگر گفته می شود رئیس مذهب به واسطه نشر علم است.

❏ **صیانت از تشیع**

بدیهی است امام صادق (ع) دو خدمت مهم دیگر هم به اسلام و مکتب تشیع کرد که اگر آن حضرت را رئیس مذهب می خوانند این دو مولفه مهم نیز در آن نقش کلیدی دارد. اول. می دانیم اسلام در آن زمان گسترش عجیبی پیدا کرده بود، تمامی کشورهای تقریباً آباد آن عصر و زمان در زیر پرچم اسلام گرد آمده بودند، لذا از آنجا که این تازه مسلمانان از مذاهب و ملیت های مختلف، عقاید و سنت های مختلف بودند، به تبع آن این آموزه های انحرافی به میان مسلمانان وارد گردید.

گفتار جمعیت مسیحیان، جمعیت زرتشتیان، فلاسفه یونان و فلاسفه روم خیلی از مسائل در جامعه اسلامی به

چرا امام صادق (ع) رئیس مذهب نامیده می شوند

چراغ فروزان حکمت

❏ **آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی**

در آغاز سخن باید این مسأله مهم را مطرح نمود که چرا عنوان رئیس مذهب مربوط به امام صادق (ع) است؟ با اینکه امام ششم قاعداً نباید این عنوان را داشته باشد، زیرا رئیس مذهب علی بن ابی طالب (ع) و به یک معنا شخص خاتم الأنبیاء رسول اکرم (ص) است. برای آنکه آن حضرت خطاب به حضرت علی (ع) کرد و فرمود: «یا علیان و شیعتک هم الفائزون» (ای علی! تو و شیعیان از رستگاران روز قیامت هستی).



بنابراین لقب شیعه را پیغمبر (ص) به پیروان مکتب حضرت علی (ع) داد، این قول در منابع شیعه و منابع اهل سنت نوشته شده است. هم چنین باید اذعان نمود برای اینکه حضرت علی (ع) خانه نشین بود، نشر احکام به وسیله آن حضرت کمتر اتفاق افتاد، در پنج سال حکومت هم آن حضرت گرفتار مشکلات، جنگ ها و مخالفت ها بود.

دوران حضرت علی (ع) گذشت، دوران امام حسن (ع) و امام حسین (ع) با خفقان شدید از سوی بنی امیه طی شد و اجازه نشر احکام برای آن بزرگواران میسر نبود. دوران امام سجاد (ع) خفقان بیشتر گردید، و کار به جایی رسید که دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) سفارش کرده بودند هر زمان شیعیان حضرت علی (ع) را در هر کجا، بیابان یا شهر پیدا کردند به قتل برسانند، لذا کسی جرأت نداشت بگوید من شیعه علی (ع) هستم یا اینکه به سراغ امام سجاد (ع) برود و از آن حضرت احکام و معارف اسلامی سؤال کند، اگر کسی نامش علی بود ناچار بود نامش را مخفی کند؛ خفقان این چنینی اجازه نشر احکام را نمی داد.

❏ **اهتمام به نشر علم**

در آغاز دوران امام باقر (ع) دوران سرایشی حکومت بنی امیه بود، بنی امیه به خودشان و

کردی لذا آن مرد شامی شروع کرد به سؤال کردن و آن قدر سؤال کرد تا واماند.

حضرت فرمود حمران را چطور دیدی؟ آن مرد شامی عرض کرد؛ خیلی قوی و مسلط به تمام مباحث قرآنی است. آن مرد شامی گفت سؤال دیگری درباره ادبیات دارم، حضرت فرمود ابان بن تغلب از اصحاب من تخصص در ادبیات دارد پرسش کن، آن مرد سؤال کرد و قانع شد.

حضرت فرمود سؤال دیگری نیز داری؟ گفت آری در موضوع فقه سؤال دارم، حضرت فرمود؛ زواره فقهی است که در مکتب من فقه آموخته است، سؤالات از زواره مطرح شد و آن مرد پاسخ سوالاتش را دریافت نمود و قانع شد. در ادامه آن مرد شامی عرض کرد درباره عقاید هم سؤال دارم، حضرت فرمود آن اقارای بینی؟ اسمش مؤمن الطاق است، تخصصش در عقاید و علم کلام است هر سؤالی داری از او بپرس، او هم سؤال پرسید و قانع شد. در نهایت آن مرد شامی گفت اصحاب شما در هر رشته‌ای تخصص دارند.

بنابراین مکتب امام صادق (ع) مکتب علمی جامع و فراگیر بود، لذا الان هر کتابی را در تفسیر، عقاید، فقه، اصول... مورد استفاده قرار می‌دهیم، قال الباقی (ع) و قال الصادق (ع) به وفور در آن مشاهده می‌شود.

آنقدر حدیث از این دو بزرگوار به ما رسیده است که معلوم می‌شود چرا حضرت را به این عنوان یعنی رئیس مذهب می‌خوانیم و اینچنین است که در می‌یابیم مکتب علم و دانش امام صادق (ع) چقدر وسیع و گسترده بوده است. یقین بدانید اگر امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و به دنبال آن امام علی بن موسی الرضا (ع) در دوران مأمون در مقابل شبهات بیگانگان از اسلام دفاع نمی‌کردند قطعاً اسلام متزلزل می‌گردید.

لذا این بزرگواران بودند که به جای اینکه در مقابل بنی العباس آشکارا قیام غیر موفق کنند، مانند قیام زید بن علی، یحیی بن زید و بعضی قیام‌های دیگر، لیکن قیام علمی کردند و اسلام را نجات دادند.

۱ پیام امروز

باید اذعان نمود مکتب امام صادق (ع) پیامی برای امروز ما دارد، شرایط امروز ما مثل شرایط آن زمان است. رسانه‌های غربی با نشر شبهات از گوشه و کنار دنیا در راستای استحاله فکری و عقیدتی امت اسلامی به ویژه نظام اسلامی عمل می‌کنند، لذا کسانی که نتوانستند نظام اسلامی را با جنگ و تحریم و... وادار به تسلیم کنند حالا از طریق شبهه افکنی به فکر افتادند تا در جوانان نفوذ کنند و مسلمانان را از هم متلاشی سازند و دچار تششت نمایند یعنی همان شرایط زمان امام صادق (ع) در عصر حاضر نیز به وضوح مشاهده می‌شود. اینجا است که باید از همان مکتب ناب امام صادق (ع) بهره جست، لذا علماء، دانشمندان اعم از علمای حوزه‌های علمیه و اساتید دانشگاه باید با فنون و علوم مختلف اسلامی آشنایی داشته باشند و با شبهات مخالفین مقابله و مواجهه مطلوب و مؤثر نمایند و از تزلزل عقیدتی و فکری جوانان در جامعه جلوگیری نمایند. □



باید اذعان نمود

مکتب امام

صادق (ع)

پیامی برای

امروز ما دارد،

شرایط امروز

ما مثل شرایط

آن زمان است.

رسانه‌های غربی

با نشر شبهات

از گوشه و کنار

دنیا در راستای

استحاله فکری

و عقیدتی امت

اسلامی به ویژه

نظام اسلامی

عمل می‌کنند،

لذا کسانی که

نتوانستند نظم

اسلامی را با

جنگ و تحریم

و... وادار به

تسلیم کنند حالا

از طریق شبهه

افکنی به فکر

افتادند تا در

جوانان نفوذ کنند

و مسلمانان را

از هم متلاشی

سازند

هم ریخت، حتی طرفداران مکاتب مادی هم عقایدشان را آشکارا در جامعه اسامی مطرح می‌کردند، امام صادق (ع) در این برهه باید با این افکار التقاط وارداتی مقابله نماید و اسلام اصیل را بر همه مردم عرضه نماید، که در عمل نیز آن حضرت به نحو احسن در شبهه زدایی از جامعه اسلامی عمل نمود.

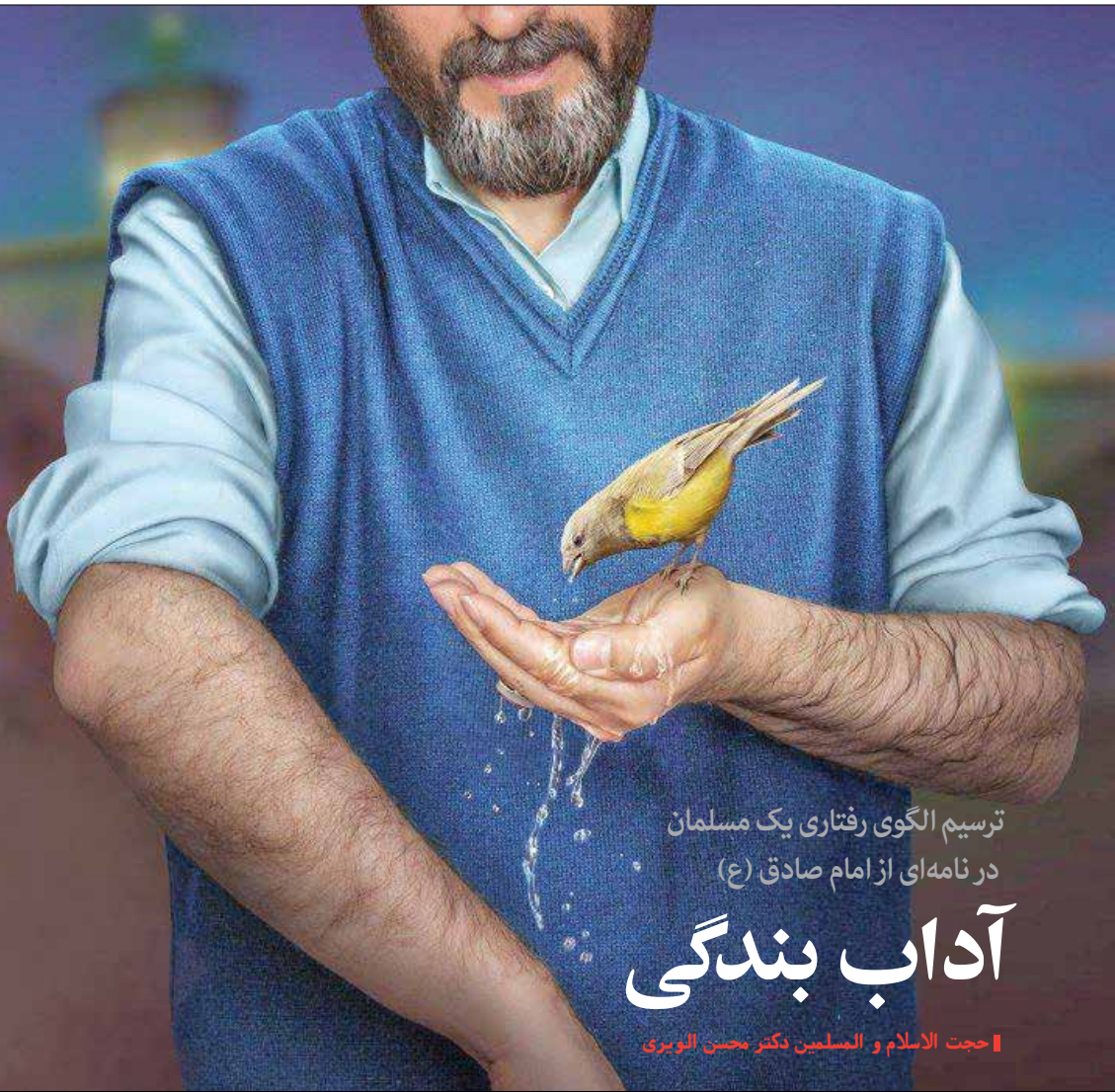
دوم. خطر نفوذی‌ها بودند زیرا دیدند فرصت خوبی است و می‌شود بر ضد اسلام تبلیغات نمود، لذا با خود گفتند اگر نتوانیم حکومت اسلامی را ساقط کنیم لاقفل عقاید اسلامی را از درون مورد هجوم و تهدید قرار می‌دهیم و جوانان مسلمان را از اسلام دور می‌کنیم، کار به جایی رسید که مفضل بن عمر از اصحاب امام صادق (ع) می‌گوید؛ در مسجد پیغمبر (ص) و در کنار قبر آن حضرت ابن ابی العوجا مادی را دیدیم که تبلیغات مادی گری (انکار خدا و دین) می‌کند، نزدیک رفته و فریاد کشیدم و او را از این کار بازداشتیم، او در جواب گفت به نظر می‌رسد از اصحاب امام صادق (ع) باشی، امام تو این‌گونه با من سخن نمی‌گوید و با دعوا صحبت نمی‌کند بلکه پاسخ پرسش‌هایم را به گونه‌ای جواب می‌دهد که من در پاسخ مجدد حیران و درمانده و مستأصل می‌مانم.

مفضل می‌گوید؛ همین که این جمله را شنیدم به محضر امام صادق (ع) رسیدم؛ عرض کردم باین رسول الله اسلام در خطر است، مادی گری و انکار خدا در کنار قبر پیغمبر؟! حضرت فرمودند؛ فردا صبح اول طلوع آفتاب نزد من بیاتا دلایل خدانشناسی را بگویم، مفضل می‌گوید صبح تا ظهر دلایل خدانشناسی از آسمان، زمین، ستارگان، حیوانات، دریاها، کوه‌ها، بیابان... را بیان فرمودند تا اینکه اذان ظهر شد که حضرت فرمودند؛ برو فردا صبح اول وقت بیا، دوباره روز دوم آدم و تا ظهر دلایل خدانشناسی را از آن حضرت فرا گرفتم، لیکن این معارف تمام نشد و من تا چهار روز رفته و استفاده کردم.

از این روی کتاب به نام توحید مفضل در اختیار ما است که مجموعه فرمایشات امام صادق (ع) در این چهار روز است، یعنی حضرت در برابر موج تبلیغات بیگانگان ایستاد لذا این‌گونه امام جعفر صادق (ع) رئیس مذهب است چرا رئیس مذهب نباشد؟

۱ دانشگاه جعفری

نکته دیگر این است که باید به عمق مکتب علمی و جهاد علم و دانش امام صادق (ع) معرفت پیدا نمود، شاگردان آن حضرت هر کدام در یک بخش از علوم تخصص داشتند، لذا علم شاگردان امام صادق (ع) بر ابتکار آن حضرت در ترسیم و تفکیک رشته‌ها و شاخه‌های علم استوار گردید. روایت قریب به این مضمون است مردی اهل شام خدمت امام رسید عرض کرد سؤالی دارم درباره قرآن، لطفاً پاسخ بفرمایید، اصحاب حضرت دور ایشان حلقه زده بودند، امام فرمود؛ حمران جواب این مرد را درباره قرآن بده، آن مرد عرض کرد پاسخ شما را خواستارم، امام فرمود؛ جواب او جواب من است اگر توانستی او را محکوم کنی من را محکوم



ترسیم الگوی رفتاری یک مسلمان
در نامه‌ای از امام صادق (ع)

آداب بندگی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محسن الیوری

- 📖 **رابطه انسان با خدا**
۱. عاقبت نیکو و عافیت خواهی از پروردگار
 ۲. اهتمام زیاد به تهلیل (ذکر لاله الا الله) و تسبیح (ذکر سبحان الله) و تقدیس خداوند و خاکساری در برابر ذات اقدس خداوند
 ۳. اهتمام زیاد به دعا (دو بار ذکر شده است)
 ۴. رغبت به آنچه خداوند ما را به آن ترغیب کرده است.
 ۵. پرهیز از آنس گرفتن به آنچه خداوند حرام کرده.
 ۶. پیروی نکردن از هوای و هوس و برداشت‌های شخصی در امر دین و پای بندی تمام به حلال و حرام‌های الهی
 ۷. پیروی از زندگی پیامبر و پیروی نکردن از هوی و هوس و برداشت‌های شخصی در فهم و تفسیر زندگی پیامبر
 ۸. یک بار دست بلند کردن به هنگام آغاز نماز
 ۹. اهتمام به ذکر خدا در ساعات مختلف روز و شب
 ۱۰. کوشش فراوان برای فرمان بردن از خدا و بندگی او (دو بار ذکر شده است)
 ۱۱. اهتمام به حفظ آنچه از رسول خدا و ائمه اهل بیت او باقی مانده است.

« امام صادق (ع) را می‌توان نخستین تدوین‌کننده اندیشه‌های مکتب اهل بیت (ع) در جنبه اندیشه و رفتار شمرد. این مسأله تا بدان پایه بود که حتی امام صادق (ع) را به عنوان مؤسس مذهب و یا مذهب شیعه را به عنوان مذهب جعفری منسوب به نام امام صادق (ع) شمرده‌اند. بدیهی است بر اساس باور شیعیان اثنی عشریه، این اندیشه‌ها گرچه نزد امامان پیشین هم بود و اشاراتی به آن داشتند، اما امام صادق (ع) این فرصت را یافت که آن‌ها را به صورتی سامان مند و گسترده عرضه کند.

امام صادق (ع) در قالب نامه‌ای به پیروان خود الگوی رفتاری یک مسلمان را مشخص کرده است. مفاد این نامه در بردارنده مطالب بسیار سودمندی است که استخراج و دسته بندی آن‌ها می‌تواند الگویی برای سبک زندگی یک مسلمان در همه ابعاد به ویژه روابط مختلف مسلمانان در همه ادوار تاریخ از جمله دوران معاصر که چگونه دیندارانه زیستن یک پرسش عمومی است در اختیار ما قرار دهد. این نامه که قدیمترین نقل آن در بخش الروضة کتاب الکافی مرحوم کلینی آمده است (ج ۸، صص ۱۴۰۲) در منابع دیگر از جمله کتاب الوافی فیض کاشانی (ج ۲۶، صص ۹۷-۱۱۳) و تحف العقول نوشته مرحوم ابن شعبه حرانی از علمای قرن چهارم (صص ۳۱۳-۳۱۵) هم آمده است و نسخه‌های مختلف این نامه با وجود اختلاف جزئی در چینش مطالب، یکسان است. گویه‌های استخراج شده از متن نامه ۵۵ بند بود ولی با توجه به تناسب برخی گویه‌ها با دو بخش مختلف، این گونه‌ها در هر دو بخش مورد استناد قرار گرفته است. همچنین برخی گویه‌ها به دلیل مشابهت بسیار زیاد با هم در یک بند ذکر شده است. بنابراین جمع گویه‌های زیر الزاماً به تعداد گویه‌های برداشت شده از نامه نیست. اصلی‌ترین و مهم‌ترین نکات مندرج در این نامه چنین است:



۵. بازداشتن زبان جزاز خیر و پرهیز از بدگویی و تهمت و دشمنی ورزی
۶. دوری جستن از آنچه خداوند ما را از آن برحذر داشته .
۷. سکوت جز در آنچه برای آخرت سودمند باشد .
۸. شکیبایی ورزیدن در برابر مشکلاتی که دشمنان در برابر پایبندی به حق ایجاد می کنند .
۹. خوش رفتاری با مردم
۱۰. پرهیز از دشنام دادن به دشنام دهندگان به خدا و اولیاء خدا
۱۱. مهرورزی به مستمندان و دوری جستن از خوار شمردن و تکبر ورزیدن به آنها
۱۲. دوری جستن از فخرفروشی و خودبزرگ بینی
۱۳. دوری جستن از بیغی و تعدی به حقوق دیگران
۱۴. دوری جستن از حسد
۱۵. کمک به مسلمانان مظلوم
۱۶. کمک به همدیگر
۱۷. دوری جستن در حد توان از بدگویی علیه صالحان نزد پیشوای جامعه اسلامی و در تنگنا قرار دادن امام
۱۸. دوری جستن از در تنگنا قرار دادن برادران مسلمان
۱۹. دقت در مرزبندی های اعتقادی و اجتماعی و دقت در اینکه انسان در شمار اهل باطل قرار نگیرد .
۲۰. پرهیز از قرار دادن خدا و امام و دین در معرض دشمنی های اهل باطل
۲۱. قرار دادن حب و بغض ها بر اساس معیارهای خداپسندانه
۲۲. عادت دادن نفس به بلاء و مصیبت در دنیا و تدبر در مصائب پیامبران که قرآن آنها را ذکر کرده است .
۲۳. پیروی کردن از هدایت و وقار و آرامش و حلم و خشوع و تقوا و راستگویی و وفای به عهد صالحان

۴ | رابطه انسان با خود

۱. حفظ حیا و دوری جستن از هر آن چه صالحان پیش از ما از آن ها دوری جسته اند .
 ۲. پروا پیشگی و رعایت تقوی، دوری جستن از آنچه خداوند ما را از آن برحذر داشته است .
 ۳. نیکی کردن به جسم و جان خود
 ۴. اطاعت از خدا برای احسان به نفس
- امام صادق (ع) در بخشی از این نامه فرموده اند: هَذَا أَذْبَتْنَا أَذْبَ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَ تَفَهَّمُوهُ وَ اغْلُظُوا وَ لَا تَنْبِدُوهُ وَ رَأَ ظَهْرَكُمْ مَا وَافَقَ هَذَا كُمْ أَحَدْتُمْ بِهِ وَ مَا وَافَقَ هَذَا كُمْ ظَرَحْتُمْ وَ لَمْ تَأْخُذُوا بِهِ . این آداب (پیشنهادی) ما و همان آداب خدایی است، آن را دریابید و آن را فهم کنید و در آن بیاندیشید و آن را پشت سر خود نیناندازید، اگر چنین کنید و به این آداب عمل کنید، به آنچه سازگار با هدایت یافتگی شماست دست یافته اید و به آنچه سازگار با هواپرستی شماست پشت کرده اید و آن را وانهادید .
- این پیام تنها خطاب به مخاطبان اولیه نامه نیست، این پیام همه مسلمانان و بلکه همه انسان های حق جو را به خود فرامی خواند . □



این آداب

(پیشنهادی)

ما و همان آداب

خدایی است، آن را

را دریابید و آن را

فهم کنید و در آن

بیاندیشید و آن

را پشت سر خود

نیناندازید، اگر

چنین کنید و به

این آداب عمل

کنید، به آنچه

سازگار با هدایت

یافتگی شماست

دست یافته اید و

به آنچه سازگار

با هواپرستی

شماست پشت

کرده اید و آن را

وانهادید

۱۲. رضایت داشتن از آنچه خدا ساخته و خواسته است .
 ۱۳. اهتمام به نمازهای روزانه
 ۱۴. دوری جستن از بازداشتن (حبس) حقوق الهی
 ۱۵. ولایت پذیری خدا و رسول خدا و مؤمنان و تبری جستن از دشمنان آنها
 ۱۶. وفای به عهدی که در برابر خداوند بر گردن دارد مانند ولایت پذیری، اقامه نماز، پرداخت زکات و دادن قرض الحسنه
 ۱۷. دوری جستن از آنچه خداوند آن را حرام کرده است .
 ۱۸. توجه به این نکته که اسلام یعنی تسلیم در برابر حق
 ۱۹. اطاعت از خدا برای احسان به نفس
 ۲۰. دوری جستن از معصیت و گردن فرازی کردن در برابر خداوند (دو بار ذکر شده است .)
 ۲۱. توجه به اینکه هیچ کس جز خدا غنی کننده انسان نیست .
 ۲۲. کوشش برای برخورداری از شفاعت شفاعت کنندگان از طریق به دست آوردن رضای خدا
 ۲۳. ترک نکردن فرمان خدا و فرمان هر کس که به پیروی از خدا فرامی خواند .
 ۲۴. عاقبت نیکو و عاقبت خواستن از خدا
 ۲۵. درخواست از خداوند برای جای دادن اسلام در سینه خود و سخن گفتن بر اساس حق
 ۲۶. توجه کردن به این نکته که شرط محبوب خدا شدن پیروی از فرامین خدا و اولیای اوست .
- #### ۴ | رابطه انسان با دیگران
۱. حفظ آرامش و وقار و سکینه
 ۲. حفظ حیا و دوری جستن از هر آنچه صالحان پیش از ما از آن ها دوری جسته اند .
 ۳. خوش رفتاری با مخالفان و دوری جستن از شدت بخشیدن به مخالفت با آنها (دو بار ذکر شده است)
 ۴. برخورد نیکو داشتن با بدر رفتاری ها برای جلوگیری از نادیده گرفته شدن و زیر پا ماندن حق

کاهش می‌دهد. حضرت ابتدا میدان می‌دادند تا شاگردان و یا مباحثه‌کنندگان هرچه سؤال دارند بیان کرده و در ادامه بر اساس روش عقلی و استدلال صحیح مطالب خود را القا می‌کردند. این روش در دنیای کنونی که اعتدال و حلم در جوامع فراموش شده، بسیار کارایی دارد.

امام صادق (ع) با این روش خاص خود و بدون هیچ گونه خشونت‌تی صراط مستقیم را تبیین و شاگردان بسیاری را نیز در حوزه‌های مختلف معرفتی تربیت کرد. مرحوم شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه به نقل از هشام بن سالم حکایت می‌کند که «روزی مردی از اهالی شام برای مباحثه به محضر حضرت آمد. امام به او عرض کرد که اگر پیرامون قرآن سخنی داری با حمران بن اعین، اگر درباره علوم عربی می‌خواهی مناظره کنی با ابان بن تغلب، اگر در فقه صحبتی داری با زرارة بن اعین و ... به گفتگو بپرداز. آن مرد با شاگردان حضرت به مناظره پرداخت و در همه حوزه‌ها مغلوب شد. آنگاه با امام رو کرد و گفت که: شما در همه حوزه‌ها دانشمند تربیت کرده‌اید.»

شیعیان باید ائمه معصومین (ع) به ویژه امام جعفر صادق را پیشوای فکری خود قرار دهند. مالک بن انس و ابوحنیفه نعمان بن ثابت، دو تن از پیشوایان مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت نیز از شاگردان و دست‌پروردگان امام جعفر صادق (ع) هستند. روش خاص حضرت باعث شد تا بیش از چهار هزار نفر در حوزه‌های گوناگون علمی از محضر درس او بهره ببرند. حضور اشخاص گوناگون با بن‌مایه‌های فکری متنوع در محضر درس امام نشان دهنده روش عقلی امام و به طور کل عدم منافات عقل با مقوله وحی است. عقل و وحی هیچ منافاتی با هم نداشته و تأیید کننده و همچنین کامل کننده همدیگر هستند.

امروزه بسیاری از علما و دانشمندان در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها در مسائل فقهی، اخلاقی و معرفتی از مکتب عقلی اهل بیت (ع) استفاده کرده و از عقل در تبیین این مکتب بهره می‌برند. تعدادی نیز هستند که به جای اتکای به اهل بیت در مسائل توحیدی به مشاهیر بشریت اعتماد می‌کنند و اگر در مواردی از منظومه فکری این مشاهیر منافاتی با کلام ائمه پیدا کنند، سعی در توجیه آن بر می‌آیند. اگر ما به حقانیت وحی و روش فکری ائمه به ویژه امام جعفر صادق (ع) اعتماد داریم باید بدانیم که در معارف توحیدی نیز باید از وحی استفاده کرد، چرا که در وحی خطا راه نداشته و این مقوله قدرت ورود به همه مسائل را دارد.

ترویج معارف اهل بیت باعث بهبود اوضاع جهان است. در دوران عباسیان، مأمون خلیفه اموال و پول‌های فراوان صرف کرد تا افکار و عقاید مشاهیر قبل از اسلام ترجمه و رواج پیدا کند. نمی‌توان به یقین درباره نیت وی از اینکار نظر داد، اما هرچه بود باعث شد تا عده‌ای در این خط گرفتار شده و معارف عقلانی اهل بیت را فراموش کنند. قطعاً ترویج عقاید، معارف و روش سلوک اهل بیت به ویژه حضرت امام جعفر صادق (ع) - که شمه‌ای از آن را بیان کردم - می‌تواند در بهبود اوضاع جهان مؤثر باشد. □

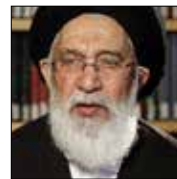


سلوک امام صادق (ع)

خیرخواهی

آیت‌الله سید جعفر سیدان

ششمین وصی پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) در دوران زندگانی و امامت خود شاگردان بسیاری از میان شیعیان و دیگر مذاهب اسلام داشت. همچنین ایشان با بسیاری از پیروان دیگر ادیان و حتی نحله‌های مختلف فکری نیز مباحثه و مناظره کرده و از این طریق آنان را به راه راستین خداشناسی رهنمون می‌ساخت.



حضرت امام جعفر صادق (ع) روش تدریس و سلوک اجتماعی خاص خود را داشت که امروزه باید الگوی تمامی افراد قرار گیرد. نحوه تعلیم حضرت با حلم و آرامش خاص و بها دادن به طرف مقابل - چه شاگرد و چه مناظره‌کننده - توأم بود. بر اساس منابع تاریخی ایشان به سؤالات و سخنان طرف مقابل به طور کامل و با صبر و حوصله زیاد گوش داده و در پاسخ به گونه‌ای القای مطلب می‌کردند که طرف مقابل محبت، خیرخواهی و علاقه‌مندی را احساس می‌کرد. در جهان امروز اگر پیروان همه نحله‌های فکری و عقیدتی اگر یاد می‌گرفتند که با صبر و آرامش به کلام همدیگر توجه کنند، بسیاری از مصائب و مشکلات فعلی پیش نمی‌آمد.

استفاده از روش سلوک اجتماعی امام جعفر صادق (ع) خشونت و جنگ در جهان فعلی را

از اندوه‌ها و نگرانی‌هاست، چنانکه قرآن کریم در مورد حضرت یونس (ع) می‌فرماید: «تا در [دل] تاریکی‌ها ندا در داد که: «معبودی جز تو نیست، منزه‌ای تو، راستی که من از ستمکاران بودم.» پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهایی دادیم، و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می‌دهیم.»

❑ استغفار؛ دارویی بی‌بديل

مهمترین ضررهای انسان، آثار گناهان است. برای اینکه با انواع این ضررها آشنا شویم می‌توانیم نگاهی به این عبارات امیرالمؤمنین (ع) در دعای کمیل بیندازیم که می‌فرماید: «خدایا بیامرز برایم آن گناهی که پرده‌ها را بدرد، خدایا بیامرز برایم آن گناهی که عقاب و کیفرها را فرو ریزد، خدایا بیامرز برایم آن گناهی که نعمت‌ها را تغییر دهد، خدایا بیامرز برایم آن گناهی که از دعا جلوگیری کند، خدایا بیامرز برایم آن گناهی که بلا نازل کند، خدایا بیامرز برایم هر گناهی که کرده‌ام و هر خطایی که از من سرزده.»

آری، توجه به گناهان و استغفار از آن‌ها هر چه زودتر باشد، مفیدتر است تا جایی که امام صادق (ع) در کلام دیگری می‌فرماید: «نیست بنده‌ای که گناه کند، مگر آنکه خداوند تا فردا شب آن روز به او مهلت می‌دهد، پس اگر استغفار کند، براو نوشته نمی‌شود.»

اگر با دیده دل بنگریم گناه، بیماری و درد روح است که تنها داروی آن، طلب بخشش از خداوند بخشنده است؛ چنانکه امام صادق (ع) در روایت دیگری از رسول خدا (ص) نقل می‌کنند که فرمودند: «هر دردی دوا و درمانی دارد و داروی گناه، طلب آمرزش و استغفار کردن است.» با این وصف، استغفار می‌تواند باز بین بردن گناهان، انسان را از آثار سو آن‌ها درمان دارد.

❑ راهبرد شکر نعمت

پیامدهای ناگوار ناسپاسی، از جمله سنت‌های الهی است. قرآن کریم سرزمین پر نعمت و آسایشی را مثال می‌زند که به خاطر ناسپاسی دگرگون شد. می‌فرماید: «و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزی از هر سو فراوان می‌رسید، پس نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.» نعمت‌های خدا، تنها نعمت‌های مادی نیستند بلکه آرامش، امنیت، ایمان، معنویت و... نیز از جمله نعمت‌های بزرگ الهی هستند که اگر شکر آن‌ها را به جای نیاوریم از ما گرفته می‌شوند و عکس آن‌ها جایشان را پر می‌کند، چنانکه طبق آیه شریفه، نعمت و امنیت جای خود را به گرسنگی و ترس دادند.

از جمع‌بندی از سه فراز کلام گهربار امام صادق (ع) درمی‌یابیم که انسان در هر حالی، حال اندوه یا نعمت و یا حتی گناه، برای درمان ماندن از هر گونه ضرر و نقصانی باید خداوند را یاد کند چرا که غفلت از یاد خدا در هر یک از این حالات، اقوام و طوایف و انسان‌های فراوانی را بد عاقبت و خسران زده کرده است. ❑

دستوراتی برای دوری از انواع گزندها

یاد خدا در همه حال

ابن‌سینا ربیع

❑ انسان به دنیایی وارد شد که صحنه فراز و نشیب‌های مادی و معنوی برای اوست تا از میان آن‌ها سعادت اخروی خود را تضمین کند. در آموزه‌های اسلامی، ضرر واقعی در این دنیا به نقصانی گفته می‌شود که موجب نقصان در آخرت شود. از این رو لازم است انسان با تمام عوامل اصلی آسیب رسان به سعادت خود آشنا شده و راه محافظت خود در آن شرایط را بیاموزد و اجرا کند. کلمات ناب معصومین علیهم‌السلام، همواره نشانگر دقیق‌ترین، نزدیک‌ترین و بهترین راه عبور سالم از خطرات بوده است. امام صادق (ع) در سخنی گهربار می‌فرماید: «سه چیزند که با وجود آن‌ها ضرری به انسان نمی‌رسد: دعا هنگام اندوه، طلب آمرزش هنگام گناه، شکر هنگام برخورداری از نعمت.» برای درک بهتر از این سه عامل به تشریح هر کدام می‌پردازیم.



❑ دعا؛ راه زدودن گرد غم‌ها

«کرب» به معنای غم و اندوه شدید است. انسان‌های برگزیده خدا، وقتی دچار غم و اندوه شدید می‌شدند خدا را ندا می‌کردند و خداوند نیز خواسته آن‌ها را می‌پذیرفت و از غم رهایی می‌داد. خدای متعال در مورد حضرت نوح (ع) می‌فرماید: «و نوح را هنگامی که پیش از آن ندا کرد، پس ما دعایش را اجابت کردیم و او و خاندانش را از آن اندوه بزرگ نجات بخشیدیم.» در داستان حضرت نوح (ع) می‌بینیم که دعا، اندوه تأثیر بسیار اندک تبلیغ نهصد ساله را از بین برد و موجب گشایش در کار فرستاده خدا و یاران اندکش شد. «نداء» همانند «دعا» به معنای صدازدن است و تفاوت این دو در آن است که در دعا، نام طرف مقابل نیز گفته می‌شود ولی در نداء این چنین نیست؛ گرچه گاهی این دو کلمه به جای یکدیگر نیز به کار برده می‌شوند. دعا، نسخه رهایی انسان‌های مؤمن

مرامنامه تربیتی شیخ الائمه (ع) برای شیعیان

با دوری از حسد ریشه کفر را بخشکانید

|| جواد عبدالزاده



و ماه‌ها و سال‌ها شاگردی آن امام هدایت را مفتخر گشته‌اند، نشانه بارز این تربیت کمی و کیفی است.

مرامنامه تربیتی

در یک زمان و امکان محدود و در حالی که تنوع مباحث علمی اسلام در شاخه‌های اصول و فروع و اخلاق خود اولویت بندی را مشکل می‌نماید، روایات وارده از امام صادق (ع) نشان از توجه خاص ایشان به تمامی شاخه و زیرشاخه‌ها و تجهیز کامل و همه جانبه شاگردان دارد. طبعاً در مباحث و روایات، هرکدام از ائمه خصوصیات و مشکلات و موانع هر زمان را مدنظر قرار گرفته و زبان زمان هر قوم، مورد عنایت هادیان بوده است. در باب امام ششم شیعیان نیز این مطلب صادق بوده و امام (ع) در عین تلاش برای تحکیم پایه‌های اعتقادی (با عنایت به روایات متعدد حضرت در باب مباحث توحید، عدل، معاد، نبوت و امامت) و آموزش مسائل فقهی (روایات احکامی متعدد صادره از امام ششم)، مباحث اخلاقی نیز جایگاه خاصی در روایات حضرت دارد. مباحث اخلاقی وارده از حضرت بی شک ضمن انجام وظیفه هدایتگری و نشر علم، سعی در رفع مشکلات اخلاقی جامعه زمان خویش نیز داشته و تلاش در جهت تشکیل جامعه الگو از اهداف آن حضرت بوده است.

دقت در این مورد لازم است که در دوران هیچ کدام از ائمه به این تنوع و تکثر و تعدد، شاگرد و مرید آن هم از نوع شاگردان عالم، یافت نشده و هدایت چنین جمعی و تشکیل جامعه الگو، خود دارای مراتب‌های گوناگون بوده است. شاید بسیار محدود و قلیل باشد در تاریخ که امامان معصوم به شیعیان خویش مرامنامه‌ای بدهند که هر شب بعد از نماز ملزم به خواندن آن باشند و این کار در زمان امام صادق (ع) آنگونه که شیخ ثقه الاسلام کلینی (ره) در روضه کافی نقل می‌کند رخ داده و متن مرامنامه که در سجاده نماز اصحاب امام بود، چیزی نبوده جز باید‌ها و نبایدهای زندگی روزمره اجتماعی که تعهد صحابی امام در مطالعه روزانه آن و یادآوری و متذکر شدن به آن و صدا البته تلاش در جهت عملیاتی نمودنش، در طول تاریخ تشیع بی نظیر است.

از جمله خصوصیات اخلاقی بارزی که امام صادق (ع) در تشکیل جامعه الگو در زمان امامت جعفری بر آن تأکید داشته و تعدد روایات صادره نیز، نشان از عمیق بودن مشکل در سطح این جامعه الگو دارد، لزوم دوری صحابه و یاران و شاگردان از حسد است.

در دوران حیات امام صادق (ع) آنگونه که در تاریخ و کتب حدیثی قید شده است. ایشان علاوه بر تربیت شاگردان در سطح عمومی، اقدام به آموزش افراد صاحب استعداد به صورت تخصصی در مباحث مختلف اعتقادی و کلامی نموده و همین شاگردان در جایگاه‌های متفاوت و مورد نیاز در مباحثات و مناظرات شرکت می‌نمودند. مباحثه‌ها و مناظره‌هایی که گاهی در خدمت خود شیخ الائمه و در اوج هیبت و شکوه حضور علمی حضرتش، شاگردان به دستور

دوران حیات پربرکت حضرت امام جعفر بن محمد صادق (ع) با خصوصیات ویژه‌ای نسبت به سایر ائمه معصومین (ع) متمایز گشته که از آن جمله تشکیل مجالس تعلیم علم اهل بیت (ع) و نشر روایات بعد از سال‌ها محدودیت در سطح عمومی جامعه بوده است. سال‌های ۱۱۴ لغایت ۱۴۸ هجری قمری را که نشاندار به امامت شیخ الائمه بوده، بی شک می‌توان عصر انتشار علم آل محمد (ص) و استحکام بخشی به پایه‌های مذهب تشیع نامید. سال‌هایی که علاوه بر تعدد و تکثر روایات، شاهد تعدد روایات نیز می‌باشیم. چهار هزار راوی که کتب تاریخی به عنوان شاگردان حضرت نقل کرده‌اند که یاقط راوی بوده و طعم شیرین جلسات درسی حضرت را به قدر کوتاهی چشیده‌اند یا روزها



.....

حسادت به غیر، ایمان انسان را از بین برده و او را در زمره منافقین و رتبه کافرین قرار می دهد. حسادتی که از بی تقوایی و غفلت عارض گردیده و به فرمایش نبی خاتم (ص)، بیماری امم گذشته است. صادق آل محمد (ع) حسد را آفت دین می داند و جالب آنکه این آفت را قرین با عجب، فخر و مباهات بر می شمارند. آفتی که آرام آرام در ریشه های دین داری مسلمین رخنه و آن ها را می پوساند. بسیار سخت است انسان متوجه آفت بی نشانه ای چون عجب و حسد گردد. فخر و مباهات شاید تبلور لسانی داشته و یا در چهره ظاهر فرد نمود داشته باشد، اما عجب و تکبر و حسد آفت پنهانی است که ریشه را از بین برده و مؤمن را از رتبه ایمانی به رتبه انکاری و کفر می کشاند.

□ آرامش قلبی

امام صادق (ع) همچنین از عوارض این فعل قبیح بر خود حاسد و جنبه شخصی آن نیز سخن می فرماید: عدم وجود آسایش و آرامش در زندگی دنیوی مهمترین ثمره حسد برای حسود می باشد. حضرت می فرماید که «حسود نباید انتظار آرامش قلب داشته باشد و یا به آن اطمینان نماید.» آرامش و سکینه قلب از نعمت های بزرگ الهی است که در سایه ایمان و عمل صالح بندگان، متنعم به این نعمت می گردند. حسادت غیر از تلاطم دل و اغتشاش آن چیزی در پی نخواهد داشت. بیماری که سکینه دل ناشی از نور ایمان را از بین برده و آن را به خاموشی می کشاند. خوشحالی دیگران و رشد آن ها برایش جز غم و اندوه چیزی به بار نمی آورد و به فرموده امام الممتقین، علی (ع) حسود را اندوه همیشه مصاحب است.

علم اندوزی به شرط عمل، عبادتی است در پیشگاه خدای عزوجل و طبعاً بندگی بیشتر، ریزش نعمت های بیشتر را در پی دارد. هیچ محدودیتی در نعم الهی نبوده و با افزایش متنعمین، هیچ کم و کاستی در نعم الهی ایجاد نخواهد شد. پیشرفت های بشری به زحمت و تلاش و لطف الهی میسر شده و نتایج آن تبلور می یابد. رویت این پیشرفت ها در نظر مؤمن و غبطه به احوال هم ایمانی خود، باعث و عاملی می گردد برای حرکت و طی مسیر موفقیت و در نظر منافق حسادت را باعث شده و کینه و عقب ماندگی را به وجود می آورد. کدام یک بهتر است: انگیزه برای تلاش بیشتر خود و یا اندوه از پیشرفت دیگران؟ دعا برای درخواست فضیلت های افزون تر از خدا یا کینه ورزی به متنعمین درگاه الهی؟

در روایتی از شیخ الاثمه و رئیس مذهب ایشان چنین فرمودند که: «حاسد قبل از اینکه به محسود زیان برساند به خود ضرر می رساند، مانند شیطان که با حسادت خود به خویشتن زیان رسانید و خود را مستوجب لعن و نفرین کرده و آدم را به مقام هدایت رسانید و موجب بلندی مقام و بزرگی او شد. اکنون اگر محسود باشی بهتر است از اینکه حاسد باشی، زیرا میزان حاسد همیشه سبک می شود و میزان محسود سنگین می گردد. ریشه حسد از کوری قلب آغاز می گردد و از انکار فضل الهی شروع می شود. کوری دل و انکار فضل خدا دو بال کفر هستند.»

آن بزرگوار وارد گود بحث و نظرمی شدند و تأیید حضرت بر آن ها در پایان مباحثات نشانی از افتخار بر سینه بود از باب صحیح بودن علم و بحثشان. تشکیل کلاس ها و حلقه های تعلیم علم اهل بیت (ع) و به وجود آمدن عالمان و راویان علم جعفری، تعدد روایات و شاگردان مکتب امام صادق (ع)، تربیت مباحثین متخصص برای بحث و مناظره، همه و همه نشانه های مثبت جامعه الگویی دوران صادقی بوده که طبعاً می توانست با خطراتی ناشی از جهل یا خواسته های نفس و یا غلبه شیطان مورد آسیب واقع گردد.

□ آفت علم

دقت در احادیث آن امام در باب نهی از حسد و کثرت احادیث در این موضوع، نشانگر آن است که امام صادق (ع) یکی از اصلی ترین خطرات در جامعه علم محور آن دوران را حسادت شیعیان (خاص و عام) نسبت به یکدیگر و انحراف از خط سیر اصلی رشد و تعالی، تشخیص داده و در راه از بین بردن آن با بیان های گوناگون تلاش نموده اند.

بدیهی است علم صحیح طبق تعریف اسلام بایستی توأم با تواضع بوده و خضوع به بار آورد. لیکن نفس اماره و شیطان قسم خورده به منحرف نمودن بندگان الهی، غرور را به علم پیوند زده و آن را از هدف اصلی خود که همان هدایتگری است، بازمی دارند. که علم بی تواضع عمل خالص نیز به همراه نخواهد داشت و رشدی در میان نخواهد بود. آنچه در کنار غرور علمی جلوه گر می شود تفاخر به مقدار علم و تعریف جایگاه های دنیوی برای صاحبان علم و درجه بندی های ظاهری می باشد. تفاخرها در انسان های خودبین خدافراموش، نیاز به دیده شدن و بالاتر و برتر از دیگران بودن را متجلی نموده و تخم حسد را در دل می کارد. فعل قبیحی که از دل به عمل به اشکال مختلف تبلور شده و اعضاء را در خدمت پایین کشیدن رقبا و بالاتر رفتن خود به هر مکر و حيله و ترفندی فرامی خواند.

امام صادق (ع) در مرمانمه ای که برای اصحاب خویش تدوین نموده بودند ایشان را از حسد به یکدیگر بر حذر داشته و آن را ریشه کفر خوانده اند. «ایکام ان یحسد بعضهم بعضاً فان الکفر اصله الحسد» بیان شد که این رساله برای اصحاب و شاگردان خاص حضرت بوده و چنین اندازی نشان از امکان وقوع مشکل و بیماری در قلوب شاگردان صاحب علمی دارد، که هر لحظه شیطان در کمین ایشان است. قباحت این بیماری در دل از دو جنبه، انسان را دچار مشکل می نماید. نخست جنبه ارتباطی با خدای بی همتا و دوم جنبه شخصی آن می باشد.

حضرت در روایات متعدد آثار حسد بر رابطه انسان با خدا را بیان می فرماید: «حسد ایمان را می خورد همان گونه که آتش، هیزم را»، «حسادت نشانه عدم تقوا»، «حسد نشانه نفاق» و «حسد پایه کفر» است. همه این بیانات اندازی است به مومنان که به زحمت معرفت و عمل، به رتبه ایمان رسیده اند. انداز از باب مراقبت برای عدم نفوذ این بیماری مهلک در قلب و جان آن ها.

حضرت در

روایات متعدد

آثار حسد بر رابطه

انسان با خدا را

بیان می فرمایند:

«حسد ایمان

را می خورد

همان گونه که

آتش، هیزم را»،

«حسادت نشانه

عدم تقوا»،

«حسد نشانه

نفاق» و «حسد

پایه کفر» است.

همه این بیانات

اندازی است به

مومنان که به

زحمت معرفت

و عمل، به رتبه

ایمان رسیده اند.

انداز از باب

مراقبت برای عدم

نفوذ این بیماری

مهلک در قلب و

جان آن ها



دکتر نصرالله حکمت

بحثی در باب سنت و مدرنیه
با اشاره به حدیثی از امام ششم

کسی که کهنه ندارد نوندارد

در قالب «ندارد»، ترجمه کردیم؛ ولی «لی» گرچه معنای «داشتن» و «دارا بودن» می‌دهد اما داشتن همراه با مالکیت و اشراف بر آن. حال می‌گوئیم که گرچه بر اندام کودک نوزاد، جامه نو می‌کنند اما او هیچ گونه مالکیتی بر آن جامه ندارد و هیچ گونه آگاهی و اشرافی نیز بر آن ندارد و به کلی از نو و کهنگی و حتی از جامه بودن، و نبودن آن بی‌خبر است.

اکنون به لحاظ زبانی و معنایی، هم در زبان عربی، و هم در زبان فارسی، مباحث گوناگون، در اینجا قابل طرح است و ما نمی‌خواهیم وارد آن‌ها شویم، اولاً بدین جهت که این فضا، فضای تفصیل نیست؛ ثانیاً به خاطر اینکه گاهی ورود در این جزئیات زبانی، سبب می‌شود که مقصود اصلی، لایه‌لای تارهای درهم تنیده و به هم پیچیده کلافی سر در گم، مخفی و مفقود شود. در عین حال، یکی دو مطلب رانمی‌توان نگفت. یکی اینکه در زبان فارسی هم، واژه «داشتن»، قابل مطالعه است و ظرایف معنایی خاصی دارد که در پاره‌ای از کاربردهایش شاید نتوان به هر گونه «در اختیار داشتن چیزی»، داشتن، اطلاق کرد.

دیگر اینکه به هر صورت، سخن در این است که «لی» در عربی - و البته در ساختار عبارت مذکور - و «داشتن» در فارسی، به نحوی باید افاده معنای «از آن» کند.

مطلب سوم، فقط یک اشاره است؛ اشاره به تنگنای ترجمه. ملاحظه می‌کنید که یک کلمه، در هر زبانی، چه اندازه قصه و سرگذشت دارد. این اشاره و التفات، از ما می‌خواهد که هم با دقت بیش تر سخن بگوییم و بشنویم؛ و هم هنگام خواندن ترجمه‌ها کمی احتیاط کنیم؛ و هم دوستان عزیز و جوانان ما بدانند که بسیاری از این ارجاعات که در بعضی از شبکه‌ها به متون دینی، داده می‌شود، اگر درست باشد، زلف آن متن، ده‌ها، بیچ و تاب و شکنج دارد. میان ما و متن مورد بحث، و فهم ما از متن، کمی فاصله افتاد؛

اما عیبی ندارد. این فاصله، بر عطش ما می‌افزاید و با اشتیاق بیشتری، درصدد درک متن، برمی‌آییم.

روزی یکی از یاران امام صادق - درود خدا بر او باد - خدمت ایشان رسید. نگاهش افتاد به پیراهنی که بر تن امام بود؛ دید که آن پیراهن، وصله دار است. از وصله‌ای که پارگی پیراهن ایشان را اصلاح کرده بود، چشم بر نمی‌داشت و آن را می‌نگریست. امام به او گفت: به کجای نگری؟ گفت: به وصله پیراهن شما. امام گفت: این دفتری که در مقابل من است، بردار و آنچه را که در آن است بخوان. آن مرد دفتر را برداشت و در آن نگاهی انداخت. عباراتی در آن بود. از آن میانه چشمش به این کلمات افتاد: «لا جدید لمن لا خلق له». (بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۴۵)



اگر بگوییم عبارت فوق، ترجمه پذیر نیست، شاید حمل بر مبالغه کنید. به هر صورت، آن را ترجمه می‌کنم اما وقتی به تفسیر این متن پرداختیم، خواهید پذیرفت که مبالغه نکرده‌ام: «کسی که کهنه ندارد، نوندارد». وقتی این عبارت را می‌خوانیم که: «کسی که کهنه ندارد، نوندارد»، شاید این اشکال به ذهنمان خطور کند که کلیت و شمول ندارد. ساده‌ترین موردی که می‌تواند کلیت آن عبارت را نقض کند، «نوزاد» است. نوزادهای انسان‌ها، بی آنکه جامه‌های کهنه داشته باشند، جامه نو دارند و حتی هنوز به دنیا نیامده‌اند، دارای لباس نو هستند؛ و وقتی قدم به دنیا می‌نهند، بر اندامشان جامه نو می‌کنند. پس این سخن که: «کسی که کهنه ندارد، نوندارد»، با هر نوزادی که به دنیا می‌آید، نقض می‌شود و بدین گونه فاقد اعتبار است.

اگر بپذیریم که هر نوزادی با داشتن جامه نو بدون کهنه، این سخن را که «کسی که کهنه ندارد، نوندارد»، نقض می‌کند، لازمه‌اش این نیست که عبارت «لا جدید لمن لا خلق له» نیز نقض شده باشد. زیرا همان گونه که در بخش پیش گفتیم از سر ناچاری این عبارت عربی را به فارسی ترجمه کردیم. بسیار خوب، عربی آن، چه می‌گوید؟ در عبارت عربی، یک کلمه که فقط یک حرف دارد، آمده به اسم «لام» که به صورت «لی» در اول «من» قرار گرفته و شده: «لمن». این «لی» در زبان عربی و در ساختار جمله فوق، معنای خاصی دارد که ما آن را «داشتن» و



احترام نظر کند.

اینک از این دید انداز که آدمی در زمان به سر می برد و حتی خروج او از زمان و سیطره اش بر آن، مستلزم شناخت آن و آشنایی با راهکارهای این غلبه است، بحث «کهنه و نو» را مورد تأمل قرار دهید؛ تا در ادامه بحث ببینیم که آیا می توان بدون داشتن گذشته و سنت، و بی آنکه کهنه ای داشته باشیم، سخن از «نو» و «نوگرایی» و «نوخواهی» به میان آوریم؟

☐ ظهور و حضور

بحث از مدرنیته و تجدد، و غوغای «نوخواهی» و «نوگرایی» ما به گوش فلک هم رسیده است. اما هنوز از خودمان نپرسیده ایم که «نو چیست؟» و «کهنه چیست؟» و چه نسبتی میان آن دو برقرار است. به هر صورت، ما در روزگار نو به سر می بریم و احکام این روزگار، و ظهورات آن، در زندگی ما جریان دارد و به نحوی بر آن غالب است؛ اما سخن من این است که درون این جریان غالب، ما می خواهیم درباره آن، پرسش کنیم و به آن بیندیشیم و به خصوص در باب این مسئله تأمل نمائیم که: آنچه به عنوان «نو» و «جدید» ظهور کرده و بر زندگی ما غلبه یافته، آیا صورت جدیدی از سنت و گذشته خود ما است، یا صورت جدیدی از گذشته و سنت یک ملت دیگر است که ما تسلیم آن شده ایم؟

ممکن است کسی سؤال ما را زیر سؤال ببرد و درباره قسمت پایانی آن یعنی اینکه ما «تسلیم آن شده ایم» اشکال کند و بگوید که ما تسلیم آن نشده ایم، بلکه این وضعیت جدید، بر ما غلبه کرده و ما را مغلوب خویش نموده و ما جز پذیرش آن، راه دیگری نداریم.

بسیار خوب؛ سلطه و غلبه ظهور این وضعیت جدید، اقتضای آن ندارد که مادرنگ نکنیم و درباره آن نیندیشیم. نکته ظریفی که در اینجا خوب است به آن توجه کنیم، «تفاوت میان ظهور و حضور» است. یکی از ویژگی های «ظهور» غلبه است؛ یعنی آنچه ظهور می یابد و برای آدمی عیان می گردد، می تواند بر ذهن و زندگی او غلبه کند و شاکله او را به انسداد کشاند؛ اما حضور، این ویژگی را ندارد. از جانب دیگر، ظهورات بر یکدیگر غلبه می کنند اما ظهور نمی تواند بر حضور، غالب گردد.

به هر صورت سخن در این است که «مدرنیته» از سخن «ظهور» است و بر ظهورات دیگر غلبه کرده است اما هرگز نمی تواند بر آنچه از سخن «حضور» است، غلبه کند؛ مگر در مورد کسی که «حضور شناس» نباشد و همه چیز را به «ظهور» تقلیل دهد؛ در این حال، طبعاً آدمی خود را در برابر ظهور غالب می یازد و سیطره بی چون و چرایش را می پذیرد و هرگز نمی تواند به راه بیرون شدن از آن وضعیت غالب، بیندیشد.

درنگ و تأمل و تفکر از سخن «حضور» است و نه تنها مغلوب «مدرنیته» نخواهد شد بلکه می تواند بیرون از حوزه غلبه ظهورات آن، جوانب گوناگون آن را مطالعه کند و راه بیرون شدن از آن غلبه را دست کم به صورت خرد و برای «تک انسان ها» نشان دهد. بحث ما ادامه دارد و پرسش ما این است که: آیا مدرنیته، صورت جدیدی از گذشته و سنت ما است، یا صورت جدیدی از سنت یک ملت دیگر است؟ ☐

نکته نخست این شد که اگر ماجرای کهنه و نورا - با عطف

توجه به جهت صدورش که لباس وصله دار امام است - به موضوع جامه نوزاد ببریم و چنین پنداریم که شامل این مورد هم می شود، و در نتیجه، این مورد، نقض کلیت «کهنه و نو» پنداشته شود، پاسخش این می شود که با توجه به معنای «ل»، نوزاد و جامه اش، اساساً مشمول آن کلیت نیست - و طبق اصطلاح، تخصصاً از موضوع بحث، خارج است. در باب موارد دیگر هم که احتمال نقض برود، باید جداگانه بحث شود.

نکته دوم: بحث «کهنه و نو» - البته باز با عطف توجه به جهت صدورش، یعنی جامه امام - ما را به جریان زمان و نحوه ارتباطش با انسان و متعلقات او می برد؛ و بدین گونه سخن از زندگی انسان و نحوه زیستش و اراده و انتخابش، به میان می آید؛ که اگر از این منظر نیز بنگریم، موضوع «نوزاد و جامه» و موارد مشابه، از محل بحث، خارج می شود.

☐ دام ابدیت

تا اینجا بحث ما ناظر به آن بود که کلام امام را با توجه به جهت صدورش، منحصر در موضوع جامه بدانیم. اما سخن در این است که کلام معصوم، فراتر از جامه کهنه و نو است. همه شواهد و قرائن و نحوه برخورد امام با این موضوع، به علاوه ساختار کلام امام، حکایت از این دارد که ایشان بحث از کهنه و نورا در افقی برتر مطرح می کند.

انسان موجودی افتاده در زمان است و با زمان زندگی می کند. شیطان با «دام دانه»، جاودانگی و ابدیت، انسان را که خفته و آسوده در ابدیت و خلود بود، فریب داد و از جاودانگی به در آورد و در چرخه زمان افکند. اینک این موجودی که به خواست خود و با عصیان در برابر خدا به زمین آمده و در زمان به سر می برد، نمی تواند به احکام زمان، احترام نگذارد. حتی اگر بخواید - به قول ابوالحسن عامری نیشابوری - به عنوان تکه ای از زمان، سوار بر مرکب ابدیت باشد، باید زمان را بشناسد و به تقدم و تأخر، به دیده

«مدرنیته» از

سخن «ظهور»

است و بر

ظهورات دیگر

غلبه کرده اما

هرگز نمی تواند

بر آنچه از سخن

«حضور» است،

غلبه کند؛ مگر

در مورد کسی که

«حضور شناس»

نباشد و همه

چیز را به «ظهور»

تقلیل دهد؛ در

این حال، طبعاً

آدمی خود را در

برابر ظهور غالب

می یازد و سیطره

بی چون و چرایش

را می پذیرد و هرگز

نمی تواند به راه

بیرون شدن از آن

وضعیت بیندیشد



کسی نبود که عاشق امام صادق (ع) نشود

حجت الاسلام و المسلمین سید عبداللّه فاطمی نیا

علم و پرچمدار علم در جهان است، چون ایشان نفسش پاکیزه است. امام باقر (ع) که یکی از اساتید این مدرسه است در مقامات عارفین مقاماتی دارد که زبان از وصف آن عاجز است. او باقر و شکافته است. می گویند این مدرسه با مدرسه های دیگر فرق داشت برای اینکه در این مدرسه امام گنج های دفن شده معارف را بیرون می آورد و این مدرسه را حضرت باقر (ع) تحویل امام صادق (ع) دادند.

در این مدرسه فقه، حدیث، تفسیر، قرآن و حتی اخلاق تدریس می شد. در گذشته اخلاق را کنار گذاشته بودند و فکر می کردند که اخلاق یک چیز جزئی است در صورتی که بعضی همه علم های دنیا را به دست می آورند اما اخلاق ندارند و نمی دانند هر چه هست در اخلاق است. علمای نجف علمای بزرگی بودند و فقط با فقه و اصول به آنجا رسیدند، بلکه همه اخلاق و کرامت داشتند.

در این مدرسه حتی فلسفه هم گفته می شد آن هم فلسفه به معنای واقعی آن و همینطور طب هم گفته می شد و علم کیمیا که شیمی است نیز در این مدرسه تدریس می شد. به طور کلی تمام علم ها و فن های عالم در این مدرسه گفته می شد.

گفته شده شاگردان امام صادق (ع) شب ها دفتر و قلم خود را بالای سرشان می گذاشتند و منتظر بودند صبح شود و به مدرسه بروند، این قدر به این مدرسه عشق و علاقه داشتند. شوخی نیست، کسی نبود که عاشق امام صادق (ع) نشود.

شیخ محمد زهره کتابی دارد که درباره امام صادق (ع) نوشته است که امام صادق (ع) در مدینه بود اما هر کس در هر کجای دنیا مشکل علمی داشت به مدینه می آمد و از حضرت می پرسید و جوابش را می گرفت و می رفت. ابن حدید سنی هم می گوید: نه ایران و عراق، نه شام و بغداد بلکه مردم همه دنیا علم را از دو نفر امام صادق (ع) و امام باقر (ع) گرفتند و امروز ما شیعه به امامان عزیزمان افتخار می کنیم. □

چو آنان بدانید که معلومات ارزش دارد و این معلومات آسان به دست نیامده است. ما بچه و نوجوان بودیم به ما می گفتند فقه صادق (ع) ولی نمی دانستیم مقصود از آن چیست؟ اصلاً وقتی می گویند فقه صادق (ع) این فقه صادق (ع) چیست؟ فقه صادق (ع) همه علوم را شامل می شود و به معنای همه علوم است.



یکی از شیعیان عراق کتابی درباره امام صادق (ع) نوشته است و در پایان جمع بندی نموده است و آورده که درباره امام صادق (ع) چگونه می توان حرف زد؟ اصلاً از کجا می توان شروع کرد؟ آیا از علمش صحبت کنیم؟ آیا از شخصیت ایشان حرف بزنیم؟ آیا از اخلاق ایشان سخن بگوییم؟ و هزاران چیز دیگر، اصلاً از کجا صحبت کنیم؟ امام صادق (ع) همان شخصیتی است که علم او امروز دنیا را پر کرده است.

مدرسه امام صادق (ع) در تاریخ بی نظیر بود و در دنیا دیگر چنین مدرسه ای پیدا نمی شود. درباره مدرسه امام صادق (ع) یک نکته وجود دارد و آن اینکه مشهور است که این مدرسه چهار هزار شاگرد داشته است اما این تعداد قید زده شده است. شیخ مفید در کتاب ارشاد می نویسد این چهار هزار شاگرد فقط از ممتازان این مدرسه بوده اند نه اینکه کل شاگردان این مدرسه چهار هزار نفر باشند.

حالا این مدرسه امام صادق (ع) چگونه تشکیل شد؟ مؤسس این مدرسه جد مظلومشان حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) هستند که این مدرسه با شهادت امام حسین (ع) شروع و تأسیس شد. حضرت سجاد (ع) با اینکه در دوران فشار حاکمان ظالم بود ولی این مدرسه را اداره می کردند. بعد از ایشان حضرت باقر (ع) این مدرسه را ادامه دادند ولی ایشان هم در فشار بنی امیه بودند و با این شرایط این مدرسه تشکیل شد.

ابن حجر یک عالم سنی متعصب درباره امام باقر (ع) می گوید: حضرت باقر (ع) شکافته

در بخش فرهنگ این شماره علاوه بر معرفی چند کتاب، نقد فیلم و شعر هم خواهیم خواند. در اولین مطلب این بخش گزارشی از نشست رونمایی از سه جلد اول رمان ایرانشهر را مطالعه می‌کنید و سپس دو نقد کوتاه از فیلم «رضاء» را که در اکران آنلاین قرار دارد برای شما برگزیده‌ایم. پس از آن شعرهایی از شاعران قدیم و جدید در دو صفحه حال و هوای این بخش را پاییزی می‌کند. معرفی دو کتاب «شانه‌های زخمی خاکریز» که روایت حال امدادگران دفاع مقدس است و کتاب «اخلاق و پندهایی برای سیر و سلوک» که ارشادات مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالکریم حق‌شناس را در بر دارد آخرین مطالب این بخش هستند.

« فرهنگ و ادب

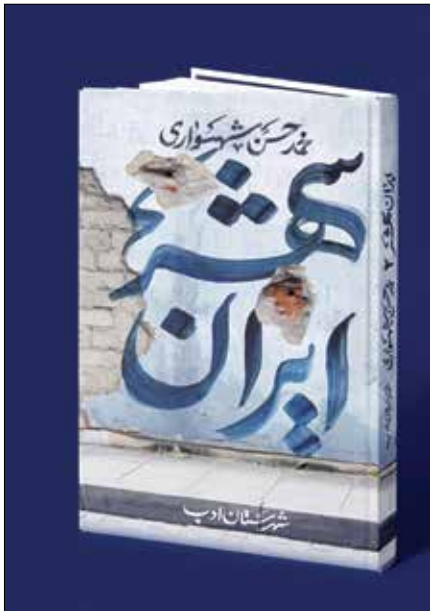
کتاب

درمان بست.

سخن از روزنه‌های نور

یک تکه تنهایی، یک پیله دلتنگی

بادها را کیمیاگر می‌کند فصل خزان



نشست رونمایی سه جلد اول رمان ایرانشهر برگزار شد

سخن از روزنه‌های نور

نشست رونمایی سه جلد اول کتاب رمان «ایرانشهر» با حضور نویسنده این کتاب محمدحسن شهسوار و علی اصغر عزتی‌پاک، منتقد و نویسنده و مدیر مدرسه رمان انتشارات شهرستان ادب و محمدامین اکبری، مدیر انتشارات شهرستان ادب در فرهنگسرای رسانه برگزار شد. ■



بودیم آقای شهسوار از این قالب بیرون زد و زمین بازی را عوض کرد و کار را با نشاط در زمینه دفاع مقدس تحویل داد.

مدیر مدرسه رمان شهرستان ادب با تاکید بر پختگی نویسنده و تسلط بر هیجان‌ات افزود: نگاه آقای شهسوار به انسانی که دارد می‌جنگد و مفاهیمی که این دفاع براساس آن شکل می‌گیرد متفاوت است و دلیل اصلی آن این است که نویسنده به پختگی و تسلط روی هیجان‌اتش رسیده است. خواهی نخواهی انسان‌ها در سنین مختلف روحیاتی دارند و براساس آن عمل می‌کنند و حرف می‌زنند و بر همین اساس جوانی باعث غلبه هیجان بر حقایق می‌شود اما احساس می‌کنم آقای شهسوار از سنی به دنبال ایرانشهر رفت که هیجان‌ات را پشت سر گذاشته بود. در ایرانشهر همه‌اش به خاطر این نیست که خاکش را دوست دارد و با یک فرهنگی آدم‌هایش را وارد جنگ می‌کند و با یک فرهنگی پیروز می‌شوند یا شهید می‌شوند. در واقع یکی از مهم‌ترین عناصر این رمان این است که به شور رسیده در حالی که آن جاهایی که شور رمان بالا می‌رود کنترل شده و آگاهانه اتفاق می‌افتد.

عزتی‌پاک در خاتمه گفت: این رمان در نهایت به سقوط خرمشهر می‌انجامد و این اتفاق خوبی نیست که رمانی بنویسیم که شکست‌مان را نشان دهیم ولی در حالی که در دل شکست روزنه‌های نور و چشم‌اندازهای روشن گذاشته شده است از انسان‌هایی که از سرزمین دفاع می‌کنند و یا شهید می‌شوند و هر کدام برای خودشان معرکه‌ای هستند. هر گلوله‌ای که می‌خوریم یک وزنه‌ای در داستان برج‌های می‌گذارد که نشان می‌دهد همچنان ایستاده، مقاوم و پراز امیدیم و این ویژگی دیگر مهم ایرانشهر است که از ابعاد دیگری به پیروزی و وجهه‌های آن می‌پردازد.

علی اصغر عزتی‌پاک، نویسنده و منتقد با ابراز خوشحالی از چاپ «ایرانشهر» در چهل‌مین سالگرد آغاز جنگ تحمیلی گفت: به مخاطبان ادبیات داستانی مژده می‌دهم «ایرانشهر» هرمانی نیست و قرار نیست که تنها یکبار خوانده و تمام شود. ایده‌های بزرگ وقتی می‌آیند که همه می‌دانند کل کشور با آن ایده متحول می‌شود و من فکر می‌کنم ایرانشهر نیز یک ایده بزرگ است که تاریخ‌ساز می‌شود.

منتقد و نویسنده کتاب‌های داستانی با اشاره به اینکه داستان معاصر ما جایگاه خودش را تثبیت خواهد کرد و خرمشهر و داستان‌هایش حقی بود بر عهده رمان نویسان ایرانی، افزود: در تمام سال‌ها این حق سنگینی می‌کرد و کسانی که دستی به قلم داشتند این را احساس می‌کردند در حالی که ما این منطقه عزیز و گرامی را در سال‌های جنگ برای مقطعی از دست دادیم و باید ثبت مهمی در خصوص وقایع آن روزها می‌داشتیم. حالا ایرانشهر گام مهمی است که ادبیات داستانی ایران در خصوص خرمشهر انجام داده است.

عزتی‌پاک با بیان اینکه کارهای زیاد و خردی هم در زمینه خرمشهر انجام شده است، افزود: کارهای خردی نسبت به این امر شده ولی آنچه که شامل و جامع باشد و اراده بزرگی را در پس خود داشته باشد و از عهده آن بر بیاید و یکبار همه وقایع را با آدم‌های شگرفش بر عهده بگیرد را در ایرانشهر شاهدیم. طلیعه آن هم در همین سه جلد دیده شده است. نویسنده در اوج پختگی و کار بلدی سراغ سوژه‌ای رفته است و این کار در کارنامه ایشان جایگاه خاصی خواهد داشت. از روز اول که در خصوص ایده ایرانشهر صحبت شد و برنامه‌ای که در خصوص آن مطرح کردند مشخص بود که به اهمیت و بزرگی این کار واقف‌اند، نویسنده نفس عمیقی برای قوس بزرگ تاریخی کشیده است. این نفس عمیق را در جلد اول می‌بینیم که نویسنده تازه می‌خواهد بستری برای معرفی اشخاص فراهم کند و تازه مخاطب ببیند از کجا کار شروع شده و چه کسانی داستان را رقم زدند. ما هم به عنوان شهرستان ادب همیشه این وظیفه را بر عهده‌مان می‌دیدیم و وقتی این کار را پذیرفتیم می‌دانستیم زحمت اصلی روی نویسنده کتاب است که خلایقیت دارد و پژوهش‌های سنگینی روی کتاب انجام داده است. تصاویر عمیقی را در عمق جان‌ش متصور می‌کند و برای خودمان برکت دیدیم و خوشحالیم در کنار آقای شهسوار هستیم و حتماً در کنارش خواهیم ماند چرا که کار و ایده بسیار بزرگ بوده است.

در ادامه علی اصغر عزتی‌پاک در پاسخ به این سؤال که نوع نگاهی که در ایرانشهر به جنگ هست را چطور ارزیابی می‌کنید؟ عنوان کرد: خروج از کلیشه‌ها را در ایرانشهر شاهد



و آمدن عده‌ای از اقصی نقاط به این منطقه برای دفاع از کشور، فکر کردم می‌توان چنین اسمی را برای آن نهاد. وی با بیان اینکه اولین کار دفاع مقدس نیست، افزود: بیش از ۱۰ کتاب در حوزه خاطرات آن‌ها را منتشر کردم حتی از شخصیت‌هایی که در ایرانشهر استفاده کردند خاطراتشان را منتشر کردم مثل کلاه سبزی‌های نوه‌د که ۲۲ ساعت با آن‌ها مصاحبه داشتم. یک سوم اولین رمانم در جنگ می‌گذرد بنابراین نه تنها ناآشنا نبودم بلکه خیلی هم درگیر جنگ و اتفاقات شامل در آن بودم و ۱۳ کتاب در حوزه خاطره‌نویسی دفاع مقدس کار کرده‌ام.

اگر مجاهدت بزرگ دوستان خاطره‌نویس مثل جناب سرهنکی، فروغی، کمره‌ای از سال‌های پیش نبود، فکر کردن به نوشتن این کتاب برایم محال بود. در این کتاب بالای ۲۵۰ عنوان کتاب لیست و خوانده شده است که این ۲۵۰ کتاب ساعت‌ها کار دوستان در بخش‌های مختلف ارتش و سپاه بوده است. مردم کمتر می‌دانند که از دانشجویان دانشگاه افسری جنگیدند و جایی در این خصوص صحبت نشده است. همچنین از تکاوران نیروی دریایی خیلی کمتر صحبت شده است. پادگان دژ و افسرانی که آنجا بودند و البته کارهای فوق‌العاده سوره مهر در حوزه زنان که بعد از کتاب داشروع شد که هر کدام از آن‌ها ۵ الی ۶ سال زمان بردند و کارهای درجه یک پژوهشی در حوزه بین‌الملل هستند. وی با بیان یکی از دلایلی که نمی‌توان چند جلدی بودن این رمان را به صورت قاطع اعلام کرد، گفت: آبادان دنیایی دیگر است به عظمت خرمشهر. روزی که رمان را شروع کردم گفتم آبادان نه... ولی جلد پنجم رسیدم و دیدم نمی‌شود از خرمشهر گفت و به آبادان نپرداخت! و یکی از دلایلی که نمی‌توانم بگویم تا چند جلد این رمان ادامه پیدا خواهد کرد این است که به آبادان نیز ورود کرده‌ام. □



رمان از ۲۹

شهریور ۱۳۵۹

آغاز و تا آن

ماه ۵۹ ادامه

دارد در واقع تا دو

روز قبل از شروع

جنگ و نهایتاً

سقوط خرمشهر

ادامه دارد.

بیشتر اتفاقات

در خرمشهر

می‌گذرد و به

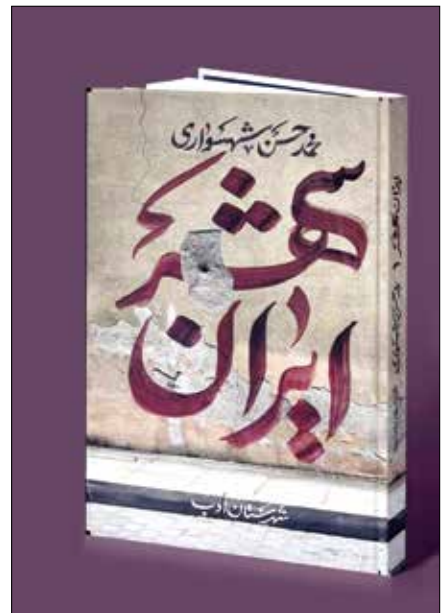
فراخور نیروهایی

را که وارد خرمشهر

می‌شوند برای

دفاع شاهد

خواهیم بود



حضور تمام نیروهایی از سراسر کشور

در این برنامه محمدحسن شهسوار با ابراز خوشحالی از چاپ سه جلد اول رمان ایرانشهر گفت: روز اولی که جلد نخست این کتاب منتشر شد به همه علاقه‌مندان داستان گفتم



اگر می‌خواهید داستان روی روال خودش بیفتد باید برای چاپ سه جلد صبر کنید تا در فضای داستان قرار بگیرید. رمان از ۲۹ شهریور ۱۳۵۹ آغاز و تا آن ماه ۵۹ ادامه دارد در واقع تا دو روز قبل از شروع جنگ و نهایتاً سقوط خرمشهر ادامه دارد. بیشتر اتفاقات در خرمشهر می‌گذرد و به فراخور نیروهایی را که وارد خرمشهر می‌شوند برای دفاع شاهد خواهیم بود. سعی شده است که در حد بضاعت و توانم همه گروه‌ها، قشرها و طبقاتی که حضور داشته‌اند در این حماسه پوشش داده شوند. اگرچه به صورت کامل این اتفاق نیفتاده و کاستی‌هایش بردوش من است. نویسنده کتاب ایرانشهر در پاسخ به این سؤال که کتاب چند جلد است بیان داشت: در واقع دقیق نمی‌توانم بگویم. در حال تکمیل و نوشتن جلد ششم هستم که این جلد به اتفاقات هشتم مهر می‌پردازد.

شهسوار با تأکید بر اینکه خرمشهر بهانه‌ای شده است که تا از ایران و جنگ نکاتی بیان شود و به اسم ایرانشهر نامگذاری شود افزود: در اسم گذاشتن کم سلیقه هستم و این کتاب نیز اسم نداشت. ایرانشهر اسم بزرگی بود و ظرف و مظلوف به هم نمی‌خورد اما وقتی جلوتر رفتیم و وسعت کار را دیدم کمی ترسیدم و جلد سوم بودم که فهمیدم چه وجوهی را شامل می‌شود بعد از آن با خیال راحت تری اسم آن را ایرانشهر گذاشتم. چرا که جنوب مرکز اقوام ایرانی بوده است. آبادان به خاطر پالایشگاه و خرمشهر به خاطر بندرش



یک سؤال. می‌شود راضی بود به رضایش، در مسجد نماز جماعت خواند و درعین حال روابط تعریف نشده پس از ازدواج با فاطمی برقرار کرد و با وحش و نشر داشت؟ می‌شود شخصیت فیلم در گوشه‌ای از شبستان مسجد گوشه نشینی کند و به نوحه‌های دینی گوش بسپارد و با این فضا انس داشته باشد اما با ویولت رفت و آمد کند. مسلمان بودن شخصیت رضا آن طور که در کافه می‌گوید با ژست‌های مدرن نمایش مطلقاً همخوانی ندارد. شاید گفته شود رضا نمودی است از همین آدم‌هایی که دوروبرمان می‌پلکند. باشد اما رضا چه در کردار و چه در گفتار و رفتار عمقی اگزستانسیال به ما نشان نمی‌دهد تا این ناسازه‌ها را باور کنیم. او نگاه ابزاری به زنان دارد. شبیه دون ژوان هاست و این میل به سیاق و تفکر دینی و رویکرد عارف مسلکانه‌اش نمی‌خورد. از همه دلبری می‌کند و فامیل و غیر نمی‌شناسد. فیلم‌ساز حتی اگر قرار باشد این مسئله را به تنهایی و بی‌سروسامانی رضا هم پیوند بدهد در این پیوستار ناموفق عمل کرده و پروژه شکست خوره است. تنهایی اگزستانسیال که به نظر می‌رسد در قامت یک روشنفکر فیلم‌ساز قصد نمایش آن را دارد با آویزان شدن و بند شدن زورکی به این‌وآن همخوانی ندارد. رضا ملالی را نزیسته است ولی تا دلتان بخواهد ادایش را درمی‌آورد. او منزوی شده است و ولی تنها نیست و از آن می‌گریزد. فرگوسن (۱۳۹۷) می‌گفت تنهایی، بی‌صدا، نامرئی و مرگ بار است. این وضعیت با شرایط رضا متفاوت است. رضا صرفاً طرد شده و حس می‌کند دوست داشته نمی‌شود. جذاب نیست پس تقلا می‌کند. بالاخره رضا میل به زیستن و ادامه دادن دارد یا خیر؟! این همه نشانه تأیید کننده و درعین حال ناقص. ای کاش فیلم به همین حد اکتفا می‌کرد و مصالح و ساختمان خودش را هدر نمی‌داد.

تصویر فیلم رضا از شهر و تعلق مکانی و محلی سوژه به شهر کاملاً کارت‌بیستی و توریستی است. این نگاه نیز ذوق زده و حاصل حسرت است تا شناخت عمیق مناسبات فرهنگی و شهری. گویی فیلم‌ساز گیرایی سختی نسبت به اماکن تاریخی شهر اصفهان داشته یا بدش نمی‌آمده است که چشم غربی یا چشم معماری پسند شرقی را هم قفلک دهد. سوژه در اماکن تاریخی مانند نقش جهان، بازارهای مجاور، میدان جلفا، سی‌وسه‌پل، مادی نیاصرم، کوچه‌باغ‌های اصفهان، پل فلزی و همه و همه فقط حضور دارد. گویی آمده است که بگذرد. شهر در این فهم هویت ندارد و صرفاً یک گذرگاه است که دوربین در آن‌ها کاشته شده یا تراولینگ دارد. سکانشی از شهر نیست که محلی تاریخی نباشد. فهم فیلم‌ساز از سنت، مکان خاطره نیز کم ایراد ندارد گرچه به عنوان رویکردی نوستالژیک قابل احترام است. مسئله این است که درد دارد ولی حتی حسرت برانگیز نشده است. شهر تیپ است. شخصیت ندارد و یکسره قاب‌های تروتمیز باب فیلم است.

سردرگمی مهم‌ترین خصیصه فرمی، محتوایی و ایدئولوژیک فیلم است. یکی از بارزترین نشانه‌های این تشدت در فرم فیلم و نمای دوربین است. نسبت دوربین و

نقد فیلم «رضا» که در اکران آنلاین قرار دارد

یک تکه تنهایی یک پیله دلتنگی

دکتر آرش حسن‌پور

رضا نمونه‌ای از کاراکتری مذبذب، پریشان، سردرگم و پادرواست. ملال او اداست. ریشه ندارد. از ساکنان اول و لباس پوشیدن و لباس درآوردن و کاری نکردن که بگذریم فیلم چیزی دیگر در چنته ندارد تا برای شخصیت‌سازی رضا به ما نشان دهد. فیلم نشان می‌دهد رضا کاراکتری التقاطی است و هویتش چهل تکه. سوژگی او انسجام ندارد و پاره‌پاره است؛ اما این برساختی بودن باید با زبان فرم و محتوای سینمایی نیز عجین باشد و تولید یک کل کند. از پیش بر نمی‌آید.



نقد فیلم «رضا»

داستان بلا تکلیفی نسل مدرن

■ سمانه استاد

مرد از خواب بیدار می‌شود، جلوی دوربین لباس عوض می‌کند تا از خانه بیرون برود، روی تختش می‌نشیند و پس از لختی تصمیم می‌گیرد در خانه بماند، پس دوباره لباس عوض کرده و لباس خانه بر تن می‌کند و به همین راحتی بیننده با شخصیت رضا آشنا می‌شود، رضایی که نمی‌داند چه می‌خواهد بکند. فیلم رضا داستان آشنایی دارد، داستانی از بلا تکلیفی. رضا و همسرش تصمیم دارند پس از نُه سال زندگی مشترک از هم جدا شوند. آن دو مانند دو دوست صمیمی به دادگاه رفته و به آرامی از هم جدا می‌شوند. فاطمی راه خود را می‌رود و رضا به خانه بازمی‌گردد. زندگی جریان عادی‌اش را دارد و چیزی در آن تغییر نکرده است.

شخصیت‌های فیلم معتمدی همه آدم‌هایی از جنس امروز هستند. سبک زندگی روایت شده در فیلم رضا نیز، سبکی امروزی است. اما داستان رضا از این جهت مورد همدات‌پنداری قرار می‌گیرد که در قالب عادی‌ترین و بی‌خیال‌ترین شخصیت سینمایی و در عین حال بلا تکلیف‌ترین شخصیت روایت می‌شود. رضا نمی‌داند بعد از فاطمی باید چه کار کند. او قلابش را به سوی هر رابطه‌ای که در اطرافش وجود دارد می‌اندازد و به هر کدام گیر کرد، به سوی آن رابطه خیز بر می‌دارد.

رضا، داستان تنهایی و بلا تکلیفی آدم‌ها در پوسته شوخی و خنده‌های جمعی و ظاهر خوش اجتماعی است. آدم‌هایی که به راحتی با دیگران ارتباط برقرار کرده، آن‌ها را سر ذوق می‌آورند و می‌توانند با هر کسی متناسب با شرایط و شخصیتشان ارتباط برقرار کنند. کسانی که از سلاح شوخی و با مزگی در مقابل تیر و ترکش‌های تنهایی و رها شدگی استفاده می‌کنند اما این سلاح هم نمی‌تواند نجاتشان دهد. علیرضا معتمدی، فیلمی برای امروز ایران ساخته است. او به درستی نسل جدید و رابطه‌های امروزی‌اش را می‌شناسد و به شکلی آگاهانه آن را روایت کرده است. داستان رضا همزمان می‌شود با داستانی که رضای قصه به تازگی نوشته است. داستانی در رثای عشق که می‌تواند در هفت روز مقدس، مرده‌ای را زنده کند.

از دیگر ویژگی‌های فیلم رضا که به آن ارزشی مضاعف بخشیده، انتخاب شهر اصفهان به عنوان بستر اتفاقات است. رضا معمار بوده و همین بهانه‌ای است برای چرخیدن در معماری شگفت‌انگیز این شهر و کوچه‌ها و عمارت‌های قدیمی‌اش. طراحی صحنه نیز از دیگر امتیازات مثبت فیلم رضا است. معماری قدیمی خانه رضا، تخت خواب رو به حیاط‌اش، چیدمان فضای خانه و حتی دفتر معماری‌اش، همه و همه در راستای شناساندن شخصیت‌ها به ظاهر آرام رضا عمل کرده است. نقطه پایان فیلم را نیز می‌توان موسیقی شهرام ناظری دانست. موسیقی‌ای سنتی که بیننده را بر روی صندلی نگاه می‌دارد تا ادامه تیتراژ فیلم را در سیاهی صفحه ببیند و به رضا و زندگی‌اش فکر کند. □

سوژه در این فیلم تعریف نشده است. دوربین وحدت رویه و اندیشه ندارد. هر سکانس و پلانی دوربین حالت و صورتی دارد. از نمای دور در سکانس پیشا جدایی تا نمای متوسط قبل جدایی گرفته تا دوربین ثابت و سپس در حرکت فیلم. وقتی فیلم ساز شیفته شهر است دوربین با رضا راه می‌رود. وقتی قرار است تمام قدرضا را نشان دهد دوربین از جلو حرکت رضا را ثبت می‌کند. این آوارگی بصری در جهان مضمونی فیلم هم مایه‌آزاء دارد.

روابط رضا با خویشاوندان درجه اولش دلخواهی و نامفهوم است. معلوم نیست دل درگرو نسبت‌های خویشی و قومی‌اش دارد یا خیر و این امر چه دخلی به آن روابط متجددانه امروزی‌اش دارد. بالاخره رضا متعلق به کدام یک از این زیست‌جهان‌ها است؟ روابط رضا و فاطمی به شدت مغشوش، تعریف نشده و روان رنجورانه است. اگر هر دو شخصیت به جدایی رضا داده‌اند پس این رفت‌وآمدهای پس‌ازدواج و دل‌تنگی‌های جورواجور دیگر چیست؟ اگر عشق و کشش و علقه انسانی هست پس جدایی کدام است؟ قرار است سوژه بیمار و سادیست ببینیم؟ مسئله این است که بیماری فاطمی ظاهراً حاد است. او سودای بازگشت به رابطه مفارقت شده دارد و رضا نیز نه نمی‌گوید و استقبال می‌کند. سامان یابی او گویا درگرو همین مسئله است. قصه او با بازگشت و بچه‌دار شدن دختر پریان ماجرا خاتمه می‌یابد و پیرمرد به مرادش می‌رسد و از وادی سرگستگی نجات پیدا می‌کند.

فیلم پرمدعا است. در پس ادعای مدرن نمایشی‌اش یک ایدئولوژی غیر مدرن و سنتی موج می‌زند که هیچ ربطی به مدعاهای طرح و قصد شده ندارد. فیلم تلاش می‌کند مینی‌مال باشد اما بیشتر الکن است. همان خرده‌هوش‌های فیلم‌ساز در تدوین و طراحی بصری نیز به خاطر عدم انسجام فکری یا سوژگی التقاطی پسامدرن هم از دست می‌رود و حاصل یک اثر گیج و البته خوش‌منظر می‌شود. اصفهان رضا و قاب‌ها و موسیقی پایانی و صحنه پردازی هیچ بد نیستند که شایسته دیده شدن هم هستند اما مشکل آن است که این جزئیات هیچ‌کدام در خدمت امر تام سینمایی قرار نمی‌گیرد. رضا نه عارف است نه یک مؤمن مخلص متعهد. رضا سوژه به انتها رسیده‌ای نیست که این بی‌معنایی در فلسفه زیستن و شکل‌گدازن زندگی‌اش نمود پیدا کند. فیلم را باید ملغمه‌ای از همه عناصری دانست که نه با هم جورند و نه قابل ترکیب. آواز شهرام ناظری و موسیقی مدرن، مرد معتقدی که دینش را ابراز می‌کند، مسلک عرفانی دارد و کنش‌های متجددانه انجام می‌دهد، معماری سنتی اسلامی و روح عصیانگر مدرن. غیرت و عدد هفت اسطوره‌ای و ترکیب‌های کهن‌الگویی همه و همه این‌جا کنار هم چیده شده‌اند. این‌ها با هم سخت قابل پذیرش و عرضه است. فیلم از یکسری قاب‌های درخشان با ترکیب‌بندی‌های هندسی حساب شده فراتر نمی‌رود. هرچه ایده بازسازی و مرمت بنا در فیلم خوب درآمده اما فیلم‌ساز در ساختمان‌سازی‌اش کنش خود را به غایت نمی‌رساند. □

شعرهایی پاییزی
از شاعران قدیم و جدید

بادها را کیمیاگر می کند فصل خزان

« صائب تبریزی

خاک را دامان پرزرمی کند فصل خزان
بادها را کیمیاگر می کند فصل خزان
شاخساران را به رنگ عود برمی آورد
برگها را صندل ترمی کند فصل خزان
طوطیان سبزپوش عالم ایجاد را
حله طاوس در برمی کند فصل خزان
از رخ زرین، بساط خاک را در یک نفس
آسمان پرزاخترمی کند فصل خزان
می پرد چون نامه اعمال، برگ از شاخسار
باغ را صحرای محشر می کند فصل خزان
رتبه بریزش بود بالاتر از اندوختن
از بهاران جلوه خوش ترمی کند فصل خزان
برگ را چون میوه های پخته می ریزد به خاک
پای خواب آلود را برمی کند فصل خزان
بوسه بردستش، که از نقش و نگار دلفریب
برگها را دست دلبر می کند فصل خزان
گرچه از دست زرافاشنش زمین، کان طلاست
خرقه صدپاره در برمی کند فصل خزان
از رخ چون زعفران، چین جبین خاک را
خنده رو چون سکه زرمی کند فصل خزان
در کهنسالی عیار فکرها روشن ترست
آبها را پاک گوهر می کند فصل خزان
شوق آتش را هوای سرد، دامان صباست
رغبت میرافزون ترمی کند فصل خزان
می کند از پیکر بستان لباس عاریت
برگ پوشان را قلندر می کند فصل خزان
بر امید خط پاکی از جهان رنگ و بو
هر چه دارد خرج دفتر می کند فصل خزان
می زند بتخانه گلزار را بر یکدگر
کار ابراهیم آزرمی کند فصل خزان
برگها را می کند در کف زدن بی اختیار
چون سماع بی خودی سرمی کند فصل خزان
گر چنین آزه سرد آتش زند در بوستان
عندلیبان را سمندرمی کند فصل خزان
از برات عیش، صائب دامن آفاق را
با پریشانی توانگر می کند فصل خزان

« شهریار

شب است و باغ گلستان خزان رویا خیز
بیا که طعنه به شیراز میزند تبریز
به گوشوار دلاویز ماه من نرسد
ستاره، گرچه به گوش فلک شود آویز
به باغ یاد تو کردم که باغبان قضا
گشوده پرده پاییز خاطرات انگیز
چنان به ذوق و نشاط آمدم که گویی باز
بهار عشق و شبابست این شب پاییز
عروس گل که به نازش به حجله آوردند
به عشوه باز دهندش به باد رخت و چهیز
شهید خنجر جلا د باد می غلتند
به خاک و خون همه در انتظار رستاخیز
خزان خمار غمش هست و ساغر گل زرد
بهار سبز کجا وین شراب سحرآمیز
خزان صحیفه پایان دفتر عمر است
به این صحیفه رسیده است دفتر تانیز
به سینمای خزان ماجرای خود دیدم
شباب با چه شتابی به اسب زد همیز
هنوز خون به دل از داغ لاله ام ساقی
به غیر خون دلم باده در پیاله مریز
شبی که باتو سرآمد چه دولتی سرمد
دمی که بی تو به سر شد چه قسمتی ناچیز
عزیز من مگر از یاد من توانی رفت
که یاد توست مرا یادگار عمر عزیز
پری به دیدن دیوانه رام می گردد
پریوشا تو ز دیوانه می کنی پرهیز
نوای باریدی خسروانه کی خیزد
مگر به حجله شیرین گذر کند پرویز
به عشق پاک تو بگذشتم از مقام ملک
که بال عشق تو بادم زند بر آتش تیز
تو هم به شعشعه وقتی به شهر تبریز آیی
که شهریار ز شوق و طرب کنی لبریز

« سجاد سامانی

بهار با تو بودن ها چه شد؟ پاییز دلتنگیست
کجایی صبح من؟ شام ملال انگیز دلتنگیست
کجایی ماهی آرام در آغوش اقیانوس؟
به من برگرد! این دریای غم لبریز دلتنگیست
اگر چیزی به دست آورده ام از عشق، می بخشم
غزل هایی که خود سرمایه ناچیز دلتنگیست
در آن دنیا برای دیدنت شاید مجال شد
همانا مرگ، پایان سرور آمیز دلتنگیست
نسیمی شاخه هایم را شکست و با خودم خواندم:
بهار با تو بودن ها چه شد؟ پاییز دلتنگیست

مهدی اخوان ثالث

آسمانش را گرفته تنگ در آغوش
ابر با آن پوستین سرد نمناکش
باغ بی برگی،
روز و شب تنهاست
باسکوت پاک غمناکش
ساز او باران، سرودش باد
جامه اش شولای عربانی ست.
ور جز اینش جامه ای باید،
باقته بس شعله زرتار بودش باد
گو بروید، یا نروید، هر چه در هر جا که خواهد
یا نمی خواهد
باغبان ورهگذاری نیست.
باغ نومیدان،
چشم در راه بهاری نیست.
گرز چشمش پرتو گرمی نمی تابد،
وربه رویش برگ لبخندی نمی روید،
باغ بی برگی که می گوید که زیبا نیست؟
داستان از میوه های سربه گردونسای
اینک خفته در تابوت پست خاک می گوید.
باغ بی برگی
خنده اش خونی ست اشک آمیز.
جاودان براسب یال افشان زردش می چمد
در آن پادشاه فصل ها، پاییز.

مولوی

ای باغبان ای باغبان آمد خزان آمد خزان
بر شاخ و برگ از درد دل بنگر نشان بنگر نشان
ای باغبان هین گوش کن ناله درختان نوش کن
نوحه کنان از هر طرف صد بی زبان صد بی زبان
هرگز نباشد بی سبب گریان دو چشم و خشک لب
نبود کسی بی درد دل رخ زعفران رخ زعفران
حاصل در آمد زاع غم در باغ و می گوید قدم
پرسان به افسوس و ستم گو گلستان کو گلستان
کو بلبل شیرین فغم کو فاخته کو کوزنم
طاووس خوب چون صنم کو طوطیان کو طوطیان
خورده چو آدم دانه ای افتاده از کاشانه ای
پریده تاج و حله شان زین افتنان زین افتنان
گلشن چو آدم مستضر هم نوحه گرهم منتظر
چون گفتشان لا تقنطوا ذوالامتنان ذوالامتنان
جمله درختان صف زده جامه سیه ماتم زده
بی برگ و زارو نوحه گرزان امتحان زان امتحان
ای لک لک و سالارده آخر جوابی بازده
در قعر رفتی یا شدی بر آسمان بر آسمان
گفتند ای زاغ عدوان آب باز آید به جو
عالم شود پررنگ و بو همچون جنان همچون جنان
ای زاغ بیهوده سخن سه ماه دیگر صبر کن
تا در رسد کوری تو عید جهان عید جهان
ز آواز اسرافیل ماروشن شود قنديل ما

زنده شویم از مردن آن مهر جان آن مهر جان
تا کی از این انکار و شک کان خوشی بین و نمک
بر چرخ پر خون مردمک بی نردبان بی نردبان
میرد خزان همچو دد بر گورا و کوبی لگد
نک صبح دولت می دمدای پاسبان ای پاسبان
صبحا جهان پر نور کن این هندوان رادور کن
مردهر را محروم کن افسون بخوان افسون بخوان
ای آفتاب خوش عمل باز آسوی برج حمل
نی بیخ گذار و نی و حل عنبرفشان عنبرفشان
گلزار را پر خنده کن وان مردگان رازنده کن
مرحشرا تا بنده کن هین العیان هین العیان
از حبس رسته دانه ها ما هم ز کنج خانه ها
آورده باغ از غیب ها صد ارمغان صد ارمغان
گلشن پراز شاهد شود هم پوستین کاسد شود
زاینده و والد شود دور زمان دور زمان
لک لک بیاید با بیدک بر قصر عالی چون فلک
لک لک کنان کالمک لک یا مستعان یا مستعان
بلبل رسد بریط زنان وان فاخته کو کونکان
مرغان دیگر مطرب بخت جوان بخت جوان
من زین قیامت حاملم گفت زبان رامی هلم
می ناید اندیشه دلم اندر زبان اندر زبان
خاموش و بشنوی پدر از باغ و مرغان نو خبر
پیکان پران آمده از لامکان از لامکان

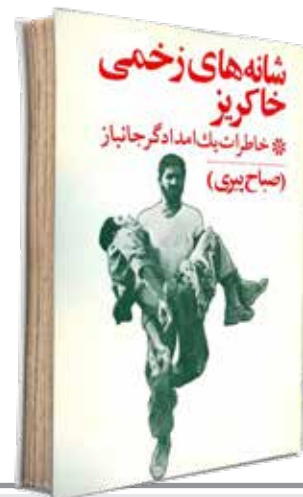
روایت حال امدادگران دفاع مقدس

شانه‌های زخمی خاکریز

* خاطرات یک امدادگر جانباز

(صبح پیری)

■ پیمان طالبی



در فضای خاطره‌نگاری جنگ، نویسندگانی حضور دارند که با نوشتن یکی دو کتاب به طور جدی وارد فضای نویسندگی در حوزه ادبیات پایداری شده‌اند و اقبال از آثارشان سبب شده هر فعالیتی که پیش از این داشته‌اند، تحت تاثیر نویسندگی‌شان قرار بگیرد و حتی حرفه‌شان تغییر کند. در این میان، رزمندگانی نیز هستند که نمی‌توان نام «نویسنده» را به آنان اطلاق کرد. آنان فقط یک سری از اتفاقات را از نزدیک لمس کرده‌اند و حالا راوی همان دیده‌ها هستند. صبح پیری، یک نویسنده تخصصی حوزه دفاع مقدس نیست. از او به جز «شانه‌های زخمی خاکریز» کتاب دیگری در این ژانر و فضا وجود ندارد. اما همین یک اثر آنچنان هنرمندانه و زیبا نوشته شده و به قدری از تصویرسازی‌های بدیع برخوردار است که باعث شده نام نویسنده میان مولفان برتر ادبیات پایداری قرار گیرد. جالب اینجاست که اقبال از این کتاب نیز سبب نشد نویسنده کتاب دیگری درباره جنگ بنویسد، چرا که احتمالاً به زعم خود تمام خاطراتش را در یک کتاب پیاده‌سازی و منتشر کرده و انتشار کتاب دیگر شاید بیشتر به کتاب‌سازی پهلو بزند. در این یادداشت مروری داریم بر کتاب شانه‌های زخمی خاکریز که خاطرات صبح پیری، امدادگر جانباز را روایت می‌کند. ■

کتابی برای شب قدر

شانه‌های زخمی خاکریز از اولین کتاب‌هایی است که رهبر معظم انقلاب بر آن تقریظ نوشته‌اند. در مورد تقریظ این کتاب نکته جالب توجه دیگری نیز وجود دارد و آن این که در انتهای متن یادداشت رهبر، درج شده: شب ۲۱ رمضان! یعنی رهبری این کتاب را در شب قدر مطالعه کرده‌اند. پس معلوم می‌شود این کتاب برای ایشان از حیث معرفتی ارزش بسیاری دارد که مطالعه آن را در این شب عزیز برگزیده‌اند و اما متن تقریظ:

بسم... الرحمن الرحیم

در این نوشته هرچه به آخر نزدیک‌تر می‌شویم، روح اخلاص و صفایی را که در آن موج می‌زند بیشتر حس می‌کنیم. من به حال خود حسرت می‌خورم و به این جوانان شجاع و باایمان و فداکار غبطه می‌برم که در عمری



.....

ویژگی مهم

این کتاب آن

است که حال

امدادگران را شرح

می‌کند. بسیار

لازم بوده و هست

که رزمندگان

رسته‌های

غیررزمی مانند:

جهادگران،

امدادگران،

رانندگان، آشپزها

و تدارکاتی‌ها که

هر کدام عالم

مخصوص به خود

داشته‌اند، و بعضاً

فداکاریشان از

رزمندگان خطوط

مقدم کم خطرتر

نبوده بلکه حتی

پرخطرتر هم بوده

(مثل سنگسازان

و خاکریزبانان)،

نیز شرح خود را

بنویسند

ما ۱۰ نفر را نگاه می‌کردند؛ با نوعی حسرت و حسادت! احساس می‌کردم همه مرا نگاه می‌کنند، شاید هم خیال می‌کردم. اما غروری لذت بخش داشتم. انگار از همین حالا تفنگ در دستم بود.

۱۰ نفر از دبیرستان مروی تهران بودیم که می‌رفتیم بجنگیم! از مدرسه به ستاد پشتیبانی جنگ در خیابان ۳۰ تیر رفتیم. ناهار را که خوردیم، گفتند از میان خودمان یکی را به عنوان مسؤل گروه انتخاب کنیم. بچه‌ها مرا انتخاب کردند. شدم مسؤل گروه ۱۰ نفره‌ای که بعدها دیگر ۱۰ نفره نبود. یکی شهید شد (سعید بادامچیان)، یکی دو پایش قطع شد (ضرابی)، یکی چشمش ترکش خورد و از حذقه درآمد (شهسواری)، یکی مفقود الاثر شد (حسینی)...

□ برای آمدن مهمان مهیا باشید

در شب سرد و تاریک با قایق‌های موتوری به خط رسیدیم. شب بود و منطقه شبی نامعلوم. از کمین‌ها گذشتیم به دژ اول رسیدیم که شش متر پهنا داشت. آن راهم رد کردیم. از جاده مستقیمی به خط دوم رسیدیم. جلوتر، نبرد ادامه داشت. از تانک‌های دشمن آتش برمی‌خاست و صدای انفجار مواد منفجره داخل تانک‌ها، منطقه را پوشانده بود. جلوتر که رفتیم بچه‌ها شروع کردند به حفر سنگر. من چون بیل نداشتم چند گونی را پر خاک کردم و بالای دژ سنگری ساختم. روبه‌رو، تلی از خاک قرار داشت که ما درست پایین تراز خط الراس آن پناه گرفته بودیم. شب را همانجا سپری کردیم و نزدیکی‌های سرزدن سپیده نماز را با تیمم و پوتین خواندیم که دستور آمد جلوتر برویم.

جلوتر، بین آشیانه تانک‌ها و خط دوم نبرد، یک مقر عراقی بود که اطرافش را با سیم خاردار و مین محافظت می‌کردند. اینجا مقر فرماندهان دشمن بود که به دست بچه‌ها تخریب و منهدم شده بود. هنوز نتوانسته بودیم وارد روستا شویم. تا شب آنجا ماندیم. یکی از رزمندگان با طنز گفت:

فردا مهیا باشید، «قرار است مهمان بیاید.»

پرسیدم: «مهمان کیست؟»

با خنده گفت: «تانک‌های عراق!»

□ یار علی و ۳۳ تیر

تازه داشتیم می‌فهمیدیم جریان چیست. تمرینات مان سخت‌تر و جدی‌تر دنبال شد. من تلاش زیادی می‌کردم به طوری که در تیراندازی اول شدم. فرمانده‌ای داشتیم ۱۸ ساله که یار علی صدایش می‌کردیم. یار علی بوئری. تیرانداز قابل بود. در مسابقه که اول شدم گفت:

– حالا بیایم مسابقه بده.

رفت و تفنگ آورد. قرار شد نفری سه تیر شلیک کنیم. من دو تیر به خال و یک تیر کنار خال زدم. یار علی هرسه تیر را به پایه هدف زد. بعد برخاست و نگاهم کرد. انگار در نگاهم چیزی را دید که نشست و دوباره نشانه رفت ۳۰ تیر دیگر شلیک کرد. همه به پایه هدف، تا آن را شکست. در کنار آموزش نظامی، آموزش اخلاق هم برقرار بود. پس از پایان دوره به تهران برگشتیم. □

کمتر از نیمه عمر ما، به مقاماتی رسیده‌اند که امثال من با خواندن شرح آن، احساس عروج معنوی می‌کنند. خدا کند در کشاکش زمانه، آنچه را در معراج جهاد و فداکاری به دست آورده‌اند بتوانند به خوبی حفظ کنند. این نوشته هنرمندانه و دارای نثری استوار نیز هست که ارزشش را بیشتر می‌کند.

ویژگی مهم این کتاب آن است که حال امدادگران را شرح می‌کند. بسیار لازم بوده و هست که رزمندگان رسته‌های غیررزمی مانند: جهادگران، امدادگران، رانندگان، آشپزها و تدارکاتی‌ها که هر کدام عالم مخصوص به خود داشته‌اند، و بعضاً فداکاریشان از رزمندگان خطوط مقدم کم خطرتر نبوده بلکه حتی پرخطرتر هم بوده (مثل سنگسازان و خاکریزبانان)، نیز شرح خود را بنویسند، یا بگویند و کسی بنویسد. باری از این جوان عزیز و از ناشرین باید تشکر کرد.

۲۱/۱/۱۶

۲۱ رمضان المبارک ۱۴۱۲

سیدعلی خامنه‌ای

□ چگونه شکل گیری

آنطور که نقل می‌کنند پس از قطعنامه، نویسنده ما شبیه آدم‌هایی شده بود که به تازگی بیکار شده‌اند و به همان اندازه دلخور. در همان روزها، دفتر ادبیات و هنر مقاومت به صباح پیشنه‌اد کرد خاطرات هفت ساله جبهه‌اش را بگوید. او هم شروع کرد و با حوصله ۳۲ نوار یک ساعتی را پر کرد. همه آن نوارها، جمله به جمله روی کاغذ نشستند و پس از ویرایش، شانه‌های زخمی خاکریز را در دیف کتاب‌های جنگ قرار دادند. کتاب توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۶۹ منتشر شده و در حال حاضر نیز توسط انتشارات سوره مهر در بازار کتاب موجود است. بریده‌هایی از کتاب را می‌خوانیم:

□ غرور لذت بخش من!

صبح یک روز، یادداشتی کنار پنجره گذاشتم و رفتم. مجبور بودم بواشکی بروم تا کسی نفهمد. رضایت‌نامه را هم خودم توی کوچه امضاء کردم. دیگر نمی‌شد بیشتر از این منتظر ماند؛ آن‌ها رضایت نمی‌دادند.

مادر هنوز از بیمارستان نیامده بود و من از این فرصت صبحگاهی استفاده کردم. او شب‌ها می‌رفت بیمارستان و پیش برادر کوچکم می‌ماند که شکمش را جراحی کرده بودند. یک روز سکه‌ای در دهان گذاشته بود، سکه غلتیده و از گلو گذشته و وارد شکم شده بود. پدر نداشتم. دو سالی می‌شد که فوت کرده بود. مادر هم می‌گفت که سنم به این حرف‌ها نمی‌خورد و بهتر است بیشتر به درسم مشغول باشم. کلاس دوم نظری بودم. با ۱۶ سال سن. خالد، برادر بزرگ‌ترم که نان‌آور خانه بود نیز رضایت‌نامه را امضاء نمی‌کرد. پس بهترین کار همین بود. صبح که مادر هنوز نیامده و دیگران هم خوابند، بروم.

به مدرسه که رسیدم فقط ۱۰ نفر آمده سفر بودند. والدین دیگر بچه‌ها موافقت نکرده بودند. داشتند یک جوری



ارشادات مرحوم
آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس

اخلاق و پندهایی برای سیر و سلوک

فصل اول از جلد اول، طبق روش مرحوم حق شناس، ابتدا به «یقله و خودشناسی» پرداخته و در صدد است تا مخاطب را از خواب غفلت درآورده و در او انگیزه و امید برای حرکت ایجاد کند.

فصل دوم، درباره «علم و آگاهی» است که به مباحث کلی ضرورت تعلیم علم نافع و پرهیز از علم مضر پرداخته و آداب و خصوصیات تعلیم و تعلم را مرور می‌کند.

فصل سوم با عنوان «معیارهای سلوک» در صدد بیان روش و غایت مورد قبول عرفان اسلامی است که وجه تمایز آن را با نسخه‌های بدل و انحرافی بیان می‌کند.

فصل چهارم با عنوان «موانع سلوکی» به مانعیت چند حجاب و مانع اصلی در سیرالی الله می‌پردازد.

فصل پنجم نیز درباره «حقیقت و روش صحیح سلوک الی الله» است و ایمان داشتن، اطاعت عملی، رعایت کامل تقوا، مجاهده با نفس و محاسبه و مراقبه دائمی را روش صحیح سلوک اسلامی معرفی می‌کند.

جلد دوم نیز که درباره «آداب سیر و سلوک» است، ضمن ۱۲ فصل، اهم آداب و بایسته‌هایی را که سالک الی الله باید بدانها التزام عملی داشته باشد، تبیین نموده است تا سلوک سریع‌تر شده و شخص بتواند از مقدمات و کلیات عبور کرده و با ورود به ملکوت عالم و ارتباط با حقیقت و باطن معارف الهی، آماده جلب عنایات خاص الهی شود.

جلد اول کتاب «اخلاق و پندهایی برای سیر و سلوک» نوشته آیت الله عبدالکریم حق شناس با شمارگان دو هزار نسخه در ۳۶۸ صفحه از سوی انتشارات واژه پرداز اندیشه، منتشر شده است. □

جلد اول کتاب «اخلاق و پندهایی برای سیر و سلوک» از آثار تازه نشر یافته مؤسسه ایمان ماندگار است. این کتاب که گردآوری و تدوینی از سخنرانی‌های مرحوم آیت الله حق شناس، با موضوع سیر و سلوک است، توسط انتشارات واژه پرداز اندیشه به چاپ رسیده است.

علامه مجلسی در بحار الانوار در حدیثی از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «هلاک من لیس له حکیم یرشده؛ کسی که دانشمند و حکیمی او را رشاد نکند، هلاک می‌شود!» داشتن مربی راه یافته و انسان روشن ضمیری که بداند زیر و بم سلوک چیست و چطور می‌توان بدون آسیب رساندن به خود و غافل ماندن از وظایف شخصی، خانوادگی، اجتماعی و... این مسیر را طی نمود، لازم است و هیچ جایگزینی ندارد.

مرحوم آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس، صاحب فطرتی پاک و بی حجاب بودند که زلالی و صفای توحیدی‌شان در کلام و رفتار ایشان نمایان بود.

ایشان در سیرالی الله از مجاهده و ریاضت‌های فراوان فروگذار نکرده و از اساتید مختلفی در عرفان عملی بهره برده بودند. تمامی آنچه را به دست آورده بودند، با معیار شرع مقدس می‌سنجیدند و هزار نکته باریک‌تراز مو برای طالبان حقیقت بیان می‌کردند.

ایشان مباحث منسجم و مستقلى در مورد عرفان عملی نداشتند، ولی مواعظ عمومی و منبرهای مسجد امین الدوله ایشان، پر بود از نکات ناب عرفانی.

کتاب حاضر نیز به پیشنهاد و تأیید برخی شاگردان و شیفتگان آن بزرگوار تنظیم شده است که تأیید نهایی آن زیر نظر آیت الله جاودان، از تربیت یافتگان آن عارف بزرگ الهی، بوده است. محتوای این مجموعه از میان چهار جلد کتاب «مواعظ» معظم له (مجموعه سخنرانی‌های ایشان که تاکنون در چهار مجلد به چاپ رسیده است) و نیز برخی نوارهای سخنرانی ایشان که هنوز در قالب کتاب درنیامده است، استخراج شده و سعی گردیده نکاتی که جنبه تربیتی و سلوکی دارند، با کمترین تغییر در چینشی جدید ارائه شود.

همچنین سعی شده که زبان مطالب به زبان وعظ و خطابه نزدیک‌تر باشد تا شاید برای خواننده نفع بیشتری داشته باشد. جلد اول این مجموعه دارای ۵ فصل و یک مقدمه به قلم مصطفی شاه محمدپور است که در آن به کلیات و برخی مباحث مبنایی در سیر و سلوک اشاره شده و جلد دوم نیز دربردارنده مطالبی در باب آداب سیر و سلوک است.



در این شماره از «مهر و ماه» گزارش‌هایی از اولین جلسه پنجمین دوره شورای عالی جمعیت هلال احمر، نشست علمی-تخصصی «مبانی معرفتی کار خیر در آموزه‌های اسلامی»، گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس در هلال احمر، بررسی کتاب «طاعون» در میزگرد آزاد ادبی «درنگ»، دومین جلسه از درس گفتار انسان و زندگی و همچنین خبرهایی از اقدامات دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان‌های هرمزگان، زنجان، بوشهر، ایلام، البرز، اردبیل، گلستان، خراسان جنوبی، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی، تهران، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و فارس را خواهیم خواند.

هلال



یارگیری تنها راه نجات انسان‌ها است

فعالیت‌ها در هلال احمر باید قانونمند دنبال شود

اگر اتفاق نکنید آسایش به خودتان می‌رسد

« علی‌رضا سمیعی: در مکتب اگزیستانسیالیسم
 مراجع‌های زیادی به «آلبر کامو» داریم. آلبر کامو
 برای ما صرفاً یک داستان‌نویس قضاغه‌گو نیست. داستان او
 ارزش فلسفی هم دارد. سارتر بیشتر فیلسوف است تا
 داستان‌نویس، ولی کامو نویسنده‌ای است که فلسفه را وارد
 داستان‌هایش می‌کند. کامو در نامه‌ای که به بارت نوشته،
 درباره «طاعون» توضیحاتی داده است. کامو در این نامه
 می‌نویسد: «وقتی «بیگانه» را می‌نوشتیم به فرد فکر
 می‌کردم؛ به اینکه فرد در جهان معاصر در چه وضعیتی قرار
 دارد. اما زمانی که داشتیم «طاعون» را می‌نوشتیم به جامعه
 انسانی فکرمی‌کردم. «کامو دو تجربه مهم در زندگی‌اش
 دارد که در داستان نویسی به خوبی از آن‌ها استفاده کرده
 است: یکی همه‌گیری آنفلوآنزای اسپانیایی که شبیه به
 همه‌گیری طاعون بود و دیگری تجربه حزب نازی، که یک
 طرز تفکر فراگیر عجیب و غریب در اروپای زمان اوست. خود
 کامو در یادداشت‌هایش می‌نویسد: «زمانی که «طاعون» را
 می‌نوشتیم، نازیسم ذهنم را مشغول کرده بود؛ به عنوان
 یک وضعیت خاص اجتماعی خفقان‌آور و فراگیر.»

محمد قائم خانی: واضح است که مهم‌ترین مفهوم
 برای کامو «آزادی» است. او آزادی و حقیقت را جدا از هم
 نمی‌بیند. در «طاعون» مهم‌ترین مسئله کامو «موقعیت»
 است. موقعیت از نظر اگزیستانسیالیست‌ها به همین
 شکلی است که کامو به تصویر می‌کشد، ولی در ظاهر آشکار
 نمی‌شود. همه ما به نوعی در یک موقعیت گرفتار شده‌ایم
 و نمی‌دانیم که چطور می‌شود از آن بیرون رفت. در این
 وضعیت، مسائلی گریبان‌گیر ما می‌شوند که لاینحل‌اند و
 ما را به تنش می‌کشانند. در این موقعیت، نیروی نابودگری
 وجود دارد که فراتر از قدرت تمام آدم‌هاست. در «طاعون»
 به وضوح استیصال انسان را در برابر موقعیتی که به اجبار
 در آن گرفتار شده، می‌بینیم. در چنین موقعیت محصور
 که راه گریزی از آن وجود ندارد، با نیروی نابودگری مواجه
 می‌شویم که از ازل (زمان پیدایش بشر) وجود داشته؛ در
 تاریخ کهن رد پای او را می‌بینیم و البته در هر دوره، چهره

بررسی «طاعون» در میزگرد آزاد ادبی

یارگیری تنها راه نجات انسان‌ها است

دومین نشست از سری میزگردهای آزاد ادبی با محوریت یاریگری به
 همت معاونت فرهنگی و امور پژوهشی و آموزشی حوزه نمایندگی ولی فقیه
 جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی برگزار شد. در این نشست آقایان
 ابراهیم اکبری دیزگاه، علیرضا سمیعی و محمد قائم خانی درباره رمان «طاعون»
 نوشته «آلبر کامو» با ترجمه «رضا سیدحسینی» به بحث و گفتگو پرداختند. ■





جدیدی پیدا می‌کند. در این کتاب، این نیروی نابودگر «طاعون» است.

در این شرایط انسان، دیگر انسان یونان قدیم نیست که صرفاً با نیروی چالش‌گرو تقدیرش در جنگ است. این انسان، برای بقا می‌جنگد و امید پیروزی دارد. نگاه کامو به تراژدی‌های یونان را در تعریفش از انسان در «طاعون» می‌بینیم. تقدیرگرایی تراژیک یونان غیرقابل تغییر است، ولی در «طاعون» این‌گونه نیست. در یک سوم ابتدایی رمان، کامو به خوبی نشان می‌دهد که انسان‌ها چقدر در برابر این نیروی نابودگر - که انگار از آسمان نازل شده - ابتدا همه چیز را انکار می‌کنند و بعد دچار استیصال شده‌اند. اما در ادامه، به این نتیجه می‌رسند که باید برای پیروزی بجنگند و به آن ایمان داشته باشند. راوی هیچ کجای رمان به شکل واضح نمی‌گوید: «ما صد درصد پیروز می‌شویم.» اتفاقاً نشانه‌ها بیشتر به نابودکننده برمی‌گردد. ولی راوی در نیمه دوم رمان تأکید می‌کند که همگی باید به انسان امید داشته باشیم.

ابراهیم اکبری دیزگاه: کامو را می‌توان یکی از مهم‌ترین نویسندگان قرن بیستم قلمداد کرد، چون هم شفاف می‌اندیشد هم به خوبی روایت می‌کند. کامو الجزایری است و به فرانسه آمده تا خودش را پیدا کند. به همین دلیل مدام دنبال اثبات خودش است. این ویژگی به خاطر شرایط زندگی‌اش است.

ما فیلسوفان زیادی در طول تاریخ داشته‌ایم که نوشته‌هایشان (در قالب داستان) خیلی نمی‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند، چون از آرایه‌های ادبی به خوبی استفاده نکرده‌اند. اما کامو یک رمان‌نویس درجه یک (و به حق، برنده جایزه نوبل) است و به خوبی درونمایه فلسفی را به داستانش تزریق می‌کند. البته اگر کاموی دوران «بیگانه»، «طاعون» را می‌نوشت، بعضی از زیاده‌گویی‌ها را حذف می‌کرد. رمان «طاعون» از چند جنبه برای ما اهمیت دارد: ما در آثاری زندگی می‌کنیم که دقیقاً شبیه به روزگار طاعونی است. در حال حاضر که همه درگیر ویروس کرونا هستیم، انگار داریم شرایط این رمان را تجربه می‌کنیم. این بیماری هم مثل طاعون دو ویژگی دارد: شیوع آکثری و کشتار. کامو در «طاعون» مواجهه جامعه، حکومت و رسانه‌ها را با بیماری طاعون طوری روایت کرده، انگار در همین دوران کرونایی زندگی می‌کند و آینه‌ای گذاشته جلوی جامعه انسانی این شش‌هفت ماه اخیر و آن‌ها را به ما نشان می‌دهد. در روزهای اول، همه (حکومت، رسانه‌ها و مردم) بیماری را انکار کردند، همان‌طور که درباره طاعون و موش‌های مرده اتفاق افتاد. پس از مدتی، همه دنبال مقصر می‌گردند. مثلاً در «طاعون» کشیش‌ها می‌گفتند: «بیماری به دلیل گناه مردم به وجود آمده است.» و در دوران حاضر کشور چین را مقصر می‌دانند. مرحله بعد، پذیرفتن و کنار آمدن با شرایط است. در این مرحله، آدم‌ها با توجه به نوع زیست‌شان، خودشان را نشان می‌دهند: یک نفر می‌خواهد به دیگران کمک کند. دیگری

فقط می‌خواهد خودش را نجات دهد. یک نفر هم فرصت را غنیمت می‌شمارد و اجناس مورد نیاز مردم را احتکار می‌کند که گران بفروشد. عده‌ای می‌خواهند از آن شهر فرار کنند. عده دیگری هم در همه حال خوشبختی و سلامت خود را بر بیماری و مرگ دیگران مقدم می‌دانند. خاصیت شیوع یا سرایت مرگ‌آور این است که درون انسان‌ها را افشا می‌کند. انسان‌هایی که قبل از این بیماری در قالب دین، نهاد، اجتماع، مذهب و اخلاق با هم زندگی می‌کردند، بعد از شیوع، از این لایه‌ها بیرون می‌آیند و هرطور خواسته قلبی‌شان است زندگی می‌کنند.

سمعی: اگزیستانسیالیست‌ها اصطلاحی دارند به نام در موقعیت مرزی (آستانه) قرار گرفتن. زمانی که شخصیتی در این موقعیت مرزی قرار می‌گیرد، هرچه را درونش هست بیرون می‌ریزد. به همین دلیل جوانان هم دوره کامو که تحت تأثیر اگزیستانسیالیسم بودند به اسپانیا می‌رفتند تا در جنگ‌های داخلی بجنگند و در این موقعیت مرزی قرار بگیرند و بتوانند به نوعی خودشناسی برسند. داستان‌نویس یا متفکر (به خصوص متفکر اگزیستانسیالیست) به این موقعیت مرزی حساس است. کامو هم معتقد است که انسان در مواجهه با مرگ به چنین وضعیتی (مرزی) می‌رسد.

خانی: سؤال در واقع این است که چه چیزی ارزش این را دارد که من به خاطرش خودکشی نکنم؟ طبیعت این است که تو باید خودت را بکشی، مگر اینکه بدانی چرا نباید این کار را بکنی.

سمعی: موافقم. نوعی اراده به زندگی، در طرح کامو است که البته خطرانی هم دارد.

دیزگاه: من فکر می‌کنم فلسفه کامو در کتاب‌های قبلی‌اش که فردیت و زندگی است، در «طاعون» مصداق زیادی ندارد. آنچه در «طاعون» نمود دارد، دیگری است. اگر مسئله خود انسان باشد، در این وضعیت شخصیت‌ها به کمک یکدیگر نمی‌آیند. زمانی که «ریموند امیر» می‌خواهد فرار کند، بعد از کلی سختی به مرز می‌رسد، ولی در نهایت تصمیم می‌گیرد برگردد به بیمارستان که به «ریو» و «تارو» کمک کند. آن‌ها از او می‌پرسند: «چرا دنبال معشوقه‌اش (سعادت) نرفته؟» او پاسخ می‌دهد: «سعادت زمانی معنا می‌دهد که دیگران بدبخت نباشند. سعادت در ارتباط با دیگری معنا پیدا می‌کند. من برگشتم که زندگی این افراد را نجات دهم و بعد به دنبال معشوقه‌ام بروم. حتی اگر معشوقه‌ام زنده نماند، خود این ماجرا سعادت است.» اتفاقاً نقطه جالب ماجرا این است که ایشان شرم را در مقابل سعادت قرار می‌دهد. او می‌گوید: «اگر می‌رفتم، شرمگین بودم. و من به سعادت نمی‌رسم اگر تا آخر عمر شرمگین باشم.»

در «طاعون» همه آدم‌ها به نوعی دنبال نجات دیگری هستند. «ریو» و «تارو» که آدم‌های شریفی هستند و از همان اول می‌خواهند دیگران را نجات دهند. اول «کتار»

خاصیت شیوع

یا سرایت مرگ‌آور

این است که

درون انسان‌ها

را افشا می‌کند.

انسان‌هایی

که قبل از این

بیماری در قالب

دین، نهاد،

اجتماع، مذهب

و اخلاق با هم

زندگی می‌کردند،

بعد از شیوع،

از این لایه‌ها

بیرون می‌آیند و

هرطور خواسته

قلبی‌شان است

زندگی می‌کنند



.....

توجه به دیگری،

بدون محاسبات

فردی یکی از

اساسی ترین

ارکانی است که

در «طاعون»

بیان می شود. و

این از عجایب

طنزآمیز روزگار

است که کامو

را یک فیلسوف

مؤید آزادی

لیبرالیستی

می داند.

چون به موضوع

در «طاعون»

می بینیم که

آزادی با پشت سر

گذاشتن مسئله

منفعت طلبی

شخصی به دست

می آید

رمان «طاعون» همین مسئله است. تسلیم شدن همان مرگ است. باید دور هم جمع شویم تا بتوانیم زنده بمانیم. این وضعیت طاعونی، محاسبه پذیر نیست. و این خاصیت خود زندگی هم هست: محاسبه ناپذیری. بعد از این که اصل ماجرا را پذیرفتند محاسبات را انجام می دهند: باید برای کنترل بیماری شهر را قرنطینه کرد؟ راه درمان چیست؟ بیماران را چطور بر اساس میزان بیماری دسته بندی کنند؟ کجا بستری شان کنند؟ و... پس توجه به دیگری، بدون محاسبات فردی یکی از اساسی ترین ارکانی است که در «طاعون» بیان می شود. و این از عجایب طنزآمیز روزگار است که کامو را یک فیلسوف مؤید آزادی لیبرالیستی می داند. چون به موضوع در «طاعون» می بینیم که آزادی با پشت سر گذاشتن مسئله منفعت طلبی شخصی به دست می آید. البته این رمان رکن های دیگری هم دارد. مثلاً شخصیت کشیش ابتدا این شرایط را نشان دهنده گناه های مردم می داند از مردم می خواهد که این وضعیت را بپذیرند (به عنوان یک امتحان الهی). بعد به آن ها می گوید دعا کنند. اما پس از گذشت مدتی، وقتی اصل مسئله را درک می کند رادی کشیشی را درمی آورد و تصمیم می گیرد به بیماران کمک کند. اینجا تازه وارد مسیر اصلی می شود: حالا که به این درک رسیده که همه آدم ها باید زنده بمانند به جمع کسانی می پیوندد که برای کمک به دیگری داوطلب شده اند.

سمیعی: درست است. کشیش از مرحله زهد و گوشه نشینی عبور می کند و به جای دعا کردن، به مردم می پیوندد.

خانمی: فهمیده که دیگر نباید حکم کند که این بیماری قضای آسمانی است.

سمیعی: مسیحیت این گنجایش را دارد، چون کشیش شبان بزه های گمشده است.

خانمی: در این وضعیت، کشیش این تفکرات مذهبی را (خوب یا بد) کنار می گذارد و وارد جمع می شود. رکن دیگر در «طاعون» توانایی انسان است. ما می توانیم: چون کنار هم جمع شده ایم، امکانات داریم، سازمان و تشکیلات و از همه مهم تر علم داریم. به پزشکان امید داریم و البته این امید از سر ضرورت نیست. در درجه اول می خواهند هویت این نیروی ویرانگر را کشف کنند و فقط علم است که می تواند در مقابل آن قد علم کند. با این امید، ما می دانیم که می توانیم با کمک قدرت علم بر این بیماری مسلط شویم و این وضعیت را تغییر دهیم. در چنین طرحی راهی نیست جز این که پزشک در مرکز اصلی آن قرار بگیرد، و ویروس را بشناسد و راه مقابله با آن را کشف کند.

سمیعی: کامو نوعی اراده به زندگی دارد و با تجربه ای که از «نازیسم» و «نیچه» داشته، می دانسته که ممکن است کژخوانی هایی درباره آثارش صورت بگیرد؛ لذا خیلی

را که می خواهد خودکشی کند، نجات می دهند. به «ژوزف گران» هم خیلی خوش بین اند و معتقدند با این که به سود شخصی اش فکر می کند ولی (مثل رامبر) برمی گردد. بنابراین کانون اصلی «طاعون» خود انسان به ما هو انسان نیست؛ انسان ها با نجات دیگری به سعادت می رسند.

سمیعی: وقتی درباره انسان حرف می زنیم، گاهی درباره خودمان به عنوان یک فرد حرف می زنیم، گاهی درباره نوع انسان. البته ما بدون توانایی درون نگری نمی توانیم آگاهی از خویش داشته باشیم. ولی این خود آگاهی تا زمانی که در محیط بیرون از ما - به خصوص در فرد دیگر - منعکس نشود، شکل نمی گیرد.

خانمی: من می خواهم درباره «سازمان بهداشت همگانی» که در کتاب به آن اشاره شده، صحبت کنم. این سازمان طرح اصلی کامو برای نجات است. او با نشان دادن چگونگی شکل گیری این سازمان، روزنه امیدی به آن دنیای طاعون زده می تاباند.

دیزگاه: البته کامو با همه هم دل است. به همان مقدار که شخصیت «دکتر» حق دارد حرف بزند، کشیش هم می تواند حرف خودش را بزند و هم چنین سایر شخصیت ها. آثاری که هم زمان با آثار کامو منتشر شدند و هم چنین آثار قبل از آن ها، زیاد با مذهب رابطه خوبی نداشتند و دیندارها را مسخره می کردند. البته در «بیگانه» شخصیت «مورسو» کشیش را از خانه اش بیرون می اندازد. ولی کامو در «طاعون» شخصیت کشیش را (با وجود نواقصش) با نجابتش نشان می دهد.

خانمی: به نظر من این تشکیلات در «طاعون» خواصی دارند که آن کشیش نمی تواند رکنش باشد. کامو زمانی که از «آزادی» حرف می زند، انسان ها را اسیر و در بند امور روزمره می داند، ولی توهم دارند که مالک اند و آزاد. از نظر کامو آزادی زمانی اتفاق می افتد که شما می فهمید در این مخمصه گرفتار شده اید. در این نقطه، آزادی برای شما معنا پیدا می کند: قبل از آن، به مثابه یک انسان، آزاد نبوده اید. وقتی به این نقطه می رسید دو تاره بیشتر ندارید: یا باید تسلیم شوید (مرگ) یا مبارزه کنید و این مرگ را به تأخیر بیندازید. راه دوم، جنگیدن برای زنده ماندن همه آدم هاست. وقتی «سازمان بهداشت همگانی» تأسیس می شود باید کل شهر را به سمت بهداشت ببریم تا همه نجات پیدا کنند. این مبارزه، یک مبارزه جمعی است برای حفظ کل شهر. پس از نظر کامو، آزادی خود مبارزه است. انسان باید مبارزه کند که زنده بماند. این مبارزه شامل دو بخش است: یکی ایستادن در برابر تقدیر و نیروی شرّ قهری و دیگری توجه به دیگری، زمینه تشکیل سازمانی است با هدف کار بدون مزد. همه می خواهند زنده بمانند و حساب و کتابی در کار نیست. هرکس این نظریه را قبول دارد، می تواند به این تشکیلات ملحق شود. طرح کلی



نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر:

فعالیت‌ها در هلال احمر باید قانونمند دنبال شود

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در اولین جلسه از پنجمین دوره شورای عالی این جمعیت تأکید کرد: فعالیت در هلال احمر یکی از عرصه‌های کار الهی است. در این جایگاه باید به مردم کمک کنیم و به نیازمندان و آسیب دیدگان از حوادث، آرامش بدهیم و از رنج آن‌ها بکاهیم.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با تأکید بر مسئولیت انسان در قرآن و اینکه از بندگان سؤال خواهد شد که با نعمت‌های خداوند چه کرده‌اید، افزود: از برجسته‌ترین نعمت‌های الهی، ولایت حق است. خداوند انسان را از تاریکی‌ها بیرون می‌آورد، رشد می‌دهد، به انسان خرد می‌دهد، مقام و مکان برجسته اعطا می‌کند و درباره این نعمت برجسته در روز قیامت، سؤال نیز می‌کند. وی افزود: بعد از نعمت ولایت، نعمت ولایت رسول (ص)، ولایت ائمه (ع) و سپس ولایت ولی فقیه است و خداوند نعمت را بر مردم این سرزمین تمام کرده است.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به آغاز هفته دفاع مقدس و خاطراتی از روزهای آغازین جنگ هم اشاره کرد و افزود: در ابتدای جنگ تحمیلی، تصور اکثر مردم این بود که جنگ چند روز بیشتر طول نمی‌کشد اما کشور و مردم ما طی ۸ سال ایستادگی کردند و شهدای زیادی را تقدیم انقلاب کردند. ما در برابر خون شهداء مسئول هستیم و در روز قیامت درباره اینکه با خون شهداء چه کردید، آیا برای رسیدن به منافع دنیوی از خون شهداء استفاده سیاسی کرده‌اید... نیز از مسئولان سؤال خواهد شد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه سخنان خود، هلال احمر را یکی از عرصه‌های حکومت الهی عنوان کرد و افزود: در این جایگاه باید به مردم کمک کنیم. حوادث متنوعی در کشور رخ می‌دهد. باید بتوانیم به مردم آرامش بدهیم و از رنج آن‌ها بکاهیم.

وی در ادامه از همراهی و خدمات اعضای سابق شورای عالی هلال احمر که برای حفظ موقعیت هلال، تلاش فراوانی داشتند، تقدیر کرد و افزود: انتخابات پنجمین دوره مجامع هلال احمر در شرایط سخت شیوع کرونا در کشور، با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و قوانین و سیستمی که هلال احمر در نظر گرفته بود به خوبی برگزار شد و مسئولان اجرایی انتخابات حق مطلب را به درستی اداء کردند و جا دارد برای این مسئولان و اعضای جدید شورای عالی آرزوی توفیق کنم.

نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر با اشاره به اینکه رئیس جمعیت به دنبال ایجاد شفافیت مالی در هلال احمر است، خطاب به اعضای شورای عالی گفت: تأکید من این است که در هلال احمر به دنبال قانونمند عمل کردن و تسکین آلام مردم باشید و فعالیت‌ها در هلال احمر باید قانونمند دنبال شود. همچنین ما در برابر خداوند نیز مسئول هستیم که برای رفع مشکلات امدادگران که در خط مقدم امداد رسانی به آسیب دیدگان از حوادث قرار دارند، هر آنچه در توان داریم انجام دهیم. □

تأکید دارد که از بیان خشونت دوری کند. کامو در «نامه به دوست آلمانی» در این باره بحث می‌کند که: «آن چه خشونت واقعی را آزاد می‌کند، نه جنگ و خشونت نظامی بلکه فرهنگی است.» شاید نگاه کامو در این جستار کمی رمانتیک باشد ولی باعث می‌شود در داستان نویسی اش، آزادانه با شخصیت‌ها برخورد کند. او آدم‌ها را خوب و بد نمی‌بیند؛ از نظر کامو، آدم‌ها دانتر یا نادان تر هستند. شرارت هم به نادانی برمی‌گردد. کامو مفهوم مطلق خیر و شر را معلق می‌کند. از دیدگاه او، اگر شرارت فرد به خاطر نادانی است، با دانستن اصلاح می‌شود. این طرح سقراطی به کامو این قدرت را می‌دهد که هر شخصیتی (خیر یا شر) را در داستان روی صحنه بیاورد تا از خودش دفاع کند. آثار هنری به خصوص رمان باعث می‌شود ما به خودمان دسترسی پیدا کنیم. بر خلاف آنچه تصور می‌کنیم، خودمان را به خوبی نمی‌شناسیم. ولی با این دسترسی، میزان آگاهی‌مان از توانایی‌های خودمان، متعجب‌مان می‌کند. انگار تا قبل از خواندن «طاعون» به مواعی که واقعاً در مسیر زندگی‌مان وجود دارد، واقف نیستیم. خواندن رمان ما را فروتن می‌کند. خواندن «طاعون» باعث می‌شود بیشتر درباره کرونا بفهمیم.

خانی: زمانی که از پوسته شخصی خودمان بیرون می‌آییم، مفهوم آزادی از نظر کامو برایمان معنا پیدا می‌کند. بعد از دهه ۱۹۹۰، با سیطره مطلق سرمایه‌داری، هرگونه نگاه انتقادی تلطیف شده یا از بین رفته است. به عبارت دیگر، در دنیا تلاشی برای رسیدن به آزادی وجود ندارد و گفتمان فردیت‌گرایی، سیطره مطلق دارد. حتی چپ‌گراها هم باید با دادن وعده لذت و تشویق، ثروتمندان و افکار عمومی را ترغیب کنند به کمک به دیگری. مجبورند به آن‌ها بگویند: «از کمک به دیگران سودی به تو می‌رسد.» در حالی که از دیدگاه کامو، این سود، توهمی بیش نیست. اما دنیای امروز ما شبیه دنیای روزگار کامو نیست. نقش متفکران و روشنفکران خیلی کم‌رنگ‌تر از آن است که مردم را تشویق کنند به مبارزه برای کمک به دیگران. گفتمان مطلق سرمایه‌داری، عقاید عموم مردم را هم به سوی اصالت سود و لذت برده است. طرح کامو در موقعیت امروز ما با بحران مواجه است. از طرف دیگر، علم هم دچار بحران شده است. کرونا نوعی ویروس است که از شناخته شدن فرار می‌کند. حتی امکانات پیشرفته تکنولوژی امروز هم کمکی به شناخت آن نکرده است؛ تا می‌خواهند به شناختش نزدیک شوند یک جهش ژنتیکی جدید می‌کند و شکل و ساختارش عوض می‌شود. یکی از مشکلات اصلی که ساختن و تولید داروی کرونا را به تأخیر انداخته، این است که دانشمندان هنوز نمی‌دانند با چه چیزی طرف‌اند. در «طاعون» هم چنین وضعیتی وجود دارد؛ عامل بیماری یک بار چهره عوض می‌کند، ولی چون در کل دوره یک بار این اتفاق می‌افتد می‌توانند به آن غلبه کنند. اگر کسی بخواهد درباره «کرونا» رمان بنویسد، باید بیشتر و عمیق‌تر از کامو وارد ماجرا شود و این کار آسانی نیست. □

پیامبر (ص) نبود، جامعه بشری تغییر نمی‌کرد، چرا که اصولاً نمی‌توان جوامع را جز با رحمت، محبت و گذشت تغییر داد، ان‌الله‌لا‌یغیر‌به‌قوم‌حتى‌یغیر‌ما‌بأنفسهم. پیامبر خاتم (ص) نسبت به افرادی که به او ستم می‌کردند و او را مورد آزار قرار داده‌اند نیز هیچ کینه‌ای به دل نداشت، همه آن‌ها را می‌بخشید و این رفتار شاخص ایشان بود. تنها در مواردی که حقوق انسان‌ها پایمال می‌شد، تعرضی به دارایی مردم صورت می‌گرفت، ظلمی به فردی می‌شد، بی‌عدالتی انجام می‌گرفت، تجاوز و تعدی صورت می‌پذیرفت، پیامبر (ص) قاطع و محکم با خاطی برخورد می‌فرمود.

به نگاه نگارنده پیامبر (ص)، شأن الگو بودن برای جامعه انسانی دارد همچنان که قرآن کریم ایشان را اسوه حسنه می‌داند، یعنی اخلاق ایشان قابل دست یافتن است که اگر غیر این بود الگو بودن او بی‌معنی است و تطبیق در تمام شؤون محقق نمی‌شود زیرا ایشان معصوم بودند ولی در اخلاق، زندگی فردی و اجتماعی قابلیت عمل کردن مانند ایشان وجود دارد. جامعه زمان پیامبر (ص) یک جامعه خشن، بی‌ادب و نامتوازن بود و پیامبر (ص) چشمه همه فضایل انسانی در آن عصر است و بهترین و برترین الگوی اخلاق انسانی است.

هر انسانی این استعداد را دارد که کمال انسانی، مهربانی، گذشت و محبت را در خود شکوفا کند و پیامبر اکرم (ص) به لطف الهی این استعداد را در او خود به کمال رسانیده است. خداوند، پیامبر (ص) را این گونه توصیف فرمود: «وَأَنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ تو بر اخلاق بزرگوارانه عظیمی هستی» و از امام صادق (ع) روایت شده: «خداوند، پیامبر (ص) را بر محبت خود تربیت کرد و سپس گفت: «أَنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» بنابراین پیامبر (ص) بر اساس استعداد، خواست و تلاش خود، به لطف الهی به کمالی رسیده که این کمال توانسته آن تحول بزرگ را ایجاد کند.

اگر از مولای متقیان درباره شخصیت نبی اکرم (ص) بپرسید ایشان می‌فرمایند: «طَبِيبٌ دَوَّازٌ بِطَبِيبِهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَأَخَمَىٰ مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ غُمِي وَأَذَانٍ صُمٍ وَالسِّنَّةُ بِكُمْ مُتَّبَعٌ بِدَوَائِهِ مُوَاضِعُ الْعُقَلَّةِ وَ مَوَاطِنُ الْخَيْرِ»، او طبیبی است که همراه با طبیب در میان مردم می‌گردد، مرهم‌هایش را محکم و آماده ساخته و ابزارهایش را برای سوزاندن زخم‌ها داغ نموده، تا هر جا لازم باشد؛ در زمینه دل‌های کور و گوش‌های کر و زبان‌های لال به کار گیرد. دارو به دست به دنبال علاج بیماری‌های غفلت و دردهای حیرت است. این بیماران وجود خود را از انوار حکمت روشن نموده و با آتش دانشی درخشان شعله نیفر و خسته‌اند.

به هر شکل ترویج اخلاق حسنه و بایبندی به اخلاق نیکو از وظایف و خصلت‌های حکومت اسلامی است و لذا همه دستگاه‌ها، سازمان‌ها، کارکنان و کارگزاران دولت اسلامی باید با همه وجود در پی برپایی اخلاق حسنه در جامعه فعالیت داشته باشند. □



درسی از سلوک اخلاقی حضرت محمد (ص)

مهربانی مرهم زخم‌های جامعه است

■ حجت الاسلام و المسلمین امیر چهری
مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گیلان



جامعه زمان و عصر پیامبر، جامعه‌ای است خشمگین و ناموزون. حضرت محمد (ص) با ویژگی‌های صفاتی خود از جمله مهربانی، نوع دوستی در این دوران و عصرهای پس از آن تحول انسانی به وجود می‌آورد. اگر سیره رسول خدا (ص) را مورد مطالعه و واکاوی قرار دهیم، درمی‌یابیم که یکی از جلوه‌های اعجاز رسالت پیامبر اکرم (ص) تغییر سبک زندگی جاهلیت به سمت ارزش‌های بالای اخلاقی و بشردوستانه بوده است که می‌فرماید: «و ما ارسلناک الاّ رحمه للعالمین؛ ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم.» رحمت و محبت را باید اساس و بنیاد موفقیت پیامبر اسلام (ص) در جامعه جاهلی آن زمان برشمرد. برترین ویژگی صفاتی پیامبر اکرم (ص) که موجب شده به سبب آن جامعه را متحول سازد، اخلاق و اقدامات بشردوستانه ایشان در طول عمر ارزشمندشان بوده است. ایثار، رحمت، گذشت، رفق، مدارا و انسان دوستی پیامبر (ص) بیش از همه چیز تأثیر به سزایی در بین جامعه جاهلیت آن دوران گذاشته است.

بسیاری از رفتارهای ضدبشری که بیان آن نیز بسیار سخت است مانند زنده به گور نمودن دختران، نوعی ارزش در آن جامعه قلمداد می‌شد. در همین ارتباط قرآن کریم می‌فرماید: «فَیْمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّصُوا مِنْ حَوْلِكَ» به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند.

این اخلاق کریمانه و انسان دوستانه حضرت رسول اکرم (ص) باعث شد که جامعه بشری به سمت ارزش‌های والای الهی گرایش پیدا کند؛ یعنی اگر اخلاق رحیمانه و باگذشت و پرمحبت



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان:

خدمت به دیگران بازتاب گسترده‌ای در متون دینی دارد

« نخستین جلسه هیات مدیره جمعیت هلال احمر استان زنجان با حضور مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر این استان تشکیل شد.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان زنجان ضمن تبریک به اعضای هیات مدیره و حمیدرضا شهبازی به عنوان عضو شورای عالی جمعیت هلال احمر کشور افزود: امید دارم این انتخاب‌ها منشأ خیر و برکت برای جمعیت هلال احمر استان و کشور باشد چرا که حضور وی در هیات مدیره و شورای عالی در دروه چهارم بسیار کارگشا و با مدیریت کارآمد تأثیرگذار بود که در دوره فعلی نیز حضور و مشورت با این عضو در شورای عالی به حتم تأثیرگذار و موجب تحقق اهداف و برنامه‌ها خواهد شد.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر با بیان اینکه چهار کمیته و کارگروه در هلال احمر استان زنجان داریم، اظهار داشت: این کمیته‌ها شامل امداد و نجات، کمیته بهداشت، درمان و توانبخشی، کمیته داوطلبان، جوانان، موقوفات و امور فرهنگی، کمیته برنامه ریزی، بودجه و آموزش و تأمین منابع مالی و پشتیبانی است.

میرزایی به جذب اعضا در هلال احمر تأکید کرد و افزود: هلال احمر بزرگترین نهاد عمومی مردمی در کشور به شمار می‌رود و اساس کار در هلال احمر داوطلب محوری است، حضور و مشارکت داوطلبان در فعالیت‌های آینده جمعیت تأثیرگذار خواهد بود و خدمات عام المنفعه و داوطلبانه بهتر و بهینه‌ای را شاهد خواهیم بود.

وی با تأکید بر اینکه جامعه داوطلبی ما نسبت به وضعیت فعلی باید افزایش کمی داشته باشد، اظهار داشت: در جذب اعضای داوطلب باید نگاه کمی شود و اعضای بیشتری جذب جمعیت هلال احمر شده و جامعه هدف هلال را به منظور ارتقای ارائه خدمات مطلوب‌تر افزایش دهیم تا هلال احمر شهرستان‌ها بیشتر از گذشته تقویت پیدا کند.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان زنجان به راه اندازی خانه‌های هلال اشاره کرد

و گفت: به آموزش همگانی در برنامه پنجم توسعه تأکید شده که سطح آموزش به لحاظ کمی و کیفی در شهرستان‌ها باید بیشتر تقویت شود و با همت به جد دامنه آموزش‌ها گسترش یابد تا سطح دانش مقابله با حوادث و مدیریت بحران در ساعات‌های اولیه توسط مردم شهرها و روستاهای تابعه ارتقا یابد.

وی یادآوری کرد: گسترش آموزش همگانی و کمک‌های اولیه موجب می‌شود تا شهروندان در زمان طلایی و ساعت اولیه بحران بتوانند مدیریت اولیه بحران و نحوه مقابله و پیشگیری از خسارت‌های جانی و مالی را تا رسیدن نیروهای امدادی داشته باشند، که بر همین اساس باید تعداد افراد آموزش دیده را به منظور تحقق جامعه ایمن و تاب‌آور افزایش دهیم.

وی به جذب خیرین جدید برای کمک به حوزه‌های مختلف از جمله درمان و توانبخشی جمعیت هلال احمر تأکید کرد و ادامه داد: خیرین و افراد صاحب نام شناسایی و جذب شوند و از نزدیک در جریان خدمات هلال احمر قرار گیرند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان نیز در ادامه این جلسه افزود: مفهوم گسترده خدمت‌رسانی را در متون دینی می‌توان در مفاهیمی همچون تلاش در برآوردن نیازهای مؤمنان، اهتمام به امور مسلمانان، یاری رساندن به گرفتاران، گشودن گرفتاری مؤمنان و غیره جستجو کرد.

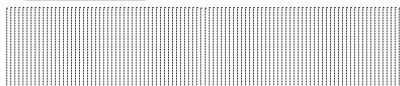
حجت الاسلام و المسلمین جواد نصیری اظهار داشت: این مفهوم گسترده شامل خدمت‌رسانی افراد نسبت به یکدیگر و یا هم‌نوعان و خدمات عام المنفعه است، چرا که خدمت‌گزاری به مردم در نظام دینی به صورت نهادینه شده نوعی از مصادیق ارائه خدمات است.

حمیدرضا شهبازی عضو هیات مدیره جمعیت هلال احمر استان زنجان گفت: توجه و نظارت ویژه در انتخابات پنجمین دوره از انتخابات مجامع عمومی هلال احمر موجب شد تا مسیر سخت و پرنوسانی را سپری کنیم.

وی اظهار داشت: اقدامات و تلاش‌ها در اهداف ترسیم شده متبلور شود و همه هم و غم این باشد که اعتبار و سرمایه اجتماعی را حفظ کنیم.

عضو شورای عالی و هیات مدیره جمعیت هلال احمر استان زنجان گفت: در استان انتخابات با مدیریت ویژه متفاوت از سایر استانها در فضایی بدون حاشیه و سالم به نحو مطلوبی برگزار شد. شهبازی تأکید کرد: در پنجمین دوره هیات مدیره باید هماهنگی بیشتری نسبت به دوره قبل باشد و خلاء‌های قانونی با کمک و تعامل هم حل شود و

هیات مدیره نقش اصلی خود را ایفا کند. □





این پنج شاخص در ذهن انسان شکل بگیرد، عمل انسان به خودی خود به کار خیر تبدیل می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی تلاش برای تبیین و ترویج این موضوعات را در ذهن افراد از وظایف ساختار فرهنگی دینی کشور دانست و افزود: «باید تلاش کنیم این شاخص‌ها را در ذهن آدم‌ها بسازیم و جا بیندازیم؛ وگرنه ممکن است کسی به تقلید کار خیری را دنبال کند یا احساساتی شود و عمل خیری انجام دهد، اما این اعمال مداوم نخواهند بود.» این پژوهشگر با بیان اینکه بسیاری از کارهای ما احساسی است، افزود: «احساس یا شور تا به شعور تبدیل نشود، پایدار نیست، خودجوش نیست. همیشه باید به یک منبع گرمایی نزدیک شویم تا گرم شویم. چه کنیم تا خود انسان‌ها از درون آن گرم‌ها تولید کنند. اگر با احساسات قرار است فعالیتی را انجام دهیم به محض فروکش کردن این احساسات باز به روز اولمان برمی‌گردیم.»

کار خیر عقلایی یا احساسی

او در ادامه به آسیب‌شناسی عمل خیر مبتنی بر احساسات پرداخت و خاطرنشان کرد: «مثلاً وقتی سیل می‌آید و سروصدا می‌شود، همه برای کمک می‌آییم، اما وقتی سروصدا به پایان رسید این خیرخواهی نیز به پایان می‌رسد. اینجا معلوم است آن معرفت و آن نگاه شکل نگرفته است. چکار کنیم که آن نگاه شکل بگیرد که هم وقتی سیل می‌آید هوای همدیگر را داشته باشیم و هم وقتی گرفتار سیل و دیگر بحران‌ها نیستیم؛ چه جنگ باشد و چه نباشد. این شناخت باید در درون انسان شکل بگیرد.»

گزارشی از نشست علمی-تخصصی

«مبانی معرفتی کار خیر در آموزه‌های اسلامی»

اگر انفاق نکنید آسیبش به خودتان می‌رسد

حسام خراسانی

نشست علمی-تخصصی «مبانی معرفتی کار خیر در آموزه‌های اسلامی» با محور اصلی «واکاوی ظرفیت فرهنگ دینی در افزایش مشارکت اجتماعی» برگزار شد. حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی، عضو هیأت علمی دانشگاه قرآن و حدیث در این نشست که در ساختمان صلح جمعیت هلال احمر برگزار شد به بررسی و تبیین نگاه دین به مسئله مشارکت اجتماعی پرداخت. او در این نشست به واکاوی و بررسی این پرسش پرداخت که چه نگاهی باید حاصل شود تا آدم‌ها به کار خیر اقدام کنند؟ آنچه در ادامه می‌آید، گزارش «شهروند» از این نشست علمی-تخصصی است. ■

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی پنج مؤلفه و شاخص «نگاه و معرفت ما به انسان»، «باور به اینکه انسان موجودی اجتماعی است»، «رابطه ایمان با کار خیر»، «رابطه حرف با کار خیر» و «ارتباط کار عبادی با کار خیر» را تشکیل دهنده شاخص اصلی معرفتی کار خیر در آموزه‌های اسلامی و قرآن کریم برشمرد. در نگاه این پژوهشگر دینی اگر

کند یک موجود اجتماعی است؛ یعنی رشد و تکامل و خوبی‌های خودش با خوبی‌های دیگران گره خورده و از دیگران جدا نیست. این را باید باور کند.»

حجت‌الاسلام والمسلمین مه‌ریزی با بیان این گزاره در ادامه نشست به تبیین اولین شاخص نیز پرداخت و افزود: «امام موسی صدر - که اگر زنده هستند خدا حفظشان کند - تعبیری از آیات قرآن دارد با این مضمون که انفاق کنید تا خودتان را در مه‌لکه و هلاکت نیندازید. چه رابطه‌ای میان انفاق کردن و به خطر نیفتادن است. معنی این تفسیر این است که شما یک موجود اجتماعی هستید، اگر انفاق نکنید آسیبش به خودتان می‌رسد. اگر مدرسه ن‌سازید و بچه‌های دیگر آگاه نشوند، این نا آگاهی به فرزند تو نیز ارتباط دارد. اگر بیمارستان درست نکنید، انسان‌ها بیمار می‌شوند و تو هم در این جامعه زندگی می‌کنی و قطعاً آسیب می‌بینی؛ یعنی رابطه بین انفاق که یک کار اجتماعی است، با خود انسان دارند. انسان در زندگی بدون اجتماع نه به رفاه می‌رسد و نه کار خیر به امنیت و نه به رشد و نه به تکامل. اگر این را باور کردیم، طبیعتاً نگاه خیر نسبت به دیگران حاصل می‌شود.»

ارتباط کار خیر و ایمان

حجت‌الاسلام والمسلمین مه‌ریزی در ادامه به تبیین عنصر سوم پرداخت. او در تبیین این موضوع گفت: «مؤمن نمی‌تواند فردی فکر کند و با کار خیر بیگانه باشد. ممکن نیست ایمان باشد و کار خیر و عمل صالح در پی آن نباشد. آن عمل خیر هم برای خود شخص است و هم برای دیگری است. رابطه بین ایمان و عمل صالح رابطه‌ای تفکیک‌ناپذیر است. این را انسان باید باور کند؛ باید باور کند که ایمان بدون عمل صالح غیر ممکن است. ایمان نمی‌تواند منفک از کار خیر باشد. کسی نمی‌تواند مدعی باشد مؤمن است و به تبع آن کار خیر انجام ندهد؛ دارای تناقض رفتاری است.» او در تکمیل این بخش از صحبت‌های خود به آیاتی از قرآن اشاره کرد و افزود: «نمی‌توانید خوب باشید و انفاق نکنید؛ یعنی خوبی انسان با انفاق گره خورده است و بحث امر به معروف و نهی از منکر هم همین است. این است که انسان یک حس اجتماعی دارد و این حس اجتماعی او را وامی‌دارد که دیگران را از بدی‌ها دور کند.»

حرف تعامل

حجت‌الاسلام والمسلمین مه‌ریزی در ادامه به تبیین اصل چهارم پرداخت. او با بیان اینکه میان کار خیر و حرف ارتباط معنایی وجود دارد، افزود: «این را باید باور کنیم. مادر کشور بسیار حرف می‌زنیم. کلام را از عمل جدا کرده‌ایم اما در آموزه‌های دینی این دو با هم پیوند خورده‌اند.» او در ادامه به آسیب‌شناسی حرف تهی از عمل پرداخت و خاطر نشان کرد: «مؤمن نباید شعار دهد؛ برخی از خوبی‌ها بسیار حرف می‌زنند ولی پایشان می‌لنگد، مؤمن کاری را که نمی‌تواند به زبان نمی‌آورد. حرف باید با عمل باشد و انسان به میزانی که

چگونه به انسان نگاه کنیم؟

حجت‌الاسلام والمسلمین مه‌ریزی در ادامه به تبیین این پنج شاخص پرداخت. او در توضیح شاخص نگاه و معرفت ما به انسان این پرسش‌ها را مطرح کرد که ما چگونه به انسان نگاه می‌کنیم؟ آدم‌ها را چگونه دیده و باور می‌کنیم؟ در نگاه این پژوهشگر دینی در آیات قرآن درباره انسان سه نگاه لحاظ شده است؛ او در توضیح این سه نگاه گفت: «یکی نگاهی است که شیطان به انسان دارد. دیگری نگاه فرشته‌ها به انسان است و یکی هم نگاه خدا. ما با دوربین کدام یک داریم به انسان نگاه می‌کنیم؟ با دوربین شیطان یا فرشته‌ها یا دوربین خدا؟ این نگاه‌ها هر کدام پیامدی متناسب با خودش دارد. نوع نگاه ما به انسان و به آدم تعیین‌کننده است. شیطان از بالا به انسان نگاه می‌کند، انسان را تحقیر می‌کند و می‌گوید من آنشم و ارزش دارم. آیا ما با این نگاه شیطانی به همدیگر نگاه می‌کنیم، همه را پایین و خوار می‌بینیم. اما در نگاه والا، نگاه خدا را به انسان داریم؟ نگاه خدا به انسان متفاوت است. خدا شیطان را به علت این قضاوتش بیرون می‌کند. فرشته‌ها را به علت نگاه بدشان شماتت می‌کند؛ پروردگار می‌فرماید من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. انسان در نزد خدا عزیز است و این نگاه باید نگاه ما نیز به عنوان بندگان خدا به هم‌نوع‌هایمان باشد. این را باید انسان باور کند و ببیند. اگر این طور شود آیا ممکن است، به کسی توهین و بی‌اعتنایی کند؟»

انسان موجودی اجتماعی

«دومین عنصر تأثیرگذار به عنوان یک مبنای معرفتی که باید به آن توجه شود، موضوعی است که انسان باور

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر:

کمک‌های خیرین رو به افزایش است

محمد نصیری رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر



در بازدید رئیس این جمعیت از سازمان داوطلبان گفت: در این سال حدود ۱۹۶ هزار داوطلب در طرح‌های داوطلبانه و حمایتی سازمان مشارکت داشته و بیش از ۲٫۵ میلیون نفر از خدمات سازمان داوطلبان هلال احمر بهره‌مند شده‌اند.

نصیری همچنین از جمع‌آوری حدود ۶۱ میلیارد تومان کمک‌های نقدی مردمی در دوران شیوع ویروس کرونا تاکنون خبر داد و گفت: از افتخارات سازمان داوطلبان، همراهی و مشارکت خیرین و داوطلبان در اجرای طرح‌های حمایتی است. با حرکت سازمان داوطلبان به سمت جذب مشارکت‌های مردمی و خیرین، هلال احمر در طرح نذر آب ۳، ۴۰ میلیون تومان هزینه کرده و سایر هزینه‌های اجرای این طرح از سوی داوطلبان تأمین شده، در حالی که اجرای این طرح در سال ۹۸، حدود ۷۰۰ میلیون تومان و در سال ۹۷ حدود ۴ میلیارد تومان برای جمعیت هلال احمر هزینه برداشته است.

نصیری به راه‌اندازی سامانه سخا در این سازمان نیز اشاره کرد و گفت: این سامانه در حوزه حمایتی فعال بوده و از بروزترین سامانه‌ها در این حوزه در سراسر کشور است. وی به همکاری سازمان داوطلبان، با تشکل‌ها و خیریه‌های سراسر کشور نیز اشاره کرد و گفت: از برکات همکاری سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر با تشکل‌های مردم نهاد، هم‌افزایی در ارائه خدمات اجتماعی به مردم آسیب‌پذیر است. در حوادث سال ۹۸، خیریه‌ها و تشکل‌های مردمی حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان کمک‌های نقدی و غیرنقدی به جمعیت هلال احمر داشته‌اند و این کمک‌ها میان آسیب‌دیدگان از حوادث توزیع شده است.

نصیری در ادامه و در تشریح عملکرد سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر در ۶ ماهه ابتدایی سال جاری، گفت: بیش از ۸ هزار داوطلب در سال جاری و در اجرای طرح‌های سازمان با هلال احمر همکاری داشته‌اند. ۱۷۵ میلیارد تومان کمک‌های نقدی و غیرنقدی جمع‌آوری شده که از این میزان ۶۱ میلیارد تومان کمک‌های نقدی در حوزه مقابله با شیوع ویروس کرونا بوده است. رئیس دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر نیز در این جلسه حضور دکتر همتی در جمعیت رافرتی بزرگ دانست و تأکید کرد: با حضور دکتر همتی، عملکرد جمعیت هلال احمر به نسبت گذشته چه از نظر کارکنان و چه بهره‌وران از خدمات این جمعیت، مورد رضایت بیشتری قرار گرفته است. □

می‌تواند عمل کند باید حرف بزند؛ یعنی در باورش باشد. در غیر این صورت ما یک جامعه پر حرف را ساخته ایم.» به نگاه این سخنران همه ثمرات در دنیا زمانی تبلور می‌یابد که دیگری مهم شمرده شود؛ علم و ثروت زمانی به رشد منجر می‌شوند که در این زمینه حرکت کنند. به نگاه این پژوهشگر در آموزه‌های حرف بی‌عمل گناهی بزرگ شمرده شده است. این پژوهشگر معتقد است حرف بدون عمل از نگاه قرآن به مانند و در ردیف گناهانی همچون زنا با محارم، جدال و کفر با خداست.

دوری از شعار

او در تکمیل این بخش از سخنان خود گفت: «برخی از ما سخنران‌های خوبی هستیم و شعارهای بسیاری می‌دهیم اما از دل آن عملی در نمی‌آید؛ چون باور نداریم که انسان باید به میزانی که می‌تواند و می‌خواهد کار کند، حرف بزند؛ وگرنه سکوت، البته این سکوت باید سکوتی فعال باشد نه منفعل. گاهی آدم نمی‌تواند حرف بزند و ساکت است. گاهی می‌تواند حرف بزند و ساکت است. به نظر من قدرت بر سکوت از قدرت بر کلام مهم‌تر است. یک انسان عاقل را با حرف نزدن‌هایش می‌شود شناخت. ریشه بسیاری از مشکلات در جوامع انسانی حرف است. چه بسا یک حرف خونریزی ایجاد کند و اغلب هم حاضر نیستیم مسئولیت حرفمان را قبول کنیم. گاهی کسی یک کلمه حرف می‌زند و خانواده‌ای از هم می‌پاشد؛ با احساسی دارد، با اقتصادی دارد. از این کلمه‌های بیجا و بی‌ربط بسیار استفاده می‌کنیم؛ هم در حلقه زندگی فردی یا در خانواده و اجتماع و جهان.»

کار خیریک عبادت است

او در تبیین آخرین بخش از شاخص‌های معرفت و مبانی کار از نگاه دینی به ارتباط میان کار خیر و عبادت اشاره و خاطر نشان کرد: «کار عبادی از کار خیر جدا نیست. اگر از نظر فکری و ذهنی و معرفتی بتوانیم این مفاهیم را تبیین کنیم و توضیح دهیم و جامعه را با این مسائل آشنا کنیم، آن محصول یعنی انجام کار خیر خود به خود اتفاق می‌افتد. اگر اتفاق نکنید، آسیب‌های درد و رنج به شما هم اصابت می‌کند؛ چون شما در این مجموعه هستید و جدا از آن نیستید.» او افزود: «انسان باید این موضوع را باور داشته باشد که خیر خودش با خیر دیگران محقق می‌شود، سلامتی او با سلامتی دیگران، رشد خودش با رشد دیگران. چرا به انسان‌های دیگر احترام نمی‌گذاریم؟ بد انسان‌های دیگر را بخواهیم و آن‌ها را نفرین کنیم و دشنام بدهیم؟ بله، عمل زشت را تقبیح می‌کنیم، هیچ وقت عمل زشت خوب نیست. اما این عمل بد به خود آن آدم لطمه می‌زند.»

همراهی عبادت و خیرخواهی

او در تکمیل صحبت‌های پایانی خود گفت: «کار عبادی از کار خیر جدا نیست آخرین چیزی که به نظر من در این فضا باید مطرح شود، این است که کار عبادی از کار خیر جدا نیست. نمی‌شود کسی فکر کند دارد عبادت خدا را انجام می‌دهد و کار خیر انجام ندهد. در قرآن هر جا نماز آمده با زکات آمده؛ در قرآن پیدا نمی‌کنید که نماز باشد و زکات نباشد. در سوره کوثر که زکات نیست، قربانی کردن است؛ یعنی چیزی به دیگری برسد. نمی‌شود انسان عبادت خدا را بکند و کار خیری برای دیگران انجام ندهد. این دو از هم تفکیک‌ناپذیر هستند. ملازماتی است بین عبادت خدا و کار خیر برای دیگران. این موضوع باید به باور تبدیل شود و معرفت و نوع نگاه ما به فعالیت‌های خیرخواهانه باشد. بندگی خدا با خیرسانی به دیگران در فرهنگ قرآنی و از نگاه خدا الزام دارد.» □

اخلاقی را خلق کرد تا سایه این دوران ارزش‌های زندگی را به جامعه هدیه بدهد.

حجت الاسلام والمسلمین دشتی، ضمن اهتمام ویژه به زنده نگه داشتن دوران دفاع مقدس افزود: دفاع مقدس نمونه نابی از جهاد است، برنامه‌های فرهنگی امروز می‌بایست با محوریت آشنایی نسل جوان با آرمان‌های شهداء تدوین و برنامه ریزی شود، دفاع مقدس به دشمنان درس مقاومت و ایستادگی مردم ایران را ثابت کرد و اگر مقاومت جانانه ملت ایران در دوران دفاع مقدس نبود عزت و اقتدار کنونی را حاصل نمی‌شد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان بوشهر با اشاره به تهاجم فرهنگی افزود: غربی‌ها علیه باورهای ارزشی ملت و به خصوص نسل جوان کشورمان تلاش می‌کنند، آینده‌های انقلاب اسلامی با الگوگیری از فرهنگ دوران دفاع مقدس زمینه موفقیت در مقابل توطئه‌های دشمنان می‌شوند، الگوگیری از سبک و سیره شهداء و رزمندگان جنگ تحمیلی یکی از موثرترین راهکارهای مبارزه با تمام خصومت‌های غربی‌هاست.

امروز نه تنها آمریکا بلکه متحدانش نیز به شدت از این فرهنگ که در واقع رمز پیروزی ما در دوران هشت ساله دفاع مقدس و رمز موفقیت و پیشرفت نیروهای جهادی اسلامی در منطقه است وحشت دارند، انقلاب اسلامی ایران با آگاهی‌های عمیقی که در میان ملت‌های مسلمان به وجود آورده است زمینه تحولات سازنده‌ای را در منطقه فراهم کرده است و امروز در قیام بیداری اسلامی نمایان شده است.

انقلاب اسلامی موجودیت نظام‌های وابسته به غرب را متزلزل کرده و منافع قدرت‌های سلطه‌گرا به خطر انداخته است، روند انقلاب اسلامی با توجه به راهنمایی و راهکارهای ارائه شده از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، در همان جهت است که امام راحل (ره) ترسیم کرده بودند. غلامرضا حاجبانی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان بوشهر ضمن گرامی‌داشت هفته دفاع مقدس افزود: وظیفه همه مسئولین، دستگاه‌های دولتی و آحاد مردم زنده نگه داشتن یاد و خاطره رشادتهای شهدا، جانبازان و ایثارگران جان برکف است.

وی ضمن بازگویی خاطره‌ای از حضور خود در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در شهر خرمشهر که این شهر توسط بعثیان عراقی مورد حمله موشکی قرار گرفت و پس از مقاومت مردم به دست عراقی‌ها افتاد، که پس از رشادهای جان برکفان این شهر سرفراز شهدای گرانقدر و رزمندگان دل‌ور اسلام باز پس‌گیری شد.

شورای فرهنگی و نقش آن در پیشبرد اهداف عالی جمعیت هلال احمر نقشی وزین و گویا است. زنده نگه داشتن یاد و خاطره جان برکفان رزمنده و شهدا ضروری است که این مهم از طریق حضور و دیدار با جانبازان و خانواده شاهد و همچنین برپایی نمایشگاه‌ها با موضوع ۸ سال دفاع مقدس می‌توان این ویژگی و رشادتهای را برای نسل جوان انتقال داد. □



در جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر استان بوشهر تأکید شد

تدوین برنامه‌های فرهنگی با محوریت آشنایی جوانان با آرمان‌های شهدا

جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر استان بوشهر به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دشتی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و با حضور مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان و دیگر اعضا شورا برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین دشتی در ابتدای جلسه شورای فرهنگی گفت: دفاع مقدس گنجینه‌ای است که امروز شاهد آثار آن در جامعه هستیم و نظام جمهوری اسلامی مدیون تلاش‌ها و ایثارگری رزمندگان دفاع مقدس است، تحقق ارزش‌های برآمده از دفاع مقدس انقلاب و نظام را بیمه کرده و مقاومت در برابر تحریم‌ها، تثبیت سیاسی و رشد چشمگیر دفاعی را برای جامعه به دنبال داشته است.

حجت الاسلام والمسلمین دشتی، زنده نگه داشتن دفاع مقدس و یاد شهدا را موجب پویایی آرمان‌های انقلاب اسلامی دانست و افزود: هفته گرامی‌داشت دفاع مقدس، یادآور رشادتهای مردانی است که عظمت، عزت، استقلال و آزادی را به ارمغان آورده است. یاد و خاطره شهدا دفاع مقدس در تاریخ ماندگاری ماند، دفاع مقدس و توطئه جنگ تحمیلی سبب احیاء اسلام و تبلور فرهنگ جهاد برای مقابله با دشمنان اسلام شد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان بوشهر افزود: جنگ ۸ سال دفاع مقدس درخشان‌ترین دوره حفظ تمامیت ارضی ایران است که منجر به افتخار آفرینی نسل‌های آینده می‌شود. قداست دوران طلایی هشت ساله دفاع مقدس، ارزش‌های والای



گزارشی از مشارکت دانشجویان
موسسه علمی کاربردی هلال
در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی

محفل علم و بشر دوستی

شده است. مسابقه کتبی احکام روزه داری، تامل و تدبیر نهج البلاغه از جمله برنامه‌های فرهنگی بوده است که در مرکز آموزش علمی - کاربردی هلال احمر استان گیلان در مناسبت‌های مختلف همچون دهه کرامت برگزار شده است. یکی دیگر از محورهای فعالیت فرهنگی دانشجویان در یک سال گذشته فعالیت در زمینه پیشگیری از شیوع کرونا بوده است. ارسال نکات روانشناختی و قرنطینه خانگی در کانال مرکز به صورت، خبر، گزارش، صدا و ویدیو از جمله این فعالیت‌ها بوده است. این فعالیت‌ها با مشارکت اساتید مرکز نیز همراه بوده است. این نمونه فعالیت در دیگر مراکز علمی کاربردی هلال نیز دنبال شده است؛ به طور مثال مرکز آموزش علمی - کاربردی هلال زنجان به برگزاری کارگاه آموزشی با رویکرد کارگزاران در نهج البلاغه پرداخته است.

مشارکت در بحران‌های طبیعی

حضور اساتید و دانشجویان مرکز علمی کاربردی هلال احمر استان کرمان در حمیدیه خوزستان جهت امداد رسانی یکی دیگر از فعالیت‌ها و مشارکت اجتماعی است که در یک سال گذشته می‌توان از آن نام برد. این گروه همراه با نجاتگران و امدادگران جمعیت هلال احمر استان کرمان در ۵ اردوگاه و ۱۱ روستا حومه حمیدیه در امداد رسانی و کمک به آسیب دیدگان از سیل فعالیت داشته‌اند. همچنین با توجه به برپایی ۹۹ پایگاه هلال احمر جهت جمع‌آوری کمک‌های مردمی بیش از ۴۰۰ نفر از داوطلبان جمعیت هلال احمر استان کرمان که بخشی از آنان را دانشجویان این مرکز

در طول یک سال گذشته گروه‌های مختلف جهادی اعم از طلاب و روحانیون و دانشجویان سعی کرده‌اند با برنامه‌ریزی در عرصه پیشگیری و توزیع بسته‌های بهداشتی فعالیت و حضور مستمر داشته باشند، دانشجویان موسسه هلال نیز یکی از این گروه‌های جهادی هستند که در طول این مدت آستین خود را برای فعالیت داوطلبانه بالا زده‌اند. دانشگاه جامع علمی - کاربردی یکی از دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که با هدف ارتقای سطح مهارت شاغلان بخش‌های مختلف اقتصادی و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان مراکز آموزشی که فاقد تجربه اجرایی هستند تشکیل شده و نسبت به برگزاری دوره‌های علمی - کاربردی در مقاطع کاردانی و کارشناسی و کارشناسی ارشد اقدام می‌کند. موسسه علمی - کاربردی هلال ایران دارای ۱۶ مرکز علمی - کاربردی هلال ایران در ۱۶ استان کشور است. شانزده مرکز تابعه علمی - کاربردی هلال ایران در استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، بوشهر، تهران، خوزستان، خراسان رضوی، فارس، قزوین، کرمان، کرمانشاه، گیلان، مازندران، هرمزگان، همدان و یزد در مهرماه جاری در دوره‌های کاردانی حرفه‌ای و کارشناسی حرفه‌ای دانشجویی پذیرند. هدف دانشگاه علمی - کاربردی فراهم آوردن زمینه مشارکت سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی دولتی و غیردولتی برای آموزش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است، به نحوی که دانش‌آموختگان بتوانند برای فعالیتی که به آن‌ها محول می‌شود، دانش و مهارت لازم را کسب کنند. در این بین موسسه علمی - کاربردی جمعیت هلال احمر در سراسر کشور با ایجاد فضای مناسب، علم‌آموزی همراه با تقویت توان فعالیت‌های عملی را پیش‌روی علاقه‌مندان گذاشته است. در این گزارش سعی شده است به برخی از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی این موسسات که با مشارکت دانشجویان دنبال شده؛ پرداخته شود.

برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی

یکی از محور فعالیت‌های فرهنگی - دانشجویی موسسات علمی - کاربردی هلال احمر برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی بوده است. این مسابقات در طول یک سال گذشته با استقبال دانشجویان و همکاری دفتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر دنبال



بوده‌اند؛ در این اقدام نیز همکاری داشته‌اند.

واکاو فعالیت‌های دانشجویی در توسعه مشارکت اجتماعی، فرهنگی در گفت‌وگو با حجت الاسلام سیدطه موسوی، مسئول دفتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر:

دانشجو مولد مشارکت در جامعه است

« نهضت جهانی هلال احمر و صلیب سرخ، یک سازمان داوطلبی با ظرفیت‌های مختلف در عرصه‌های امداد و نجات، سلامت، آموزش همگانی و فرهنگ بشردوستانه در دنیا است که با هدف کمک‌رسانی و تسکین درد افراد آسیب‌دیده در سطح جهان تشکیل شده است.



تعدد در حوزه فعالیت این سازمان مردم‌نهاد این پرسش‌ها را در ذهن ایجاد می‌کند که بستر ساز اصلی فعالیت در جمعیت هلال احمر چه می‌تواند باشد؟ چگونه بایستی فعالیت داوطلبی را در این نهاد بسط و گسترش دهیم؟ و نقش موسسات دانش‌بنیاد و دانشگاه‌ها در ارتقای این مهم چیست؟

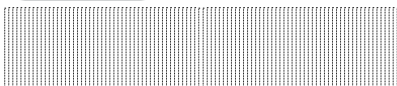
مهر و ماه به منظور پاسخ به این پرسش‌ها گفت‌وگوی داشته‌ام با مسئول دفتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در موسسه علمی کاربردی هلال، طه موسوی در این گفت‌وگو رسالت و مأموریت‌های اصلی موسسه علمی کاربردی هلال را منطبق با ضرورت تأسیس و شکل‌گیری نهضت صلیب سرخ عنوان می‌کند. وی معتقد است که رسالت این موسسه ایجاد و بسط مفهوم و دانش امدادی برای تسکین درد مردم و خدمت به هم‌نوع است. آنچه در ادامه می‌آید، شرحی از این گفت‌وگوست.

برگزاری کارگاه‌های سواد رسانه‌ای

مرکز آموزش علمی - کاربردی هلال احمر استان گیلان نیز با برگزاری دوره آموزشی سواد رسانه‌ای ویژه دانش‌آموزان طرح دادرسی مرتبط با شبکه‌های اجتماعی به آسیب‌شناسی این موضوع و نحو صحیح از استفاده و بهره‌گیری از فضای مجازی پرداخته است. همکاری با رسانه‌های جمعی از جمله صداوسیما از دیگر فعالیت‌های موسسه علمی کاربردی هلال احمر بوده است. به عنوان نمونه با رایزنی‌های انجام شده دانشجویان موسسه علمی کاربردی هلال واحد قزوین اقدام به تولید برنامه در صداوسیما قزوین با محوریت پیشگیری از کرونا کرده‌اند.

برگزاری محفل انس با قرآن

شرکت دانشجویان، مدرسان و کارکنان مرکز در محفل انس با قرآن در مناسبت‌های دینی از دیگر برنامه‌های بوده که در موسسات علمی کاربردی هلال دنبال شده است. در این محفل‌ها که با حضور قاریان کشوری، استانی، دانشجویان و مدرسان مراکز برگزار شده است، به ترویج فرهنگ قرآنی در بین جوانان نیز اشاره شده است. حضور در گلزار شهدا و تجدید میثاق با آرمان‌های شهدا به مناسبت‌های مختلف از دیگر برنامه‌ها بوده که در مراکز با همکاری دفاتر بسیج دانشجویی انجام شده است. برگزاری جشنواره‌های علمی و فرهنگی با در بخش نوشتاری و تصویری همچون عکس از دیگر اقدامات موسسه علمی کاربردی هلال ایران بوده است. □



به نظر شما مهم ترین وظیفه و رسالتی که موسسه علمی کاربردی هلال می بایست در جامعه ایفا کند، چیست؟

مهم ترین رسالت هر مجموعه را باید در قالب همان موضوع و ملزوماتی که باعث ایجاد مجموعه شده، یافت. علت تأسیس هر سازمان خود گویای رسالتی است که آن مجموعه باید دنبال کند. در مورد موسسه علمی کاربردی هلال هم مثل تمام بخش های دیگر جمعیت که تابعی از این سازمان مردم نهاد هستند، آموزش تخصصی و عالی به افرادی که در جهت حمایت از زندگی مردم، خدمت به هم نوع، فعالیت بشردوستانه و تسکین درد مردم فعالیت می کنند، به عنوان رسالت اصلی تعریف شده است. رسالتی که در راستا خط مشی فعالیت های جمعیت هلال احمر نیز است.

در دستیابی به این رسالت، موسسه به چه چالش ها و فرصت های روبرو بوده است؟

در نیمه دوم دهه هشتاد که موسسه علمی کاربردی هلال تشکیل شد؛ موسسه دارای دانشجویان بی شماری بود، در این مرکز علمی حدود بیست هزار دانشجو حضور و فعالیت داشتند که این یک ظرفیت فرهنگی حایز اهمیت به شمار می آمد، در آن دوران کار فرهنگی هم در حوزه دانشجویان و همکاران از یک پتانسیل عالی برخوردار بود. پس از اینکه بحث عدم فعالیت موسسات علمی کاربردی وابسته به دولتی و عمومی مطرح شد، جمعیت با چالش تعطیلی موسسه روبرو شد که این مهم ترین چالش موسسه از بدو تأسیس تا امروز بوده است. اما با پیگیری مسئولان جمعیت هلال احمر این موضوع حل شد.

موسسه علمی کاربردی هلال برای دستیابی به تحقق و رسالت اصلی خود از کدام سازوکار اجتماعی باید سود ببرد؟

«دانشجو» مهم ترین داشته هر مرکز علمی از جمله موسسه علمی کاربردی هلال احمر است. خوشبختانه دانشجویان ما، نهضت صلیب سرخ و هلال احمر را می شناسد، دانشجویان ما داری دغدغه یاری گیری هستند و این ویژگی ظرفیت بسیاری غنی در عرصه فرهنگی و فعالیت فرهنگی در موسسه ایجاد کرده است که می تواند توان فعالیت فرهنگی را در این مجموعه ارتقا دهد.

یکی دیگر از وظایف تعریف شده در حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر نظارت است، در این زمینه چه فعالیت های انجام شده است؟

بازدید مستمر از مراکز و ارزیابی نقاط ضعف و قوت، نظارت



«دانشجو»

مهم ترین داشته

هر مرکز علمی از

جمله موسسه

علمی کاربردی

هلال احمر است.

خوشبختانه

دانشجویان ما،

نهضت صلیب

سرخ و هلال احمر

را می شناسد،

دانشجویان ما

داری دغدغه

یاری گیری هستند

و این ویژگی

ظرفیت بسیاری

غنی در عرصه

فرهنگی و

فعالیت فرهنگی

در موسسه

ایجاد کرده است

که می تواند

توان فعالیت

فرهنگی را در این

مجموعه ارتقا

دهد

بر محتوا دروس معارفی، تطبیق موضوعات و محتوای دروس با اصول و اهداف جمعیت هلال احمر از جمله فعالیت های بوده که با محور هدایت و نظارت با همکاری مسئولان دفاتر در استان ها در این بخش دنبال شده است. در این زمینه گزارش مفصلی آماده و به نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر ارائه شده است. یک دغدغه دیگر هم وجود داشت و آن این مساله بود که محتوای دروس دانشجویان محتوای در جهت ارتقای جایگاه دانشجویان و کمک به مهارت اندوزی آنان باشد؛ که در این زمینه نیز نظارت و هدایت لازم صورت پذیرفت. سنجش عملکرد اساتید، نظارت بر فعالیت فرهنگی و آموزشی از دیگر وظایف تعریف شده است که در دفتر نمایندگی ولی فقیه در موسسه پیگیری شده است.

اگر موافق هستید در مورد فعالیت های فرهنگی موسسه بیشتر صحبت کنیم؟

موسسه در رابطه با کارهای فرهنگی پیرو سیاست های جمعیت هلال احمر است. در این عرصه با معاونت فرهنگی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه مشارکت های مستمر داشته ایم؛ با این رویکرد که دانشجو مولد مشارکت اجتماعی و فرهنگی در جامعه است. فعالیت ها را در این بخش دانشجو محور دنبال کرده ایم. برنامه های دانشجویی نیز توسط دانشجویان در قالب کانون ها و بسیج دانشجویی دنبال شده است. یکی دیگر از موضوعات برگزاری نشست های یاری گرا با همکاری معاونت فرهنگی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه بوده که با استقبال دانشجویان و اساتید همراه شده است. توزیع مجلات مرتبط مهر ماه و زاد، درنگ نیز در قالب همین همکاری صورت گرفته است.

با توجه به آغاز سال تحصیلی در مورد فعالیت ها فرهنگی آموزشی در سال جدید صحبت کنیم؟

با توجه به شرایط پیش آمده، برنامه ریزی کرده ایم تا از فضای مجازی به عنوان یک رسانه استفاده کنیم. در فضای مجازی کار در حوزه اندیشه ارزان قیمت است، یعنی ما نیاز به صرف هزینه برای کاغذ و... نداریم. بیشتر در این زمینه فکر، اندیشه و خلاقیت است که می تواند به ما کمک کند. کرونا یک تهدید است یک تهدید عالم گیر که دنیا را با چالش های بسیاری همراه کرده، اما در میان این چالش های فرصت های همچون حضور بیشتر مخاطبان در فضای مجازی را نیز به دنبال داشته است که باید از این فرصت مراکز علمی نیز بهره مند شوند. موسسه علمی کاربردی هلال نیز در سال جدید تحصیلی در این مسیر قدم برمی دارد. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان تهران در ادامه به اهمیت جهاد و دفاع در قرآن کریم اشاره و افزود: قرآن کریم به عنوان شاخص و منبع حیات انسانی توصیه فراوانی برایین معانی دارد. ۴۹۰ آیه در قرآن کریم در مورد قتال با مشرکان است و از نگاه قرآن، جامعه اسلامی باید استوار و محکم آماده مبارزه با مشارکان و اشار باشد. وی در تکمیل صحبت‌های خود در این بخش ادامه داد: در ۲۹ آیه قرآن نیز به مقوله جهاد اشاره شده است. جامعه اسلامی باید همواره عزت و اقتدار خود را حفظ نماید و در این جهت تلاش کند.

حجت الاسلام والمسلمین سلطانی در ادامه سخنان خود با اشاره به اقسام جهاد از نگاه دین مبین اسلام، خاطر نشان کرد: یکی از اقسام آن، جهاد با نفس است، انسان جهادگر انسان نوع دوست و خیرخواه است، در دایره تنگ و تاریک خودخواهی قرار نمی‌گیرد که این نگاه را در جمعیت هلال احمر نیز شاهد هستیم.

وی در پایان سخنان خود هشت سال دفاع مقدس را آیین تمام نمای جهاد و مقاومت دانست و افزود: دفاع مقدس یک نمای کلی از ارزش‌های یک ملت است که در تاریخی ترین جنگ خود به نمایش گذاشت و در برابر تمام دنیای استکبار و استعمار ایستاد و مقاومت کرد. لازم به ذکر است که در پایان این مراسم از تعدادی از کارکنان اینارگر و خانواده‌های شهدای گرانقدر، قدردانی و تجلیل به عمل آمد. □

گرامیداشت چهلین سالگرد دفاع مقدس در هلال احمر

انسان جهادگر، انسانی نوع دوست و خیرخواه است

مراسم گرامیداشت هفته دفاع مقدس در هلال احمر با حضور دکتر کریم همتی رئیس جمعیت در فضای باز ساختمان صلح با رعایت فاصله اجتماعی و دستورات عملیاتی بهداشتی برگزار شد. در این مراسم که جمعی از مسئولان و کارکنان حضور داشتند، حجت الاسلام والمسلمین مرتضی سلطانی، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان



تهران به سخنرانی در خصوص اهمیت گرامیداشت هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس پرداخت. وی در این مراسم ضمن گرامیداشت هفته دفاع مقدس و زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدای هشت ساله جنگ تحمیلی بر اهمیت چرابی و چپستی تقدس جنگ تحمیلی اشاره و افزود: جنگ هشت ساله تحمیلی از دو جهت مقدس نامگذاری شده است و در ابتدا این مبارزه، دفاع از حریم آزادی و امنیت برای نجات انسان‌ها بوده و دیگر آنکه این دفاع از تعالیم قرآن کریم و رهنمودهای اهل بیت (ع) برگرفته شده است.

سلطانی در ادامه، دفاع مقدس را یک حرکت کاملاً انسانی و در راستای فلسفه اهمیت حیات انسانی عنوان و افزود: به تعبیری این دفاع از بدیهیات عالم حیات است، خداوند به انسان حق حیات و آزادی اعطا کرده است تا در کمال آرامش و آزادی زندگی کنند، در تمام مکاتب، ادیان و اندیشه‌ها این حق پذیرفته شده است. به همین دلیل این وظیفه انسانی تمام آحاد بشر است که از جان، ناموس و حقوق انسانی خود در برابر هر تجاوزی دفاع کند.

کبد) و در طی مسیر استکمالی خود، با این مشکلات دست و پنجه نرم کرده و تلاش جهت تفوق بر این موانع دارد.

۲. **تعلیم و تربیت:** گرچه تمام نباتات، حیوانات و انسان‌ها ظرفیت تربیت را دارند، اما انسان با تمایز ویژه خود دارای ظرفیت تربیت و تعلیم خاص و رشد استعداد های عقلانی و فطری است، به طوری که می‌تواند با اتکال به این ویژگی خود را با شرایط خاص مطابقت دهد.

۳. **ایمان:** از مهم‌ترین جلوه‌های خاص وجودی انسان، اعتقاد به خداوند و خلقت حکیمانه عالم وجود است. این ویژگی باعث می‌شود تا با نگاه مؤمنانه به تمام نعمات و تقمات، روح و جسم خود را با زندگی این جهانی منطبق ساخته و حتی از مشکلات پیش رو پلکان رشد و ترقی برای پیشرفت‌های دنیایی و مقامات اخروی بسازد.

گزاره‌های ناظر به تاب‌آوری در قرآن

۱. **صبر و شکیبایی:** قرآن کریم در رسالت انسان‌سازی و جامعه‌سازی خود آدمیان را دعوت به شکیبایی در مقابل سختی‌ها و ناگواری‌ها می‌کند. و استعینوا بالصبر والصلوه (بقره-۴۵) ان الله مع الصابرين (بقره-۱۵۳) و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر (عصر-۳) استعینوا بالله و اصبروا (اعراف-۱۲۸) یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا (آل عمران-۲۰۰)

۲. **طاقت‌آوری:** آیاتی از قرآن کریم ناظر به میزان محدودیت و طاقت انسان است که بنده موظف است برای مقابله به مشکلات، از خداوند بخواد و دعا کند که مورد عنایت حق تعالی قرار گیرد. لا یكلف الله نفساً الا ما آتیها (طلاق-۷) لا یكلف الله نفساً الا وسعها (بقره-۲۸۶) و علی الذین یطیقونه فدیة طعام مسکین (بقره-۱۸۴) والذین آمنوا معه قالوا لا طاقه لنا الیوم بجالت و جنوده (بقره-۲۴۹) ربنا ولا تحمّلنا ما لا طاقت لنا به و اعف عنا و اغفر لنا... (بقره-۲۸۶)

۳. **عسر و یسر:** یکی از مفاهیم قرآنی که می‌تواند ناظر به ارتقاء تاب و توان آدمی باشد، مفهوم معیت یا همراهی سختی‌ها و آسانی‌ها در دنیا یا رسیدن به آسانی پس از تحمل سختی است که طبعاً امید و انگیزه مقاومت در مقابل سختی‌ها را افزایش می‌دهد. فان مع العسر یسراً... مع العسر یسراً (شرح-۵) سیجعل الله بعد عسر یسراً (طلاق-۷)

۴. **رضا و تسلیم:** از مهم‌ترین بسترهای افزایش تاب‌آوری در مقابل سختی‌ها مفهوم والاّی رضا و تسلیم در مقابل خواست الهی است. یا ایتهالنفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی (فجر-۳۰) یا بُئنی انی آری فی المنام اتی اذبحک فانظر ما ذاتی قال یا ابت افعل ما تؤمر (صافات-۱۰۲) و من یسلم و جهه الی الله و هو محسن فقد استمسک بالعروه الوثقی و



تاب‌آوری اجتماعی از منظر قرآن کریم

ایمان، رمز اصلی طاقت‌آوری و تاب‌آوری انسان است

حجت الاسلام و المسلمین اسدالله اسدی

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خراسان رضوی

واژه تاب‌آوری که در چند سال اخیر بیشتر در ادبیات محاوره‌ای مدیران بحران مطرح می‌شود، به معنا و مفهوم میزان تحمل و توانایی احاد جامعه در شرایط خاص و بحران وضعیت طبیعت و ناهنجاری‌هاست. واضح است که جهان خلقت با تغییرات طبیعی و اقلیمی مواجه است و گاه این تغییرات باعث پیدایش ناگواری‌ها، سختی‌ها و خسارت‌های مالی و حتی جانی می‌شود که در این بین انسان پذیرای تمام این مشکلات است. اگرچه آدمی به حسب خلقت خاص خود دارای خاصیت تطابق و همسان‌سازی از بُعد مادی با محیط و شرایط پیرامونی خود است، لیکن شخصیت باطنی و بُعد ماورای طبیعی انسان بسیار در میزان انطباق و نحوه مواجهه با این مشکلات مهم است. دانشمندان علوم روان‌شناسی و اجتماعی پیش‌تر و بیشتر از دانشمندان اسلام به این موضوع پرداخته و راهکارهایی را برای کاهش آلام روانی جامعه ارائه داده‌اند. در حالی که دین مبین اسلام به عنوان آئین زندگی سعادت‌مندانه دارای طرح و برنامه‌ریزی ریشه‌ای و فراوانی بوده که به کلیت آن‌ها اشاره می‌شود.



بسترهای تاب‌آوری جامعه در اسلام

۱. **فطرت:** آدمی به حسب خلقت خود در سختی و رنج آفریده شده (لقد خلقنا الانسان فی



از مهم ترین

راهکارهای

افزایش تاب آوری

در مقابل

حوادث، گرایش

به معنویت و

تقواست. بر

اساس آمار

منابع معتبر،

منشأ بسیاری

از بزهکاری ها،

خیانت ها،

جمع آوری

ثروت های

نامشروع، قتل و

جنایت ها ترس

از فقر و عدم

امکان مقابله در

شرایط سخت

است و این ناشی

از فراموش کردن

خدا و ترس از

خداوند است

معرفت، هدایت و عبادت (و ما خلقنا الجن والانس آلا ليعبدون) مطرح شده است. هدفمند بودن خلقت آدمی می طلبد که انسان در طی مسیر کمالات، خود را مکلف به تکالیف دانسته و به لحاظ باورمندی، تکلیف گرا باشد؛ هرچند برخی از فرامین الهی به ظاهر سخت و برخلاف توان اولیه انسان باشد. اگر مبنای فکری آدمی در مسیر هدایت الهی تقویت شود خود را برای عبور از قتل و موانع آماده ساخته تا به مقام قرب الهی نائل آید.

۲. **ایمان و آرامش:** علی رغم اینکه در علوم جامعه شناختی، رسیدن به رفاه و ابزار آسایش ملاک یک زندگی خوشبخت حساب می شود در معارف قرآنی ابزار آسایش وسیله ای برای رسیدن به هدف شمرده شده (المال والبنون زينة الحياة الدنيا) و اطمینان و آرامش روح و روان، هدف کلیه نعمات مادی و دنیایی است. لذا قرآن کریم تنها راه رسیدن به اطمینان و آرامش را ذکر و معنویت می داند (الا به ذکر الله تطمئن القلوب) ایمان به خداوند رمز اصلی طاقت آوری و تاب آوری انسان در زندگی دنیایی است.

۳. **معنویت گرایی و تقوا پیشگی:** از مهم ترین راهکارهای افزایش تاب آوری در مقابل حوادث، گرایش به معنویت و تقواست. بر اساس آمار منابع معتبر، منشأ بسیاری از بزهکاری ها، خیانت ها، جمع آوری ثروت های نامشروع، قتل و جنایت هاترس از فقر و عدم امکان مقابله در شرایط سخت است و این ناشی از فراموش کردن خدا و ترس از خداوند است. آدمی در دامن معنویت قرار گیرد و با آموزه های توکل، صبر، رضا و تسلیم خود را بیمه کند، طبعاً آمار خشونت ها کاهش یافته و این خود عاملی برای تعامل روانی جامعه بوده و طاقت فرسایی جامعه تبدیل به تاب آوری جامعه خواهد شد. و ان تصبروا و اتقوا لا یضرکم کیدهم شیئاً (آل عمران - ۱۲۰) و من یتوکل علی الله فهو حسبه (طلاق - ۳) و ما تسقط من ورقه الا یعلمها (انعام - ۵۹) همه این آیات مبین این است که با ترویج مفاهیم اخلاقی می توان جامعه تاب آور و صبور و آرام ساخت.

۴. **علم آموزی و آموزش های خاص:** دین مبین اسلام با شعار «اقرأ باسم ربک» و دانش افزایی آغاز شده و مهم ترین معجزه جاویدان پیامبر خاتم از نوع علم و دانش و کتاب است. قرآن به ما می آموزد که برای مدیریت کارآمد عمر یکبار مصرف خود، باید دانش پژوه بوده تا پیشرفت کنیم. بدیهی است که بسیاری از دلایل بی تابی آحاد جامعه در مقابل حوادث طبیعی، ریشه در کمی علم و اطلاع از نحوه مقابله و مدیریت آن دارد. اگر هر فردی مثلاً بداند در هنگام زلزله چه موقعیتی را برای حفظ جان خود انتخاب کند، طبیعی است که تلفات و خسارات آن کاهش می یابد و به صورت منطقی با آن مشکل مواجه می شود. لذا یکی از وظایف انسان ها و به ویژه نهادهای مسئول، نهادینه کردن جایگاه آموزش های عمومی در مخاطرات است که طبعاً به افزایش میزان تاب آوری جامعه می انجامد. □

۵. **ابتلا و آزمایش:** از مفاهیم دیگر قرآنی که در میزان افزایش تاب آوری جامعه مؤثر است توجه به ابتلائات و فلسفه آن است که طبعاً این مفهوم در مقاوم سازی انسان جهت تحمل بلایا و مصائب طبیعی بسیار مؤثر است. احسب الناس ان یتروکوا ان یقولوا امنا و هم لا یفتنون (عنکبوت - ۲) و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قالانی جاعلک للناس اماماً (بقره - ۱۲۴) هنالک ابتلی المؤمنون و زلزلوا زلزلاً شدیداً (احزاب - ۱۱)

۶. **اراده حکیمانه خداوند:** شکی نیست خداوند «فعال ما یشاء» است و بنا به حکمت اموری در عالم جاری است که شاید در نگاه بدوی انسان، خوشایند او نباشد. بدیهی است که باور به اراده الهی در تاب آوری انسان بسیار مفید است. و ما تسقط من ورقه الا یعلمها و لا حبه فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین (انعام - ۵۹) انما قولنا لشیء اذا اردناه ان نقول له کن فیکون (نحل - ۴۰) و ما تشاؤون الا ان یشاء الله رب العالمین (تکویر - ۲۹)

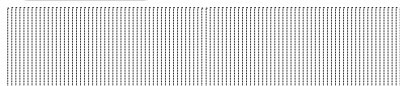
۷. **جزا و پاداش:** یکی از مفاهیم قرآنی که در افزایش مراتب تاب و تحمل انسان مؤثر است مفهوم جزا و پاداش در مقابل تکلیف و رنج های انجام واجبات و ترک محرمات است. و نضع الموازین القسط لیوم القیامه فلا تظلم نفس شیئاً (انبیاء - ۴۷) فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره و من یعمل مثقال ذره شرّاً یره (زلزال - ۷ و ۸)

۸. **توکل:** توکل به معنای واگذار کردن امور به خداوند و او را وکیل تام الاختیار دانستن در تمام امور و شؤون زندگی، لذا این باور آدمی را در مقابل حوادث و سختی ها مقاوم می سازد. و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدراً (طلاق - ۳) قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون (زمر - ۳۸) قالوا حسبن الله و نعم الوکیل فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سوء (آل عمران - ۱۷۴)

۹. **استعانت از خداوند:** بدیهی است انسان همیشه نیازمند به تکیه گاه قدرتمند است و هیچ قدرتی بالاتر از خالق قادر نیست. بنابراین استمداد از عنایات خداوند آدمی را در مواجهه با سختی ها مقاوم و میزان طاقت او را بالا می برد. بسم الله الرحمن الرحیم: اکثر مفسرین می گویند «باء» در «بسم الله» برای استعانت و کمک گرفتن از خدای متعال است. استعینوا بالله و اصبروا ان الارض یرثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین (اعراف - ۱۲۸)

□ **راهکارهای افزایش تاب آوری اجتماعی**

۱. **تقویت ایدئولوژی و هدفمند بودن زندگی:** برخلاف تفکر ماتریالیستی، قرآن کریم خلقت عالم وجود را هدفمند آفریده (ربنا ما خلقنا هذا باطلا سبجانک) و در این بین خلقت آدمی به عنوان اشرف مخلوقات برای کسب



امتیازات انسان در قرآن کریم ذکر شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به قدرت سخن و بیان اشاره کرد.

نماینده ولی فقیه در هلال احمر از جمله دیگر ویژگی‌ها و امتیازات انسان را خودشناسی بر شمرده و افزود: انسان می‌تواند خود را بشناسد و لذا موجودی غیر قابل تعریف و ناشناخته نیست و خداوند می‌فرماید «بَلِ الْإِنْسَانِ عُتَىٰ تَفْسِيرَهُ بَصِيرَةً» (سوره قیامة - آیه ۱۴) و می‌تواند بر نفس خود تسلط و شناخت پیدا نماید.

حجت الاسلام المسلمین معزی قدرت فراگیری و یادگیری را دیگر امتیاز انسان دانست و گفت: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمُ» (سوره علق - آیه ۵) آموخت آنچه را که نمی‌دانست و می‌تواند از جهالت بیرون بیاید و علیرغم این که مجهولات فراوانی دارد اما خداوند به او آموخت.

☐ سعادت در سایه شناخت

دومین جلسه با موضوع تبیین کرامت انسان و دیدگاه مکتب اسلام و همچنین بررسی قوت‌های مقام انسانی و آفت‌های زندگی دنیوی و اخروی بشر ارائه شد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی گفت: انسان از نظر خلقت طبیعی بسیار پیچیده و از نظر خلفت معنوی و روحی و جنبه‌های باطنی هم دارای شگفتی‌هایی است و خداوند متعال پس از آن که انسان را خلق می‌کند می‌فرماید: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون آیه ۱۴) که مبارک باد خدایی را که بهترین مخلوقات را آفریده است و از موجودات این عالم برتری دارد.

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر در بخش دیگری از سخنان خود با توجه به بزرگی و گرامی داشته شدن انسان توسط خداوند متعال افزود: خداوند به انسان قدرت حرکت در سراسر جهان را عطا فرمود و در جنبش است و از بهترین نعمت‌های این دنیا به او رزق و روزی عطا شده است و می‌فرماید: «فَضَلْنَاكُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء آیه ۷۰) و بر همه موجودات برتری داده است و در واقع انسان از همه موجودات پنج قسم دیگر (جمادی، نباتی، حیوانی جن و فرشته) برتری دارد و این برتری به دلیل آفرینش و استعدادهای اوست و لذا دارای وضعیت و شرایطی است که می‌تواند تا بی نهایت را فرا بگیرد و هیچ موجودی به اندازه انسان این قدرت فراگیری را ندارد.

حجت الاسلام و المسلمین معزی در ادامه یکی از ویژگی‌های مهم انسان را قدرت بیان بر شمرده و گفت: انسان در کنار علم، درک و آموختن می‌تواند بیان هم داشته باشد و همچنین خودآگاه است، خود را می‌فهمد و اگر بحث زندگی و انسان را مطرح می‌کند در واقع تنها در سایه شناخت است که می‌تواند در دنیا و آخرت سعادت‌مند باشد و در همین زمینه قرآن می‌فرماید: «بَلِ الْإِنْسَانِ عُتَىٰ تَفْسِيرَهُ بَصِيرَةً» (قیامة آیه ۱۴) و لذا متفکر بودن و این که انسان می‌تواند به حقایق دست یابد از دیگر ویژگی‌هاست و خداوند در قرآن می‌فرماید انسان موجودی است که تفکر می‌کند «يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (آل عمران آیه ۱۹۱) و می‌تواند

پیامات الهی سلسله گفتار موسم حجت الاسلام و المسلمین معزی را در لینک زیر دریافت فرمایید:



در درس‌گفتارهای انسان و زندگی مطرح شد

انسان به مقاماتی نمی‌رسد مگر به صبر

☐ سخنرانی‌های حجت الاسلام و المسلمین معزی نماینده ولی فقیه در هلال احمر با موضوع اخلاق تحت عنوان «درس‌گفتارهای انسان و زندگی» هرشنبه در فضای مجازی منتشر می‌شود.

در این سلسله دروس، نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر به ارائه و تبیین آموزه‌های اخلاق اسلامی با موضوع «فضائل و رذائل اخلاقی» به شرح شماری از فضیلت‌های اخلاقی و تبیین برخی از رذائل ناپسند از دیدگاه قرآن کریم می‌پردازد.

در سلسله گفتارهای انسان و زندگی، همچنین به تبیین جایگاه کرامت بشری و نقش دین در این مقام به عنوان هدایت‌کننده پرداخته می‌شود. حجت الاسلام و المسلمین معزی در این سلسله گفتارها با اشاره به آیات و روایات دینی به واکاوی و بررسی چالش‌های اخلاقی پیش روی انسان اشاره و به تأثیرگذاری آموزه‌های دینی در ارتقای توانمندی‌ها اخلاقی و همچنین تأثیر حوزه آموزش و فرهنگ در این رابطه می‌پردازد.

نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر، شنبه‌های هر هفته در نمازخانه ساختمان صلح به تبیین معارف دینی و مسائل کلان هلال می‌پردازند که این سخنرانی‌ها با شیوع و ویروس کرونا متوقف شد و اکنون پس از وقفه‌ای چندماهه درس‌گفتارهای انسان و زندگی به صورت هفتگی در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. برای مشاهده و دریافت فیلم کامل این دروس هفتگی اخلاق به پایگاه اطلاع‌رسانی www.nvhelal.ir و www.res.ir و یا صفحات و کانال‌های آپارت به آدرس Moballeg_media مراجعه کنید.

☐ خودشناسی

حجت الاسلام و المسلمین معزی در جلسه اول این سلسله گفتارها، با اشاره به برخی از خصوصیات انسان در تفاوت با دیگر موجودات، تأکید کرد: این ویژگی‌ها موجب گردید تا خداوند انسان را گرامی بدارد و او را بر بیشترین و یا تمام این موجودات برتری بخشد و



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گلستان:

تعامل ائمه جماعت با هلال احمر قابل تقدیر است

« اولین نشست روحانیون و ائمه جماعت جمعیت هلال احمر استان گلستان با هدف هم اندیشی فعالیت ها و برنامه های فرهنگی انجام شد.

فرهاد میقانی مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان در این نشست ضمن قدردانی از همراهی های مؤثر روحانیون و ائمه جماعت در جهت تقویت روحیه معنوی کارکنان و داوطلبان، خاطر نشان کرد: اهداف و مأموریت های جمعیت هلال احمر بر محور مبنای دینی والهی است. نوع دوستی و دستگیری از محرومان همواره از تأکیدات فراوان پیامبر اسلام و ائمه اطهار بوده است.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان ضمن ارائه گزارش از ارائه خدمات کاروان اعزامی هلال احمر استان به مناطق محروم شهرستان نیمروز استان سیستان و بلوچستان تصریح کرد: با حضور پزشکان و خیرین داوطلب شاهد همدلی و نوع دوستی غیر قابل توصیف در مناطق محروم شهرستان نیمروز بودیم؛ یقیناً این صحنه ها از اراده الهی و فطری خارج نیست.

در ادامه جلسه حجت الاسلام و المسلمین مهدوی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گفت: تعامل و همت بلند روحانیون و ائمه جماعت با حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان در حوزه های گوناگون کارکنان و خانواده داوطلبین هلال احمر استان قابل تقدیر است. ترویج فرهنگ نماز، تقویت برنامه ها و مسابقات فرهنگی و قرآنی و اهتمام در حوزه تقویت کانون های طلاب در حوزه های علمیه همکار در سطح استان و عملیاتی ساز اهداف و برنامه ها بر محور گام دوم انقلاب از جمله اقدامات دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان با مشارکت روحانیون و تعامل ارزنده مدیران هلال احمر استان بوده است.

در ادامه با مشارکت ائمه جماعت استان در خصوص فعالیت ها و برنامه های فرهنگی و ترویج فرهنگ نماز در ۶ ماهه دوم سال جاری بحث و تبادل نظر شد. □



به اعماق کهکشان ها راه یابد و این تفکر در آسمان، زمین، موجودات، دنیا و آخرت در قرآن در خصوص تفکر انسان ذکر شده است.

نماینده ولی فقیه در هلال احمر به برخی دیگر از ویژگی های انسان و از جمله انتخاب پیامبران از میان آنان اشاره کرد و گفت: پنجمین ویژگی این که پیامبران تنها از میان انسان ها برگزیده شده اند، «یا تینی آدم إِمَّا یَاتِیْتُکُمْ رُسُلٌ مِّنْکُمْ یَقْضُونَ عَلَیْکُمْ آیَاتِی» (اعراف آیه ۳۵)، ششمین امتیاز انسان، مسجود ملائکه قرار گرفتن و این که تمامی فرشتگان و ملائکه به غیر از ابلیس بر او سجده کردند (البته نه سجده عبودی بلکه سجده تکریمی) که «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰئِکَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا اِلَّا اِبْلِیْسَ اَبٰی وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْکٰفِرِیْنَ» (بقره آیه ۳۴) و هفتمین ویژگی انسان این که نماینده انسان در روی زمین است و از میان موجودات تنها انسان می تواند خلیفه انسان باشد «وَإِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلٰئِکَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَهٗ» (بقره آیه ۳۰).

حجت الاسلام و المسلمین معزی همچنین خلق آسمان و زمین برای انسان را هشتمین ویژگی دانست و گفت: به استناد آیه «وَ الْاَرْضَ وَضَعَهَا لِلْاِنْسَانِ» (الرحمن آیه ۱۰) جهان گسترده و پهناور را خداوند برای بهره انسان خلق کرده است و بر اساس تفسیر علامه طباطبایی، انام مربوط به انسان است.

نماینده رهبر معظم انقلاب نهمین و آخرین ویژگی انسان را در این جلسه قدرت انتخاب خیر و شریبان کرد که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است «وَيَذَعُ الْاِنْسَانَ بِالْشَّرِّ دُعَاۗهُ بِالْخَيْرِ» (اسراء آیه ۱۱)

حجت الاسلام و المسلمین معزی به کتب متعدد در خصوص جایگاه انسان در قرآن از جمله کتاب «کرامت انسان در قرآن» آیت الله جوادی، مقالات و کنفرانس های فراوان برگزار شده در زمینه نگاه اسلام و آموزه های قرآنی در خصوص کرامت انسانی هم پرداخت و افزود: البته برخی برای انسان ویژگی هایی را قائل می شوند که به نظر تنها بخشی از وجود او را مورد توجه قرار داده اند اما در قرآن کریم به صورت جامع بیان شده است.

وی در قسمت پایانی سخنان خود با طرح این سؤال که آیا تنها کرامت و ارزش های والا در انسان قرار دارد تصریح کرد: گروهی از امور است که انسان را از قله به پایین می آورد و در اسفل السافلین قرار می دهد یعنی او می تواند از فرشتگان برتر شود، آنچه در وهم ناید آن شود و یا یک مرتبه سقوط کند و در اسفل السافلین باشد و این همان پیچیدگی است و ویژگی هایی عامل سقوط او می شود. از جمله اولین ویژگی بی صبری و شتاب زدگی است که می فرماید «وَكَانَ الْاِنْسَانُ عٰجِزًا» (اسراء آیه ۱۱) و انسان به مقاماتی نمی رسد مگر به صبر که «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اٰیْمَةً یَّهْدُوْنَ بِاَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوْا» (سجده آیه ۲۴) و چون صبر کردند به مقام امامت می رسند «فَاٰصْبِرْ کَمَا صَبَرَ اَوْلُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف آیه ۳۵) که نوح پیامبر ۹۵ سال تحمل می کند، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد مصطفی (ص) صبر پیشه می کنند. ان شاء الله در جلسات بعدی به ویژگی هایی که عامل سقوط می شود اشاره خواهیم کرد. □

به همت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان البرز انجام شد

غبار رومی گلزار شهدا

همزمان با هفته دفاع مقدس، گلزار شهدای ۴۰۰ دستگاه و مزار شهدای گمنام مسجد جامع محمد شهر توسط مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان البرز و مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر این استان، غبار رومی و عطر افشانی شد. در این مراسم محمد باقر خلفی مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان البرز، ضمن تبریک به مناسبت فرارسیدن هفته دفاع مقدس گفت: آنچه که امروز باعث به ارمغان آمدن آرامش و امنیت این مرز و بوم شده است جان فشانی همین شهدایی است که از جان، مال و خانواده خود گذشتند تا امروز ما در آسایش و امنیت باشیم. اکنون اگر بخواهیم بحران‌های مختلف را پشت سر بگذاریم باید به رهنمودها و روشنگری‌های بصیرت افزای مقام معظم رهبری گوش بسپاریم همان گونه که در وصای شهدای والا مقام آمده است. در این مراسم مسئولان استانی جمعیت هلال احمر ضمن ادای احترام به مقام شامخ شهیدان وطن با آرزوی ایثار تجدید پیمان کردند. □

در نشست دبیرکل جمعیت هلال احمر با شورای معاونین هلال احمر استان اردبیل مطرح شد

برگزاری دوره‌های آموزشی اعتقادی برای جوانان

محمد حسن قوسیان مقدم دبیرکل جمعیت هلال احمر در نشست صمیمی با شورای معاونین، نمایندگان کارکنان، دبیران جوانان و امدادگران جمعیت هلال احمر استان اردبیل با بیان اینکه باید به مریبان فعال در جمعیت بیشتر توجه کرده و برای ارتقای سطح آن‌ها برنامه ریزی کنیم، گفت: یکی از وظایف ما ایجاد انگیزه در فعالان جمعیت هلال احمر است.



وی با اشاره به ضرورت برگزاری کلاس‌های دانش افزایی تصریح کرد: جمعیت هلال احمر بر پایه کارهای داوطلبانه فعالیت‌های خود را انجام می‌دهد و نباید اصول هفتگانه جمعیت هلال احمر خدشه دار شود. دبیرکل جمعیت هلال احمر با اشاره به اینکه گاهی پیشنهادهایی در جلسات مطرح می‌شود که منجر به تصمیم‌گیری مثبت برای کل اعضای جمعیت هلال احمر در کشور می‌شود، ادامه داد: پیشنهادهای ارائه شده باید کلی و جامع باشد.

رامین معبودی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل هم در این نشست گفت: با حضور دبیرکل جمعیت هلال احمر پایگاه امداد و نجات بین شهری گردنه الماس جمعیت هلال احمر شهرستان خلخال به مساحت ۷۱۲ مترمربع با هزینه‌کرد حدود ۳۴ میلیارد و ۸۹۳ میلیون ریال و دو پروژه دیگر در شهرستان‌های گرمی و نیرافتتاح شد. وی ادامه داد: در طرح غربالگری افراد جهت پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونا ۱۸۷ هزار نفر در ورودی شهرستان‌های مختلف استان غربالگری شدند.

معبودی ادامه داد: اعضای جمعیت هلال احمر استان اردبیل ۱۲ هزار بسته معیشتی و بهداشتی جمع‌آوری کرده و در بین مردم استان توزیع کردند. حجت الاسلام سید علی فاطمی نیا مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل هم گفت: باید برای جوانان دوره‌های آموزشی اعتقادی، مذهبی و ایثار برگزار کنیم. وی اضافه کرد: اتاق فکری باید در جمعیت هلال احمر تشکیل شود تا در این اتاق فکرها مسائل و مشکلات آسیب شناسی شده و برای رفع آن‌ها راهکار ارائه شود.

در این نشست اعضای شورای معاونین، دبیران جوانان و امدادگران جمعیت هلال احمر استان اردبیل به ارائه نظرات خود پرداختند. □

بازدید اعضای شورای فرهنگی هلال احمر فارس از موزه دفاع مقدس شیراز

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان فارس خبر داد: در اولین روز از هفته دفاع مقدس اعضای شورای فرهنگی این جمعیت از موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در شیراز بازدید نمودند. حجت الاسلام والمسلمین علیرضا بهادری ضمن گرامیداشت یاد و خاطره رزمندگان و ایثارگران در دفاع از ارزش‌های اسلامی، گفت: جانفشانی و از خود گذشتگی دلاورانه در پای پرچم برافراشته اسلام و قرآن از برجسته‌ترین افتخارات ملت ایران در طول هشت سال دفاع مقدس بود. موزه آینه‌ای است برای آنکه فرهنگ، تمدن، سبک زندگی، آداب و رسوم و فضائل یک ملت را جمع‌آوری و در معرض دید مخاطبان و بازدیدکنندگان قرار دهد. در این حوزه نیز موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سعی دارد آینه‌ای تمام قد باشد تا فرهنگ و تمدن کشور را به خوبی به بازدیدکنندگان ارائه نماید و مخاطبان را با ارزش‌های دفاع مقدس آشنا کند.

وی در پایان از اختصاص غرفه‌ای جهت ارائه خدمات امدادگران، اعزامی‌ها و خدمات به اسرا و مفقودین توسط جمعیت هلال احمر در این موزه خبر داد. □

جمعیت هلال احمر کوچک در روستاهاست. همچنین امام جمعه بیله سوار در نشست با رامین معبودی مدیرعامل و حجت الاسلام و المسلمین سید علی فاطمی نیا مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر اردبیل گفت: جمعیت هلال احمر سبب شده است که برای روزهای سخت دغدغه نداشته باشیم. حجت الاسلام و المسلمین جابر عزیزی افزود: به برکت خون شهدا و ولایت فقیه در کشور توفیقات فراوانی به دست آمده و هلال احمر نیز در این جهت فعالیت‌های ارزشمندی را دارد. وی ضمن ابراز امیدواری برای افزایش ظرفیت و توانمندی‌های جمعیت هلال احمر برای رفع دغدغه‌ها و حمایت از مردم گفت: از عزیزان جمعیت هلال احمر تشکر می‌کنم و امیدوارم همیشه در مسیر خشنودی خداوند حرکت کنند.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل هم گفت: جمعیت هلال احمر در هر جا سخنی برای گفتن داشته به سبب حضور مردم است. معبودی با اشاره نقش ائمه جماعات در جلب اعتماد مردم به جمعیت هلال احمر، اضافه کرد: در جریان همه گیری ویروس کرونا حدود ۱۳ هزار بسته حمایتی و معیشتی جمع آوری و توزیع شده است و همه این‌ها با کمک مردم بوده و هلال احمر هزینه‌ای از اعتباراتش انجام نداده و در این زمینه نقش ائمه جماعات بسیار با اهمیت می‌باشد.

وی افزود: در طرح نذر سلامت هم به ۱۱۲ هیئت و مسجد خدمات ارائه کردیم و در این طرح ۴۹ هزار نفر از مردم عزیز خدمات این جمعیت را دریافت کردند.

حجت الاسلام و المسلمین سید علی فاطمی نیا مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان اردبیل هم با اشاره به تقدیر نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه اردبیل از جمعیت هلال احمر استان اردبیل گفت: کارکنان جمعیت هلال احمر با ادارات دیگر تفاوت دارد چرا که باید به صورت ۲۴ ساعته و در همه حال آماده ارائه خدمت باشند.

حجت الاسلام و المسلمین فاطمی نیا با بیان اینکه جمعیت هلال احمر استان اردبیل تیم منسجمی برای ارائه خدمات به مردم در اختیار دارد تاکید کرد: جمعیت هلال احمر استان اردبیل در جنگ با کرونا خوب عمل کرد که جای تقدیر و تشکر دارد. وی افزود: خدمتگزاری در جمعیت هلال احمر افتخار است که افراد بدون دریافت هیچ چشمداشتی در آن خدمت می‌کنند. □



نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه اردبیل تأکید کرد

هلال احمر مورد وثوق مردم است

نماینده ولی فقیه در استان اردبیل با اشاره به جایگاه این نهاد مردمی و نقش و مسئولیتی که بر عهده دارد گفت: جمعیت هلال احمر مورد وثوق مردم است و این جمعیت کار قدسی انجام می‌دهد.

آیت الله عاملی در دیدار با دبیرکل جمعیت هلال احمر و مسئولان این جمعیت در استان اردبیل با بیان این مطلب افزود: جمعیت هلال احمر کارهای خوبی انجام داده است و کارکرد این جمعیت آبروی نظام است. نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه اردبیل تصریح نمود: بنده از طرف مردم استان اردبیل از زحمات و خدمات جمعیت هلال احمر تقدیر و تشکر می‌کنم.

محمد حسن قوسیان مقدم دبیرکل جمعیت هلال احمر کشور نیز با ابراز خرسندی از این دیدار گفت: روز گذشته با حضور ویدئو کنفرانسی رئیس جمهور، ۱۴۰۰ خانه هلال در کشور راه اندازی شد و در این خانه‌ها به مردم روستاها آموزش همگانی داده می‌شود تا بتوانند در حوادث به یکدیگر امداد رسانی کنند. وی با بیان اینکه به دنبال آن هستیم که در تمامی روستاهایی که دهیار دارند، خانه هلال راه اندازی کنیم، اضافه کرد: خانه‌های هلال یک

در اولین جلسه هیأت مدیره جمعیت هلال احمر ایلام تأکید شد

ضرورت بهره‌مندی از نظرات کارشناسان

« اولین جلسه هیأت مدیره جمعیت هلال احمر استان ایلام بعد از پنجمین دوره انتخابات مجامع با حضور مدیر عامل، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان و اعضای هیأت مدیره جدید جمعیت هلال احمر استان ایلام تشکیل شد.

در این جلسه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گفت: انسان‌های عالم و دانا خود رأی نیستند و فقط به نظرات خود تکیه نمی‌کنند بلکه مجموعه نظرات کارشناسان در آن حوزه را می‌گیرند و آن کاری را که درست‌تر و نیک‌تر است انجام می‌دهند و به حقایق نظر بیشتر نزدیک‌تر می‌شوند. در جمعیت هلال احمر با نگاه جامعی که در اساسنامه این جمعیت به تشکل‌های مردمی شده است، شورای عالی و هیأت مدیره نیز به همین مسئله نگاه ویژه دارند و به عنوان مشاورانی امین همین هدف را دنبال می‌کنند.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان ایلام نیز گزارشی از روند برگزاری انتخابات مجامع جمعیت هلال احمر استان در سال جاری و برنامه‌های آتی این جمعیت ارائه دادند. □

برگزاری جلسه ستاد اقامه نماز در هلال احمر البرز

« چهارمین جلسه ستاد اقامه نماز در جمعیت هلال احمر استان البرز برگزار شد. این جلسه با حضور خلفی مدیر عامل، حجت السلام والمسلمین الهی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان البرز و دیگر اعضا برگزار شد.

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی و رعایت فاصله گذاری اجتماعی جهت اقامه نماز، این نشست با تأکید بر این موضوع آغاز و محمد باقر خلفی مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان البرز در این خصوص گفت: نماز در اسلام جایگاه والا و اهمیت فراوانی دارد به گونه‌ای که همه کردارهای عبادی دیگر به شرط قبولی آن پذیرفته می‌شود چرا که نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد. نماز یک ارتباط فردی با خداوند متعال است که با برگزاری آن به صورت جماعت می‌توان تفکرات فردی را به تفکرات جمعی تبدیل و از آن بهره جست که در این راستا نیز هر چه قدر نمازخانه‌های ادارات ما زیباتر، تمیزتر و معطر باشد به همان اندازه نیز جاذبه آن برای نمازگزاران بیشتر خواهد بود.

همچنین در این جلسه نظرات و پیشنهادهایی برای ترغیب اعضا و کارمندان جمعیت هلال احمر جهت اقامه شکوهمند نماز در شعبات استان البرز مورد بحث و بررسی قرار گرفت و از فعالین نماز، برگزیدگان هفته دفاع مقدس و برندگان مجله مهر و ماه، تقدیر و به آن‌ها هدایایی به رسم یاد بود اهدا شد. □

برگزاری اختتامیه طرح غنی سازی اوقات فراغت هلال احمر استان هرمزگان

« مراسم اختتامیه طرح غنی سازی اوقات فراغت جمعیت هلال احمر استان هرمزگان با حضور دکتر گل فشان رئیس سازمان جوانان و حجت الاسلام فقیه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان داوطلبان در جمعیت هلال احمر استان هرمزگان برگزار شد. در این مراسم از کارشناسان و جوانان منتخب این عرصه در سراسر استان با اهدای لوح سپاس و تندیس به رسم یاد بود تقدیر و تشکر به عمل آمد.

طرح شوق رویش جهت غنی سازی اوقات فراغت جوانان به صورت مجازی در معاونت امور جوانان با مشارکت ارزنده اعضا در جمعیت هلال احمر استان هرمزگان در تابستان امسال با اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، ورزشی، مذهبی و... به مدت ۲ ماه از ۱۵ تیر تا ۱۵ شهریورماه اجرا شد. □

توسط مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان البرز انجام شد

دیدار با اعضای کانون طلاب مدرسه علمیه امام صادق (ع)

« اعضای کانون طلاب مدرسه علمیه امام صادق (ع) با حجت السلام والمسلمین الهی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان البرز دیدار کردند.

در این دیدار حجت السلام والمسلمین الهی با تأکید بر نقش کلیدی و مهم کانون‌های طلاب هلال احمر گفت: شایسته است روحانیون و طلاب نیز همچون سایر اقشار جامعه در مواقع بحرانی در صحنه حضور داشته باشند و به کمک هم نوع خود بشتابند.

این کمک می‌تواند در هنگام بروز حوادث گوناگون از جمله سیل، زلزله، آتش سوزی و غیره و همچنین در عرصه فرهنگی و اجتماعی برای اشاعه صلح و بشردوستی نیز صورت گیرد.

در این نشست اعضا کانون طلاب جمعیت هلال احمر علاوه بر ارائه گزارش عملکرد ۶ ماهه اخیر در این کانون، پیشنهادهای خود را برای پویایی هر چه بیشتر این کانون بیان کردند. □



با حضور مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان بوشهر برگزار شد

جلسه هماهنگی برای نذر آب

« جلسه مدیر عامل و معاون درمان و داوطلبان جمعیت هلال احمر استان بوشهر با حجت الاسلام والمسلمین دشتی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان به منظور همکاری برای برنامه نذر آب ۳ که در یکی از شهرستان های استان هرمزگان اجرا می شود، برگزار گردید.

در ابتدای این جلسه دکتر غلامرضا حاجیانی مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان بوشهر در مورد طرح نذر آب ۳ توضیحات مبسوطی را ارائه نمود و درباره برنامه های اجرایی پیش بینی شده این جمعیت در برنامه نذر آب ۳ سخنانی را ایراد کرد.

حجت الاسلام والمسلمین عباس دشتی نیز نسبت به این حرکت انسان دوستانه که در این شرایط خاص متوقف نشده است ابراز خرسندی نمود و اظهار داشت: علاوه بر استفاده از تمام ظرفیت های موجود در جمعیت هلال احمر استان، شایسته است از توانمندی و کمک های نیروی دریایی سپاه، فرمانداران عسلیویه و کنگان و استانداری نیز استفاده شود.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان بوشهر ادامه داد: بستر اصلی این برنامه عظیم و خدایسندانه آبرسانی به مناطق محروم هست و باید تعاملات گسترده ای با شرکت آب منطقه ای صورت پذیرد و با مشارکت حداکثری همه ارگان های همراه را در این حرکت عظیم با سربلندی بیرون بیاوریم. استفاده از ظرفیت خیره هادر همکاری با این طرح می تواند با توجه به افرادی که با نیت رضایت خدا مشغول به فعالیت هستند مفید باشد. □

آموزش همگانی کمک های اولیه در کانون طلاب خراسان رضوی

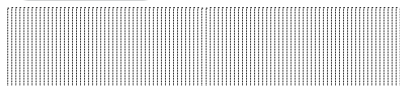
« حجت الاسلام والمسلمین اسدالله اسدی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خراسان رضوی از اجرایی شدن آموزش های همگانی در کانون طلاب خبر داد.

وی گفت: پیرو نامه معاون تبلیغات حوزه علمیه خراسان مبنی بر برگزاری دوره های آموزشی ویژه کانون های جهادی طلاب، جلسه ای با حضور نماینده حوزه علمیه خراسان و معاونت آموزشی و پژوهشی جمعیت هلال احمر استان و با محوریت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان در محل این دفتر برگزار شد. این جلسه آغاز عملیاتی شدن تفاهم نامه میان جمعیت هلال احمر و حوزه علمیه است.

حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین قنبری مدیر خدمات تبلیغ حوزه علمیه خراسان در این دیدار اظهار کرد: حوزه علمیه خراسان و جمعیت هلال احمر کشور توافقنامه همکاری ویژه ای دارند که نشست امروز در راستای آن رسالت مدنظر در تفاهمنامه است. حوزه های علمیه طبق منویات و فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی نسبت به جامعه دارای مسئولیت اجتماعی هستند و طلاب حوزه های علمیه می بایست خدمات اجتماعی عمومی داشته باشند که مستلزم آگاهی و آمادگی در زمینه های مختلف است.

موضوع آموزش های عمومی و امدادی در مخاطرات و حادثه های احتمالی برای طلاب جوان در قالب کانون های طلاب جهادی حوزه علمیه پیگیری می شود. وی افزود: شیوه برگزاری آموزش های کوتاه مدت هشت و ۱۲ ساعته و آموزش ۲۲ ساعت و سایر دوره های آموزشی امروز در جلسه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. مدیر خدمات تبلیغی حوزه علمیه خراسان گفت: طبق برنامه ریزی از آبان ماه در صد آغاز آموزش ها برای خواهران و هم برای برادران هستیم.

همچنین یوسفی معاون آموزش و پژوهش هلال احمر استان خراسان رضوی با اشاره به ماده ۱۴ بند ب قانون مدیریت بحران کشور که اولین وظیفه هلال احمر آموزش کمک های اولیه و آموزش های همگانی معرفی کرده گفت: با توجه به هفته کمک های اولیه و از طرفی شعار فدراسیون با عنوان تطبیق فراگیری کمک های اولیه با شرایط دنیاجویی کرنا مقرر شد در خانه های طلاب که از اول آبان ماه در مدارس برگزار شد و بر اساس تفاهم نامه ای که جوانان با طلاب دارد به مناسبت تأسیس سازمان جوانان این کار اتفاق می افتد. این ها آموزش های همگانی را در آمادگی در برابر مخاطرات آموزش و مهارت های پایه داوطلبی فرا می گیرند و بر اساس توانایی ها و علاقمندی ها برای تیم های امدادی تقسیم می شوند و آموزش های تخصصی را فرامی گیرند. □





تفاهم نامه همکاری هلال احمر خراسان جنوبی با ستاد اقامه نماز

تفاهم نامه با ۲۲ بند حول سه محور شامل مدیریتی - تمهیدی، آموزشی - پژوهشی و فرهنگی - تبلیغی منعقد شده است. وی با بیان اینکه این تفاهم نامه نقشه راهی بوده که از مرجعی قانونی و حاکمیتی ارائه می شود، افزود: همچنین با توجه به شاخص های ارزیابی این تفاهم نامه، رقابتی مثبت بین جمعیت های هلال احمر ایجاد می شود. همچنین حجت الاسلام و المسلمین حسین کمیلی، رئیس ستاد اقامه نماز استان ضمن ابراز رضایت از اجرای برنامه های جمعیت هلال احمر خراسان جنوبی در راستای ترویج و توسعه فرهنگ نماز خاطر نشان کرد: هدف از انعقاد این تفاهم نامه بومی کردن برنامه ها و استفاده از ظرفیت درون دستگاهی جهت گسترش و تحقق بهتر برنامه های ستاد اقامه نماز است.

حجت الاسلام و المسلمین حسین کمیلی از اجرای طرح های توسعه و ترویج فرهنگ نماز بین جامعه هلال احمر خبر داد و گفت: این تفاهم نامه در راستای بومی کردن برنامه ها در سه محور و ۲۲ بند به امضا رسید. وی با اشاره به پیام رهبر فرزانه انقلاب در اجلاس های نماز بیان کرد: با توجه به پیام رهبری، مدیران باید به امر نماز توجه ویژه ای داشته باشند. بهره گیری از ظرفیت دستگاه ها در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری، اقامه نماز جماعت باشکوه در دستگاه ها، تشکیل مستمر و منظم جلسات شورای اقامه نماز و شناسایی و بهره گیری از ظرفیت دستگاه ها در راستای مشارکت در امر مسجد سازی در مناطق محروم از جمله بندهای این تفاهم نامه است. برگزاری نشست تخصصی نماز ویژه مدیران میانی و پایه دستگاه، برگزاری دوره آموزش آداب، اسرار و احکام نماز ویژه کارکنان، برگزاری دوره آموزشی با موضوع معارف نماز و مهدویت ویژه کارکنان و تولید آثار هنری با موضوع نماز و مهدویت از دیگر بندهای این تفاهم نامه است. در پایان جلسه حجت الاسلام کمیلی، رئیس ستاد اقامه نماز خراسان جنوبی عضو داوطلب جمعیت شد. □

تفاهم نامه همکاری میان ستاد اقامه نماز خراسان جنوبی و جمعیت هلال احمر استان منعقد شد. طی جلسه ای با حضور مسئولان دو نهاد، تفاهم نامه همکاری حول سه محور در ۲۲ بند میان ستاد اقامه نماز خراسان جنوبی و هلال احمر این استان به امضا رسید. مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان جنوبی در این جلسه با اشاره به اهداف و رسالت های هلال احمر بیان کرد: همگانی کردن آموزش های هلال احمر یکی از چشم اندازهای جمعیت است. محمد رضا رضایی با بیان اینکه ستاد اقامه نماز ظرفیت مناسبی برای ارائه آموزش های امدادی است، گفت: امید است بتوانیم با امضای این تفاهم نامه علاوه بر افزایش سطح دانسته های امدادی مردم، در زمینه ترویج و توسعه فرهنگ اقامه نماز گام های موثری برداریم.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خراسان جنوبی هم در این جلسه بیان کرد: در راستای استفاده از ظرفیت های موجود، هر ساله تفاهم نامه هایی بین جمعیت هلال احمر و ستاد اقامه نماز امضا می شود. حجت الاسلام و المسلمین علی محمد درویشی ادامه داد: با توجه به بومی سازی برنامه های مصوب سال جاری، این تفاهم نامه در زمینه ترویج و توسعه فرهنگ اقامه نماز منعقد شده است. وی با بیان اینکه شاخص های ارزیابی هلال احمر در امر ترویج فرهنگ نماز در این تفاهم نامه قید شده است، گفت: کلیه واحدهای جمعیت هلال احمر استان در پایان سال بر اساس عملکرد و اقداماتشان و شاخص های مذکور در این تفاهم نامه ارزیابی می شوند.

هلال احمر خراسان جنوبی در ارزیابی های سال ۹۷ حائز رتبه اول و طی سال گذشته هم حائز رتبه های برتر در کشور شده است. حجت الاسلام و المسلمین درویشی بیان کرد: این

مسئول دفتر ولی فقیه در هلال احمر خراسان رضوی:

ترویج سبک زندگی شهدا مهمترین راهکار رفع مسائل امروز جامعه است

که همراهی با نیروهای مردمی و متعهد بسیج باعث هم افزایی و ارتقای سطح فعالیت ها می شود.

نماینده ولی فقیه در سپاه امام رضا (ع) نیز در این دیدار تأکید کرد: با وجود کاهش بودجه ها هیچ کدام از فعالیت های سپاه و بسیج تعطیل نشده بلکه با ایمان و اراده ای والا حداکثر توفیق حاصل می شود.

حجت الاسلام و المسلمین برهان باقری افزود: جمعیت هلال احمر دارای اهداف ارزشمند بوده که فعالیت های عام المنفعه آن در کنار نیروهای مخلص بسیج و پاسداران انقلاب اسلامی می تواند باعث افزایش سطح رضایتمندی مردم باشد. □

حجت الاسلام و المسلمین اسدالله اسدی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

استان خراسان رضوی در دیدار با حجت الاسلام و المسلمین برهان باقری نماینده ولی فقیه در سپاه امام رضا (ع) ضمن تبریک فرارسیدن هفته دفاع مقدس و گرامیداشت یاد شهدا بر ضرورت تداوم راه شهدا و ترویج سبک زندگی آنان به عنوان مهمترین راهکار رفع چالش ها و مسائل امروز جامعه تأکید کرد و ضمن تبیین این نقاط مشترک فعالیت های امروز بسیج و جمعیت هلال احمر در خدمت به مردم خواستار تقویت و حمایت بیش از پیش از بسیجیان هلال احمر شد و گفت: هلال احمر دارای ظرفیت های عظیم انسانی و جوانان و امدادگران و اعضای داوطلبی است که بدون کمترین چشمداشت مادی در خدمت به مردم به خصوص در بحران ها و حوادث هستند



آغاز آموزش همگانی کمک‌های اولیه در کانون طلاب خراسان رضوی

حجت الاسلام والمسلمین اسدالله اسدی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خراسان رضوی از اجرایی شدن آموزش‌های همگانی در کانون طلاب خبر داد.

وی گفت: پیرو نامه معاون تبلیغات حوزه علمیه خراسان مبنی بر برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه کانون‌های جهادی طلاب، جلسه‌ای با حضور نماینده حوزه علمیه خراسان و معاونت آموزشی و پژوهشی جمعیت هلال احمر استان و با محوریت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان در محل این دفتر برگزار شد. این جلسه آغاز عملیاتی شدن تفاهم‌نامه میان جمعیت هلال احمر و حوزه علمیه است.

حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین قنبری مدیر خدمات تبلیغ حوزه علمیه خراسان در این دیدار اظهار کرد: حوزه علمیه خراسان و جمعیت هلال احمر کشور توافق‌نامه همکاری ویژه‌ای دارند که نشست امروز در راستای آن رسالت مدنظر در تفاهم‌نامه است.

وی افزود: حوزه‌های علمیه طبق منویات و فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی نسبت به جامعه دارای مسئولیت اجتماعی هستند و طلاب حوزه‌های علمیه می‌بایست خدمات اجتماعی عمومی داشته باشند که مستلزم آگاهی و آمادگی در زمینه‌های مختلف است.

حجت الاسلام والمسلمین قنبری خاطر نشان کرد: موضوع آموزش‌های عمومی و امدادی در مخاطرات و حادثه‌های احتمالی برای طلاب جوان در قالب کانون‌های طلاب جهادی حوزه علمیه پیگیری می‌شود. وی افزود: شیوه برگزاری آموزش‌های کوتاه مدت هشت و ۱۲ ساعته و آموزش ۲۲ ساعت و سایر دوره‌های آموزشی امروز در جلسه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. مدیر خدمات تبلیغی حوزه علمیه خراسان گفت: طبق برنامه‌ریزی از آبان ماه درصدد آغاز آموزش‌ها برای خواهران و هم‌برادران هستیم.

همچنین یوسفی معاون آموزش و پژوهش هلال احمر استان خراسان رضوی با اشاره به ماده ۱۴ بند ب قانون مدیریت بحران کشور که اولین وظیفه هلال احمر را آموزش کمک‌های اولیه و آموزش‌های همگانی معرفی کرده گفت: با توجه به هفته کمک‌های اولیه و از طرفی شعار فدراسیون با عنوان تطبیق فراگیری کمک‌های اولیه با شرایط دنیاگیری کرونا مقرر شد در خانه‌های طلاب که از اول آبان ماه در مدارس برگزار شد و براساس تفاهم‌نامه‌ای که جوانان با طلاب دارد به مناسبت تأسیس سازمان جوانان این کار اتفاق می‌افتد. این‌ها آموزش‌های همگانی رادر آمادگی در برابر مخاطرات آموزش و مهارت‌های پایه داوطلبی فرامی‌گیرند و براساس توانایی‌ها و علاقمندی‌ها برای تیم‌های امدادی تقسیم می‌شوند و آموزش‌های تخصصی را فرامی‌گیرد. □



برگزاری همایش بزرگداشت هفته دفاع مقدس در لرستان

همایش بزرگداشت هفته دفاع مقدس یادواره شهید حاج قاسم سلیمانی به همت دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان لرستان، با همکاری کانون طلاب حوزه علمیه معصومیه شهر خرم‌آباد برگزار شد. این مراسم با حضور حجت الاسلام والمسلمین دکتر شاهرخی نماینده محترم ولی فقیه در استان و امام جمعه شهر خرم‌آباد، حجت الاسلام حسینی رئیس مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران استان، حجت الاسلام والمسلمین متقی نیا امام جمعه موقت شهر خرم‌آباد، طلاب خواهر حوزه علمیه معصومیه و تعدادی از خانواده شهداء و ایثارگران در محل حوزه علمیه معصومیه شهر خرم‌آباد برگزار شد.

در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین دکتر شاهرخی نماینده محترم ولی فقیه در استان و امام جمعه شهر خرم‌آباد به دستاوردها و پیروزی‌های دفاع مقدس و بعد از آن اشاره نمود و گفت: ما باید از زمینه‌های معنوی ۸ سال دفاع مقدس به عنوان یک معبری برای رسیدن به اهداف والای گام دوم انقلاب استفاده نمائیم.

وی از تمامی کسانی که برای برگزاری این همایش با توجه به شیوع بیماری کرونا و با رعایت تمامی پروتکل‌های بهداشتی تلاش نموده‌اند تقدیر و تشکر به عمل آورد.

در ادامه برنامه، حجت الاسلام والمسلمین پیروزفر مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان ضمن گرامیداشت هفته دفاع مقدس به بررسی ابعاد و زوایای شخصیتی رزمندگان و شهداء ۸ سال جنگ تحمیلی پرداخت و گفت: امروز اگر ما می‌خواهیم در مقابل تهدیدات فرهنگی، نظامی و اقتصادی دشمن همانند جنگ تحمیلی پیروز و سرافراز شویم راهی جز احیاء و تقویت فرهنگ ایثار و استقامت و تقویت روحیه شهادت طلبی در کشور نداریم.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر لرستان به نقش و جایگاه ولایت فقیه به عنوان یک شاخص و معیاری که تمامی شهداء و رزمندگان در وصیت‌نامه‌ها و کلامشان به آن اشاره کرده‌اند به عنوان رکن اساسی و مهم نظام جمهوری اسلامی پرداخت و افزود: شهدا اگر به فیض عظیم شهادت نائل آمدند و به مقام قرب الهی رسیدند علت اصلی آن اطاعت پذیری و تبعیت محض از این جایگاه مقدس و الهی به همراه ایمان و اخلاص بآنان بوده است.

همایش بزرگداشت هفته دفاع مقدس، یاد و خاطره شهید سرافراز اسلام حاج قاسم سلیمانی با خاطره‌گویی رضا بیرانوند از جانبازان ۸ سال جنگ تحمیلی، مداحی و تقدیر از ۱۴ نفر از خانواده‌های معظم شهداء و ایثارگران پایان یافت. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت استان کهگیلویه و بویراحمد:

طلاب حوزه علمیه خط مقدم مقابله با بحران‌ها خواهند بود

حجت الاسلام و المسلمین جعفری مسئول مرکز خدمات حوزه‌های علمیه استان با قدردانی از تلاش‌ها و اقدامات هلال احمر به‌ویژه دفتر نمایندگی ولی فقیه عنوان کرد: دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان در سال‌های اخیر با تأمین بخشی از اقلام جهیزیه ۴ نفر از طلاب خواهر و مفروش نمودن نمازخانه حوزه علمیه حضرت علی بن موسی الرضا شهر یاسوج و به جهت تهیه نیازمندی‌های حوزه‌های سراسر استان و اخیراً نیز در تأمین بسته‌های بهداشتی ویژه اساتید و طلاب برای مقابله با ویروس کرونا بیشترین همکاری و مساعدت را نسبت به همه ارگان‌ها داشته است و به همین خاطر از حجت الاسلام و المسلمین غفاریان مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کمال سپاسگزاری و تشکر را داریم.

مسئول مرکز خدمات حوزه‌های علمیه استان بیان داشت: در استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۱ حوزه علمیه دایر است که از این تعداد ۶ حوزه ویژه خواهران و ۵ حوزه مختص برادران است که در فعالیت‌های مربوطه به مقابله با شیوع ویروس کرونا نیز بخشی از ایشان فعال بوده و در راستای کارهای فرهنگی، جمع‌آوری کمک‌های مؤمنانه و اقامه نماز اموات نیز اقداماتی داشته‌اند.

حجت الاسلام و المسلمین غفاریان مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت استان نیز ضمن یادآوری اهمیت کار حوزه علمیه و لزوم فعالیت‌های علمی و فرهنگی طلاب به‌ویژه در اقدامات اجرایی و عملیاتی در مواقع بحرانی مانند همین اپیدمی کرونا بیان داشت: در جمعیت هلال احمر استان تلاش شد تا با نظارت ائمه جمعه و روسای هلال احمر شهرستان‌ها بخشی از اقلام مورد نیاز بهداشتی برای مقابله با کرونا در بین اساتید و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر استان توزیع گردد.

حجت الاسلام و المسلمین غفاریان در ادامه افزود: اساتید و طلاب حوزه‌های علمیه در بسیاری از فعالیت‌های بشردوستانه مشارکت داشتند که با پیگیری‌های انجام شده معاونت امور جوانان هلال احمر و دفتر نمایندگی ولی فقیه در همه حوزه‌های مذکور کانون هلال احمر راه اندازی خواهد شد تا طلاب و اساتید در سطح کیفی و کمی بیشتری در انجام فعالیت‌های داوطلبانه و بشردوستانه سهیم باشند و با فراگیری آموزش‌های تخصصی امداد و نجات نیز آشنا شده تا در مواقع بحرانی و به جهت مقابله با شرایط سخت آمادگی لازم را داشته باشند. □

جمعیت هلال احمر خراسان رضوی نهاد برتر استان خراسان رضوی در اقامه نماز شد

بازدهمین نشست علمی کاربردی ائمه جماعات جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی برگزار شد. در این مراسم از دکتر احمدی مدیرعامل به نمایندگی از جمعیت هلال احمر خراسان رضوی، به‌عنوان نهاد برتر استان خراسان رضوی در اقامه نماز قدردانی شد.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی در این نشست گفت: اهداف بشردوستانه، تلاش برای تسکین آلام بشری و صلح دوستی میان ملت‌ها اهداف جمعیت هلال احمر هستند که با تعالیم اسلامی و اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران مطابقت دارد و ائمه جماعات می‌توانند آن‌ها را به‌عنوان یک اصل در شعب سراسر استان خراسان رضوی ترویج دهند.

دکتر احمدی بیان کرد: در دوران هشت سال دفاع مقدس، جمعیت هلال احمر نقش پررنگ و حائز اهمیتی داشت. ائمه جماعات با توجه به رسالت خود در ترویج رفتار و منش شهدای امدادگر در تلاش باشند.

همچنین رییس ستاد اقامه نماز استان خراسان رضوی در این نشست گفت: جوانان ایرانی با دانش و مهارت‌های ویژه‌ای که دارند در ترویج فرهنگ نماز باید تلاش کنند. حجت الاسلام و المسلمین امرالله سبحانی نیا خاطر نشان کرد: ستاد اقامه نماز با جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی تفاهم‌نامه‌ای مبنی بر ایجاد پایگاه معنوی سلامت منقذ کند که در مکان و روزهای مشخص ائمه جماعات پاسخگوی سؤالات دینی، شرعی و نماز در هلال احمر باشند. تبیین رفتارهای اجتماعی و اصول اخلاقی ائمه (ع) در بین کارکنان، داوطلبان، امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر، رسالت امام جماعت است. وی با اشاره به ساخت بسته‌های آموزشی گفت: برای ترویج فرهنگ نماز در صدد هستیم بسته‌های آموزشی ۱۰۰ تاییه‌ای را تولید و هر شب در فضای مجازی برای استفاده اعضای جمعیت هلال احمر منتشر کنیم.

در ادامه حجت الاسلام و المسلمین اسدالله اسدی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خراسان رضوی گفت: ائمه جماعات در هلال احمر نقش مهمی در ترویج اخلاق حسنه و اصول اجتماعی رفتار اسلامی دارند. تحمل، صبر، تاب‌آوری و تقویت ارتباط ائمه جماعات با هلال احمر امری ضروری محسوب می‌شود. همچنین دارالقرآن باید در هلال احمر فعال و پس از اقامه نماز جماعت تفسیرهایی از کلام الله مجید در بین شرکت‌کنندگان در نماز قرائت گردد. □

هدف اصلی آن خدمتگذاری به هموطنان و نیازمندان است، هدایت کرد.

در ادامه جلسه، شاهین فتحی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان تهران، بیان کرد: طرح نذرآب ۳ که در دهستان سفید کوه شهرستان خاش از توابع استان سیستان و بلوچستان اجرا شد، گوشه‌ای از عبادات خیرین، کارکنان و داوطلبان و نیز جوانان و امدادگران هلال احمر استان تهران بود که سهمی از سفره انقلاب را در برگرفت و جمعیت هلال احمر به عنوان یکی از پیشگازان کلیدی کمک رسانی به مردم کم برخوردار آن مناطق بود که در روزهای اخیر اجرا شد.

وی ادامه داد: در ابتدای سال گذشته، برنامه دو ساله‌ای را پیش بینی کردیم که در گام نخست، بهبود ساختار و زیر ساخت‌های هلال احمر استان تهران بود که بخشی از آن اجرا و حدود دو ماه دیگر ساختار جدید جمعیت هلال احمر استان تهران را به نحو مناسبی ارتقاء خواهیم داد. فتحی تصریح کرد: در بحث املاک و موقوفات در حال ساماندهی هستیم و به دنبال یک منابع پایداری خواهیم بود که شرایط هلال احمر استان تهران را از لحاظ منابع مالی غنی خواهد کرد.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان تهران اضافه کرد: حضور رئیس و مدیران ارشد جمعیت هلال احمر کشور در مراسم‌های مختلف در هلال احمر استان تهران نوید آن را خواهد داد که پیشرفت خوبی داشتیم و طی مکاتباتی که با مسئولان استانی به خصوص سازمان برنامه و بودجه استان تهران انجام دادیم، برای اولین بار هلال احمر استان تهران به عضویت این سازمان در شورای برنامه ریزی درآمد.

فتحی افزود: در حوزه داوطلبان هم اعضای داوطلب را افزایش و در برنامه نذرآب ۳، حدود ۳۰ میلیارد ریال برای مردم کم برخوردار توسط خیرین آماده شد که در طول اجرای طرح با خرید لوازم اولیه زندگی، تانکرهای آب، بسته‌های معیشتی و همچنین اعزام پزشکان، پرستاران و مشاوران خانواده، توانستیم نشاط و امیدی را به مردم کم برخوردار روستاهای شهرستان خاش برسانیم. مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان تهران عنوان کرد: در غربالگری عزاداران حسینی حضور جوانان و امدادگران قابل توجه بود و با اینکه در تهران بیشتر زندگی‌ها به سمت شهری رفته است، اما بالغ بر ۱۰۰ خانه هلال را در روستاها احداث و به عنوان خط مقدم خدمات دهی، در خدمت مردم هستیم و تلاش می‌کنیم با همت فراوان، فعالیتی همراه با پاکدستی را در دستور کار جمعیت هلال احمر استان تهران قرار دهیم.

در ادامه این جلسه، محمدیون به نمایندگی از هیأت مدیره جدید هلال احمر استان تهران، توضیحاتی در خصوص فعالیت هیأت مدیره را ارائه کرد. سپس خزانه‌دار جمعیت هلال احمر استان تهران گزارشی از فعالیت مالی سال ۹۸ هلال احمر استان تهران را تشریح و در پایان، یکی از بازرسان هیأت مدیره هلال احمر استان تهران نیز توضیحاتی در خصوص موارد مالی ارائه داد. □



در مجمع عمومی جمعیت هلال احمر استان تهران عنوان شد

هدف اصلی هلال احمر خدمت به هموطنان و نیازمندان است

مجمع عمومی جمعیت هلال احمر استان تهران با حضور مدیرعامل به عنوان رئیس مجمع، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و جمعی از شورای معاونان، روسای شعب جمعیت هلال احمر استان تهران و دیگر اعضای منتخب، مجمع عمومی جمعیت هلال احمر استان تهران برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی سلطانی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان تهران ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدا و هفته دفاع مقدس، اظهار کرد: یکی از نشانه‌هایی که در ایام دفاع مقدس برجسته بود و به چشم می‌خورد، همدلی و همراهی فرماندهان و نیروها بود.

وی افزود: جنگ تحمیلی، اولین جنگ تاریخ ایران بود که یک قطعه از کشور جدا نشد و دومین جنگ طولانی بود که ایران نه تنها با رژیم بعثی بلکه با بیش از ۵۰ کشور دنیا که به خاک ایران چشم داشتند، در جنگ بود و رزمندگان نیز در پناه قرآن و اهل بیت (ع) از میهن دفاع کردند.

حجت الاسلام والمسلمین سلطانی بیان کرد: باید قدر جمع‌های این چنینی را بدانیم و همانند پیامبر اسلام (ص) همیشه مشورت کنیم تا امور را به بهترین نحو پیش ببریم. وی ادامه داد: مجمع عمومی هلال احمر یک مجمع پربرکتی است تا بتوان از تمامی داشته‌ها و ظرفیت‌ها استفاده کرد و مجموعه جمعیت هلال احمر استان تهران را به اهداف عالی که



برادر ارجمند، حجت الاسلام بهزاد پیروزفر

نظر به مسئولیت های خطیر و نقش مؤثر و حساس حوزه نمایندگی ولی فقیه در تحقق بخشیدن به اهداف مقدس جمعیت و ضرورت انجام وظایف و مأموریت های محوله در اجرای منویات حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی)، با توجه به تجارب مؤثر و مفید جنابعالی، به موجب این حکم به سمت مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی منصوب می شوید. اهم وظایف آن نمایندگی، گسترش معارف و فرهنگ اسلامی و تحکیم پایه های اعتقادی، معنوی و اخلاقی مدیران، کارکنان، جوانان، امدادگران و داوطلبان جمعیت، تقویت ارزش های اسلامی و انقلابی و نظارت بر امور و تلاش در جهت رعایت موازین شرعی در سطح جمعیت استان است. امید است با استعانت از خداوند متعال و تحت عنایات حضرت بقیه الله الاعظم (عج) و تلاش و کوشش مضاعف با هماهنگی کامل حوزه نمایندگی ولی فقیه در مرکز و همکاری متقابل با مسئولین جمعیت استان در انجام وظایف و مسئولیت های محوله موفق و مؤید باشید.

عبدالحسین معزی
نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

تهران - خیابان ولی عصر - پلاک ۳۳ - پانزدهم تیر - دفتر مرکزی - شماره ۳۳۶۲ - ساختمان مطبوع مسئولین - ۱۵۸۷۵ - ۴۴۶ - کد پستی: ۱۵۷۸۱۳۳۵۱
تهران - خیابان ولی عصر - پلاک ۳۳ - پانزدهم تیر - دفتر مرکزی - شماره ۳۳۶۲ - ساختمان مطبوع مسئولین - ۱۵۸۷۵ - ۴۴۶ - کد پستی: ۱۵۷۸۱۳۳۵۱



در آیین معارفه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر آذربایجان غربی تأکید شد

با همدلی و همراهی مشکلات و موانع را برطرف می کنیم

مجموعه ای است که سنگ صبور مردم بوده و هست و خدمت در این مجموعه افتخاری بزرگ برای بنده بود.

حجت الاسلام پیروزفر نیز گفت: در زمان حوادث، هلال احمر بسیار خوب درخشید و در کنار مردم بود و با تلاش صادقانه کارنامه ای درخشان از خود به جای گذاشت. وی افزود: آذربایجان غربی، استان مهم با ظرفیت های ارزشمند است و باید با همدلی و همراهی مشکلات و موانع را مرتفع و در جهت ارتقاء فعالیت ها گام برداریم.

در این آیین از زحمات حجت الاسلام عبدالرحیم ملک محمد نیساری مسئول سابق دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان آذربایجان غربی تقدیر شد و حجت الاسلام بهزاد پیروزفر به عنوان مسئول جدید دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان معرفی گردید.

در این مراسم حجت الاسلام و المسلمین طه موسوی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در موسسه آموزشی علمی - کاربردی هلال، حجت الاسلام و المسلمین فقیه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان داوطلبان، حجت الاسلام و المسلمین واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی و حجت الاسلام و المسلمین دهقان مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان کردستان حضور داشتند. □

« آیین تکریم و معارفه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی با حضور برخی از مسئولان حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی برگزار شد.

در این آیین حجت الاسلام و المسلمین فقیه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر گفت: هلال احمر نهادی مقدس است، که نمونه ای از کارهای خیر و بشردوستانه آن در منطقه هرمزگان با عنوان طرح نذر آب در حال اجرا است و بی تردید انجام کارهای خیر و خدمت به هموطنان، بالاترین عبادات است.

در این آیین امیر جعفرزاده، سرپرست جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی نیز با اشاره به میراث گران بهای شهدای انقلاب و هشت سال دفاع مقدس تأکید کرد: شهدای ما که کثرت آن ها وحدت آفرین بود، حافظ منافع ملی ما بودند و هستند.

وی به تغییر و تحولات اخیر در جمعیت هلال احمر اشاره و افزود: در حال حاضر فضای در جمعیت هلال احمر وجود دارد که بر پایه همدلی و تعامل به دنبال ارائه راهکارها و راهبردهای مناسب در راستای پیشبرد اهداف کلان کشور است.

حجت الاسلام نیساری مسئول پیشین دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی نیز در این مراسم گفت: ارتقاء جایگاه نمایندگی ولی فقیه در این مدت از اهمیت برخوردار بوده و تلاش برای حفظ اعتماد و جذب مردم برای فعالیت های بشردوستانه از جمله اقداماتی بود که در اولویت قرار گرفته است.

وی افزود: این امانت در طول این مدت بردوش بنده بوده و امروز این امانت را در اختیار برادر ارجمند حجت الاسلام پیروزفر می گذارم. حجت الاسلام نیساری تأکید کرد: مجموعه هلال احمر



برندگان شماره ۲۳



زهرانیکپور. فارس، فسا	۰۹۳۶۰۴۰۱**۰
بدیربلالی. آذربایجان شرقی	۰۹۱۴۲۲۷۵**۲
طاهره یزدی. قزوین	۰۹۱۲۷۸۱۳**۸
رضارایج. گلستان	۰۹۳۵۳۳۹۱**۹
نرجس خاتون آقائی. گیلان	۰۹۱۱۸۱۷۸**۴
علیرضا امیری. فارس، ارسنجان	۰۹۱۷۹۲۷۹**۸
نرگس حیدری. چهارمحال و بختیاری	۰۹۱۳۹۸۳۲**۵
کامبیز محمدی. استان کرمان	۰۹۱۳۹۴۱۰**۰
حکیمه محمدی. چهارمحال و بختیاری	۰۹۱۳۸۷۹۴**۰
سمیه چوپانی. خراسان جنوبی، خوسف	۰۹۱۵۹۶۵۱**۸
زهره دهقان قلعهچ. خراسان رضوی، درگز	۰۹۳۵۵۲۵۴**۸
رقیه میرزائی. آذربایجان غربی، خوی	۰۹۱۴۹۶۰۰**۳
علیرضا رضازاده. فارس، ارسنجان	۰۹۱۷۳۳۰۶**۲
صدیقه خانی زاده. خراسان جنوبی، فردوس	۰۹۱۵۶۴۷۵**۹
مهدی ژبانی. فارس، داراب	۰۹۱۷۰۰۱۱**۵
مهدی رنجبر. فارس، خرم بید	۰۹۱۷۳۵۱۲**۴
مارال مشک آبادی پیر. آذربایجان غربی، ارومیه	۰۹۱۴۴۴۵۱**۸
مسلم شوکتیان. ایلام	۰۹۱۸۳۴۵۰**۵
حامدسیف الهی. خراسان جنوبی، سرایان	۰۹۱۵۶۶۷۵**۷
مرضیه امیری، کرمان	۰۹۳۶۹۵۱۶**۳
مصطفی دیوان بیکی. خراسان جنوبی، فردوس	۰۹۱۵۷۹۳۴**۲
اشرف ذوالقدر. قزوین	۰۹۱۹۲۸۱۰**۱
سعید عبدی. خراسان جنوبی، خوسف	۰۹۱۵۷۰۵۴**۱
عارف شعار. کرمان	۰۹۱۳۲۹۵۸**۱
مهدی حق پرست. فارس، فراشبند	۰۹۱۰۷۰۰۴**۳
فریده حمیدی پور. مرکزی	۰۹۱۸۹۶۵۲**۹
فاطمه مهدوی. مرکزی، کمبجان	۰۹۹۰۰۵۵۷**۲
سمیه بهلولی. خراسان جنوبی، بیرجند	۰۹۳۳۹۷۴۲**۲
راحله فراهانی. مرکزی	۰۹۳۷۸۳۰۳**۰
ملیحه ترکمن. قزوین	۰۹۱۹۵۹۹۳**۳
فاطمه ذبیحی. خراسان رضوی	۰۹۱۵۳۱۲۸**۶
محمد شدادی پور. فارس، کازرون	۰۹۱۷۶۰۸۵**۰
مجید رنجبریان. آذربایجان شرقی، تبریز	۰۹۱۴۳۰۰۲**۲
قاسم قربان خانی. اراک	۰۹۱۸۱۶۱۷**۱
مصطفی مرادی زانیانی. چهارمحال و بختیاری	۰۹۱۳۱۸۱۴**۵

اصلاحیه

در مسابقه شماره ۲۳؛ سوال پنجم:
کارگردان فیلم سینمایی «حمال طلا» آقای تورج اصلانی هستند که پاسخ صحیح در بین گزینه ها نبود. لذا شماره مربوط به گزینه این سوال برای همه شرکت کنندگان به عدد صفر تغییر یافت.

بدینوسیله از مخاطبان «مهر و ماه» پوزش می خواهیم و یادآور می شویم بهترین راه برای پاسخ به سوالاتی که فکر می کنید اشتباه طراحی شده اند، ارسال عدد صفر به جای گزینه آن سؤال است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر آذربایجان شرقی:

از مکتب انسان ساز امام حسین (ع) توشه آزادگی و انصاف برداریم



حجت الاسلام واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر آذربایجان شرقی گفت:

اهانت به قرآن کریم و توهین به ساحت مقدس رسول اکرم (ص) و توجیه آن به بهانه آزادی بیان، توهین به آزادی بیان و جنایت علیه انسانیت و بشریت است.

حجت الاسلام والمسلمین عبدالحمید واعظی در مراسم روحبخش زیارت عاشورا در جمع کارکنان جمعیت هلال احمر با محکومیت توهین نشریه فرانسوی گفت: اهانت به قرآن کریم و توهین به ساحت مقدس رسول اکرم (ص) توسط نشریه فرانسوی و توجیه آن توسط دولت فرانسه به بهانه آزادی بیان، توهین به آزادی بیان و جنایت علیه انسانیت و بشریت است. وی ادامه داد: این ها که دم از آزادی بیان می زنند در قلب اروپا در بوسنی خودشان جنایت به راه انداختند.

وی در ادامه به مکتب انسان ساز حضرت سیدالشهدا (ع) پرداخت و گفت: مکتب امام حسین (ع) مکتب انسان ساز است و ما باید از این مکتب انسان ساز توشه های اخلاق، آداب و حریت و آزادی و انصاف برای خود برداریم. امام حسین (ع) تنها متعلق به دهه اول ماه محرم و تاسوعا و عاشورا نیست بلکه پیام آن امام در لحظه لحظه زندگانی بشریت جاری و ساری است. □



زمان ارسال پیام تا ۲۵ آبان

مسابقه پیامکی مروبا

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهرماه می توانند با مطالعه سؤالات زیر، پاسخ آن را در بخش های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۰۴۸۶۶۴۴۰۰ ارسال کنند.

پاسخ شما باید یک عدد ۸ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سؤالات است. به طور مثال: در سوال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سوال ۲ گزینه شماره ۴ و در سوال ۳ گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰
ضمناً همراه عددهای ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت تان را قید کنید.

به برگزیدگان جوایزی اهدا می شود.



در بیان رهبر معظم انقلاب بهترین راه ارتباط با خدا چیست؟

- ۱. انفاق
- ۲. روزه
- ۳. دعا
- ۴. نماز

۵۱

رمان «تن تن و سند باد» درباره چیست؟

- ۱. جهانگردی
- ۲. تهاجم فرهنگی
- ۳. تقابل نسل ها
- ۴. تاریخ ایران

۵۲

شهید مرحمت بالا زاده در کدام عملیات دفاع مقدس به شهادت رسید؟

- ۱. فتح المبین
- ۲. بدر
- ۳. بیت المقدس
- ۴. کربلا

۵۳

اولین کتاب درباره جوانمردی و فتوت نوشته کیست؟

- ۱. نجم الدین زرکوب تبریزی
- ۲. عاص بن دائل
- ۳. سلمی
- ۴. عبدالله جدعان

۵۴

کدام یک از ائمه اطهار را رئیس مذهب می نامند؟

- ۱. امام صادق (ع)
- ۲. حضرت علی (ع)
- ۳. امام زمان (عج)
- ۴. امام حسین (ع)

۵۵

نویسنده رمان ایرانشهر کیست؟

- ۱. مصطفی مستور
- ۲. سید مهدی شجاعی
- ۳. علی اصغر عزتی پاک
- ۴. محمد حسن شهسواری

۵۶

کتاب «اخلاق و پندهایی برای سیر و سلوک» گردآوری گفتار کیست؟

- ۱. آیت الله حق شناس
- ۲. آیت الله آقا مجتبی تهرانی
- ۳. آیت الله خوشوقت
- ۴. آیت الله بهجت

۵۷

نویسنده رمان «طاعون» کیست؟

- ۱. آلبر کامو
- ۲. ژوزه ساراماگو
- ۳. اسکات فیتز جرالده
- ۴. جرج اورول

۵۸



دومین جشنواره ملی

سفیران بشر دوستی

آسیب‌ستیزی و مسابقه فن سخنوری
دانشجویان بشر دوست هلال احمر

قزوین، آبان ۹۹

www.javananelal.ir

